



جمهوری اسلامی ایران  
وزارت امور اقتصادی و دارایی  
اداره کل امور اقتصادی و دارایی خراسان جنوبی

جلد دوم

# اقتصاد مردم پایه

(وفاق ملی - جهش اقتصادی)



تابستان ۱۴۰۳





جمهوری اسلامی ایران  
وزارت امور اقتصادی و دارایی  
اداره کل امور اقتصادی و دارایی خراسان جنوبی

---

اقتصاد مردم پایه (وفاق ملی - همش اقتصادی) (جلد دوم)

---

تابستان ۱۴۰۳



سرشناسه	ذاکریان، مرتضی، ۱۳۶۱-
عنوان و نام پدیدآور	اقتصاد مردم پایه: (وفاق ملی - جهش اقتصادی) جلد دوم/ تهیه و تدوین مرتضی ذاکریان، یعقوب فاطمی زردان؛ [برای] وزارت امور اقتصادی و دارایی اداره کل امور اقتصادی و دارایی خراسان جنوبی.
مشخصات نشر	تهران: فکر بکر، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری	۲۱۰ ص.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۸۹۲۳-۷۹-۴
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
عنوان دیگر	(وفاق ملی و جهش اقتصادی) جلد دوم.
موضوع	ایران -- سیاست اقتصادی -- قرن ۱۵ -- مشارکت شهروندان Iran -- Economic policy -- Citizen participation -- ۲۱st century
موضوع	رشد اقتصادی -- ایران -- آینده نگری Economic development -- Forecasting -- Iran
موضوع	توسعه پایدار -- مشارکت شهروندان Sustainable development -- Citizen participation
موضوع	ایران -- سیاست اقتصادی -- قرن ۱۵ Iran -- Economic policy -- ۲۱st century
رده بندی کنگره	-
رده بندی دیویی	-
شماره کتابشناسی ملی	-
اطلاعات رکورد کتابشناسی	فیبا



## اقتصاد مردم پایه (وفاق ملی - جهش اقتصادی) (جلد دوم)

مدیر و ناظر پروژه: مرتضی ذاکریان نماینده وزیر و مدیرکل امور اقتصادی و دارایی استان

تهیه و تدوین: مرتضی ذاکریان، یعقوب فاطمی زردان

طراحی جلد: صادق نوری مقدم

ناشر: انتشارات فکر بکر

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

نوبت و سال چاپ: اول- ۱۴۰۳

چاپ و لیتوگرافی: چاپ و نشر امروز خراسان جنوبی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۹۲۳-۷۹-۴

کلیه حقوق این اثر متعلق به اداره کل امور اقتصادی و دارایی استان خراسان جنوبی می باشد.  
حق چاپ محفوظ است.

✉ Morteza.Zakerean@gmail.com

☎ تلفن: ۰۵۶-۳۲۴۰۰۱۶۱

📷 @Dr.morteza\_zakeriyan

📍 بیرجند، بلوار صنعت و معدن، سایت اداری

🌐 <https://kj.mefa.ir>

مشارکت مردمی در اداره امور کشور، عالی ترین جلوه حق حاکمیت مردم در تعیین سرنوشت زندگی سیاسی و اجتماعی خود است که هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیر مستقیم در پرتو دموکراسی و واگذاری حق مزبور به نمایندگان منتخب خود در قالب قانون تعریف شده است. بدون شک دستیابی به توسعه نیز مستلزم همین مشارکت مردمی در ابعاد مختلف است و بدون مشارکت نمی توان به توسعه مردم محور، فراگیر و پایدار دست پیدا کرد. مردم باید به طور دائمی و در جریان برنامه ریزی، تأمین مالی، اجرا و ارزیابی و نظارت طرح های توسعه مشارکت داشته باشند. به عبارتی نظام اجتماعی و حیات سیاسی جامعه بشری به تعاون و مشارکت اعضای آن بستگی دارد و مفهوم توسعه نیز بر پایه همین همگرایی و همدلی بنا نهاده شده است؛ بطوریکه بدون توجه به این مهم، توسعه دست یافتنی نخواهد بود و برنامه های توسعه ای نیز با شکست مواجه خواهد شد. در همین راستا، رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) بارها به مشارکت مردمی در حوزه های مختلف تاکید داشته اند و از نظر ایشان تحول کشور بدون مشارکت مردمی به سختی اتفاق خواهد افتاد. از نظر ایشان انگیزه ی و وحدت ملی، قدرت ملی به وجود می آورد؛ قدرت ملی موجب امنیت کشور می شود؛ وقتی کشور امنیت پیدا کند، آن وقت علم در آن کشور پیشرفت می کند، اقتصاد در آن کشور به شکوفایی می رسد و مشکلات گوناگون فرهنگی و اقتصادی و سیاسی در کشور قابل حل می شود؛ و این معجزه مشارکت است.

بنابراین اهمیت و شناخت دقیق موضوع و عدم وجود پژوهش های کافی در این حوزه، ما را بر آن داشت تا به مطالعه دقیق و بررسی اقتصاد مردم پایه برداریم و مشکلات و چالش های مربوط به این حوزه را ارائه نماییم. در تدوین کتاب حاضر سعی شد تا با نگاه موشکافانه و دقیق تر نسبت به جلد اول این کتاب به بررسی موضوعاتی نظیر: ارزیابی مشارکت مردمی در حوزه های مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، ارزیابی اثرات تحریم ها و نوسانات اقتصادی بر حوزه های مختلف جامعه و تأثیر آن بر مشارکت مردمی، بررسی چالش های موجود در نظام برنامه ریزی و سیاست گذاری ایران و تحلیل حکمرانی با رویکرد خیر عمومی، پرداخته شود. در هر صورت، تدوین این کتاب می تواند گام اساسی در مسیر شناخت اقتصاد مردم پایه برای مدیران و تصمیم گیران باشد. با این حال، از آنجایی که تدوین و تألیف کتاب با بهره گیری از آمار و اطلاعات موجود و در دسترس صورت گرفته است؛ این امکان وجود دارد که به صورت جزئی اشکالاتی در کتاب وجود داشته باشد که از کلیه اندیشمندان، محققان، مدیران و صاحب نظران محترم تقاضا می گردد ما را از پیشنهادها و رهنمودهای ارزنده خود بهره مند نمایند. در پایان، پس از حمد و سپاس به درگاه خداوند متعال به دلیل توفیق انجام این تکلیف، جا دارد از زحمات و تلاش های بی پایان همه مدیران و کارشناسان دستگاه های اجرایی و همکاران در معاونت اقتصادی این اداره کل که با تلاش خود این مجموعه را گردآوری نموده اند، تشکر و قدردانی نمایم.

### مرتضی ذاکریان

نماینده وزیر و مدیرکل امور اقتصادی و دارایی خراسان جنوبی

### رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی):

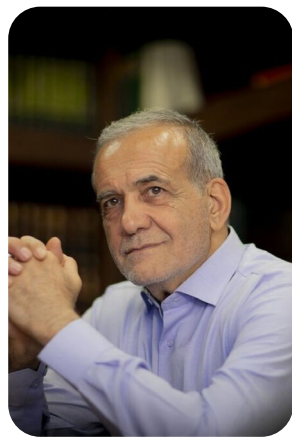
امروز وظیفه‌ی ما مراقبت دائمی از انقلاب است؛ وظیفه‌مان امروز وحدت ملی است؛ وحدت ملی مهم است؛ وظیفه‌مان امروز مشارکت دادن مردم است؛ کمک کردن به آحاد مردم بخصوص به طبقات ضعیف است؛ وظیفه‌مان امروز کار جهادی مسئولان است. قوی‌ترین دولت‌ها هم قادر نیستند بدون مشارکت مردم موتور اقتصاد جامعه را به راه بیندازد؛ هیچ دولتی بدون مشارکت مردم نمی‌تواند اقتصاد کشور را سامان بدهد. امکان ندارد و بدون مشارکت مردم هیچ دولتی نخواهد توانست



اقتصاد کشور را سامان بدهد و موتور اقتصاد را راه بیندازد. بنابراین یکی از مسائل مهم ما باید این باشد که استعدادهای مردم، ابتکارهای مردم، ظرفیت‌های گوناگون مردم را وارد میدان اقتصاد کنیم.

### آقای دکتر پزشکیان؛ رئیس جمهور محترم:

خدمت به مردم باید سرلوحه زندگی دولت و همه مدیران و وزیرانی باشد که انتخاب می‌شوند و با تمام وجود به مردم عشق بورزند. ایران در چشم انداز ما کشوری برخورداری از سلامت، رفاه، امنیت قضایی، فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده، به دور از فقر و تبعیض و بهره‌مند از محیط زیست مطلوب، ایثارگر، مؤمن، رضایتمند، برخورداری از وجدان کاری، انضباط و روحیه تعاون و سازگاری اجتماعی و متعهد به روحیه انقلابی و شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن



است. این کار را با مشارکت مردم، روابط بین بخشی، تکنولوژی مناسب و با در نظر گرفتن عدالت و انصاف می‌توان انجام داد. اگر به مردم و مشارکت آن‌ها باور داشته باشیم هیچ خلأیی نمی‌تواند وجود داشته باشد.

### آقای دکتر همتی؛ وزیر محترم امور اقتصادی و دارایی:

برنامه های اقتصادی باید در چهار موضوع؛ ثبات اقتصادی و نرخ تورم، رشد اقتصادی بالا، کاهش بیکاری و توزیع عادلانه درآمد و کاهش فقر نتیجه بدهد. برای این منظور نیاز به همت همگانی است و باید برای بهبود اقتصاد کشور و حل مشکلات معیشتی مردم قدم اساسی برداشت. وزارت امور اقتصادی و دارایی مسئولیت بزرگی بر دوش دارد و این وزارتخانه نه تنها ستون اصلی اقتصاد کشور است بلکه پیش برنده شفافیت و اعتماد در نظام اقتصادی است و مسیری که ما در پیش گرفته ایم مسیری به سوی رشد اقتصادی همه گیر، تحقق عدالت اقتصادی و افزایش کارایی است؛ راهی که اقتصاد را در مسیر صحیح توسعه قرار می دهد و همه پروژه ها تنها به یک هدف ختم می شود و آن بازگشت اعتماد به مردم است؛ مردم باید اعتمادشان بازگردد. ما باید مردم را در اقتصاد مشارکت دهیم و آنها را به صحنه بیاوریم



### دکتر ذاکریان؛ نماینده وزیر و مدیرکل امور اقتصادی و

دارایی استان: یکی از ضروری ترین پیش نیازها برای جهش در اقتصاد، ایجاد انگیزه و امیدآفرینی است تا از طریق همگرایی و اتفاق نظر همه آحاد مردم، اتفاقات خوبی رقم بخورد و برای تحقق این جهش نیازمند انجام اقداماتی فوق العاده در کوتاه مدت و نه صرفاً اقتصادی هستیم. زمانی که بتوانیم جهش تولید را در همه حوزه های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، امنیتی رقم بزنیم؛ بدون شک به ایرانی قوی تر و مقتدرتر از گذشته در عرصه داخلی و بین المللی در زمینه های مختلف دست خواهیم یافت.



## فهرست مطالب

فصل اول: مشارکت مردمی در حوزه‌های مختلف.....	۱
مقدمه.....	۲
مشارکت فرهنگی و اجتماعی.....	۳
الف) سرانه مطالعه.....	۴
ب) رسانه‌های جمعی.....	۶
ج) رونق گردشگری و میزان تعامل با افراد غیر ساکن.....	۱۰
د) توسعه اینترنت و افزایش ارتباطات.....	۱۴
ه) پراکندگی جمعیت.....	۱۵
مشارکت سیاسی.....	۱۶
مشارکت اقتصادی.....	۱۹
آیا با وجود مشارکت بالای آحاد جامعه در حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، مذهبی، اجتماعی و غیره می‌توان انتظار مشارکت بالای اقتصادی در آن جامعه را داشت؟.....	۲۷
۱. بررسی موضوع از منظر هزینه آشکار و پنهان.....	۲۷
۲. بررسی موضوع بر اساس تابع مطلوبیت.....	۳۰
فصل دوم: بررسی اثرات تحریم‌ها و نوسانات اقتصادی بر جامعه.....	۳۳
بخش اول) بررسی مفاهیم.....	۳۴
۱. تحریم اقتصادی.....	۳۴
مفهوم و تعریف تحریم.....	۳۴
تقسیم بندی تحریم‌ها.....	۳۶
اهداف کلی تحریم‌ها.....	۴۳
۲. نرخ تورم.....	۴۵
مفهوم نرخ تورم.....	۴۵
انواع تورم از دیدگاه علت بروز آن.....	۴۷
بخش دوم) بررسی آثار تحریم‌ها و بی‌ثباتی اقتصادی.....	۴۷
تحریم/تورم و تأثیرات چندبعدی آن.....	۴۷

مقایسه تورم کشور ایران، جهان و کشورهای منتخب.....	۵۱
اثرات تحریم و نرخ تورم بر حوزه‌های مختلف.....	۵۲
الف) اثرات اقتصادی.....	۵۲
ب) بخش اجتماعی.....	۶۶
ج) بخش فرهنگ.....	۷۸
د) بخش سیاسی.....	۸۵
طبقه متوسط و نقش آن در توسعه.....	۹۰
سایه جنگ و تحریم‌های اقتصادی به مثابه استحاله ضمیر ناخودآگاه انسان.....	۹۸
رویکرد سیاستی ایران از منظر اقتصاد سیاسی.....	۱۰۰
چه باید کرد؟.....	۱۰۶
پیوست ۱) اولویت‌ها، راهبرد و اهداف اصلی وزارت امور اقتصادی و دارایی در دولت چهاردهم در جهت افزایش ثبات اقتصادی و کاهش آثار تحریم‌ها.....	۱۰۷
الف) اولویت‌های اصلی وزارت امور اقتصادی و دارایی.....	۱۰۷
ب) راهبردهای وزارت امور اقتصادی و دارایی دولت چهاردهم.....	۱۰۷
ج) اهم برنامه‌های کلان بخشی و عملیاتی وزارت امور اقتصادی و دارایی در دولت چهاردهم.....	۱۰۹
۱. امور مالیاتی.....	۱۰۹
۲. گمرک.....	۱۱۰
۳. بهبود فضای کسب و کار.....	۱۱۰
۴. سرمایه‌گذاری و تامین مالی خارجی.....	۱۱۱
۵. بازار سرمایه.....	۱۱۲
۶. خصوصی سازی.....	۱۱۴
۷. نظام بانکی.....	۱۱۴
۸. صنعت بیمه تجاری.....	۱۱۵
۹. خزانه داری کل کشور.....	۱۱۶
۱۰. نظام توزیع یارانه.....	۱۱۷
۱۱. امور اقتصادی و سیاست گذاری.....	۱۱۷
۱۲. مناطق آزاد تجاری صنعتی و ویژه اقتصادی.....	۱۱۸

۱۱۹	۱۳. تعامل با مجلس و امور حقوقی و قانون گذاری
۱۱۹	۱۴. شفافیت و انضباط مالی اداری
۱۲۰	۱۵. تسهیل تأمین مالی تولید و زیرساخت
۱۲۲	پیوست ۲) گوشه ای از اقدامات اداره کل امور اقتصادی و دارایی خراسان جنوبی در این زمینه از منظر درآمدهای عمومی
۱۲۲	الف: تحلیل رویکرد ملی
۱۲۵	ب: اقدامات استانی
۱۲۷	<b>فصل سوم: چالش‌های برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در ایران</b>
۱۲۸	نگاهی بر اهداف برنامه‌های توسعه‌ای بعد از انقلاب اسلامی
۱۳۷	عملکرد برنامه‌های توسعه‌ای بعد از انقلاب اسلامی
۱۴۲	بررسی میزان موفقیت برنامه بر اساس شاخص ترکیبی <b>NSED</b>
۱۴۴	مقایسه برنامه‌های توسعه‌ای با یکدیگر از برخی از شاخص‌های مهم اقتصادی
۱۴۴	متوسط نرخ رشد اقتصادی
۱۴۶	سهم هر بخش اقتصادی در هر برنامه
۱۴۹	نرخ تورم
۱۵۰	نرخ بیکاری
۱۵۱	رشد نقدینگی
۱۵۲	نرخ ارز
۱۵۳	ضریب جینی
۱۵۳	نرخ رشد جمعیت
۱۵۴	چرایی عدم موفقیت سیاست‌گذاری‌ها
۱۵۴	الف) چرخه سیاست‌گذاری
۱۵۵	ب) مشکلات چرخه سیاست‌گذاری در ایران
۱۶۳	<b>فصل چهارم: حکمرانی مرکب با رویکرد خیر عمومی</b>
۱۶۴	مفهوم خیر عمومی (جمعی)

- حکمرانی با رویکرد خیر عمومی (جمعی) از منظر اسلام ..... ۱۶۶
- آیا کار خیر به منزله رسیدن به خیر عمومی (جمعی) است؟ ..... ۱۷۰
- خیر عمومی و دوره سیاست‌گذاری ..... ۱۸۲
- آیا دولت خیرخواه یا دولت رفاه همیشه می‌تواند خیر عمومی (جمعی) را به ارمغان بیاورد؟ ..... ۱۸۳
- اثرات دولت رفاه یا دولت خیرخواه ..... ۱۸۵
- الف) نگاه منفعت طلبانه سیاست‌مدارن در اقتصاد ..... ۱۸۵
- ب) افزایش اندازه دولت و شکست سیاست خصوصی سازی ..... ۱۸۶
- ج) عدم شفافیت و پاسخگویی ..... ۱۸۷
- د) ناکارآمدی دولت در تأمین منابع مالی تأمین اجتماعی در دولت رفاه ..... ۱۸۹
- ه) افزایش فساد در پی دخالت بیش از حد در دولت رفاه ..... ۱۸۹
- دولت توسعه خواه در مقابل دولت خیرخواه ..... ۱۹۰
- حکمرانی مرکب ..... ۱۹۴

## منابع و مأخذ ..... ۲۰۵

- الف) کتب و مقالات ..... ۲۰۵
- ب) مراکز و سازمان های ارائه دهنده آمار و اطلاعات ..... ۲۱۰



# فصل اول



## اصل ۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی

حکومت ایران جمهوری اسلامی است که ملت ایران، بر اساس اعتقاد دیرینه اش به حکومت حق و عدل قرآن، در پی انقلاب اسلامی پیروزمند خود به رهبری مرجع عالیقدر تقلید آیت الله العظمی امام خمینی، در همه پرسی دهم و یازدهم فروردین ماه یک هزار و سیصد و پنجاه هشت هجری شمسی برابر با اول و دوم جمادی الاول سال یک هزار و سیصد و نود و نه هجری قمری با اکثریت ۹۸٫۲ درصد کلیه کسانی که حق رأی داشتند، به آن رأی مثبت داد.

اصل اول قانون اساسی از یک طرف درصدد بیان نوع حکومت در کشور بوده و از طرف دیگر در مقام تشریح مبانی مشروعیت جمهوری اسلامی می باشد. چراکه قانون اساسی نوع حکومت ایران را جمهوری اسلامی و مشروعیت آن را مبتنی بر دو اصل مکتب (حق و عدل) و انتخاب اکثریت قریب به اتفاق ملت ایران معرفی می کند. بدین ترتیب نظام جمهوری اسلامی مبتنی بر اصول و موازین مکتبی اسلام نه تنها به عنوان یک نظام حق و عدل بلکه به عنوان نظام منتخب اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران مشروعیت و رسمیت یافته است و در واقع علت اصلی بیان این اصل در آغاز قانون اساسی این است که روح و بنیان های اصول دیگر، هنگام اجرا و خصوصا در مواقع تفسیر اصول قانون اساسی، معین می شود و راهنمای مناسبی برای مجموعه قوای نظام سیاسی و نهادهای اساسی آن قرار می گیرد و با توجه به اهمیت فوق العاده بالایی که این اصل و سایر اصول کلی دارند، می توان بیان داشت که اصول کلی قانون اساسی در حقیقت در صدد ارائه پایه های حکومت و شکلی است که ملتی در قالب آن به صورت دولت درمی آید. بنابراین، نظام حاکم بر کشور و فرهنگ و باور مردم ایران بر پایه مبانی دینی استوار شده است. البته این نگرش نه تنها پس از انقلاب بلکه از قرن ها پیش در بین مردم وجود داشته و همین موضوع باعث شده است که حضور مردم در مناسبت های مذهبی و سیاسی پررنگ باشد. استان خراسان جنوبی نیز از این قاعده مستثنی نبوده و شواهد گویای مشارکت گسترده مردم این استان در امور سیاسی، فرهنگی، مذهبی و غیره می باشد. اما سؤالی که در این خصوص مطرح می گردد این است که آیا مشارکت در حوزه های مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، مذهبی و غیره منجر به افزایش مشارکت مردم در بخش های اقتصادی نیز می گردد؟ برای پاسخ به این سؤال، در این فصل سعی می شود مشارکت مردم استان خراسان جنوبی در حوزه های مختلف مورد ارزیابی قرار گیرد و سپس با مشارکت اقتصادی مردم استان مقایسه و دلایل تطابق یا عدم تطابق آن با یکدیگر بررسی شود.

### مشارکت فرهنگی و اجتماعی

امروزه به طور گسترده‌ای موضوع مشارکت در زمینه های مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است. این توجه و اقبال امری تصادفی نیست، بلکه ناشی از یک ضرورت و پیامد چند دهه تجربه در زمینه توسعه و بهبود کیفیت زندگی جوامع انسانی است. مفهوم مشارکت فرهنگی از جمله جدیدترین مفاهیمی به شمار می رود که خاستگاه آن را می توان در دهه ۱۹۶۰ یعنی، دوره رواج ایدئولوژی و همچنین سیاست‌های دموکراتیک سازی فرهنگی دنبال نمود. در این دوره مجموعه سیاست‌ها و اقداماتی با هدف توسعه فرهنگی اتخاذ گردید تا بتواند ذائقه های فرهنگی کلیه سطوح جامعه را تحت پوشش قرار داده و جذب نماید. امروزه یکی از محورهای اصلی توسعه را باید مشارکت فرهنگی دانست. بنا به اعتقاد دورکیم<sup>۱</sup>، وقتی حس تعلق به جامعه در افراد وجود داشته باشد، یک حس همانندی و قرابت به وجود خواهد آمد و پیوندهای عاطفی و دل مشغولی ها و منافع مشترک افراد را به هم پیوند می‌دهد. که نتیجه آن افزایش و تشدید تماس های آنان و گسترش ارتباطات در سطح جامعه است و این مهم‌ترین ابزار برای یک مدیریت خوب بویژه در کشورهای در حال توسعه است. در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران به دلیل قرار گرفتن در دوران گذار، بسترها و عوامل ایجاد احساس تعلق اجتماعی، دچار تغییر می‌شود، چراکه در دوران گذار بنا به نظر دورکیم، هنجارهای موجود در جامعه در معرض تغییر و تحول قرار خواهند گرفت که در نتیجه آن احتمال کم رنگ شدن تعلقات اجتماعی افراد به جامعه و به تبع آن تغییر الگوهای همکاری در امور مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و غیره قوت خواهد یافت (جاراللهی و محسنی، ۱۳۸۲).

عوامل متعددی می تواند مشارکت مردم را به عنوان سرمایه‌های انسانی در فعالیتهای فرهنگی تحت تأثیر قرار دهد. بدیهی است برای بررسی این عوامل به آگاهی از شیوه های رفتاری مردم، علاقه، نگرش و انگیزه آنان نسبت به فعالیتهای فرهنگی و شناخت موانع و محدودیتهای مشارکت فرهنگی نیاز است. به طور کلی مشارکت فرهنگی، بهره مندی و بهره گیری عموم مردم از منابع فرهنگی تعریف می شود. منظور از منابع فرهنگی، در معنای وسیع کلمه، مجموع کالا و اشیای در دسترس است که انجام فعالیتهای فرهنگی را ممکن یا تسهیل می‌کند. فعالیتهای فرهنگی، فعالیتهایی هستند که اعضای یک جامعه از طریق آن، استعدادهای خود را توسعه و شخصیت خود را گسترش می‌دهند. اهمیت هریک از عوامل در ترغیب مردم جهت مشارکت در فعالیتهای فرهنگی متفاوت است. بنابراین پاسخ به این مسأله که عوامل مؤثر بر گسترش مشارکت مردم در فعالیتهای فرهنگی کدامند به سیاست‌ها و برنامه‌ریزی های فرهنگی مؤثر و کارآمد کمک می‌کند. هر نظام فرهنگی برای

۱ Durkheim

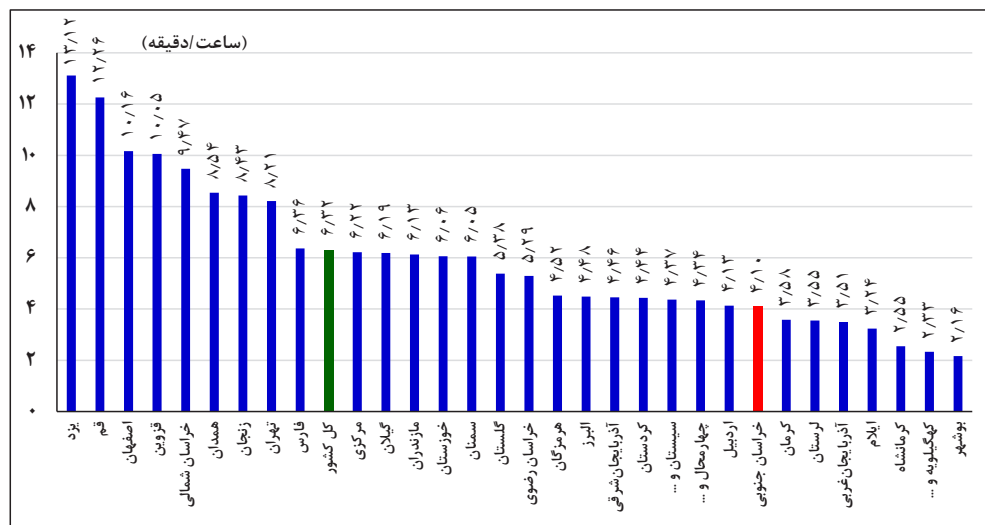
دوام، بقا و ایفای کارکرد خود، در مورد فرهنگ‌پذیری جامعه، نیازمند تأمین حداقل مشارکت اعضا می‌باشد. بنابراین، از آنجایی که کشور ما در حال گذار از جامعه سنتی به جامعه توسعه یافته در همه ابعاد بویژه توسعه فرهنگی است، شرکت فعالانه مردم در حیات فرهنگی و اجتماعی که خود پیش شرط توسعه جامعه است از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. منابع فرهنگی به عنوان شاخص‌های تغییرات فرهنگی در بسیاری از مطالعات مورد بررسی قرار گرفته‌اند. برای نمونه در مطالعه‌ای در خصوص تغییرات فرهنگی در فنلاند و لهستان، کتابخوانی و تماشای تلویزیون به عنوان دو جنبه از فرهنگ جهت ارزیابی میزان تغییر فرهنگ در نظر گرفته شد؛ کتاب به عنوان وسیله سنتی انتقال فرهنگی و تلویزیون به عنوان رسانه همگانی. یا در مطالعات دیگری از طریق تعداد روزنامه‌ها، تعداد انجمن‌ها به نسبت جمعیت کشور (و جمعیت جوان کشور) این شاخص مورد ارزیابی قرار گرفت. در این بخش برای مطالعه بررسی میزان مشارکت و تغییرات فرهنگی استان نسبت به سایر استان‌ها از شاخص‌های رسانه مطالعه، رسانه جمعی، رونق گردشگری و میزان تعامل با افراد غیر ساکن، توسعه اینترنت و افزایش ارتباطات و پراکندگی جمعیت استفاده شده است.

#### الف) سرانه مطالعه

با توجه به نمودار مقابل (نمودار سرانه مطالعه کتاب غیر درسی) مشخص است که سرانه مطالعه استان نسبت به بسیاری از استان‌ها و به طور خاص از متوسط کشوری کمتر می‌باشد. این موضوع بدان معناست که مردم استان خراسان جنوبی زمان کمتری را به مطالعه کتب غیر درسی نظیر مقالات علمی، کتاب‌های رمان، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، جامعه‌شناسی و غیره می‌کنند. بنابراین، به دلیل مطالعه کمتر نسبت به سایر استان‌ها، فرهنگ سنتی مردم استان بیشتر حفظ شده است و تغییر فرهنگی در آن‌ها کمتر اتفاق افتاده است. این موضوع زمانی جالب تر می‌شود که مطابق با دو نمودار بعدی، مشاهده می‌شود که سرانه مطالعه کتب غیر درسی بجز قرآن و ادعیه نسبت به سایر استان‌ها و متوسط کشور بسیار پایینتر و سرانه زمان مطالعه کتاب قرآن و ادعیه نسبت به بسیاری از استان‌ها و متوسط کشوری بیشتر است. این نتایج نشان می‌دهد که نه تنها مطالعه کتب غیر درسی در بین مردم استان کم هست و همین موضوع باعث شده است روند تغییر فرهنگ دیرتر اتفاق بیافتد، بلکه از همان میزان مطالعه کتب غیر درسی، سهم کتب قرآن و ادعیه تقریباً دو برابر سایر کتب می‌باشد. بنابراین، سهم سرانه مطالعه استان خراسان جنوبی بیشتر به سمت کتاب‌های مذهبی می‌باشد و همین موضوع می‌تواند توجیه کننده مشارکت بالای مردم استان در امور مختلف مذهبی و فرهنگی باشد.

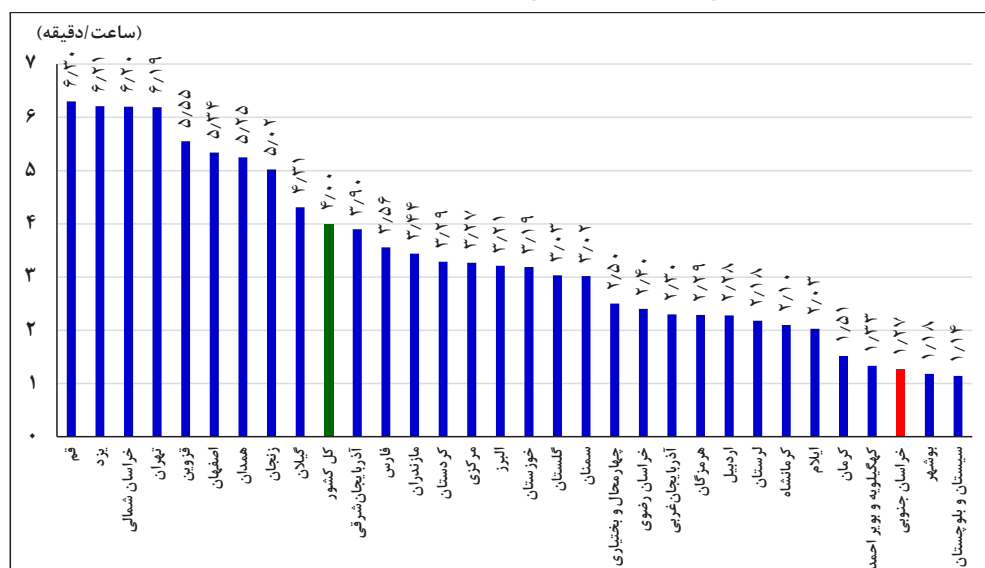
## فصل اول - مشارکت مردمی در حوزه های مختلف

سرايه زمان مطالعه غيردرسي در ماه (برحسب ساعت و دقيقه)



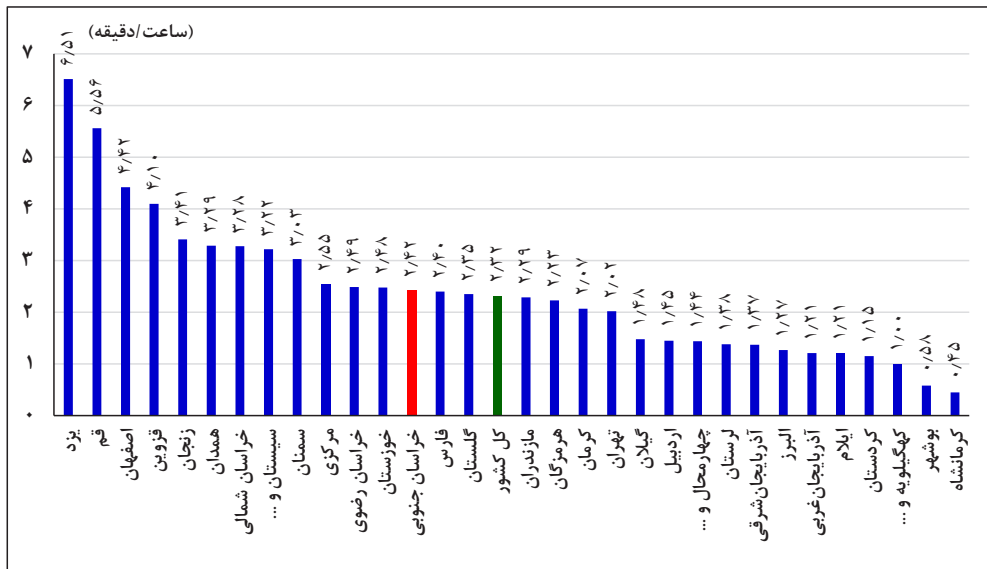
منبع: مرکز آمار ایران

سرايه زمان مطالعه كتاب بجز قرآن و ادعيه در ماه (برحسب ساعت و دقيقه)



منبع: مرکز آمار ایران

سرايه زمان مطالعه كتاب قرآن و ادعيه در ماه (برحسب ساعت و دقيقه)



منبع: مرکز آمار ایران

**ب) رسانه‌های جمعی**

ارتباط جمعی به خودی خود صورت نمی‌گیرد بلکه به ابزاری نیاز دارد که از طریق آن بتوان با جمع کثیری ارتباط برقرار کرد و این ابزار همان رسانه است. از سوی دیگر رسانه‌ها واسطه‌های اطلاعات اند. از دهه ۱۹۸۰ به این سو، با رشد عظیم و باورنکردنی رسانه‌ها در سطح جهان روبه‌رو بوده ایم و آن‌ها بهترین واسطه اطلاعات بوده‌اند. رسانه‌ها یکی از عوامل و ابزارهای مهم جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری هستند که نقش مهمی در رشد و تحول جنبه‌های گوناگون زندگی افراد ایفا می‌کنند. امروزه انسان‌ها در معرض نهادهای رسانه‌ای متولد می‌شوند، می‌اندیشند، دنیا را از این منظر می‌بینند و رفتارهای خود را بر اساس الگوهای برگرفته از کتاب، مجله، روزنامه، فیلم، ماهواره، تلویزیون، رادیو و اینترنت سامان می‌دهند. یکی از مقولاتی که رسانه‌ها به آن می‌پردازند، نوعی نفوذ و تأثیرگذاری در میان اعضای جامعه و مخاطبان خود است. بدین ترتیب، رسانه‌ها با ترغیب، تشویق، تبلیغ و حتی ارباب مخاطبان را وادار می‌دارند به قواعد دلخواه صاحبان رسانه اعتقاد پیدا کنند. رسانه‌ها از طریق معرفی هنجارهای خاص اجتماعی و الگوها می‌توانند باعث هم‌نوایی و هم‌سویی و به نوعی فرهنگ‌سازی در بین افراد جامعه شوند. رسانه در ارتباط خود با فرهنگ، نه تنها به کانال ارتباطی که فراتر از آن به اصل پیام بدل شده است؛ پیامی که نه تنها بر پایه شناخت، که بر اساس قدرت هم مبادله می‌شود و در صدد تغییر ساختارهای فرهنگی،

اجتماعی و سیاسی و برقراری نوعی از همسان سازی فکری و رفتاری است. این حرکت ارتباطی - فرهنگی مهم ترین شاخص عملکرد رسانه ها در صحنه های گوناگون فردی اجتماعی و میان فرهنگی است (سلطانی فر و روشندل ارتباطی، ۱۳۹۰). رسانه های جمعی به عنوان نیرویی تأثیرگذار می توانند ضمن تثبیت افکار، اعتقادات، اصول معانی ارزش ها هنجارها و اخلاقیات، موجب اصلاح در نگرش های عمومی نسبت به سنت ها، آداب و رسوم اجتماعی، روندها و رویه ها، تفریح و کار، رفتارها، ابداعات، دانش ها، ابزارها، فناوری ها، مهارت های سبک های زندگی، زبان، هنر، قوانین، نمادها و نهادهای اجتماعی را فراهم آورند. در واقع رسانه های جمعی از طریق ایستارها، الگوهای رفتاری، اصلاح تفاسیر، شناختی جامعه پذیری ارزش ها، تهییج احساسات، جهت دهی به افکار عمومی، شکل دهی به باورها، تصاویر و ذهنیات، اجتماعی توان مهندسی فرهنگی را دارند (دهشیری، ۱۳۸۸).

در واقع رسانه ها از یک سو خود متأثر از بافت اجتماعی و بستر فرهنگی جامعه هستند و از سوی دیگر در عصر اطلاعات و ارتباطات فشرده به عنوان بازیگری فعال و روشنگر و تأثیرگذار بر رفتارهای اجتماعی و فرهنگی می توانند از فرهنگ در شکل دهی به عادت ها، مهارت ها، شیوه ها و راهبردهای کنشی بهره ای وافر ببرند و بدین سان تأثیری شگرفت بر افکار عمومی داشته باشند. تأثیرگذاری مثبت رسانه ها در عرصه فرهنگ سازی در صورتی است که نظریه «ارتباطات» بر نظریه دستکاری رویکرد آگاهی رسانی بر رهیافت «تبلیغاتی» و دیدگاه «رقابت» بر نگرش «محدودیت» حاکم و غالب باشد در این فراگرد است که ارتباطات موجبات تعامل فزاینده فرهنگ ها و فراگیری ملت ها از یکدیگر را فراهم می سازد و بر اساس درک متقابل به تأثیر فرهنگی منتهی می شود (خورشیدیان و همکاران: ۱۳۹۳).

از اندیشمندان علوم اجتماعی که بر نقش رسانه در نهادینه شدن ارزش های مشارکت جو تأکید می کند، ژان بودریار است. بودریار در خلق دنیای "وانموده" تأکید ویژه ای بر رسانه ها دارد و انتقادات تندی بر رسانه ها وارد می کند. وی معتقد است: "رسانه ها هستند که نقش اصلی را در مخدوش کردن واقعیات بازی می کنند. وی ریشه وانموده ها را در صحنه پردازی و تبلیغات رسانه تشخیص می دهد" (ریتزر: ۱۳۹۱). بنابراین استفاده از شبکه های اجتماعی باعث تغییرات راهبردی در فرهنگ، ارزش ها و باورها و مروج طیف مختلفی از سبک های زندگی می شود. بدیهی است که این طیف از سبک زندگی، بسیار گسترده تر از سبک زندگی ای می باشد که انسان در واقعیت در قالب آن جای می گیرند و در زندگی روزمره خویش با آن مواجه می شوند. یافته های پژوهش های مختلف نشان می دهد که بین استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی و تغییرات هویت فرهنگی کاربران همبستگی معنی داری وجود دارد. به عبارتی، شبکه های اجتماعی مجازی بر مؤلفه های هویت فرهنگی کاربران از جمله دین، زبان، آداب و رسوم گذشته و سنت ها تأثیر گذار می باشند.

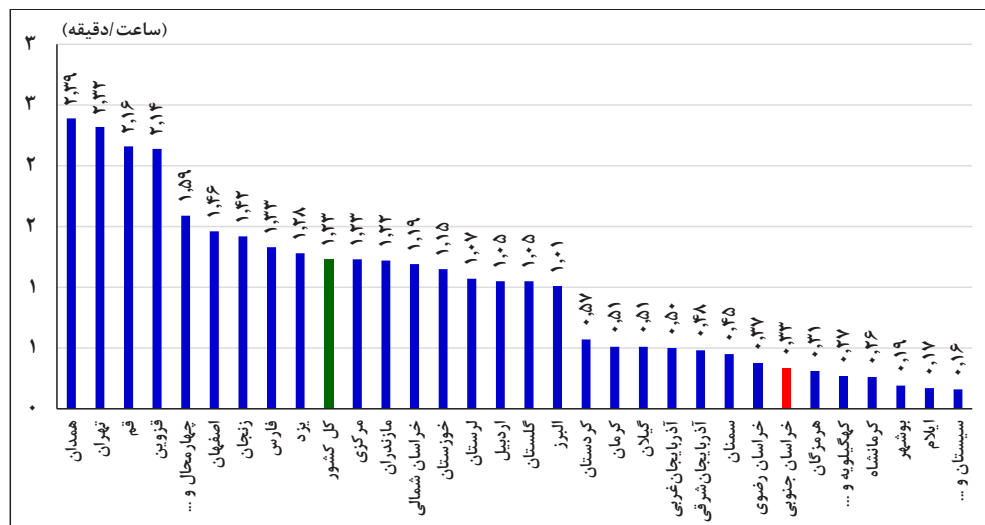
در حقیقت فرهنگ‌ها را می‌توان به شش لایه مجزا و در عین حال مرتبط به یکدیگر تقسیم کرد: سه لایه نخست، هسته فرهنگ و سه لایه بعد پوسته آن را تشکیل می‌دهند. لایه نخست باورها به معنای جهان بینی و اعتقادات و لایه دوم ارزش‌ها به معنی بایدها و نبایدهاست؛ لایه سوم هنجارها به معنای الگوهای رفتاری برآمده از ارزش‌هاست؛ لایه چهارم نمادها و اسطوره‌ها و لایه پنجم آیین‌ها و آداب و رسوم رفتارهای اجتماعی را شکل می‌دهند و به جامعه پذیری و درونی کردن عادات و علایق اجتماعی منجر می‌شوند؛ لایه ششم را فناوری‌ها، مهارت‌ها و نوآوری‌ها تشکیل می‌دهد و ناظر بر محیط و فضای نوینی است که فرهنگ عمومی در بستر آن شکل می‌گیرد و مظهر تعامل و تبادل کنش‌های اجتماعی و الگوهای ارتباطی به شمار می‌آید. در مجموع می‌توان گفت فرهنگ سازی به ویژه از رهگذار رسانه، به دو صورت فرهنگ پذیری و فرهنگ گرایی انجام می‌پذیرد. فرهنگ پذیری فرآیندی دایمی، پایدار و پویا و نه مقطعی و موقتی است که متضمن پذیرش انتقال عناصر قوی فرهنگ دیگری از جمله باورها و مقدسات آن و نیز اخذ مدل‌های فکری فرهنگ دیگری است که تغییر در شیوه تفکر را موجب می‌شود؛ در مقابل فرهنگ گرایی به معنای تغییر پوسته فرهنگ در اثر تماس فرهنگ گیرنده با فرهنگ دهنده است و به این دلیل که این نوع تغییرات در لایه بیرونی فرهنگ صورت می‌پذیرد از رواج بیشتری برخوردار است. بدین ترتیب رسانه‌ها قابلیت این را دارند که در فرآیند فرهنگ گرایی و فرهنگ پذیری با تبیین یا تغییر علایق و منافع اجتماعی به فرهنگ سازی و فرهنگ گرایی مبادرت ورزند. رسانه‌ها صرفاً به درونی سازی فرهنگ نمی‌پردازند بلکه همچنین آن را ابداع، اصلاح و منتقل می‌کنند. لذا فرهنگ سازی را می‌توان یک فرآیند ارتباطی دانست که از عناصر پویا و واسطه ای برخوردار است و از رهگذر آن مفاهیم، ایده‌ها، سنت، زبان واکنش‌ها و انتظارات بازتولید و با تعامل نمادین اصلاح می‌شوند (خورشیدیان، ۱۳۹۳).

با این حال، دنیای امروز دنیای ارتباطات و فناوری است و نمی‌توان آن را از جامعه امروزی حذف کرد. بدون شک در حال حاضر آگاهی از شرایط و اخبار پیرامون نسبت به گذشته بسیار راحت‌تر و سریع‌تر انجام می‌شود. این آگاهی می‌تواند به واسطه رسانه‌های سنتی مانند روزنامه، رادیو و غیره اتفاق بیافتد یا از طریق رسانه‌های نوین مانند شبکه‌های اجتماعی تلگرام، واتساپ، اینستاگرام، ایتا، روبیکا و غیره صورت گیرد. در این راستا، همانطور که در نمودار مقابل مشخص است رسانه زمان مطالعه روزنامه در ماه برای استان خراسان جنوبی نسبت به بسیاری از استان‌ها و متوسط کشوری پایین‌تر است. هرچند در حال حاضر، مطالعه روزنامه دیگر چندان مرسوم نیست، اما از آنجا که برای تغییر فرهنگ و هویت یک ملت نیاز به زمان طولانی است، مطالعه بیشتر روزنامه و مطبوعات توسط مردم در گذشته می‌توانست باعث آگاهی بیشتر آن‌ها نسبت به شرایط پیرامون و مسائل مختلف شود و تأثیر بیشتری را بر فرهنگ و هویت مردم داشته باشد.

## فصل اول - مشارکت مردمی در حوزه های مختلف

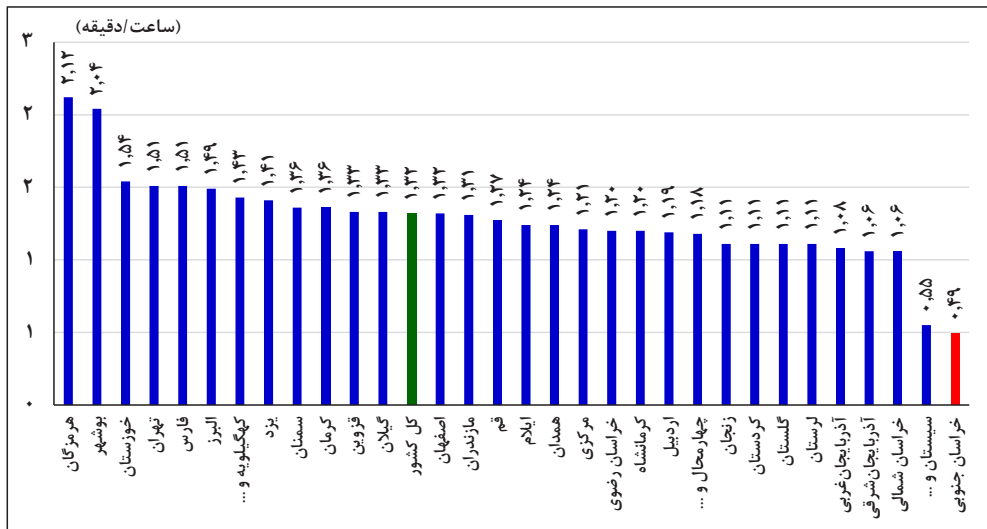
علاوه بر این امروزه افراد برای آگاهی از شرایط موجود و حتی کارهای رومزه خود دست به دامان اینترنت و شبکه های مجازی شده اند. شبکه های اجتماعی مجازی نسبت به رسانه های سنتی مانند مطبوعات، رادیو و تلویزیون دارای قدرت و اثرگذاری بسیار بیشتری هستند. قدرت آن ها به حدی است که حتی دشمن برای تغییر فرهنگ مردم و تحقق اهداف خود، سرمایه گذاری گسترده ای روی آن کرده است. به طوری که رهبر معظم انقلاب آن را جنگ نرم خطاب می کنند. در جنگ نرم از سلاح های تبلیغاتی و اعتقادی استفاده می شود؛ به تعبیر دیگر جنگ نرم استفاده دقیق و طراحی شده از تبلیغات و ابزارهای مربوط به آن به منظور تأثیر گذاری بر عقاید، فرهنگ، سیاست، احساسات، تمایلات، رفتار و مختصات فکری دشمن با توسل به شیوه هایی که موجب پیشرفت مقاصد امنیت ملی می شود، است. در این راستا همانطور که نمودار مربوط به سرانه زمان حضور در شبکه های اجتماعی در روز (نمودار صفحه بعد)، نشان می دهد سرانه زمان حضور در شبکه های اجتماعی (در روز) برای استان خراسان جنوبی نسبت به همه استان ها و متوسط کشوری کمتر و در رتبه ۳۱ قرار دارد. همین موضوع باعث شده است که مردم استان خراسان جنوبی به دلیل ارتباط کمتری که با محیط پیرامون خود دارند، تأثیر کمتری از فضای خارجی بگیرند و هویت و فرهنگ سنتی خود را به همان شکلی که در گذشته بوده است، تقریباً حفظ کنند. به همین دلیل، تفکر غالب بر استان با باورها و هویت آن ها در گذشته همخوانی زیادی دارد.

سرانه زمان مطالعه روزنامه در ماه (برحسب ساعت و دقیقه)



منبع: مرکز آمار ایران

سراانه زمان حضور در شبکه‌های اجتماعی در روز



منبع: مرکز آمار ایران

### ج) رونق گردشگری و میزان تعامل با افراد غیر ساکن

توسعه گردشگری می‌تواند موجب گسترش یکپارچگی و همگرایی اجتماعی- فرهنگی در سطح کشور گردد. توسعه گردشگری به عنوان یک پدیده فرهنگی، فرصت کافی برای تعامل و تبادل فرهنگی بین گردشگر و جامعه میزبان را به وجود می‌آورد و با انسانها، انگیزه‌ها، خواسته‌ها نیازها و آرزوهای آن‌ها که منبعث از فرهنگ جامعه می‌باشد، در ارتباط است. همچنین، گردشگری یکی از شیوه‌های کنش متقابل فرهنگی است که به واسطه تفسیر تجربه‌های گردشگری از فرهنگ محلی، کنشی متقابل را نمایان می‌سازد. اما باید توجه داشت که اثرگذاری فرهنگی گردشگری مانند سایر اثرات گردشگری دارای جنبه‌های مثبت و منفی است. به طور کلی، مفهوم اثرات فرهنگی و اجتماعی را به معنی تغییراتی که در تجربه‌های روزانه ارزش‌ها، شیوه زندگی و فکری جامعه میزبان و مهمان رخ می‌دهد. به عبارتی اثرات فرهنگی گردشگری، تغییراتی است که در هنر، عادات، رسوم و معماری مردم ساکن جامعه میزبان رخ می‌دهد. این تغییرات بلندمدت است و در نتیجه رشد و توسعه صنعت گردشگری رخ می‌دهد (مهدوی، ۱۳۸۶). تجربیات گوناگون نشان می‌دهد که گردشگری، فرهنگ و جامعه میزبان گردشگر را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به عبارتی گردشگری می‌تواند عامل عمده تغییر سیستم اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در منطقه مقصد باشد که گاهی به تغییر اجتماعی و یا حتی مسائل اجتماعی منجر می‌شود. فرهنگ از یک سو عاملی برای ایجاد میل یا نیاز به سیر و سیاحت است و از سوی دیگر، نقش اساسی در تعیین رفتارها،

نگرش‌ها و روش‌های زندگی مردم ایفا می‌کند؛ لذا بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند گردشگری پیش از آنکه یک صنعت و فعالیت اقتصادی باشد پدیده‌ای است فرهنگی و در ایجاد تغییرات فرهنگی بسیار مؤثر است (یعقوب زاده و زندی، ۱۳۹۱).

پارنیلو (۲۰۰۱) جابه‌جایی‌های توریستی را فرایندی دایره‌ای می‌داند که نقطه عزیمت یا مبدأ آن فرهنگ توریست و مقصد آن فرهنگ میزبان است که نهایتاً به نقطه آغاز ختم می‌شود. اتفاقی که در این فرایند دایره‌ای دارای اهمیت است، مواجهه، تعامل و تبادلی است که به دادوستد دانش‌ها، رسوم و ارزش‌هایی بین این دو فرهنگ صورت می‌پذیرد و سرانجام به سطوحی از تغییرات فرهنگی در هر دو سو می‌انجامد. مسمماً این فرایند تغییر می‌تواند برای هر دو سو نتایج مثبت یا منفی دربر داشته باشد. این رابطه اگرچه توان بالقوه بالایی برای دست یافتن به ابعاد مثبتی از «تداوم» فرهنگی را چنانکه محققان بسیاری به آن اشاره کرده‌اند داراست؛ اما نتایج بسیاری از مطالعات نیز به پیامدهای منفی جدی آن، که اغلب فرهنگ محلی یک جامعه را به ناکارآمدی و «گسست» دچار نموده، اشاره دارند (جورج و همکاران، ۲۰۰۹).

یک جامعه می‌تواند جنبه‌هایی از فرهنگ جمعی محلی خود را به هر توریستی که حاضر است مبلغی را برای آن بپردازد، بفروشد و از این طریق هر دو سوی مبادله به منافع مطلوب خود (رضایت خاطر و منفعت اقتصادی) دست یابند. به این ترتیب، فرهنگ به کالایی برای مبادلات پولی تبدیل می‌شود. این گونه مواجهه دو فرهنگ بخشی از همان فرایند دایره‌ای است که شرایطی را برای تغییرات اجتماعی مهیا می‌سازد. نتایج این فرایند تغییر و تبدیل، نه تنها لزوماً مثبت نیست بلکه بیشتر در پیوستاری از رابطه‌ای دو وجهی اتفاق می‌افتد و اگرچه به توریسم به عنوان گزینه‌ای برای دستیابی به پایداری اقتصادی توجه شده؛ اما توجه اندکی به مقوله مهم‌تر پایداری فرهنگی شده است. مسلم است که جنبه‌هایی از فرهنگ، میراث معماری، فولکلور، تاریخ و آداب و رسوم را می‌توان به شکل جاذبه‌هایی برای جلب گردشگر و کسب منافع اقتصادی آن عرضه نمود؛ اما وجوهی از فرهنگ شامل هویت فرهنگی یا مکانی از قبیل یکپارچگی ارزش‌ها، عقاید، تجربه‌های زندگی روزمره و آزادی‌های افراد محلی، از رازمندی و قداستی برخوردار است که نه تنها قابل عرضه و فروش نیستند، بلکه برای ماندگاری و تداوم حیات فرهنگی اجتماعی و حتی اقتصادی جامعه نیازمند محافظت و نگهداری هستند. ارتباط میان صنعت گردشگری و جامعه میزبان و فرهنگ آن ارتباطی دیالکتیک و دوسویه است و نباید به عنوان دو مفهوم مجزا و مستقل نگریسته شوند (امینی و زیدی، ۱۳۹۴).

۱ Parrinello

۲ George et al

جامعه ها و افراد آن ها همه مثل هم نیستند و همه از هم پیوندی با گردشگری حمایت نمی کنند. این امر می تواند مواجهه بین دو فرهنگ میزبان و میهمان را در مواردی به مقابله کشانده، دامنه اثر گذاری گردشگری بر جامعه میزبان و بویژه فرهنگ آن را گسترده تر نماید. تغییر و تحول در فعالیت های سنتی و هنری به منظور متناسب ساختن آن برای مخاطبان گردشگر، شلوغی و ازدحام بیش از حد در مکان های سنتی، ایجاد تضاد و تنش بین اعضای جامعه روستایی، افزایش نابرابری و شکاف اجتماعی بین بخش های مختلف این جوامع، خارج از دسترس قرار گرفتن مکانهای تفریحی برای خود افراد محلی و موارد دیگری از این قبیل از جمله دیگر پیامدهای منفی توسعه گردشگری هستند که در صورت بروز می توانند فواید و مزایای حاصل از آن را تحت الشعاع قرار دهند. انسجام و همگنی فرهنگ جامعه میزبان و پایبندی مخاطبان آن فرهنگ به شعائر و اصول آن می تواند از بروز گسست در ساختارهای فرهنگی جامعه و کمرنگ شدن آن در مواجهه و اثر پذیری از فرهنگ های گردشگران جلوگیری نماید. همچنین، از آنجایی که مواجهه بی واسطه و نزدیکی فضایی میان جوامع محلی و گردشگران در بروز و شدت تأثیرات فرهنگی - اجتماعی مؤثر است، جدایی گزینی دو سوی این رابطه بر اثر رشد و گسترش صنعت گردشگری نیز می تواند به کاهش این اثرها منجر گردد. بنابراین، با توجه به آنچه بیان شد، هر گردشگر نماینده ای از یک فرهنگ است و نه تنها با خود یک یا چند رفتار و اعتقاد یا سنت را جا به جا می کند، بلکه تصویر زنده ای از یک جامعه دیگر به نمایش می گذارد. گردشگران با خود دنیایی از ارزش ها و گاه خواسته های نه چندان مانوس با فرهنگ جامعه میزبان را به همراه دارند. تداوم و استمرار در مراودات گردشگری بین یک جامعه با جامعه دیگر یا درون یک جامعه، باعث پیدایش تحولات فرهنگی می شود که به آن تعامل میان فرهنگی گردشگر و افراد جامعه میزبان می گویند. به عبارتی توسعه گردشگری با معرفی نظام جدیدی از روابط در تمام فعالیت ها، باعث تغییرات در سطوح مختلف زندگی در ابعاد اقتصادی، سیاسی، محیطی، اجتماعی و فرهنگی می شود.

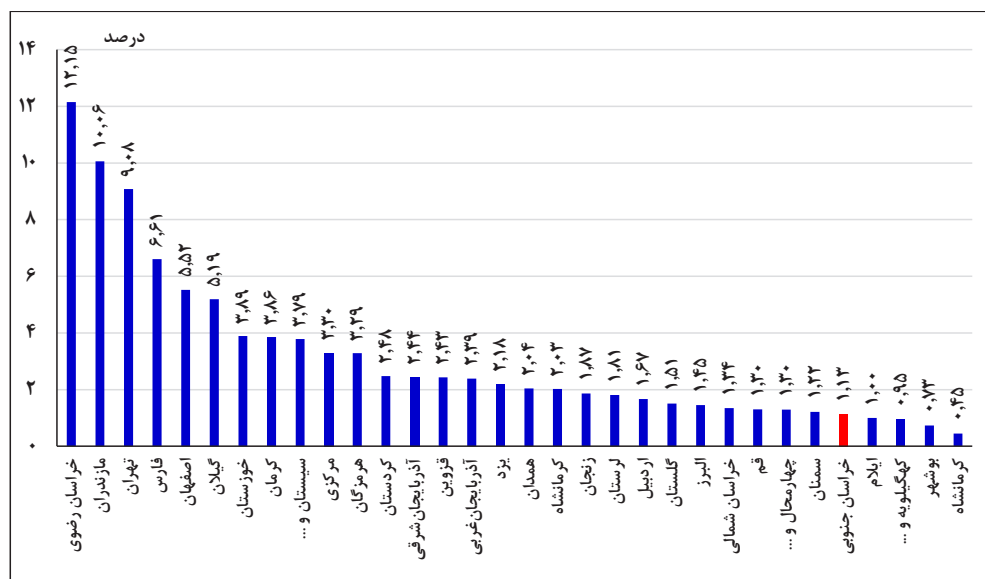
بخش فرهنگی یکی از جنبه های مهم گردشگری است و توسعه هر نوع از گردشگری موجب برجا ماندن اثرات فرهنگی بر جامعه مقصد و گردشگر می شود. با ورود گردشگران به یک مقصد و شکل گیری تعاملات فرهنگی بین مهمانان و جامعه محلی، نه تنها رفتار و فرهنگ گردشگران بر جامعه محلی اثرگذار است، بلکه گردشگران نیز تحت تأثیر فرهنگ جامعه محلی قرار می گیرند. بنابراین، توسعه گردشگری پایدار از طریق تقویت فرهنگ محلی می تواند تأثیر قابل توجهی برجا گذارد و به احیای آداب و رسوم کمک کند. در واقع گردشگری با معرفی و شناساندن فرهنگ جامعه مقصد، هم باعث افزایش آگاهی مردم نسبت به آداب و سنن بومی و هم باعث احیای هنر و صنایع بومی جامعه مقصد خواهد شد و در نهایت می تواند فرهنگ، باور و هویت یک ملت را در گرگون سازد.

۱. با اقتباس از مقاله؛ امینی و زیدی (۱۳۹۴)

## فصل اول - مشارکت مردمی در حوزه های مختلف

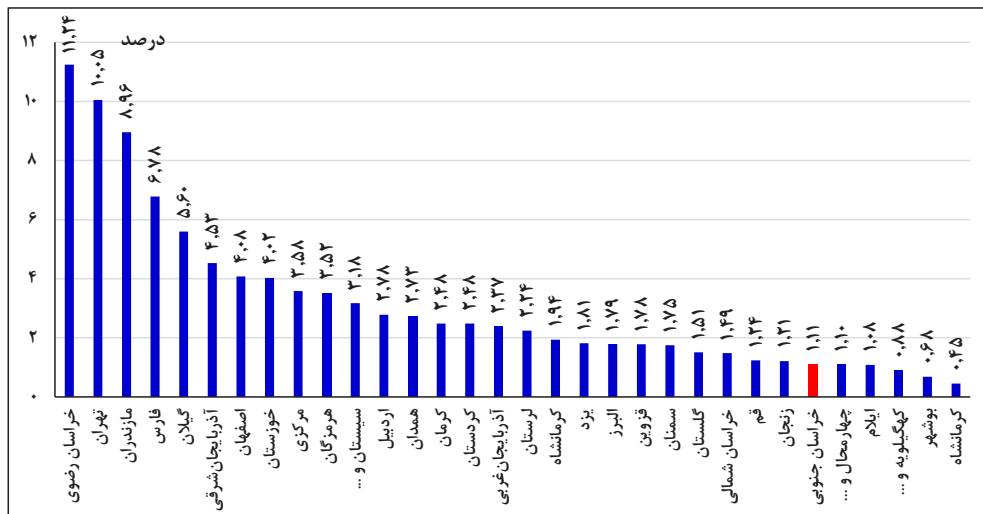
همانطور که در دو نمودار زیر مشخص است، سهم استان خراسان جنوبی از نظر تعداد مسافر و تعداد سفرهای انجام شده نسبت به بسیاری از استان های کشور بسیار پایین تر است و همین موضوع باعث شده است تا فرهنگ و باورهای مردم این استان مخصوصا در روستاها و مناطق دوردست، تغییرات اندکی داشته باشد و شکل گذشته خود را حفظ کند. به عبارتی، به دلیل اینکه افراد کمتری معمولا به این مناطق سفر کرده اند، از محیط بیرون اثر کمتری را دریافت نموده اند و شکل سنتی خود را حفظ نمودند. از جمله دلایل کمبود گردشگر استان می توان به عدم وجود زیرساخت های کافی نظیر عدم وجود سیستم حمل و نقل مناسب، عدم وجود مهمانسراهای دولتی، فعالیت گروه های آموزش ندیده و فاقد مجوز، عدم وجود تبلیغات، عدم وجود راهنمایان مجرب و دوره دیده، عدم باور به درآمدهای گردشگری از سوی آژانس های گردشگری و همچنین آب و هوای خاص منطقه اشاره کرد. بنابراین با وجود اینکه استان خراسان جنوبی دارای پتانسیل بالقوه ای در حوزه گردشگری است و می تواند با توسعه این بخش، درآمدهای زیادی کسب نماید؛ اما بنا به دلایل مختلفی هنوز اهداف موردنظر در اقتصاد گردشگری استان تحقق نیافته است و همین موضوع باعث شده که هویت و باورها مردمی این مرز و بوم شکل سنتی خود را حفظ نمایند.

سهم تعداد سفرهای انجام شده با اقامت شبانه به تفکیک استان (درصد) - ۱۴۰۰



منبع: مرکز آمار ایران، طرح آمارگیری از گردشگران ملی

سهم تعداد نفر شب اقامت بر اساس سفرهای انجام شده به تفکیک استان (درصد) - ۱۴۰۰



منبع: مرکز آمار ایران، طرح آمارگیری از گردشگران ملی

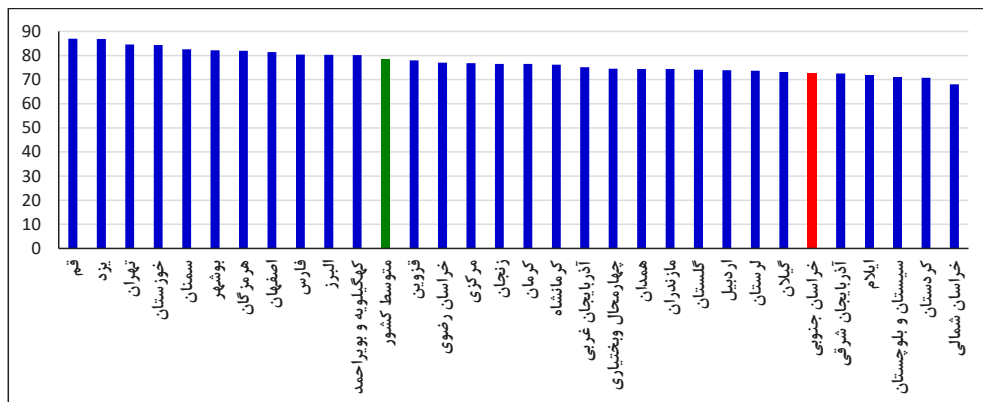
**د) توسعه اینترنت و افزایش ارتباطات**

توسعه فناوری های ارتباطی مانند اینترنت می تواند ارتباط افراد با یکدیگر و دنیای خارج را تسهیل کند و باورها و نگرش افراد را تغییر دهد. تأثیر اینترنت بر فرهنگ به حدی هست که جامعه شناسان نسل حاضر را تحت عنوان نسل Z یا نسل نت می شناسند. نسل زد یا نسل نت به افرادی تلقی می شود که تقریباً بین سال های ۱۹۹۵ تا کنون متولد شده اند. این نسل از همان ابتدای کودکی وقتی چشمان خود را به روی دنیا گشودند، توانستند پیشرفت اینترنت و سایر ابزارهای هوشمند دنیا را ببینند و اصلاً به همین خاطر به آن ها نسل نت (اینترنت) یا بومی های دیجیتال گفته می شود. تغییر در فرهنگ، باور، نگرش و شخصیت این افراد به شدت سریع اتفاق می افتد. به طوری که زمان لازم برای تغییر فرهنگ نسل زد کمتر از ۱۰ سال می باشد در صورتی که در نسل های قبلی برای تغییر نگرش آن ها شاید صدها سال زمان نیاز بود. در این راستا، وضعیت خراسان جنوبی در برخی شاخص ها نظیر ضریب نفوذ تلفن همراه، ضریب نفوذ اینترنت، شاخص سطح دسترسی به فناوری اطلاعات و ارتباطات و شاخص میزان استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات نسبت به سایر استان ها مناسب نیست و در رتبه پایین تری قرار دارد. به طور نمونه، همانطور که در نمودار صفحه مقابل مشخص است وضعیت استان خراسان جنوبی از نظر شاخص ضریب نفوذ اینترنت نسبت به سایر استان ها پایین تر است. هرچند در حال حاضر شاید بخش های زیادی از استان قابلیت اتصال به اینترنت را داشته باشند اما در گذشته به دلیل وسعت زیاد استان، توسعه وسایل ارتباطی

## فصل اول - مشارکت مردمی در حوزه های مختلف

در خراسان جنوبی نسبت به سایر استان‌ها کندتر پیش می‌رفت و همین موضوع باعث شد تا به تبع آن، تغییر رفتار و نگرش مردم استان نیز با تأخیر اتفاق بیافتد و امروزه شاهد سنتی‌تر بودن باورهای این مرز و بوم نسبت به بسیاری از استان‌های دیگر باشیم.

## ضریب نفوذ اینترنت

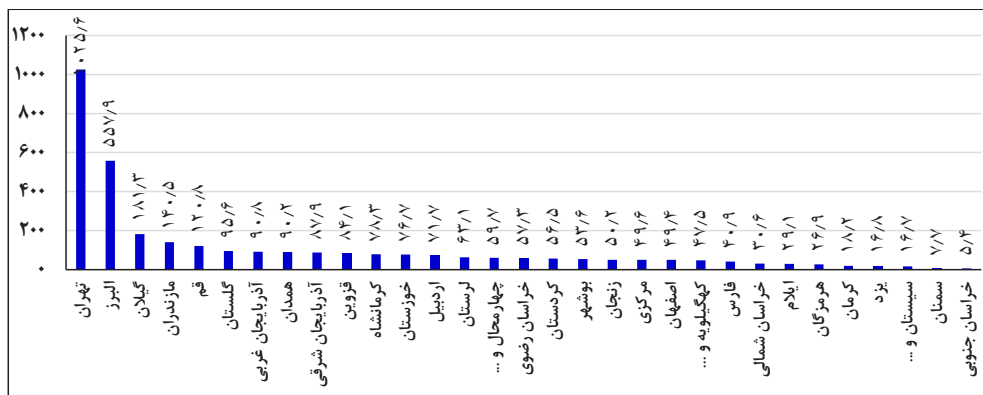


منبع: وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات

## (۵) پراکندگی جمعیت

بدون شک هرچه پراکندگی جمعیت بیشتر باشد افراد مختلف تعامل کمتری با یکدیگر دارند و همین موضوع باعث می‌شود در آداب و سنت‌ها و فرهنگ آن منطقه تغییرات کمتری اتفاق بیافتد. همانطور که از شکل زیر مشخص است تراکم جمعیت در استان خراسان جنوبی نسبت به بقیه استان‌ها بسیار پایین‌تر است که می‌تواند تأیید کننده موضوع فوق باشد.

تراکم جمعیت استان‌ها (نفر در کیلومتر مربع)



منبع: مرکز آماری ایران

## مشارکت سیاسی

موضوع مشارکت به عنوان یکی از رهیافت‌های نوین در مباحث توسعه مطرح است و صاحب نظران این عرصه پس از تجزیه و تحلیل چندین دهه برنامه‌های توسعه به این نتیجه رسیده‌اند که مشارکت مردم در فرآیند توسعه یکی از مؤثرترین راه‌های رسیدن به توسعه واقعی و بادوام و از این منظر پایدارترین و کم هزینه ترین روش است. مشارکت به منظور بهره‌گیری از قابلیت‌های افراد جامعه به سه رکن و ارزش بنیادی، سهمی کردن مردم در قدرت، راه دادن مردم به نظارت بر سرنوشت خویش و باز گشودن فرصت‌های پیشرفت به روی مردم جهت استفاده از ظرفیت‌ها و توانایی‌های خود تأکید دارد. فقط از طریق مشارکت است که قدرت سیاسی به طریق مسالمت آمیز دست به دست می‌گردد و میزان توسعه سیاسی یک کشور بستگی مستقیم به این مؤلفه دارد (کاظمی، ۱۳۷۶). به طور کل، مشارکت نیاز به شرایطی شامل شرایط مساعد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دارد که در صورت فراهم شدن آن‌ها امکان شکل‌گیری و ادامه آن وجود دارد. عوامل گوناگونی می‌توانند در کم و کیف مشارکت به عنوان یک پدیده اجتماعی نقش داشته باشند؛ این عوامل می‌توانند فرهنگ مشارکتی یا غیر مشارکتی (سنتی - تبعی) ساختار و شرایط حاکم بر جامعه (دموکراتیک - اقتدارگرا - توتالیتار)، وضعیت اجتماعی و اقتصادی که مردم یک کشور در آن قرار دارند، در نظر گرفته شوند. در این راستا مشارکت سیاسی که از شاخص‌های توسعه اجتماعی، توسعه فرهنگی و توسعه سیاسی در کشورها محسوب می‌شود، یکی از انواع مشارکت تلقی می‌شود. از حیث جامعه شناسی سیاسی، مشارکت سیاسی از وجوهای جامعه مدنی محسوب می‌شود که در آن ارتباط بین مردم و دولت از طریق مکانیزم‌هایی چون انتخابات برگزار می‌شود (شهرام نیا و همکاران، ۱۳۹۳). بنا به تعریفی مشارکت سیاسی سعی و تلاش شهروندان غیر دولتی به منظور تأثیرگذاری بر سیاست‌های عمومی یک جامعه نامیده می‌شود این امر که نوعی فعالیت اجتماعی محسوب می‌شود به صورت داوطلبانه از سوی افراد برای نیل به خواسته‌ها و تقاضاهای خود صورت می‌گیرد (هانتینگتون و نلسون، ۱۹۷۶).

در بیشتر بررسی‌های صورت گرفته توسعه سیاسی را در ارتباط با توسعه اقتصادی تبیین نموده‌اند. یعنی هنگامی که در جامعه‌ای به طور نسبی افزایش درآمد سرانه توزیع عادلانه ثروت، تقلیل فاصله طبقاتی، افزایش قابل ملاحظه درصد باسوادان، کاهش نرخ جمعیت، ایجاد گوناگونی در بخش‌های عمده تولید، افزایش صادرات کالاهای صنعتی و سرانجام عدم وابستگی به اقتصاد تک محصولی فراهم آید، تدریجاً توسعه سیاسی و مشارکت سیاسی فعال حاصل خواهد شد (شهرام نیا و همکاران، ۱۳۹۳). بسیاری از صاحب نظران و جامعه شناسان بر این باورند که استقرار

نظام دموکراتیک در جامعه‌ای که فاقد اقتصاد پیشرفته باشد امری دشوار و حتی محال است. جان استوارت میل<sup>۱</sup> تعریف خود از دموکراسی را چنین مطرح می‌کند؛ تنها شکل حکومتی که می‌تواند به تمام امور یک موضوع اجتماعی حتی در شرایط بحرانی پاسخ دهد، حکومت بر مبنای مشارکت همه مردم است. هر نوع مشارکت حتی در کوچک‌ترین نقش اجتماعی مفید است. هر چه درجه نیاز به بهبود وضع اجتماعی وسیع‌تر باشد، باید درجه مشارکت مردم بیشتر شود؛ باید تمایل نهایی این باشد که همه مردم از قدرت حاکمه جامعه سهمی داشته باشند. بر این اساس می‌توان استدلال کرد در جامعه‌ای که مشارکت سیاسی در سطح بالایی نهادینه شده باشد، توسعه سیاسی تحقیقاً صورت خواهد پذیرفت و جامعه برخوردار از توسعه سیاسی، استواری و توانمندی خود را با توسعه اقتصادی تکمیل خواهد کرد. اصولاً هر چه روند توسعه که لزوماً به کیفیت زندگی انسان مربوط می‌شود، گسترش یابد و شاخص‌های آن، به ویژه رفاه اقتصادی افزایش یابد، روحیه و زمینه مشارکت افراد در امور سیاسی نیز افزایش می‌یابد (لفت‌ویچ؛ ۱۳۷۸). حرکت به سوی توسعه و افزایش کیفیت زندگی افراد در جوامع دموکراتیک که هنجارهای آن از مشارکت سیاسی افراد جامعه و طرح مطالبات آن‌ها نیز حمایت می‌کند، تا حد بسیار زیادی تحت تأثیر رشد سیاسی قرار می‌گیرد. به بیان دیگر رابطه‌ای معنادار میان رشد سیاسی با توسعه وجود دارد که در نتیجه آن مشارکت سیاسی بهینه افراد جامعه با تحت تأثیر قرار دادن ساخت سیاسی و نهاد حکومت در راستای پاسخ به مطالبات و نیازهای شهروندان مسیر توسعه را نیز هموار می‌سازد (شهرام نیا و همکاران، ۱۳۹۳). بدین سان می‌توان توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را مقید و مشروط به امر مشارکت دانست. زیرا در توسعه هدف ظهور قابلیت‌های افراد در دو سطح حیات فردی و حیات اجتماعی است و این ظهور و بروز تنها در راستای مشارکت محقق می‌شود. در این راستا پیش شرط هرگونه مشارکتی، ایجاد و فراهم‌سازی شرایط مناسب برای ظهور توانایی‌های نظری و عملی اقشار جامعه است. زیرا مردم در اجرای تصمیماتی که خود در تعیین آن‌ها نقش داشته، برنامه‌ریزی کرده و آن را کنترل و ارزیابی نموده‌اند، مشارکت فعال و هدفمندی خواهند داشت. از طرف دیگر، توسعه نظام سیاسی با توسعه بخش‌های دیگر از جامعه از جمله توسعه اقتصادی همبستگی دارد. به عبارت دیگر توسعه سیاسی جامعه نمی‌تواند از لحاظ سطح توسعه، فاصله زیادی با توسعه اقتصادی داشته باشد. اصولاً هدف از رشد و توسعه اقتصادی چیزی به جز بهبود و ارتقای شرایط زیست همگانی در یک محیط و نظام سیاسی و در یک کلمه رفاه اقتصادی نیست (شهرام نیا و همکاران، ۱۳۹۳).

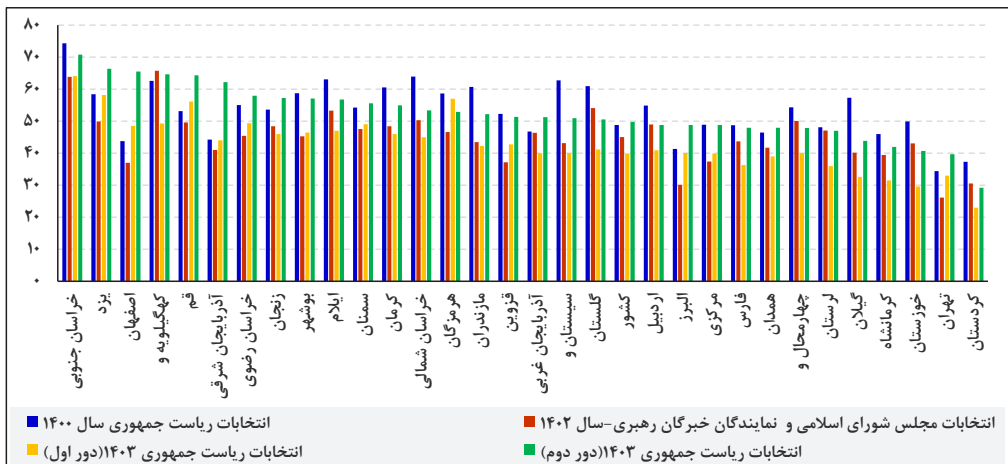
قانون اساسی جمهوری اسلامی به عنوان اصلی‌ترین سند تضمین حقوق و آزادی‌ها با تعیین رابطه قانون‌مند و از پیش تعیین شده برای دولت و ملت بر آن است تا با رسمیت بخشیدن به حقوق مشارکت به عنوان حقوق شهروندی و تعیین حدود آن، وظایف دولت را برای پیوند با مردم و در اعمال قدرت معین سازد. مطابق بند ۸ اصل سوم

<sup>۱</sup> John Stuart Mill

<sup>۲</sup> Leftwich

قانون اساسی مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش از حقوق مسلم ملت ایران است که با توجه به عموم و اطلاعات آن، شامل تمام افراد ملت ایران شده و اکثریت مسلمانان شیعه را مدنظر قرار نداده است. در سایه اعتبار این سند است که حکومت و قوای عالیّه آن زاده می‌شود و اختیارات و صلاحیت‌های آن شکل می‌گیرد و تکوین می‌یابد. با هدف آنکه روابط بین حقوق مردم و قدرت دولت عاری از استبداد و فساد تعریف و تنظیم شود و در کلیه حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، حقوقی و اجتماعی حضور پررنگ مردم تعریف شده و استمرار یابد. مسئله مشارکت سیاسی در جوامع بشری، یک مسئله عام و فراگیر است و کمتر روزی را می‌توان یافت که در رسانه‌های جمعی، مطبوعات و حتی گفتگوهای روزمره حرفی از حقوق بشر و مشارکت مردم در سرنوشت دولت‌ها در میان نباشد. در ایران نیز به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی مشارکت سیاسی به‌خصوص رفتار رأی‌دهی، از توجه شایانی برخوردار گردید. در ساختار سیاسی و حقوقی ایران در قالب اصول قانون اساسی و همچنین قوانین حوزه حقوق عمومی در بخش‌های مختلف ابزارهای تحقق مشارکت سیاسی پذیرفته شده است. از طرف دیگر مشارکت مردم در امور سیاسی یک کشور، نشان دهنده مقبولیت آن نظام برای مردم است. همانطور که در نمودار زیر مشخص است استان خراسان جنوبی در چهار انتخابات گذشته نقش پررنگی داشته است و مشارکت سیاسی این استان بالا بوده است. این نتایج بیانگر مقبولیت بالای نظام جمهوری اسلامی در بین مردم استان خراسان جنوبی می‌باشد.

مشارکت در انتخابات (درصد مشارکت)

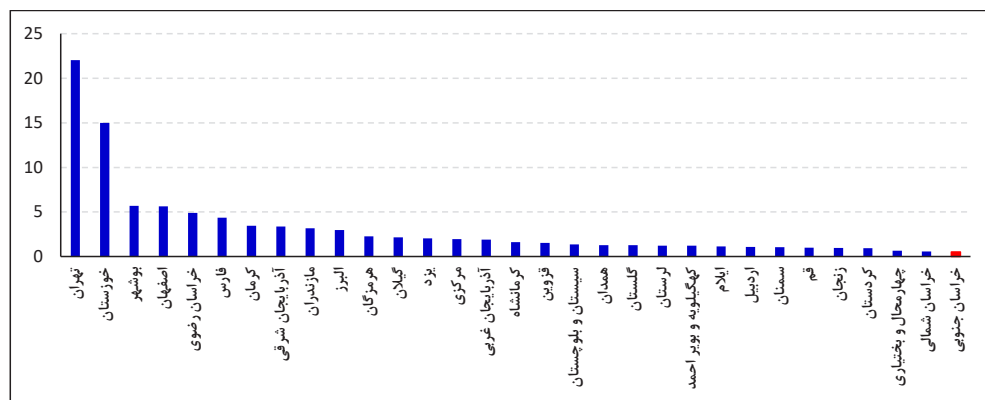


منبع: وزارت کشور

### مشارکت اقتصادی

در بخش های قبلی وضعیت استان خراسان جنوبی در زمینه های مختلف مشارکت نظیر مشارکت فرهنگی، اجتماعی، سیاسی مورد ارزیابی قرار گرفت و نتایج گویای وضعیت قابل قبول استان در این شاخص ها بود. اما این سوال ذهن اغلب سیاست گذاران و برنامه ریزان استان را به خود درگیر کرده است که چرا با وجود مشارکت بالای مردم استان در حوزه های مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و مذهبی، وضعیت استان در زمینه اقتصادی نسبت به سایر استان ها چندان مناسب نیست؟ آیا مشارکت اقتصادی در استان همانند مشارکت در سایر بخش ها بالاست؟ اگر مشارکت اقتصادی در استان پایین است، چه عواملی باعث شده است که با وجود حضور پررنگ مردم استان در سایر حوزه ها، مشارکت در این بخش کمتر باشد؟ اگر نگاهی به سهم استان از تولید ناخالص داخلی کشور داشته باشیم شاهد خواهیم بود که سهم استان تنها ۰٫۵۱ درصد است و در رتبه ۳۱ قرار دارد که رتبه بسیار پایینی است.

سهم استان از تولید ناخالص داخلی (درصد)

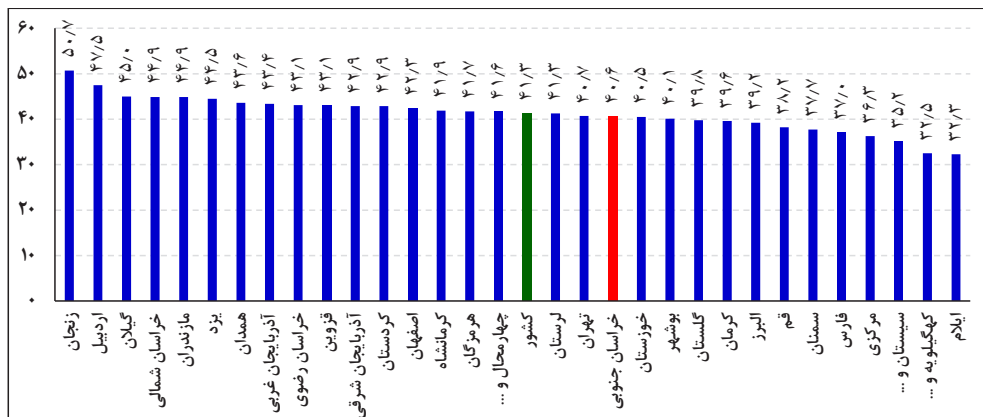


منبع: مرکز آمار ایران

بنابراین با توجه به سهم اندک استان از تولید ناخالص ملی مشخص می گردد که با وجود ظرفیت های بالایی که استان در زمینه های مختلف کشاورزی، صنعتی و معدنی دارد، وضعیت استان چندان مناسب نیست. در این راستا، بهتر است ابتدا نرخ مشارکت اقتصادی استان مورد بررسی قرار گیرد تا میزان مشارکت مردم استان در اقتصاد مشخص شود. نرخ مشارکت اقتصادی از نسبت جمعیت فعال استان (شامل جمعیت بیکار و شاغل ۱۵ ساله و بالاتر) به جمعیت ۱۵ ساله و بالاتر بدست می آید. نرخ مشارکت اقتصادی به ما می گوید که چه درصدی از کل جمعیت در سن کار از نظر اقتصادی فعال هستند. به عبارت دیگر به ما می گوید که چند درصد از افراد توانمند به کار واقعاً

کار می‌کنند یا حداقل به دنبال کار هستند. همانطور که در نمودار زیر مشخص است نرخ مشارکت استان خراسان جنوبی از متوسط کشوری پایین‌تر است و در رتبه ۱۹ کشوری قرار دارد.

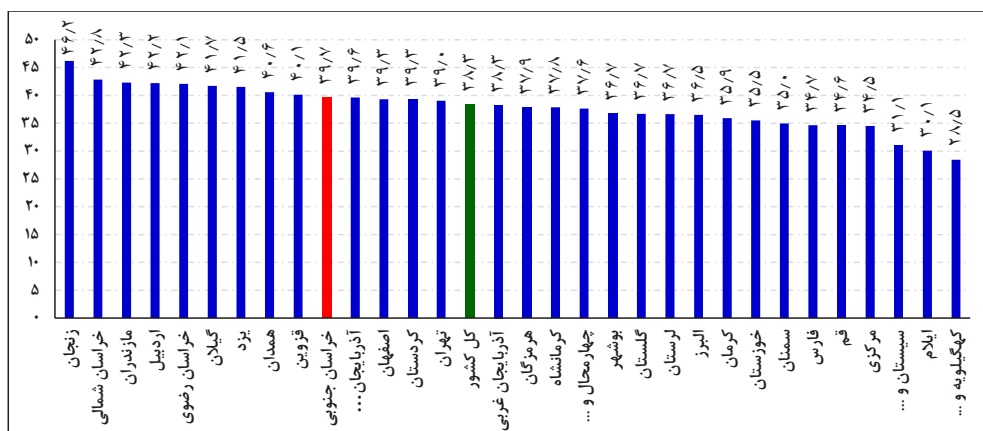
نرخ مشارکت اقتصادی سال ۱۴۰۲- (درصد)



منبع: مرکز آمار ایران

بنابراین با توجه به این شاخص بر خلاف حضور پررنگ مردم استان در سایر حوزه‌ها، مشارکت آن‌ها در اقتصاد کمتر می‌باشد. با این حال برای بررسی بهتر موضوع از شاخص دیگری تحت عنوان نسبت اشتغال استفاده می‌کنیم. نسبت اشتغال از نسبت جمعیت شاغل ۱۵ ساله و بالاتر به جمعیت ۱۵ ساله و بالاتر بدست می‌آید. این شاخص یکی از مهم‌ترین پارامترها برای سنجش وضعیت بازار کار است.

نسبت اشتغال (درصد) - پاییز ۱۴۰۲

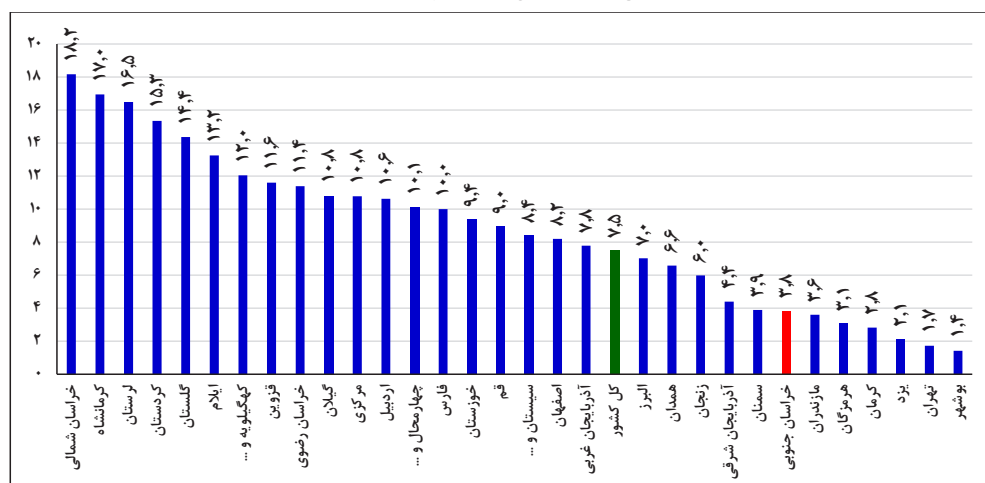


منبع: مرکز آمار ایران

## فصل اول - مشارکت مردمی در حوزه های مختلف

همانطور که از نمودار فوق مشخص است نسبت اشتغال در خراسان جنوبی مطابق با آخرین آمار منتشر شده مرکز آمار (پاییز ۱۴۰۲) برابر ۳۹,۷ درصد است که نسبت به متوسط کشور (۳۸,۳ درصد) مقدار بالاتری است و در رتبه ۱۰ قرار دارد. این موضوع بیانگر این است که از کل جمعیت ۱۵ ساله و بالاتر استان، حدود ۳۹,۷ درصد آن‌ها شاغل می‌باشند. اما سوالی که مطرح می‌گردد این است که چند درصد از این اشتغال به صورت ناقص است؟ به عبارتی رتبه استان در اشتغال ناقص به چه شکل است؟ طبق تعریف آماری، افراد دارای «اشتغال ناقص» شامل تمام شاغلانی است که به دلایل اقتصادی نظیر رکود کاری، پیدا نکردن کار با ساعت کار بیشتر، قرار داشتن در فصل غیرکاری و به هر دلیل دیگری، کمتر از ۴۴ ساعت در هفته کار می‌کنند و خواهان و آماده برای انجام کار اضافی در هفته هستند؛ به عبارتی این افراد به دلایل مختلف مجبور هستند کمتر از نرم استاندارد در هفته کار کنند. نوع فعالیت این افراد تحت عنوان اشتغال ناقص شناخته می‌شوند. در نمودار زیر اشتغال ناقص استان‌های کشور قابل مشاهده است.

نرخ اشتغال ناقص (درصد) - پاییز ۱۴۰۲



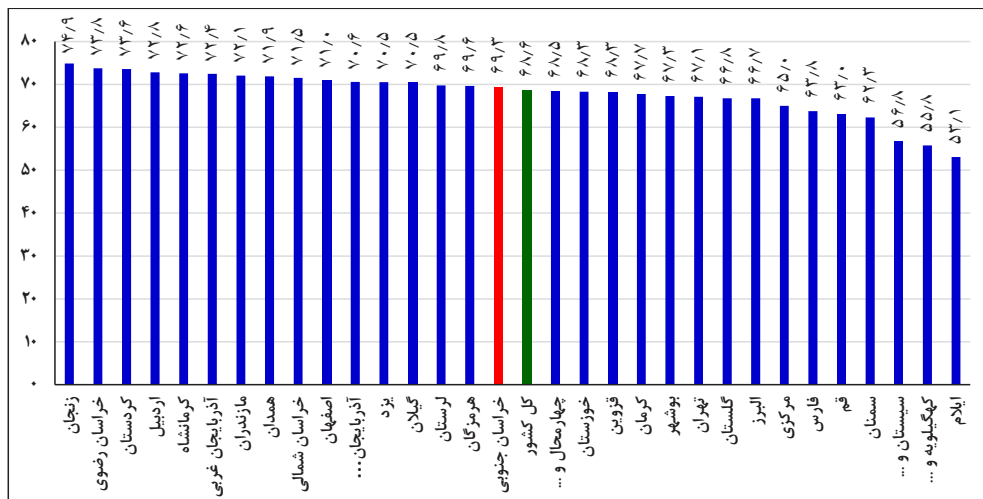
منبع: مرکز آمار ایران

همانطور که در نمودار بالا مشخص است اشتغال ناقص استان برابر ۳,۸ درصد می‌باشد که نسبت به بسیاری از استان‌ها و متوسط کشوری بهتر است.

موضوع دیگری که در خصوص مشارکت اقتصادی به ذهن خطور می‌کند این است که آیا دلیل پایین بودن تولید ناخالص داخلی می‌تواند بخاطر مشارکت پایین زنان استان نسبت به سایر استان‌ها در اقتصاد استان باشد؟ برای

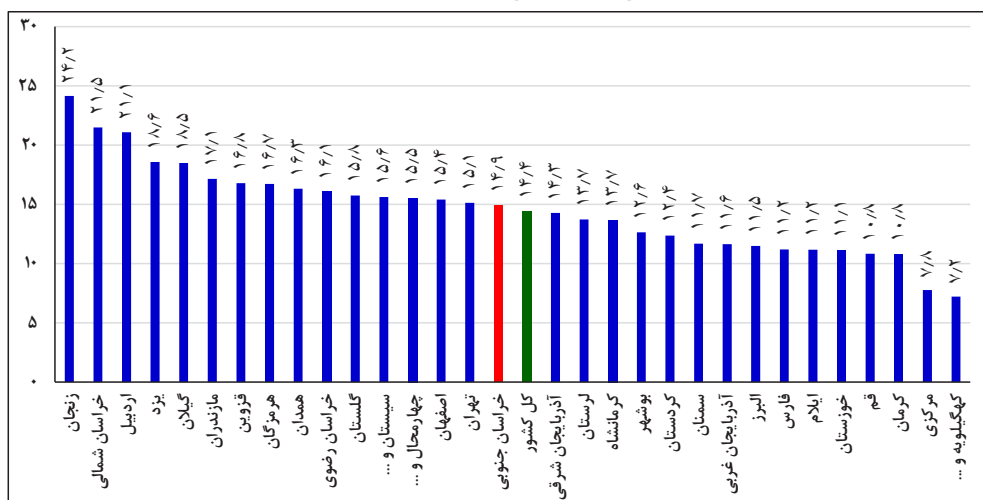
بررسی این موضوع بهتر است ابتدا نرخ مشارکت زنان و مردان استان را با سایر استان‌ها مورد مقایسه قرار دهیم. این آمار در نمودار زیر قابل مشاهده است.

نرخ مشارکت مردان (درصد) - پاییز ۱۴۰۲



منبع: مرکز آمار ایران

نرخ مشارکت زنان (درصد) - پاییز ۱۴۰۲



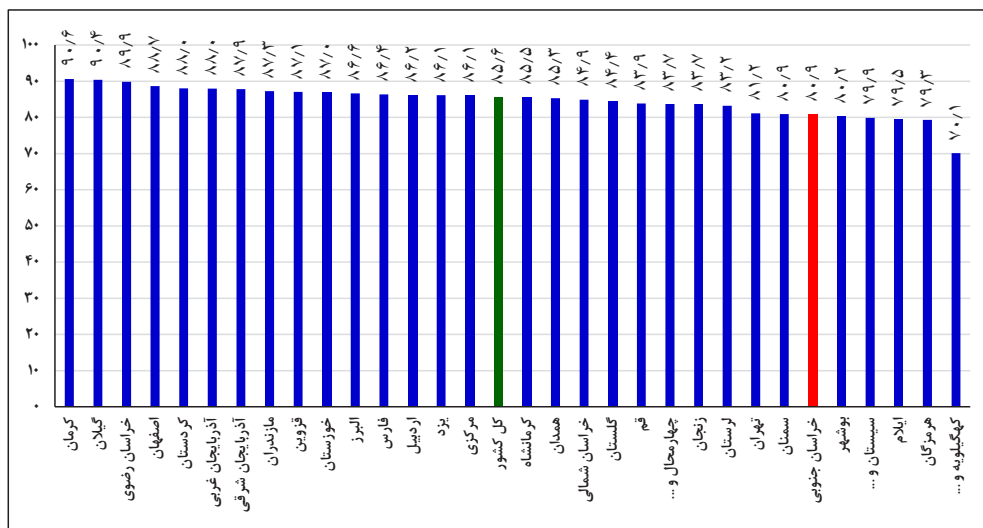
منبع: مرکز آمار ایران

## فصل اول - مشارکت مردمی در حوزه های مختلف

همانطور که از دو نمودار قبلی مشخص است، هرچند مشارکت زنان در اقتصاد استان (۱۴,۹ درصد) بسیار اندک است و می توان با افزایش مشارکت آنان در بخش های مختلف تولید شرایط اقتصادی و معیشت خانوارها را بهبود داد، اما استان در این دو شاخص رتبه ۱۶ را داراست و با اختلاف اندک نسبت به متوسط کشوری (۴,۱۴ درصد) در وضعیت بهتری قرار گرفته است. با این حال می توان با افزایش مشارکت زنان در اقتصاد به جهش تولید کمک کرد.

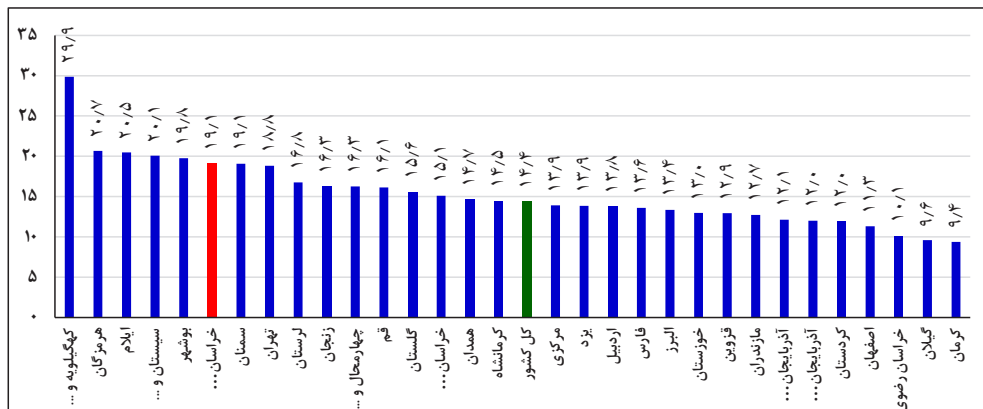
موضوع دیگری که در خصوص مشارکت اقتصادی مطرح می شود این است که ترکیب اشتغال استان به چه صورت است؟ آیا استان توانسته است سهم بخش خصوصی را در اقتصاد خود افزایش دهد؟ برای بررسی این موضوع به ترکیب اشتغال استان می پردازیم. نمودارهای زیر سهم اشتغال در بخش خصوصی و دولتی را نشان می دهند. همانطور که در نمودار زیر مشخص است، سهم بخش خصوصی در استان نسبت به بسیاری از استان ها و متوسط کشوری پایین تر می باشد و بالعکس، سهم بخش دولتی نسبت به بسیاری از استان ها و متوسط کشوری بالاتر است. این در حالی است که برای جهش تولید در استان نیازمند مشارکت آحاد جامعه و بخش خصوصی هستیم. بنابراین لازم است شرایط برای ورود بخش خصوصی و مشارکت مردمی فراهم گردد.

سهم اشتغال بخش خصوصی استان - پاییز ۱۴۰۲



منبع: مرکز آمار ایران

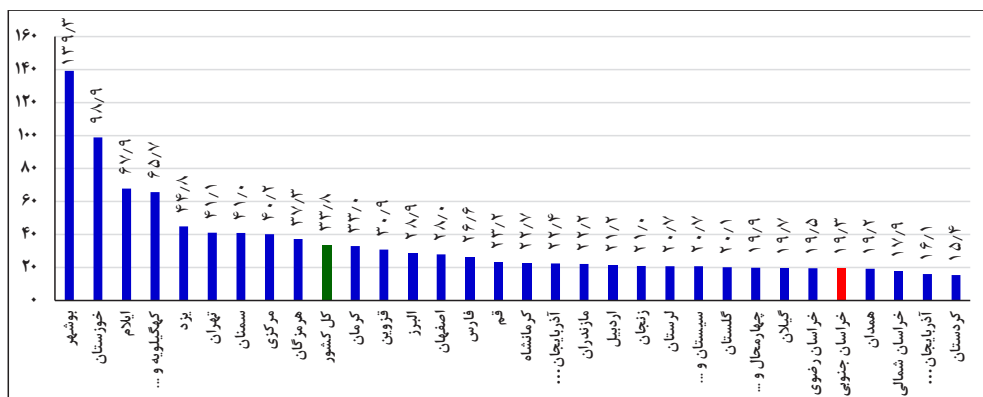
سهم اشتغال بخش دولتی استان - پاییز ۱۴۰۲



منبع: مرکز آمار ایران

حال با توجه به مباحث مطرح شده فوق، سوال اساسی که مطرح می‌گردد این است که چرا با وجود وضعیت مناسب استان در شاخص‌های نسبت اشتغال و شاخص نرخ اشتغال ناقص، تولید ناخالص داخلی استان وضعیت مناسبی ندارد و جایگاه اقتصادی استان نسبت به بسیاری از استان‌های دیگر پایین‌تر است؟ شاید یکی از دلایل آن این باشد که با وجود نسبت اشتغال مناسب در استان، بهره‌وری نیروی کار اندک باشد. برای بررسی این موضوع، بهره‌وری نیروی کار استان‌های ایران به صورت نسبت تولید ناخالص داخلی به جمعیت شاغل ۱۵ ساله و بالاتر محاسبه گردید. این شاخص بیانگر این موضوع است که به ازای هر نفر شاغل در هر استان، چه مقدار تولید انجام می‌شود. نتایج محاسبات بهره‌وری نیروی کار استان‌ها در نمودار زیر قابل مشاهده است.

میزان بهره‌وری نیروی کار استان‌ها



منبع: محاسبات محقق و بر اساس آمار مستخرج از مرکز آمار ایران

همانطور که در نمودار قبلی مشخص است میزان بهره‌وری نیروی کار خراسان جنوبی نسبت به بسیاری از استان‌ها و متوسط کشوری کمتر است. بنابراین، با وجود اینکه وضعیت استان در شاخص‌هایی نظیر نسبت اشتغال و نرخ اشتغال ناقص مناسب است، اما بهره‌وری افراد شاغل استان پایین بوده و همین موضوع باعث شده است با وجود وضعیت خوب نماگرهای آماری اشتغال استان، وضعیت تولید چندان مناسب نباشد.

مشکل دیگری که اقتصاد استان با آن دست و پنجه نرم می‌کند و باعث شده است سهم تولید ناخالص داخلی استان از کل کشور اندک باشد، ساختار اقتصادی استان می‌باشد که سنتی محور و بر پایه کشاورزی است. برای اینکه وضعیت تولید ناخالص داخلی استان را بهتر بررسی کنیم لازم است سهم استان را در اجزا تشکیل دهنده ارزش افزوده کل جستجو نماییم. در جدول مقابل سهم و رتبه ارزش افزوده رشته فعالیت‌های اقتصادی استان نسبت به کشور به تفکیک بخش‌های عمده اقتصادی به قیمت جاری ارائه شده است. همانطور که در جدول مشخص است استان خراسان جنوبی با وجود پتانسیل‌های بالایی که در حوزه کشاورزی دارد، سهم این بخش از ارزش افزوده کشور کمی بیشتر از ۱ درصد می‌باشد که باعث شده است رتبه استان بین ۲۷ و ۲۸ در حال جابجا شدن باشد. این رتبه نشان می‌دهد که هنوز از تمام پتانسیل استان در حوزه کشاورزی استفاده نشده است. در بخش ارزش افزوده معدن، استان در رتبه ۱۰ قرار دارد. این رتبه شاید در نگاه اول رتبه قابل قبولی باشد اما اگر به سهم ارزش افزوده بخش معدن استان از ارزش افزوده معدن کل کشور نگاهی بیاندازیم خواهیم دید که سهم استان بین ۰٫۱۵ درصد تا ۰٫۳ درصد در حال نوسان است که مقدار بسیار پایینی می‌باشد. این درحالی است که خراسان جنوبی با داشتن معادن استراتژیک نظیر طلا، قلع، تنگستن، مس، سرب، روی، آهن، زغال‌سنگ، منیزیم، گرانیت، مرمریت، تراورتن، بازالت، مرمر و غیره و ساختار زمین‌شناسی منحصر به فرد در رتبه ششم تعداد معادن می‌باشد. سهم پایین استان در ارزش افزوده بخش معدن نشانگر این است که از تمامی ظرفیت‌های استان استفاده نشده است. در حوزه صنعت نیز وضعیت استان مطلوب نیست. استان خراسان جنوبی با داشتن سهم ۰٫۳ الی ۰٫۴ درصدی از ارزش افزوده بخش صنعت کل کشور در رتبه انتهای جدول قرار دارد که نشانگر عدم توجه کافی به این بخش هست. این درحالی است که استان خراسان جنوبی یک استان مرزی است و می‌تواند با گسترش صنایع مختلف و افزایش تولید و صادرات آن به کشور همسایه به رشد و تعالی خود و کشور کمک شایانی کند. در نهایت، در بخش خدمات نیز استان در جایگاه مناسبی قرار ندارد. خراسان جنوبی با سهم ۰٫۵ درصدی از ارزش افزوده خدمات کل کشور در رتبه ۳۰ قرار دارد که بیانگر وضعیت نه چندان مطلوب استان در این بخش است.

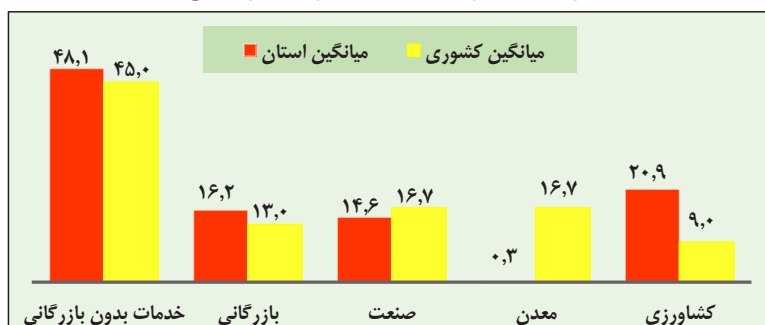
سهم استان در بخش‌های مختلف تولید ناخالص داخلی

بخش	سال		۱۳۹۴		۱۳۹۵		۱۳۹۶		۱۳۹۷		۱۳۹۸		۱۳۹۹	
	رتبه	سهم	رتبه	سهم	رتبه	سهم	رتبه	سهم	رتبه	سهم	رتبه	سهم	رتبه	سهم
کشاورزی	۲۷	۱.۲۱	۲۷	۱.۲۲	۲۷	۱.۰۶	۲۸	۱.۰۴	۲۸	۱.۲۴	۲۸	۱.۲۱	۲۸	۱.۲۱
معادن	۱۰	۰.۳۱	۱۰	۰.۲۴	۱۰	۰.۲۲	۱۰	۰.۱۵	۱۰	۰.۳۰	۹	—	—	—
صنعت	۳۱	۰.۴۳	۳۱	۰.۳۴	۳۱	۰.۴۰	۳۱	۰.۳۰	۳۱	۰.۳۳	۳۱	۰.۳۲	۳۰	۰.۳۲
خدمات	۳۰	۰.۵۴	۳۰	۰.۵۴	۳۰	۰.۵۶	۳۰	۰.۵۵	۳۰	۰.۵۸	۲۹	۰.۵۵	۳۰	۰.۵۵

منبع: مرکز آمار ایران.

در ادامه خلاصه‌ای از آمار مربوط به سهم ارزش افزوده بخش‌های اقتصادی استان خراسان جنوبی از کل ارزش افزوده استان و مقایسه آن با سهم کشوری ارائه می‌گردد.

سهم ارزش افزوده بخش‌های اقتصادی استان خراسان جنوبی-۱۳۹۹



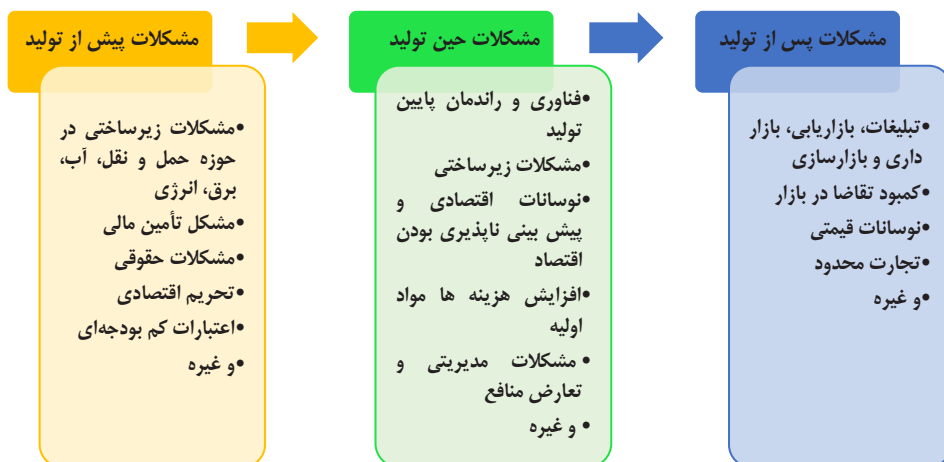
منبع: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان خراسان جنوبی

همانطور که از آمار فوق مشخص است اقتصاد استان بیشتر سنتی محور است و سطح فناوری صنایع آن نیز پایین می‌باشد. به عنوان مثال سهم بخش کشاورزی کشور از تولید ناخالص کشور برابر ۹ درصد است ولی برای استان این سهم برابر ۲۰,۹ درصد می‌باشد.

با این حال عوامل دیگری نیز در محدود شدن مشارکت اقتصادی مردم نقش دارند که مربوط به فرآیند پیش از تولید، حین تولید و پس از تولید می‌باشند. در حقیقت برای ورود آحاد جامعه به تولید ابتدا باید یک سری از شرایط فراهم گردد تا رغبت بخش خصوصی و مردمی به اقتصاد افزایش پیدا کند. به طور مثال، تا زمانی که زیرساخت مناسب برای مشارکت مردم در اقتصاد فراهم نگردد، اقدامات اقتصادی از سوی مردم و هدر رفت منابع مالی آن‌ها فقط باعث دلسردی آنان خواهد شد. وجود قوانین مخل و مزاحم تولید می‌تواند رغبت مردم را برای

مشارکت در اقتصاد و تولید کاهش دهد و سرمایه ها را به سمت فعالیتهای نامولد حرکت دهد. بنابراین، لازم است هم اقدامات سخت افزاری (مانند ایجاد زیرساختها، مراکز آموزشی و غیره) و هم نرم افزاری (مانند حذف قوانین مخل و مزاحم، تسهیل صدور مجوزها و غیره) در مراحل پیش از تولید، حین تولید و پس از تولید در دستور کار قرار گیرد. در ادامه به برخی از این مشکلات پرداخته شده است.

برخی از مشکلات پیش روی جهش تولید با مشارکت مردم



در خصوص این مشکلات و راهکارهای حل آنها و همچنین، وضعیت استان خراسان جنوبی به طور مفصل در جلد اول کتاب «اقتصاد مردم پایه: الزامات تحقق شعار سال (جلد اول)» بحث شده است.

### آیا با وجود مشارکت بالای آحاد جامعه در حوزه های سیاسی، فرهنگی، مذهبی، اجتماعی و غیره می توان انتظار مشارکت بالای اقتصادی در آن جامعه را داشت؟

#### ۱. بررسی موضوع از منظر هزینه آشکار و پنهان

همانطور که در بخش های قبلی بحث شد مشارکت مردم استان خراسان جنوبی در حوزه های فرهنگی-مذهبی، سیاسی، اجتماعی بالا است اما در بخش اقتصادی این مشارکت نسبت به سایر حوزه ها پایین تر است. چرا؟ شاید مهم ترین دلیل این اتفاق، هزینه مشارکت در حوزه های مختلف باشد. در علم اقتصاد هزینه ها به دو گروه تقسیم می شوند. هزینه آشکار (صریح) و هزینه غیر آشکار (ضمنی).

### هزینه آشکار

- به کلیه هزینه‌هایی اطلاق می‌گردد، که در راستای تداوم کسب و کار، به صورت مستقیم بابت آن‌ها پول یا منابعی پرداخت می‌شود، مانند دستمزد نیروی کار، هزینه مواد اولیه و اجاره.

### هزینه غیر آشکار

- هزینه‌هایی که مستقیماً پولی بابت آن پرداخت نشده باشد و معمولاً در صورت مالی شرکت هم جای نمی‌گیرد. مانند هزینه آلودگی یا هزینه فرصت.
- (هزینه فرصت به معنای از دست دادن سود یا فرصتی است که در صورت انتخاب سایر گزینه‌های پیش‌روی فرد، امکان به دست آوردن آن‌ها وجود داشت. به عبارت دیگر، زمانی که شما از بین دو فرصت، یکی را انتخاب می‌کنید، مزایای فرصت دوم را از دست خواهید داد (فرصت دوم در ازای انتخاب فرصت اول، هزینه شده است)؛ به همین دلیل به آن «هزینه فرصت از دست رفته» نیز گفته می‌شود).

حال سوالی که مطرح می‌شود این است که هزینه‌هایی که برای هر کدام از مشارکت‌ها وجود دارد بیشتر از کدام نوع است؟ بدون شک هزینه‌هایی که در مشارکت سیاسی و فرهنگی-مذهبی وجود دارد بیشتر جنبه هزینه غیرآشکار یا هزینه فرصت را دارد تا هزینه آشکار و مادی. به عنوان مثال، اگر یک روز تعطیل را در نظر بگیریم که در آن بنا به دلایلی قرار است راهپیمایی برگزار شود (مثالی برای مشارکت سیاسی-فرهنگی-مذهبی)؛ فرد دو انتخاب خواهد داشت: ۱. ماندن در خانه و استراحت کردن ۲. مشارکت در راهپیمایی. بنابراین هزینه‌ای که در اینجا ایجاد می‌شود بیشتر هزینه غیر آشکار یا هزینه فرصت است. به عبارتی زمانی که فرد به راهپیمایی برود فرصت استراحت کردن را از دست خواهد داد و آن را هزینه خواهد کرد تا بجای آن به راهپیمایی برود. لذا هزینه آشکار و مالی چندانی نیاز ندارد که مانع از حضور او در این فعالیت سیاسی-فرهنگی-مذهبی شود. بنابراین هزینه‌های مربوط به مشارکت فرهنگی-مذهبی، سیاسی، اجتماعی بیشتر هزینه‌های غیر آشکار یا هزینه فرصت است که با توجه به آمار و ارقام مردم استان خراسان جنوبی نیز این نوع هزینه را پرداخت کرده و در بخش‌های مختلف فرهنگی-مذهبی و سیاسی مشارکت قابل قبولی دارند.

اما هزینه‌های مشارکت اقتصادی هم از نوع غیر آشکار و هزینه فرصت و هم از نوع آشکار و مالی می‌باشد؛ که البته جنبه هزینه‌های آشکار و مالی آن وزن بیشتری دارد. این نوع هزینه‌ها نیز به دو صورت به فرد تحمیل می‌شوند:

۱. هزینه‌های شخصی: هزینه‌هایی که فرد برای مشارکت اقتصادی شخصاً باید پرداخت نماید. مانند هزینه شروع کسب و کار، هزینه تأمین مالی، هزینه خرید مواد اولیه، هزینه ساخت، هزینه اجاره، دستمزد، هزینه تبلیغات و غیره. بنابراین مشارکت اقتصادی نیازمند یک سری هزینه‌های مالی یا آشکار هست که فرد باید آن‌ها را پرداخت کند تا بتواند به عنوان یک عنصر موثر در اقتصاد دخالت نماید. اما از آنجا که درآمد مردم استان خراسان جنوبی

نسبت به سایر استان‌ها چندان زیاد نیست، هزینه مشارکت اقتصادی برای آن‌ها بالا می‌باشد. جدول زیر نشان می‌دهد که متوسط درآمدهای ناخالص سالانه یک خانوار شهری و روستایی استان از سال ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ روند افزایشی داشته است و در تمامی سال‌ها این درآمد برای خانوار شهری تقریباً دو برابر خانوار روستایی و کمتر از متوسط کشوری بوده است. متأسفانه درآمد سالانه یک خانوار روستایی استان نسبت به سایر استان‌ها در وضعیت مناسبی نبوده و در رتبه های ۲۹ و ۳۰ در گردش هست که نشان‌دهنده وضعیت نامطلوب خانوارهای روستایی استان نسبت به سایر استان‌هاست.

متوسط درآمد سالانه یک خانوار شهری و روستایی

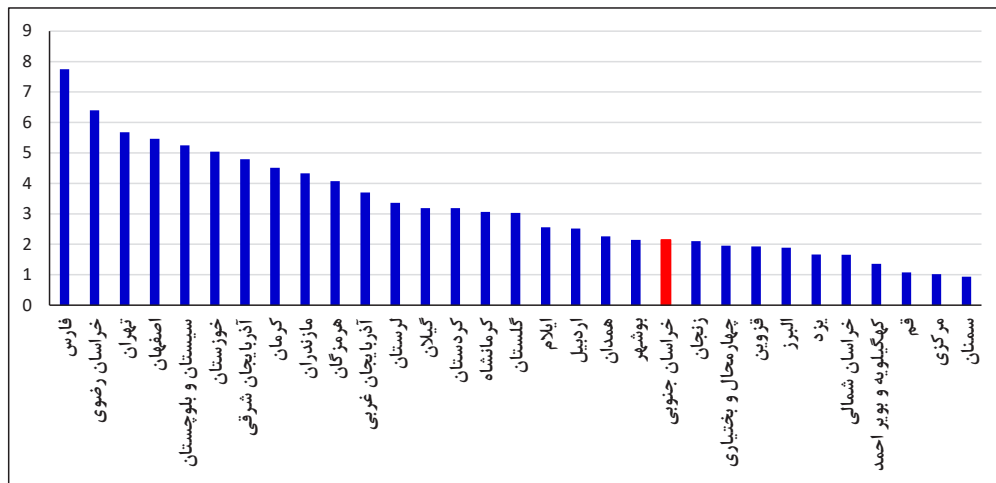
شاخص	۱۳۹۶		۱۳۹۷		۱۳۹۸		۱۳۹۹		۱۴۰۰	
	رتبه	مقدار	رتبه	مقدار	رتبه	مقدار	رتبه	مقدار	رتبه	مقدار
متوسط درآمد سالانه یک خانوار شهری کشور	--	۳۶۶۸۴۸	--	۴۳۴۹۰۵	--	۵۴۱۰۰۷	--	۷۴۶۷۶۴	--	۱۱۲۴۲۱۷
متوسط درآمد سالانه یک خانوار شهری خراسان جنوبی	۲۲	۲۸۰۳۸۷	۲۷	۳۱۳۰۴۶	۲۸	۳۹۳۳۶۹	۲۵	۵۴۰۶۵۰	۲۱	۸۳۲۳۸۵
متوسط درآمد سالانه یک خانوار روستایی کشور	--	۲۰۱۸۴۲	--	۲۳۳۱۱۴	--	۲۹۷۰۲۲	--	۴۲۰۴۷۰	--	۶۳۷۱۳۲
متوسط درآمد سالانه یک خانوار روستایی خراسان جنوبی	۳۰	۱۳۸۱۵۶	۲۹	۱۶۱۳۸۳	۳۰	۱۹۷۵۵۳	۲۹	۲۵۹۶۸۲	۲۹	۳۸۷۵۸۶

منبع: مرکز آمار ایران

بنابراین آنچه که مشخص است هزینه بالای مشارکت اقتصادی و محدودیت درآمد مردم استان، باعث محدودتر شدن مشارکت اقتصادی مردم شده است.

۲. **هزینه‌های غیر شخصی:** منظور از این نوع هزینه، هزینه‌هایی است که به واسطه سیاست‌های دولت یا عوامل خارجی ایجاد می‌شوند. از جمله این هزینه‌ها می‌توان به بروکراسی شدید اداری، مقررات مخل و دست و پاگیر، سیاست نامناسب و دخالت‌های شدید دولت، نوسانات اقتصادی و پیش‌بینی ناپذیر بودن اقتصاد، تحریم‌های اقتصادی و محدودیت‌های تجاری، محدود بودن اعتبارات بودجه و حمایت‌های دولتی را نام برد. بنابراین وجود این هزینه‌ها باعث کاهش مشارکت اقتصادی مردم می‌گردد. به طور مثال اگر اعتبارات بودجه را مورد بررسی قرار دهیم خواهیم دید که سهم استان از این اعتبارات نسبت به تراکم جمعیتی محدود می‌باشد و همین موضوع باعث عدم ایجاد زیرساخت‌های مناسب و امکانات رفاهی و در نهایت مشارکت اقتصادی شده است. نمودار مقابل سهم استان‌ها را از اعتبارات بودجه ای دولت نشان می‌دهد. همانطور که مشخص است سهم استان خراسان جنوبی نسبت به بسیاری از استان‌های وضعیت مناسبی ندارد.

سهم استان‌ها از اعتبارات بودجه ای



منبع: وزارت امور اقتصادی و دارایی

کمبود اعتبارات استان خراسان جنوبی در حالی است که استان خراسان جنوبی از نظر مساحت در رتبه سوم قرار دارد و ۹٫۶ درصد از مساحت کشور را به خود اختصاص داده است که این موضوع نشان می‌دهد که استان به دلیل پراکندگی جمعیت برای ایجاد زیرساخت‌هایی مانند جاده، خدمات رفاهی و آموزشی و غیره نیاز به اعتبارات بیشتری دارد. بنابراین، پیشنهاد می‌گردد برای استان‌هایی که کمتر توسعه یافته‌اند، حمایت‌های بیشتری در نظر گرفته شود.

## ۲. بررسی موضوع بر اساس تابع مطلوبیت

به تعریف اقتصاددانان مطلوبیت کیفیتی است که کالایی را برای افراد خواستنی می‌کند. به بیان دیگر، مطلوبیت عبارت است از رضایت مصرف‌کننده که از مصرف کالا و خدمات (در واقع هر آنچه نیازها و خواسته‌های انسان را ارضا می‌کند) حاصل می‌شود. بنابراین تابع مطلوبیت رابطه بین رضایتمندی فرد از مصرف کالا و خدمات و مقدار مصرف را نشان می‌دهد. بحث تابع مطلوبیت در اقتصاد بخصوص اقتصاد خرد و ویژگی‌های آن از دو جهت قابل بررسی است. الف) ویژگی‌های ساختاری (ب) ویژگی‌های رفتاری. ویژگی‌های ساختاری به طور مشخص شامل خواص ریاضی مربوط به تابع مطلوبیت است که ماکزیم سازی و حل آن را ممکن می‌سازد. این ویژگی‌های ساختاری بین تمام توابع مطلوبیت (اسلامی و متعارف) یکسان است. اما ویژگی‌های رفتاری مربوط به توجیهات و تأثیرات اخلاقی و روانی و به طور کلی اصول حاکم بر رفتار مصرف‌کننده است.

در تابع مطلوبیت اقتصاد متعارف، فرض بر این است که هر چه شخص بیشتر مصرف کند سودمندی و رضایت خاطر بیشتری را بدست می آورد. در این تابع، صرفا امور دنیوی مدنظر قرار می گیرد. بطوریکه تابع مطلوبیت فرد به صورت زیر است:

$$U=U(X_1, X_2, X_3, \dots)$$

که در آن  $X_i$  ها نشانگر مصرف کالا و خدمات است. اما این تابع برای فرد خداپاور و مسلمان به شکل دیگری است و صرفا مادیات را درنظر نمی گیرد؛ بلکه وی امورات اخروی را نیز در تابع مطلوبیت خود وارد می کند. تابع مطلوبیت این فرد را می توان به صورت زیر نشان داد:

$$U=U(X_1, X_2, X_3, \dots, Z)$$

که در آن  $X_i$  ها نشانگر مصرف کالا و خدمات و  $Z$  بیانگر امورات مذهبی و اخروی است. از نظر این فرد، گاهی امورات مربوط به  $Z$  که بیانگر مسائل مذهبی و اخروی هستند بر امورات دنیوی ترجیح داده می شوند؛ حتی اگر امورات  $Z$  همراه با سختی باشد ولی امورات  $X$  همراه با خوشی و لذت. به عبارت دیگر این فرد کسب لذت اخروی را بر لذت دنیوی ترجیح می دهد و سختی های اندک دنیا را بر رنج ها و عذاب های اخروی به جان می خرد. به همین دلیل هم است که گاهی فردی برای انجام امورات مذهبی خود شاید در گرمای بسیار بالا، اقدام به انجام فعالیت های مذهبی نماید. یا فردی را در نظر بگیرید که درآمد نه چندان بالایی دارد، اما بخشی از درآمد خود را بجای اینکه صرف تفریح و خوش گذرانی کند، آن را صرف خیرات و یا سایر امورات مذهبی می نماید. لذا، در تابع مطلوبیت این فرد صرفا رنج و لذت امورات دنیوی لحاظ نشده است؛ بلکه عذاب و لذت اخروی نیز مدنظر قرار گرفته است. اکنون می توان این موضوع را به شرایط حال حاضر استان نیز مرتبط ساخت که چرا با وجود مشارکت بالای مردم در امورات فرهنگی، مذهبی، سیاسی و غیره، مشارکت آن ها در بخش های اقتصادی کم هست؟. در حقیقت در تابع اکثریت افراد جامعه بخش  $Z$  بر  $X$  ارجحیت دارد و این موضوع را نیز می توان در مشارکت اقشار مختلف مردم در امورات مذهبی نظیر عزاداری های دهه اول محرم، پیاده روی اربعین، جمع آوری نذورات و غیره مشاهده نمود. اما به دلیل فشارهای وارد شده بر درآمد و معیشت آنان، مشارکت شان در امور مختلف اقتصادی کاهش پیدا کرده است. بنابراین لازم است حوزه های مختلفی را که احساس می شود مردم استان در آن ها مشارکت کمتری دارند مورد بررسی و آسیب شناسی قرار گیرد تا با شناسایی مشکلات و چالش های مربوطه و حل آن ها، زمینه مشارکت مردم در این بخش ها را نیز بالا برد.



## فصل دوم

بررسی اثرات تحریم ها و  
نوسانات اقتصادی بر جامعه

## بخش اول) بررسی مفاهیم

## ۱. تحریم اقتصادی

## مفهوم و تعریف تحریم

در ابتدا به تعاریف تحریم‌ها که توسط سازمان‌ها و نهادهای مختلف انجام شده است در قالب یک جدول پرداخته شده و سپس بصورت خلاصه به توضیح و بررسی مفاهیم تحریم‌ها اشاره گردیده است.

## تعاریف تحریم‌ها

اقداماتی که توسط یک کشور یا گروهی از کشورها برای آسیب رساندن به منافع اقتصادی یک کشور یا گروه دیگری از کشورها برای ایجاد فشار در جهت تغییرات اجتماعی یا سیاسی انجام می‌دهند. تحریم‌ها معمولاً به صورت محدودیت در واردات یا صادرات یا معاملات مالی است.	لغت‌نامه آکسفورد <sup>۱</sup>
تحریم‌های اقتصادی مجازات‌های تجاری و مالی است که توسط یک یا چند کشور علیه یک کشور، گروه یا فرد دیگر اعمال می‌شود. تحریم‌های اقتصادی لزوماً به دلیل شرایط اقتصادی اعمال نمی‌شوند.	دایره المعارف حقوق بین‌الملل <sup>۲</sup>
اقدامات انجام شده توسط یک کشور یا سازمان علیه اقتصاد کشور دیگر مانند امتناع از تجارت با آن، به منظور مجبور کردن آن به اطاعت از یک قانون یا مجموعه‌ای از قوانین.	فرهنگ لغت کمبریج <sup>۳</sup>
تحریم‌های بین‌المللی تصمیمات سیاسی و اقتصادی است که توسط کشورها، سازمان‌های چندجانبه یا منطقه‌ای علیه یک یا چند کشورها یا سازمان در جهت محافظت از منافع امنیت ملی، یا برای محافظت از قوانین بین‌المللی و دفاع در برابر تهدیدات صلح و امنیت بین‌المللی ایجاد می‌شود.	سازمان ملل <sup>۴</sup>
تحریم‌های اقتصادی یک محدودیت‌ها یا نوعی مجازاتی است که یک کشور یا گروهی از کشورها برای ملت دیگری وضع می‌کنند. هدف این تحریم‌ها ترغیب آن به تغییر سیاست است. این مجازات‌ها ممکن است شامل موارد زیر باشد: مسدودیت و محدودیت‌های تجاری کاهش کمک‌های خارجی (یا لغو) محدودیت‌های سرمایه و ممنوعیت سفر تحریم‌های تسلیحاتی	فرهنگ لغت تجارت و مدیریت <sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> <https://www.oxfordreference.com/>

<sup>۲</sup> Encyclopaedic Dictionary of International Law

<sup>۳</sup> [dictionary.cambridge.org](http://dictionary.cambridge.org)

<sup>۴</sup> United Nations

<sup>۵</sup> Dictionary of Business and Management

تحریم‌های اقتصادی شامل خروج از روابط تجاری یا عرفی مرسوم توسط یک دولت، سازمان با انگیزه سیاسی، اقتصادی و تجاری علیه یک کشور است. ممکن است توسط سازمان ملل، سازمان‌های دولتی یا منطقه‌ای مانند اتحادیه اروپا یا کشورهایی که به تنهایی اقدام می‌کنند، تحمیل شوند.	فرهنگ لغت حقوق بشر <sup>۱</sup>
به اقداماتی در نظر گرفته شده برای اعمال فشار بر یک کشور به منظور اطاعت از قوانین بین‌المللی گفته می‌شود. در تعریفی دیگر، تحریم عبارت است از اقدامات اجباری علیه یک یا چند کشور برای ایجاد تغییر در سیاست‌ها، یا دست کم نمایش نظرات یک کشور در قبال سیاست‌های دیگر کشورها.	فرهنگ واژه مریام وبستر <sup>۲</sup>
تحریم اقتصادی عبارت است از هرگونه مجازات مالی و تجاری که شامل اعمال فشارهای اقتصادی و جرمه برای کشور تحریم شونده و ضبط دارایی‌های آن شود.	مرکز اصلاحات جامعه <sup>۳</sup>

منبع: یافته‌های پژوهش

اندیشمندان و اقتصاددانان مختلفی نیز به طرق گوناگونی تحریم‌ها را تعریف کرده‌اند. بطور نمونه دآودی و داجان<sup>۴</sup> در پژوهشی اشاره کردند که تحریم اقتصادی عبارتست از اقدام تنبیهی از طرف تعدادی از کشورهای خارجی یا یک سازمان، به ویژه یک سازمان جهانی مانند سازمان ملل متحد، در برابر یک یا چند کشور برای جلوگیری از انحراف از چارچوبی که مورد تأیید جهانی قرار گرفته است و یا جهت تشویق یا جلوگیری از یک رویه عملی خاص و تطبیق با حقوق بین‌الملل اعمال می‌شود (دآودی و داجان، ۱۹۸۳). در تعریف دیگر که از دوکسی<sup>۵</sup> ارائه می‌شود تحریم اقتصادی را یک تهدید به مجازات یا تحمیل آن در پی شکست هدف تحریم‌ها در مراعات معیارها یا تعهدات بین‌الملل می‌داند (دوکسی، ۱۹۸۰).

گالتونک<sup>۶</sup> در تعریفی دیگر ادعا کرده است که تحریم اقتصادی اقدامی از طرف یک یا چند بازیگر بین‌المللی در برابر یک یا چند بازیگر دیگر برای مجازات اهداف تحریم‌ها با محروم کردن ایشان از بعضی امتیازات و اجبار ایشان به همراهی با برخی هنجارهای مهم از نظر اعمال کنندگان تحریم است (گالتونک، ۱۹۶۷).<sup>۷</sup> در تعاریف دیگر گفته شده است که تحریم اقتصادی عبارت است از مجموعه تدابیر و اقدام‌های قهرآمیز اقتصادی یک‌جانبه یا گروهی

<sup>۱</sup> Encyclopedia of Human Rights

<sup>۲</sup> Merriam-Webster

<sup>۳</sup> Centre for Community Corrections: <http://centerforcommunitycorrections.org>

<sup>۴</sup> Daoudi & Dajani

<sup>۵</sup> Doxey

<sup>۶</sup> Galtung

<sup>۷</sup> . با اقتباس از مطالعه نیکوگفتار صفا و ردادی، ۱۳۹۴.

از کشورها به هنگامی که تلاش‌ها و راه‌حل‌های سیاسی و حقوقی حل اختلافات با شکست مواجه گردیده باشد و به جهت ایجاد تغییر رفتار کشور هدف در راستای انطباق با اهداف موردنظرشان اعمال می‌شود (رهبر و همکاران، ۱۳۹۶). به عبارتی تحریم‌های اقتصادی مجازاتی است که برای تجارت و روابط مالی وضع می‌شود و معمولاً برای محدود کردن رابطه کشورها از روابط بین‌الملل و تجارت اعمال می‌شود و این امکان وجود دارد که تجارت، فعالیت تجاری یا معاملات با افراد یا مشاغل خاص را محدود نماید. از منظر اقتصاد سیاسی، تحریم اقتصادی یکی از ابزارهای کنترل کشورهایی است که در راستای منافع اقتصادی و سیاسی کشورهای مسلط رفتار نمی‌کنند. در واقع، تجارت خارجی به عنوان ابزار بدون استفاده از نیروی نظامی است. پیش فرض کشورهای تحریم‌کننده این است که هزینه تمکین در برابر خواست آن‌ها، از هزینه ناشی از اعمال تحریم اقتصادی بر کشور تحریم شده کمتر است. چنین استدلال می‌شود که وابستگی اقتصادی کشور تحریم شده به تجارت خارجی موجب می‌شود تولید کشور هدف به شدت ضرر ببیند و رفاه اقتصادی جامعه کم شود. تحریم‌های اقتصادی انگیزه و دلایل مختلفی دارند ولی وجه مشترک آن‌ها مجازات و همسوسازی است. اغلب نظریه‌پردازان معتقدند با وجودی که تحریم جایگزین جنگ محسوب می‌شود، در مواردی خود منجر به جنگ می‌شود. تحریم‌های بین‌المللی سه کاربرد دیپلماتیک دارند و به صورت پیام به مخاطبان ارسال می‌شوند:

- اعلان نگرانی جامعه بین‌الملل نسبت به خطر افتادن وضع موجود و تداوم این رفتار
- هشدار درباره اینکه عدم توجه به نگرانی بین‌المللی، توسل به زور را در پی دارد.
- تاکید بر اینکه رفتار دولت هدف، برای جامعه بین‌المللی غیر قابل قبول است.<sup>۱</sup>

#### تقسیم بندی تحریم‌ها

معمولاً تحریم‌های بین‌المللی به سه دسته زیر تقسیم می‌شوند:

- تحریم‌های سیاسی و دیپلماتیک
- تحریم‌های اقتصادی
- تحریم‌های فرهنگی

تحریم‌های سیاسی و دیپلماتیک در قالب کاهش سطح مناسبات دیپلماتیک، کاهش یا جلوگیری از مسافرت مقامات سیاسی و دیپلماتیک، ایجاد محدودیت‌های امنیتی جغرافیایی و ارتباطی برای سفارت خانه‌ها و کنسولگری‌های کشور هدف و یا ممانعت از فعالیت‌های عادی آن‌ها بروز می‌یابند. بر این اساس تحریم‌های دیپلماتیک و سیاسی شامل:

۱. با اقتباس از پژوهش فاطمی زردان و نصرآبادی

- انتقاد و محکومیت، اعتراض عمومی
  - کاهش و محدود نمودن درجه نمایندگی دیپلماسی، تعداد دیپلمات‌ها و ادارات کنسولگری
  - لغو دیدارهای رسمی، گردهمایی‌ها و مذاکره برای معاهده‌ها و موافقت‌نامه‌ها
- قطع روابط دیپلماتیک، خودداری از به رسمیت شناختن دولت‌های جدید و عدم پذیرش در سازمان‌های بین‌المللی تحریم اقتصادی از طریق تحریم تجاری و تحریم مالی (محدودیت سرمایه‌گذاری و سرمایه‌بری) صورت می‌گیرد. تحریم اقتصادی، به عنوان مهم‌ترین نوع تحریم، عبارت است از موضع‌گیری‌هایی که تعدادی از کشورها با هدف ایجاد محدودیت در سیستم اقتصادی کشوری که از نظر آن‌ها قوانین بین‌المللی را نادیده می‌گیرد، اتخاذ می‌شود (ابراهیمی سالاری و همکاران، ۱۳۹۲). تحریم اقتصادی، اهرمی است که کشور تحریم شونده را به این نتیجه می‌رساند که هزینه تمکین در برابر خواست کشور تحریم کننده، کمتر از هزینه ناشی از اعمال تحریم اقتصادی علیه آن کشور است. بنابراین، نظریه‌های تحریم اقتصادی با قدرت اقتصادی کشورها، دارای رابطه مستقیم است و مفروض اصلی این نوع تحریم، این است که کشور تحت تحریم به ناچار از مواهب رفاه اقتصادی محروم می‌شود و در نتیجه به خواست کشور یا کشورهای تحریم کننده، تن می‌دهد (زهرانی، ۱۳۸۷). بر این اساس تحریم‌های اقتصادی را می‌توان بصورت زیر تقسیم نمود:

### الف- ممنوعیت‌های تجاری

- تهیه لیست سپاهی از معاملات تجاری در حال انجام توسط کشور هدف
- قطع، تعلیق و لغو کمک‌های فنی و برنامه‌های آموزشی
- سیاست تبعیض‌آمیز تعرفه ای شامل رد همکاری بیشتر با کشور هدف و پذیرش امتیاز تعرفه‌ای عمومی
- تعلیق و لغو موافقت‌نامه‌های تجاری و ممنوع کردن صادرات تکنولوژی

### ب- ممنوعیت‌های مالی

تمامی تحریم‌های مالی به طور کلی یک عنصر واحد و مشترک را دارا می‌باشند. این عنصر مشترک عبارت است از انسداد اموال اشخاص و نهادهای مشمول تحریم و عدم نقل و انتقال آن‌ها جز در مواردی که مجوز خاصی برای این کار توسط سازمانها و نهادهای ناظر بر تحریم صادر شده باشد. به عبارت دیگر در تمامی تحریم‌های مالی، الزام به انسداد اموال و دارایی‌های اشخاص مورد تحریم وجود دارد. با این حال در برخی از تحریم‌های مالی یک عنصر اضافی نیز وجود دارد. این عنصر اضافی عبارتست از ارائه خدمات مالی و بیمه‌ای به اشخاص و نهادهای مورد تحریم. این عنصر تحریم‌های مالی در همه تحریم‌ها وجود ندارد و فقط در مورد برخی از تحریم‌ها که بسیار شدید هستند به چشم می‌خورد. به عنوان مثال، در تحریم‌هایی که علیه ایران و سوریه در اتحادیه اروپا وضع شده است، الزام به

محدودیت خدمات مالی و بیمه‌ای نیز وجود دارد (زهرانی، ۱۳۸۷). به صورت جزئی می‌توان تحریم‌های مالی را به شکل زیر بیان کرد:

- ایجاد محدودیت‌های مالی و بانکی
- تحریم نقل و انتقالات مالی
- مالیات بر صادرات کشور هدف
- ممنوعیت بیمه‌ها و سایر خدمات مالی
- بلوکه نمودن دارایی‌های خارجی کشور
- ایجاد ممنوعیت‌هایی در فروش نفت خام و واردات فرآورده‌های نفتی
- ایجاد اختلال در گشایش اعتبار اسنادی برای تجار کشور

بطور خلاصه می‌توان تحریم‌های اقتصادی را بصورت زیر بررسی کرد:

شیوه‌های اعمال تحریم‌های اقتصادی

روش اجرا	تحریم اقتصادی
امتناع از خرید و فروش با کشورهای خاص	تحریم تجاری
جلوگیری از سرمایه‌گذاری کشور متخلف در کشورهای دیگر و ممانعت از سرمایه‌گذاری کشورهای دیگر در کشور مذکور	تحریم سرمایه‌گذاری
فروش دارایی‌های موجود کشور متخلف	تحریم سرمایه‌بری

منبع: باغستانی میبدی و معمارنژاد، ۱۳۹۵

تحریم‌های فرهنگی و ارتباطی را نیز می‌توان بدین شکل خلاصه نمود: کاهش یا لغو مبادلات فرهنگی، مسابقات دانشگاهی، رقابت‌های ورزشی و گردشگری، همکاری‌های علمی صرف نظر کردن از اعطای ویزا برای کشور هدف، لغو ارتباطات تلفنی، کابلی و پستی، تعلیق و لغو امتیاز فرود هواپیما، حق عبور از آب و غیره.

تقسیم‌بندی‌های دیگری نیز برای انواع تحریم‌ها بر حسب مولفه‌های مختلف وجود دارد. هر کدام از این تقسیم‌بندی‌ها متناسب با اهداف، اثرات، تعداد کشور و دامنه پوشش و غیره تقسیم‌بندی شده‌اند. در ادامه به برخی از این تقسیم‌بندی‌ها می‌پردازیم. یکی از این تقسیم‌بندی بدین صورت است که تحریم‌های اقتصادی را به چهار گروه کلی تحریم‌های تجاری، تحریم‌های مالی، تحریم‌های مسافرتی و تحریم‌های نظامی تقسیم می‌شود:

### تقسیم‌بندی تحریم‌ها بصورت کلی

نوع تحریم	موارد تحریم
تحریم‌های تجاری	تحریم‌های تجاری ممنوعیت فروش و دادوستد کالا و خدمات با اشخاص هدف که معمولاً به تحریم‌های صادرات و واردات تقسیم می‌شود. تحریم‌های تجاری در بین سایر تحریم‌ها بیشترین کاربرد را در تاریخ تحریم‌های اقتصادی داشته است. منع ورود کالاهای کشور تحت تحریم و منع صدور گواهی صادرات به کشور هدف از جمله تحریم‌های تجاری است که بخش عمده‌ای از پرونده های تاریخ تحریم را تشکیل می‌دهد (هافبار و همکاران <sup>۱</sup> ؛ ۲۰۰۷؛ ۴۵).
تحریم‌های مالی	تحریم‌های مالی بر اساس نهادهای مالی به سه حوزه بانک، بیمه و بورس تقسیم می‌شود. به دلیل وابستگی ارتباطات اقتصادی در عرصه بین‌المللی به خدمات مالی، تحریم‌های مالی، قوی ترین تحریم‌هاست که دیگر تحریم‌ها را در دل خود ایجاد می‌کند. از جمله تحریم‌های مالی می‌توان به قطع روابط بانکی، انسداد دارایی اشخاص و قطع خدمات بیمه نام برد (هاوس اف لردز، ۲۰۰۷، ۲۴).
تحریم‌های مسافرتی	تحریم‌های مسافرتی یکی از رایج ترین تحریم‌هاست که با ایجاد محدودیت برای مسافرت های دریایی، هوایی یا زمینی، اشخاص هدف را تحت فشار قرار می‌دهد. منع صدور ویزا برای افراد تحت تحریم از جمله این تحریم‌هاست. به دلیل ویژگی این تحریم برای فشار مستقیم بر اشخاص هدف و کاهش تبعات تحریم بر مردم و اشخاص غیر تحریمی، تحریم‌های مسافرتی به عنوان یکی از تحریم‌های هدفمند از نیمه دهه ۹۰ میلادی از سوی نهادهای بین‌المللی نظیر سازمان ملل به کرات به کار گرفته می‌شود
تحریم‌های نظامی	تحریم‌های نظامی در واقع بخشی از تحریم‌های مالی و تجاری است که توان نظامی کشور تحت تحریم را هدف قرار می‌دهد. ممنوعیت صادرات تسلیحات نظامی به کشور هدف از جمله تحریم‌های نظامی است.

منبع: بسلر و همکاران،<sup>۲</sup> ۲۰۱۴؛ هافبار و همکاران،<sup>۳</sup> ۲۰۰۷؛ هاوس اف لردز، ۲۰۰۷، ۲۴.

در تقسیم‌بندی دیگری که توسط دوکسی<sup>۴</sup> (۱۹۸۰) انجام شده است تحریم‌های اقتصادی را به چهار دسته تقسیم کرده است:

<sup>۱</sup> Hafbauer G C and et al

<sup>۲</sup> Bessler and et al.

<sup>۳</sup> Hafbauer G C and et al

<sup>۴</sup> Doxey

تقسیم‌بندی تحریم‌ها بر اساس ممنوعیت و محدودیت‌های اجرایی

نوع تحریم	موارد تحریم
توقیف دارایی‌های مالی	<p>(۱) توقیف یا ضبط دارایی‌های بانکی دولت هدف یا اتباع آن</p> <p>(۲) توقیف یا مصادره سایر دارایی‌های هدف تحریم‌ها مانند سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در کشور اعمال‌کننده تحریم‌ها</p> <p>(۳) امتناع از تأمین مالی مجدد یا تغییر در برنامه بازپرداخت بدهی‌ها (اعم از اصل و سود)</p> <p>(۴) تعلیق یا لغو پروژه‌های مشترک</p>
اعمال کنترل‌های تجاری بر کالا و خدمات	<p>(۱) سهمیه بندی واردات یا صادرات.</p> <p>(۲) محدودیت صدور مجوزهای واردات و صادرات.</p> <p>(۳) تحدید یا قطع کامل صادرات</p> <p>(۴) تحدید یا قطع کامل واردات</p> <p>(۵) وضع تعرفه‌های تبعیضی (شامل نادیده گرفتن روابط دول کامله الوداد)</p> <p>(۶) تحدید یا لغو حق ماهیگیری</p> <p>(۷) تعلیق یا لغو موافقتنامه‌های تجاری</p> <p>(۸) ممنوعیت‌های اعمالی بر صادرات کالاهای راهبردی و فناوری پیشرفته</p>
تعلیق کمک‌ها و حمایت فنی	<p>(۱) کاهش، تعلیق یا لغو تسهیلات اعتباری با نرخ اعتباری یا نرخ بازار</p> <p>(۲) کاهش، تعلیق یا لغو کمک‌های فنی، نظامی، توسعه‌ای و آموزشی</p> <p>(۳) رأی منفی به ارائه وام‌ها، امتیازات، یارانه‌ها و تسهیلات مالی برای کمک‌های فنی و غیره، از سازمان‌های بین‌المللی</p>
وارد کردن شرکت‌هایی که با کشور هدف، کسب و کار دو جانبه دارند در فهرست شرکت‌های ممنوعه.	<p>(۱) ممانعت از معاملات شرکت‌های کشور واضع تحریم‌ها یا کشورهای ثالث با کشور هدف</p> <p>(۲) ممنوعیت شرکت‌های کشور هدف از تجارت با کشور واضع تحریم‌ها</p>

منبع: دوکسی (۱۹۸۰) و نیکوگفتارصفا و ردادی، ۱۳۹۴.

در تفکیکی دیگر به لحاظ دامنه پوشش بخش های اقتصادی، تحریم ها را می توان بر دو گونه کلی (فراگیر) و هوشمند (هدفمند) تقسیم بندی کرد. تحریم های فراگیر به تحریم هایی گفته می شود که آثار آن ها قابل کنترل نبوده و دامنه خسارات و ضایعات آن ها کلیه بخش های اقتصادی و گروه های اجتماعی و جمعیتی را در بر بگیرد؛ به عبارت دیگر ابزار اقتصادی به کار گرفته شده دقت لازم را ندارند تا بتوانند دامنه خسارت تحریم را به بخش های اقتصادی و گروه های جمعیتی معینی محدود سازند و از بروز ضایعات انسانی شدید و پیامدهای ناخواسته جلوگیری کنند. از سوی دیگر تحریم هوشمند به تحریم هایی گفته می شود که می توانند فعالیت های اقتصادی معینی را هدف قرار دهند و دامنه خسارات تحریم را به گروه های اجتماعی معینی که عامل بروز بحران می باشند، محدود سازند (مجاهد و همکاران، ۱۳۹۷).

نمونه هایی از تحریم های اقتصادی و مالی هدفمند

تحریم های اقتصادی	تحریم های مالی
محدود کردن/ممنوعیت واردات یا صادرات خاص، خدمات مرتبط، ضمانت ها، اعتبارات	مسدود و بلوک کردن دارایی ها و معاملات (مسدود کردن یک دارایی آن را برای مالک غیر قابل دسترس می کند. مسدود کردن یک معامله از وقوع آن جلوگیری می کند).
محدود/ممنوع کردن کمک اقتصادی، تخفیف بدهی	محدود کردن/ممنوعیت دسترسی به بازارهای سرمایه
محدود کردن/منع سرمایه گذاری در بخش های اصلی اقتصادی	محدودیت یا ممنوعیت دسترسی به کمک های مالی چندجانبه (به عنوان مثال ، صندوق بین المللی پول ، بانک جهانی)

منبع: جرمانو (۲۰۱۸)

در تقسیم بندی دیگری تحریم اقتصادی را می توان در سه گروه همه جانبه، چندجانبه و یک جانبه نیز تفکیک کرد. در واقع در این تعریف به تعداد کشورهای شرکت کنند در برنامه تحریم توجه دارد. در جدول زیر این نوع تحریم ها به روشنی بیان شده است:

تقسیم‌بندی تحریم‌ها بر اساس تعداد کشورهای تحریم‌کننده

نوع تحریم		تعداد کشورهای شرکت کننده
همه جانبه		تحریم همه جانبه معمولاً توسط شورای امنیت سازمان ملل علیه کشورها یا گروه های هدف وضع می شود و تمامی کشورها ملزم به رعایت آن هستند.
چند جانبه		تحریم چند جانبه از سوی چند کشور علیه کشور هدف اعمال می شود. در این تحریم به اصطلاح ائتلاف کشورهای داوطلب ایجاد می شود و در نتیجه، اثرگذاری آن نیز بیشتر از تحریم یک جانبه است. تحریم های اتحادیه اروپا علیه ایران نمونه ای از این تحریم های چند جانبه محسوب می شود.
یک جانبه	اولیه (سرزمینی)	در تحریم یک جانبه سرزمینی، کشور تحریم کننده در راستای اهداف سیاسی خود از اهرم های اقتصادی در حوزه قلمرو خود نظیر قطع یا کاهش روابط تجاری و مالی برای فشار بر کشور هدف استفاده می کند و فقط یک کشور دیگر را تحریم می کند. مانند تحریم های آمریکا علیه ج.ا. ایران.
	ثانویه (فرا سرزمینی)	در تحریم های ثانویه، کشور تحریم کننده از اهرم های اقتصادی خود برای فشار به کشور ثالث نیز استفاده می کند تا تحریم های مدنظر را علیه کشور هدف اعمال کند. مانند تحریم های شرکت های چینی توسط آمریکا که با ایران تجارت می کنند.

منبع: میرا، ۲۰۰۹

با توجه به جدول فوق در یک برنامه تحریمی تعداد کشورهای تحریم‌کننده متفاوت است و می‌تواند از یک کشور تا چند کشور در آن حضور داشته باشند. همچنین هافبر نیز تحریم‌ها را از لحاظ اندازه و یا حدود تحریم‌ها به سه بخش به شکل زیر تقسیم کرد:

تحریم‌ها را از لحاظ اندازه و یا حدود تحریم‌ها

اندازه و یا حدود تحریم‌ها	مفهوم نوع تحریم
تحریم محدود	تحریم مالی، فرهنگی، صادراتی و مسافرتی در این نوع طبقه بندی قرار دارند. مانند کاهش و یا لغو مساعدت‌های مالی و اعمال محدودیت‌هایی بر فروش سلاح و برخی تکنولوژی‌های حساس.
تحریم میانه	تحریم‌های مالی و تجاری کلی‌تر و گسترده‌تر نسبت به تحریم‌های محدود را میانه می‌گویند.
تحریم جامع	تحریم‌های گسترده مالی و تجاری مانند محاصره عراق و صربستان

منبع: گروه منابع و اقتصاد دفاع، مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی

### اهداف کلی تحریم‌ها

اهداف تحریم‌ها را می‌توان به شکل زیر خلاصه کرد:

۱. تغییر رژیم: خیلی از تحریم‌هایی که انجام می‌شود فقط بخاطر تغییر حکومتی است که اهداف و آرمان‌های آن با کشور موردنظر متفاوت است. برخی تحریم‌های آمریکا که علیه سایر کشورها از جمله ایران اجرا می‌کند، این هدف را دنبال می‌کند.

۲. نمایش قدرت: اثبات توانمندی و نمایش قدرت همواره در کنار سایر اهداف تحریم مطرح بوده است و این موضوع مخصوصاً در مورد ایالت متحده صحت دارد که بارها برای قدرت نمایی و نشان دادن رهبری خود در مسائل جهانی اقدام به اعزام نیرو به کشورها و اعمال تحریم علیه آن‌ها کرده است.

۳. مجازات: گاهی اوقات هدف از تحریم را باید مجازات کشور هدف دانست. چراکه زمان برای تغییر رفتار از دست رفته و این تحریم صرفاً جهت مجازات و تحقیر آن کشور برنامه‌ریزی می‌شود. مثلاً تحریم‌های ایالات متحده در سال ۱۹۶۰ علیه کوبا برای آن بود که سایر کشورهای امریکای لاتین از خط‌مشی‌های دولت کاسترو الگو نگیرند.

۴. بازدارندگی: بازدارندگی، دلیل دیگری است که در برخی از تحریم‌ها به آن استناد می‌شود. تحت این عنوان کشور اعمال‌کننده می‌تواند با افزایش هزینه‌ها، سیاست‌های معترضان آتی در کشور هدف را سست کرده و مانع اقدامات اشتباه آن می‌شود؛ به عبارت دیگر تهدید به تحریم برای جلوگیری از انجام کار نامتعارف می‌باشد.

۵. مکمل و یا مانع عملیات نظامی: در شرایطی نیز تحریم‌هایی اقتصادی را می‌توان راهبردی جایگزین برای جنگ سخت در نظر گرفت. چرا که هزینه‌ی مالی و اقتصادی کمتری به کشور اعمال‌کننده، تحمیل می‌کند و اثرگذاری جدی در عرصه سیاسی و بین‌المللی به دنبال دارد. لذا نقش مهمی در دستیابی به اهداف سیاسی و اقتصادی ایفا می‌کند. از طرفی تحت عنوان یک ابزار مکمل جهت فشار بیشتر به همراه گزینه نظامی نیز می‌تواند مطرح شود.

۶. تغییر در رفتار: تحریم‌ها بخشی از دیپلماسی بین‌المللی و ابزاری برای تحت فشار قرار دادن کشورهای هدف و دخالت در روند تصمیم‌گیری حکومت‌های مستقل به شمار می‌آیند که با استفاده از آن، کشورهای هدف را وادار به تغییر در رفتارهای داخلی و یا سیاست خارجی‌اش می‌کنند. از جمله این تحریم‌ها می‌توان به تحریم ایتالیا توسط انگلستان و جامعه ملل (۳۶-۱۹۳۵) برای تحمیل عقب‌نشینی از حبشه و تحریم‌های سازمان ملل علیه عراق

۱. با اقتباس از مطالعه مجاهد و همکاران، ۱۳۹۷، زمانی، ۲۰۰۷، انوری و همکاران، ۱۳۹۳

جهت عقب‌نشینی (۹۱-۱۹۹۰) رژیم صدام از کویت و اجازه اتمام بازرسی‌ها به بازرسان تسلیحاتی این سازمان اشاره کرد. در مورد ایران، یکی از مهم‌ترین اهداف تغییر رفتار ایران در پرونده هسته‌ای قلمداد می‌شود.

۷. مهار حکومت: تحریم‌هایی باهدف مهار نظام اغلب بر پایه کنترل قدرت نظامی و سیاسی رژیم و حفظ توازن قوا در یک منطقه مشخص می‌باشد. در این مدل از تحریم‌ها از یک سو جریان عرضه فناوری و تجهیزات نظامی به رژیم موردنظر را هدف قرار می‌دهند تا از دستیابی آن به تجهیزات و فناوری نظامی جلوگیری کنند. از سوی دیگر، منابع و سرچشمه‌های درآمد رژیم را هدف قرار می‌دهند تا بنیه مالی آن را برای خرید تجهیزات مربوطه در بازار سیاه تضعیف کنند.

۸. علامت‌دهی: وضع تحریم‌ها می‌تواند حاوی این پیام برای هم‌پیمانان تحریم‌کنندگان باشد که مواضع اعلامی از سوی واضع تحریم‌ها با اقدام عملی همراه است. در این باره گفته شده است، تحریم‌های پرهزینه توسط یک قدرت جهانی نشان‌دهنده عزم آن قدرت جهانی بوده و دیگر کشورها را برای پیوستن به آن تحریم ترغیب می‌نماید. برای مثال سازمان ملل و آمریکا یک سال پیش از تصمیم‌گیری درباره حمله به عراق در سال ۱۹۹۱، تحریم اقتصادی را در دستور کار قرار دادند. شاید این تحریم بهترین وسیله‌ای بود که می‌توانست قاطعانه مخالفت با اشغال کویت را به رژیم صدام اعلام نماید.

۹. نمادین و سمبلیک: گاهی اوقات تصمیم به تحریم، می‌تواند ناشی از اقداماتی صرفاً سمبلیک و نمادین باشد تا در افکار عمومی، جدیت در تصمیم کشور تحریم‌کننده آشکار شود. با این هدف، ارائه شواهدی دال بر نارضایتی فرستنده به مخاطبان و همچنین طرف دریافت‌کننده است؛ اما هیچ گونه خسارت مالی جدی را به همراه ندارد.

۱۰. بی‌ثبات کردن نظام سیاسی کشور هدف

۱۱. پیشگیری از دستیابی یک کشور یا هر بازیگری در عرصه نظام بین‌المللی به توانمندی‌هایی که امکان خطرآفرینی برای صلح و امنیت بین‌المللی داشته باشد.

۱۲. جهت جلوگیری از جنگ یا محدود کردن و خاتمه جنگ

همچنین هافبور و همکاران (۲۰۰۷) اهداف اصلی تحریم‌ها و محدودیت‌های اقتصادی را در پنج طبقه اصلی به شرح زیر در نظر گرفته‌اند:

- جنگ
- فعالیت‌های توسعه‌ای نظامی
- مناقشات و بی‌ثبات‌سازی سیاسی
- حقوق بشر و دموکراسی
- تروریسم

## ۲. نرخ تورم

### مفهوم نرخ تورم

تورم به معنی افزایش قیمت‌ها یا به عبارت دیگر کاهش قدرت خرید به مرور زمان است. نرخ کاهش قدرت خرید در متوسط افزایش قیمت سبد کالاها و خدمات منتخب در مدت زمان مشخص منعکس می‌شود. افزایش قیمت‌ها که اغلب در قالب درصد بیان می‌شود به این معناست که با یک واحد پول نسبت به دوره‌های قبل عملاً می‌توان مقدار کمتری خرید کرد. در تعریف دیگر، تورم به معنی افزایش سطح عمومی قیمت‌ها بوده و افزایش یا کاهش در آن نشان‌دهنده تغییر سرعت افزایش قیمت‌ها است. کاهش تورم به معنای ارزان شدن کالاها و کمتر شدن قیمت آن‌ها نیست بلکه به معنای کاهش سرعت رشد قیمت‌هاست. فریدمن (۱۹۷۵) بیان می‌کند که باید این اصل را بپذیریم که تغییر در قیمت‌های نسبی و سطح عمومی قیمت‌ها دو مفهوم متفاوت از هم هستند. لذا به منظور تعریف بهتر مسئله، ابتدا باید به تفاوت بین سطح عمومی قیمت‌ها، نرخ تورم و قیمت‌های نسبی کالاها و خدمات پرداخت. سطح عمومی قیمت‌ها، قیمت کالاها و خدمات را در یک نقطه از زمان به کمک شاخص قیمت‌ها مثل شاخص قیمت مصرف‌کننده اندازه‌گیری می‌شود. نرخ تورم عبارت از درصد تغییرات سالانه سطح عمومی قیمت‌ها است. در صورتی که قیمت نسبی عبارت از تغییر قیمت یک کالا یا خدمت خاص در مقایسه با تغییر قیمت سایر کالاها و خدمات است (احمدلو و همکاران، ۱۳۹۲). بطور معمول مقاطع اندازه‌گیری نرخ تورم به سه طبقه یا گروه تقسیم می‌شود که عبارتند از:

۱. نرخ تورم نقطه به نقطه: نرخ تورم نقطه به نقطه بوسیله درصد تغییرات شاخص CPI در یک مقطع زمانی نسبت به مقطع دیگر اندازه‌گیری می‌شود.
۲. نرخ تورم سالانه: نرخ تورم سال منتهی به هر ماه، از محاسبه درصد تغییر متوسط شاخص CPI در دوازده ماه منتهی به ماه مورد نظر نسبت به دوره مشابه قبل به دست می‌آید. بدیهی است چنانچه ماه مورد نظر اسفند باشد، به آن نرخ تورم سال مورد نظر نسبت به سال قبل می‌گویند.

۳. نرخ تورم سال به سال پایه: ممکن است نرخ تورم را براساس شاخص CPI یک سال نسبت به یک سال پایه در نظر گرفت. به این ترتیب مشخص می‌شود که میزان تورم نسبت به یک سال خاص چقدر است. برای محاسبه این تورم نیز لازم است شاخص CPI سال پایه را از سال جاری کسر کنیم و حاصل را بر سال پایه تقسیم کنیم. با این حال، تورمی که بر متغیرهای مختلف اقتصاد تأثیر می‌گذارد می‌تواند بنا به دلایل گوناگونی اتفاق بیافتد. بطور خلاصه منشا تورم در مکاتب مختلف را می‌توان در جدول زیر بصورت زیر مشاهده کرد:

نظریات اقتصادی درخصوص تورم

نظریات		مفهوم نظریات
مقداری پول	نظریه	$M.V = P.Y$ M: حجم ذخایر پول، V: سرعت گردش پول، P: سطح عمومی قیمت‌ها و Y: سطح محصول تولیدشده در اقتصاد را نشان می‌دهد. براساس این نظریه با فرض این که سرعت گردش پول و تولید ثابت هستند هرگاه حجم پول در اقتصاد X درصد بالا رود قیمت‌ها نیز به همان نسبت افزایش خواهند داشت.
	معادله کمبریج	$M = KPY$ اقتصاددانان مکتب کمبریج نیز همان فرضیات مکتب قبل را پذیرفته (ثابت بودن سطح تولید و سرعت گردش پول) و بنابراین فروض نتیجه حاصله توسط فیشر در این مکتب نیز براحتمی قابل استخراج است. به این شکل که هر تغییری در حجم پول به تغییر متناسب در سطح عمومی قیمت‌ها منجر می‌گردد.
نظریه جدید مقداری پول (پولیون)		پولیون اعتقاد دارد که تورم یک پدیده پولی است و میزان بالا و مستمر رشد پول سبب ایجاد تورم بالا می‌شود.
الگوی شکاف تورمی کینز		اگر تقاضا برای کالاهای مصرفی بیش از عرضه آن‌ها باشد این اضافه تقاضا شکاف تورمی ایجاد کرده و قیمت‌ها به قدری افزایش می‌یابند تا این شکاف پر شود.
الگوی فشار هزینه		این نظریه افزایش هزینه‌های تولید و انتقال منحنی عرضه کل را دلیل اصلی ترقی قیمت‌ها می‌داند
الگوی تورم از دیدگاه ساختارگرایان		ریشه‌های بنیادی تورم در ساختار اقتصادی جامعه نهفته است. تورم معلول عدم توازن‌های ساختاری و کشش ناپذیری عرضه در بخش‌های کلیدی اقتصاد است و برای درمان اصولی تورم تغییر در سیستم تولید و ساختار اقتصادی ضروری است.

ماخذ: غفاری و نیمی پڑوه، ۱۳۹۱.

### انواع تورم از دیدگاه علت بروز آن

۱. تورم ناشی از فشار تقاضا: تورم ناشی از فشار تقاضا زمانی رخ می دهد که افزایش عرضه پول و اعتبار، منجر به تقاضای بیشتر برای خدمات و کالاها می شود. سرعت این تقاضا با توجه به ظرفیت مشخص تولید بیشتر از عرضه است و در نتیجه آن قیمت ها افزایش می یابند.

۲. تورم ناشی از فشار هزینه: تورم ناشی از فشار هزینه زمانی رخ می دهد که میزان کل عرضه کالاها و خدمات قابل تولید در اقتصاد کاهش می یابد. این کاهش عرضه اغلب ناشی از افزایش هزینه تولید است. برای مثال می توان به شوک های عرضه منفی اشاره کرد. افزایش قیمت جهانی نفت می تواند به عنوان یک شوک عرضه، منجر به افزایش هزینه های تولید در یک اقتصاد شود. به طور کلی افزایش نهاده های تولید داخلی یا وارداتی، هزینه های تولید را افزایش می دهد. افزایش هزینه های تولید کارخانه ها را و می دارد تا میزان تولید را کاهش داده اما در عوض قیمت را افزایش دهند. این فرآیند در نهایت منجر به افزایش قیمت در سایر کالاها خواهد شد.

۳. تورم ساختاری یا تورم ناشی از دستمزد: تورم ساختاری به انتظارات تورمی مردم نسبت به افزایش قیمت ها در آینده مرتبط است. هنگامی که قیمت کالاها و خدمات افزایش پیدا می کند، ممکن است مردم انتظار افزایش قیمت ها با نرخ رشد کنونی تورم را در آینده داشته باشند. این انتظارات منجر به درخواست افزایش دستمزد توسط کارگران برای حفظ استانداردهای زندگی می شود. افزایش دستمزد کارگران به معنی افزایش هزینه های تولید و در نتیجه افزایش قیمت کالاها و خدمات یا همان تورم است. این مارپیچ دستمزد- قیمت می تواند همچنان ادامه پیدا کرده و منجر به رشد بیشتر تورم شود.

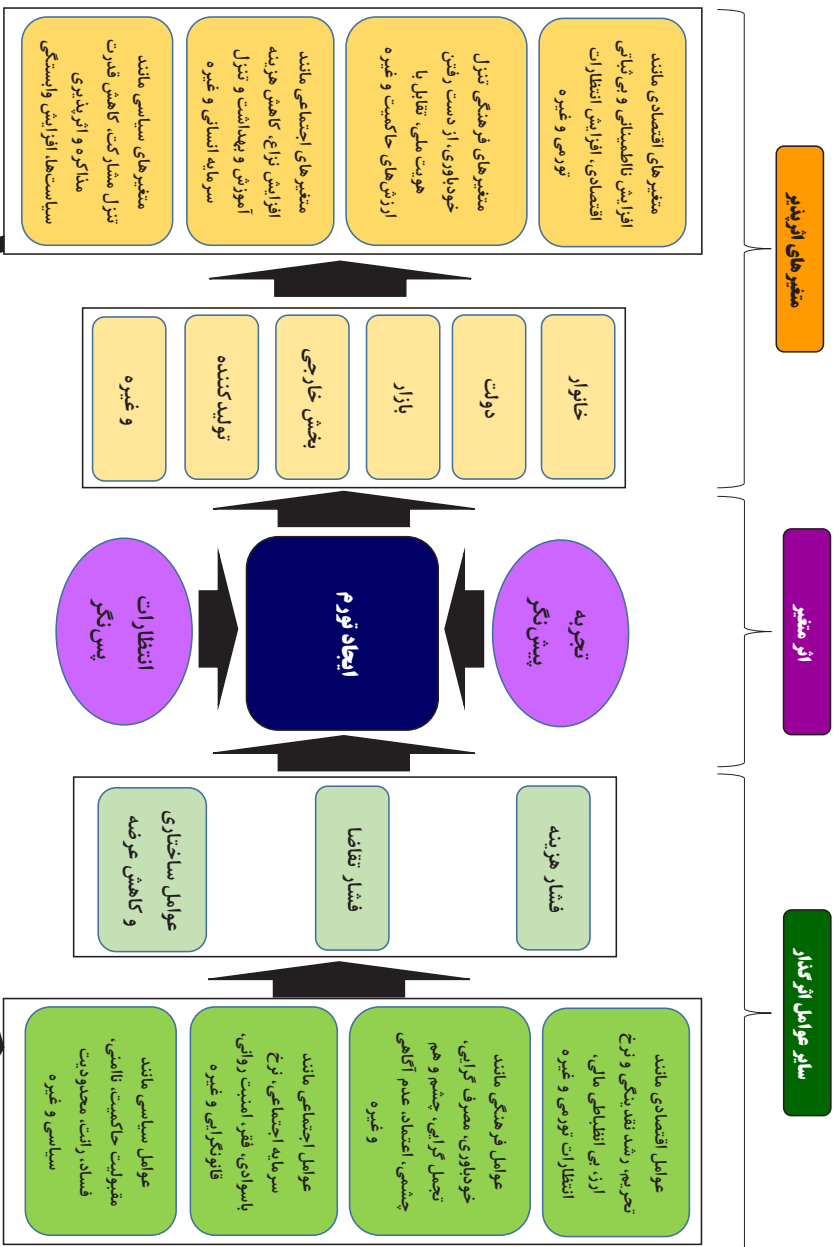
### بخش دوم) بررسی آثار تحریم ها و بی ثباتی اقتصادی

#### تحریم/تورم و تأثیرات چندبعدی آن

پدیده تورم در بیشتر کشورهای جهان کم و بیش وجود دارد؛ اما نرخ آن در جوامع و زمان های گوناگون فرق می کند. این پدیده در دوره های اخیر در کشورهای توسعه یافته، کمتر مشکل آفرین بوده زیرا این کشورها گرفتار تورم شدید و مزمن نیستند؛ اما کشورهای در حال توسعه همچون ایران با تورم های شدید مواجه اند که آثار منفی بسیاری مانند افزایش نابرابری در توزیع درآمد، افزایش مصرف، کاهش پس انداز و سرمایه گذاری افزایش فقر و به دنبال آن افزایش آسیب های اجتماعی، انحراف منابع به تولید کالاها و خدمات غیر ضروری، کاهش رشد اقتصادی و گسترش انواع فسادهای مالی اداری را به دنبال دارد (سرآبادانی، ۱۳۸۷). یکی مسائل و پیامدهای تورم شدید کاهش سرمایه اجتماعی گروه های مختلف طبقه متوسط به همراه سرمایه اقتصادی آنهاست. این گروه ها که معمولاً

از سرمایه فرهنگی خوبی برخوردار هستند با بیشترین بی‌ثباتی اقتصادی روانی و اجتماعی روبه‌رو خواهند شد که تبعات آن به آسانی بعد از عبور بحران برطرف نخواهد شد (هایو، ۲۰۰۸). میزان تاب‌آوری مردم در دنیای مصرفی جدید که مصرف به تنهایی هویت بخش است و عدم امکان آن به نوعی بحران هویت محسوب می‌شود، بسیار بالاتر از حد انتظار است. برخی محققان استدلال می‌کنند که بحران‌های اقتصادی همچون تورم شدید، اثرات مخرب‌تری از جنگ نظامی دارند. چون جنگ‌های مدرن امروزی تاسیسات فیزیکی را تخریب یا آسیب می‌زند اما تورم اقتصادی در دنیای مصرفی هویت انسان‌ها را هدف قرار می‌دهد (سیلر، ۲۰۱۶). اگرچه ممکن است برخی محافظه‌کاران که خواستار حفظ ارزش‌های اصیل جامعه باشند این امر را خوشایند تلقی کنند و خواستار بازگشت مردم به ارزش‌های گذشته باشند و دور شدن از مصرف‌گرایی در این شرایط را یک فرصت تلقی کنند؛ اما واقعیت این است که در شرایط تورم شدید مردمی که سبک زندگی و سلیقه ذائقه را ارزش تلقی کرده‌اند به راحتی به ارزش‌های گذشته بر نخواهند گشت و بحران باقی خواهد ماند. تورم از جمله متغیرهایی است که نه تنها توجه اقتصاددانان را به خود جلب کرده، بلکه به دلیل آثار و پیامدهای اجتماعی آن، خبرگان اجتماعی و سیاسی نیز مایلند روند تغییرات تورم را رصد کنند. در گذشته اغلب نظریه‌ها و دیدگاه‌های موجود پدیده‌های کلان اقتصادی همچون تورم را به صورت تک بعدی و حاصل سیاست‌های اقتصادی و مالی تحلیل می‌کردند. اما امروزه آخرین نظریه‌های اقتصادی که فرایندهای شکل‌گیری توسعه اقتصادی و اجتماعی و متغیرهای کلان اقتصادی را توضیح می‌دهند به ناگزیر از مفاهیم اجتماعی نظیر اعتماد، مشارکت همیاری، قانون‌گرایی، تعلق اجتماعی و غیره که همگی زیر مجموعه‌ای از سرمایه اجتماعی هستند استفاده می‌کنند. تقریباً برای اقتصاددانان مسلم شده است که ظرفیتها و فرایندهای اصلی رشد و توسعه هر کشور بر پایه ذخیره سرمایه‌های اجتماعی، فرهنگی و نمادین آن کشور شکل می‌گیرد و دسترسی به منابع مالی و اقتصادی، تنها موجب تسریع این فرایندها می‌شود. به عبارتی دیگر بسترهای فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی، شروط کافی شکل‌گیری فرایند توسعه هستند که اگر وجود داشته باشند، امکان جذب منابع مالی و اقتصادی را هم به راحتی فراهم می‌آورند. بنابراین سرمایه‌های اقتصادی تنها به عنوان کاتالیزور یا تسریع‌کننده‌ای عمل می‌کنند که موجب شکوفایی و به فعلیت درآمدن استعدادها و خلاقیت‌ها و نوآوری‌هایی می‌شوند که در آن بستر اجتماعی و فرهنگی به طور بالقوه وجود داشته‌اند. اگر آن توانایی‌های بالقوه نباشد، پول نمی‌تواند آن‌ها را تولید کند. پول فقط امکان به فعلیت درآمدن آن‌ها را فراهم می‌سازد. در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، که از درجه بالایی از ثبات متغیرهای کلان اقتصادی برخوردار هستند نرخ ارز، قیمت سهام و سایر متغیرهای کلان نسبت اقتصادهای پیشرفته و صنعتی بیشتر در نوسان بوده و این نوسانات نیز به نوبه خود، محیط نامطمئنی را برای سرمایه‌گذاران ایجاد کرده و باعث می‌شود تا سرمایه‌گذاران و حتی نخبگان نتوانند به سهولت و با اطمینان بیشتر در مورد سرمایه‌گذاری آتی تصمیم‌گیری کنند (حیدری و همکاران، ۱۳۸۹).

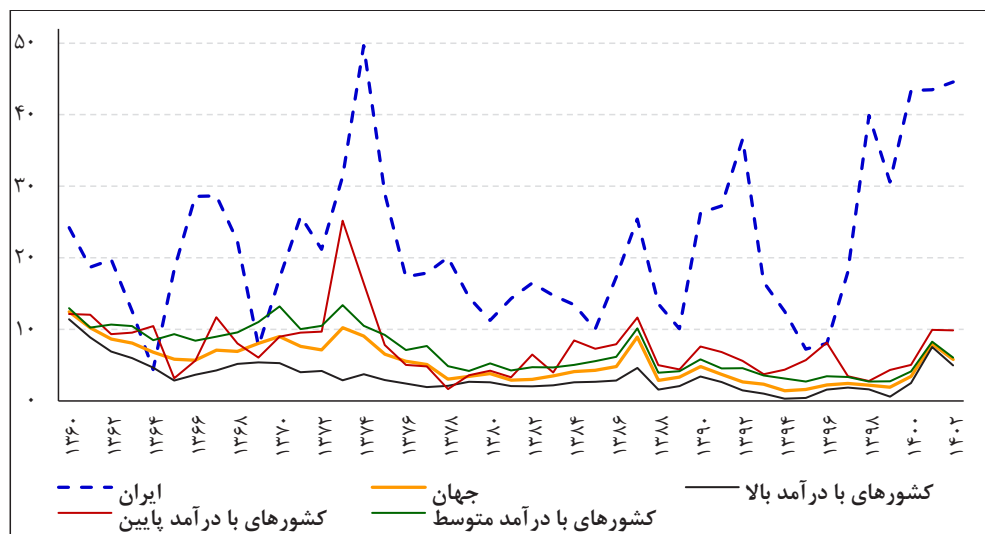
در ایران برخی از سیاستمداران و اقتصاددانان معتقد هستند که این تورم ها عادی می باشند و پس از مدتی مردم هم خود را با شرایط جدید وفق می دهند؛ هرچند سال یکبار هم اگر لازم باشد مینا و صفرهای پول ملی را حذف کرده و همه چیز به روال عادی باز می گردد. ولی با توجه به پیامدهای جبران ناپذیر و ماندگاری و انباشتی که تورم بر روی نسل های مختلف دارد ممکن است، گاهی یک آستانه تحمل ناپذیری برسد و نظم اجتماعی و حتی سیاسی با مشکل مواجه شود. بنابراین اینجاست که فکر می کنیم با وجود تورم در سال های گذشته می شود برای این مسأله نیز به نحوی تدبیری اندیشید ولی این بار با توجه به شرایط داخلی و خارجی دارای پیامدهای مخرب و نگران کننده ای است که باید به صورت جدی در مورد این مسأله مطالعه شود. در چند سال اخیر نااطمینانی های موجود در اقتصاد باعث شده است که اقتصاد پیش بینی ناپذیر شود. براساس این دیدگاه وقتی صاحبان درآمد فعالان کسب و کار و بنگاه ها منتظر باشند که در آینده قیمت برخی از کالاها و خدمات افزایش یابد این انتظار هم اکنون اثر خود را ایجاد خواهد کرد. به بیان ساده هنگامی که انتظار افزایش قیمت ها در آینده وجود داشته باشد صاحبان درآمد که هر یک به نوعی ارائه دهنده کالا یا خدمتی هستند، بلافاصله کالاها و خدمات خود را حتی بدون افزایش قیمت تمام شده آن با قیمت بالاتری عرضه می کنند و به تورم دامن می زنند. از طرف دیگر تولیدکنندگان و فروشندگان نیز به امید افزایش قیمت در آینده و کسب سود بیشتر بر ذخیره انبار خود می افزایند و عرضه کالاها و خدمات خود را به آینده موکول می کنند که این مسئله از طریق کاهش عرضه منجر به افزایش تورم می گردد. بنابراین شکل گیری انتظارات تورمی نیز زمینه های بروز تورم را فراهم می سازد. بر این اساس، می توان نحوه اثرگذاری و اثرپذیری عوامل مختلف را بر نرخ تورم به صورت مدل زیر نشان داد.



### مقایسه تورم کشور ایران، جهان و کشورهای منتخب

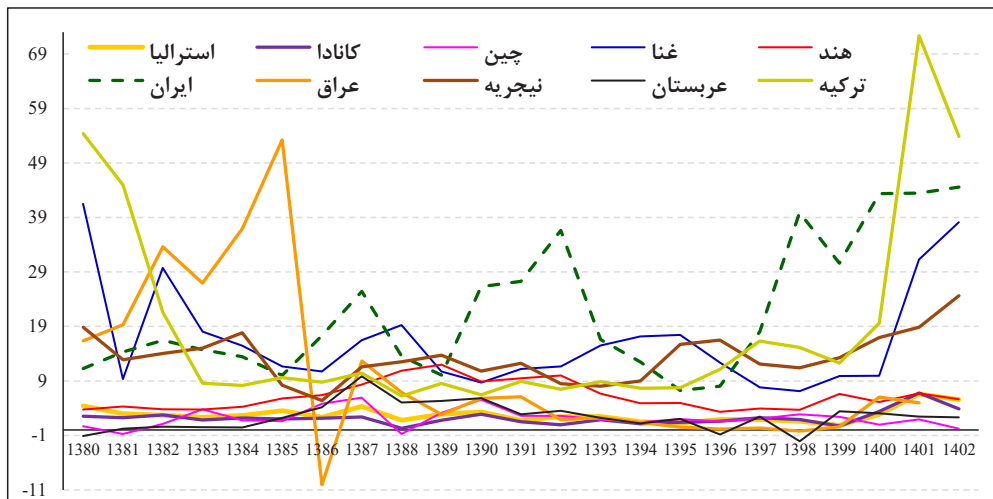
اقتصاددانان معتقدند هزینه‌هایی که تورم بر جامعه تحمیل می‌کند می‌تواند بسیار جدی‌تر از هزینه‌های ناشی از کند شدن رشد اقتصادی باشد. تورم بالا و بی‌ثباتی موجب اختلال در نظام تخصیص قیمت‌ها و برهم خوردن توزیع درآمد در جامعه می‌گردد. بی‌ثباتی تورم نه تنها موجب خدشه دار شدن اعتبار سیاست‌گذاران کلان اقتصادی به ویژه بانک مرکزی می‌شود، بلکه تداوم آن می‌تواند موارد حاد بی‌ثباتی سیاسی کشور را نیز موجب گردد (کاویانی، ۱۴۰۰). در حالی که امروز تورم در خیلی از کشورهای دنیا فارغ از اینکه این کشورها چه شرایطی داشته‌اند و دارند، تحریم بوده‌اند یا جنگ زده، فقیر یا ثروتمند؛ به عنوان مشکل یا معضل دیگر مطرح نیست و حل شده است؛ اما در ایران تورم معضلی است که سال‌هاست اقتصاد ایران را درگیر کرده است. مطابق با داده‌های بانک جهانی و همانطور که از دو نمودار بعدی مشخص است، نرخ تورم کشور از متوسط جهانی و همچنین، سایر گروه‌های درآمدی و کشورهای منتخب بالاتر است. از جمله دلایل تورم در ایران می‌توان به افزایش نقدینگی، سیاست‌های مالی انبساطی و کسری بودجه، انتظارات تورمی، افزایش جمعیت گروه سنی مصرف‌کننده، افزایش شاخص قیمت کالای وارداتی، افزایش نرخ ارز، شوک‌های مثبت و منفی درآمد نفتی، ناپایداری یا نوسان متغیرهای اقتصادی و غیره اشاره کرد.

روند تغییرات نرخ تورم ایران، جهان و گروه‌های درآمدی



منبع: بانک جهانی

روند تغییرات نرخ تورم ایران و کشورهای منتخب



منبع: بانک جهانی

همانطور که در نمودار فوق مشخص است، تغییرات نرخ تورم در ایران نسبت به بسیاری از کشورها بیشتر است. مطالعات نشان می‌دهند، که تکان‌های وارده بر اقتصاد، زندگی خانوارهای ایرانی را بشدت تحت تأثیر قرار داده است و وضعیت زندگی مردم بعد از این نوسانات دچار تغییراتی شده و قدرت خرید و درآمد آن‌ها کاهش یافته است. به عبارتی پس از شوک‌های اقتصادی اخیر، میزان دسترسی مردم به برخی کالاها کاهش پیدا کرده و وضعیت امکانات بهداشتی و درمانی و کیفیت آن‌ها نسبت به گذشته بدتر شده و رفاه اجتماعی مردم کاهش یافته است. بر این اساس، بررسی و شناسایی عوامل اثرگذار بر تورم امری ضروری است.

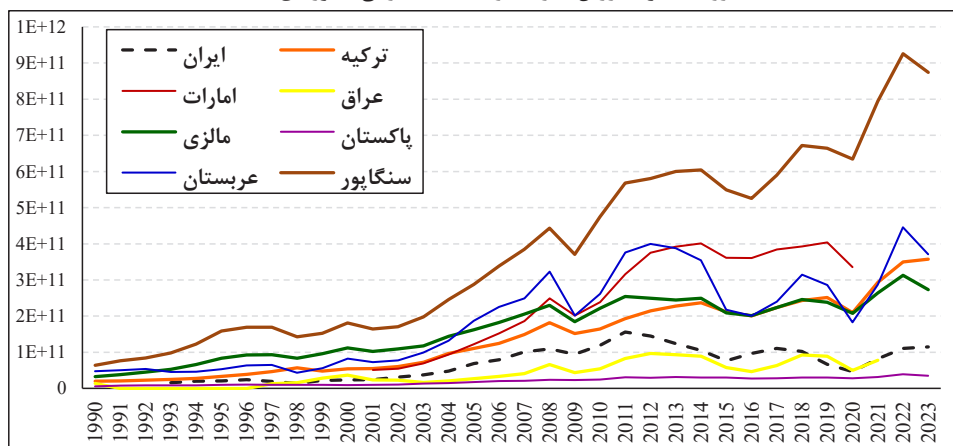
### اثرات تحریم و نرخ تورم بر حوزه‌های مختلف

#### الف) اثرات اقتصادی

طی سالیان گذشته متغیرهای کلان اقتصادی کشور به دلایل مختلفی نظیر تحریم‌ها، بی‌ثباتی اقتصادی، سوء مدیریت و غیره دچار نوسانات شدیدی شده که به تبع آن بخش‌های مختلف اقتصاد نیز از آن تأثیر گرفته است. تحریم‌های بین‌المللی عموماً به منظور تحقق اهداف سیاسی، اقتصادی یا امنیتی علیه یک کشور اعمال می‌شوند. در صورتی که تحریم‌ها به صورت گسترده و مداوم اعمال شوند، می‌توانند تأثیرات عمده‌ای بر اقتصاد و معیشت کشور مورد نظر داشته باشند. با اعمال تحریم‌ها کشورها ممکن است با مشکلاتی مانند کاهش صادرات، کاهش ورود سرمایه خارجی و کاهش دسترسی به فناوری‌های پیشرفته مواجه شود. این موارد می‌توانند منجر به کاهش تولید، افزایش نرخ بیکاری و کاهش درآمد ملی شوند. علاوه بر این، تحریم‌ها می‌توانند باعث افزایش هزینه‌ها و

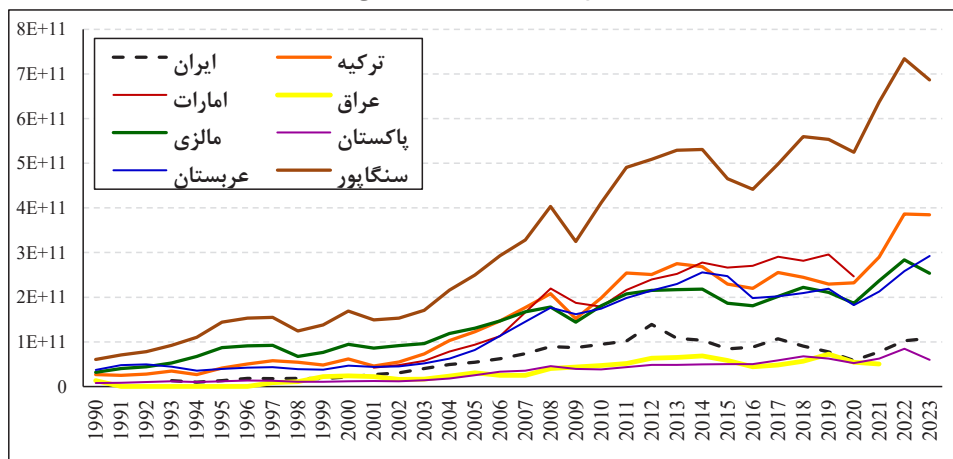
کاهش توان رقابتی صنایع داخلی شوند. در دو نمودار زیر روند تغییرات ارزش دلاری صادرات و واردات کشور ایران و کشورهای منتخب نشان داده شده است. همانطور که در نمودارها مشخص است ارزش دلاری کالا و خدمات صادراتی و وارداتی ایران تا سالهای ۲۰۱۲ تقریباً روند صعودی و قابل قبولی داشته است، اما از سال ۲۰۱۲ و با اعمال تحریمهای بین‌المللی این روند صعودی متوقف و در برخی از سالها نیز، نزولی شده است. بنابراین، تحریمهای گسترده باعث محدود شدن ارزش دلاری صادرات و واردات کشور شده است؛ که به تبع آن درآمدهای دولت کاهش یافته و اثرات نامطلوبی را بر اقتصاد ایران بجا گذاشته است.

روند تغییرات ارزش دلار کالا و خدمات صادراتی کشورهای منتخب



منبع: بانک جهانی

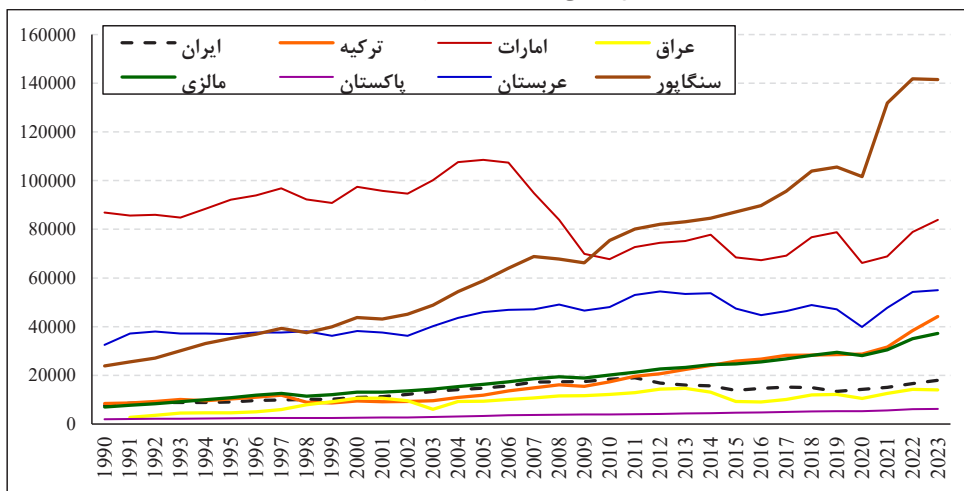
روند تغییرات ارزش دلاری کالا و خدمات وارداتی کشورهای منتخب



منبع: بانک جهانی

همچنین بررسی روند تولید ناخالص داخلی (GDP) سرانه بر پایه برابری قدرت خرید نشان می‌دهد که این شاخص تا سال‌های ۲۰۱۲ روند صعودی داشته است. اما پس از اعمال تحریم‌ها رشد این شاخص متوقف شده است. با این حال، مقدار این شاخص برای کشور ایران نسبت به بسیاری از کشورهای دیگر (منتخب در نمودار) کمتر است.

تولید ناخالص داخلی (GDP) سرانه بر پایه برابری قدرت خرید



منبع: بانک جهانی

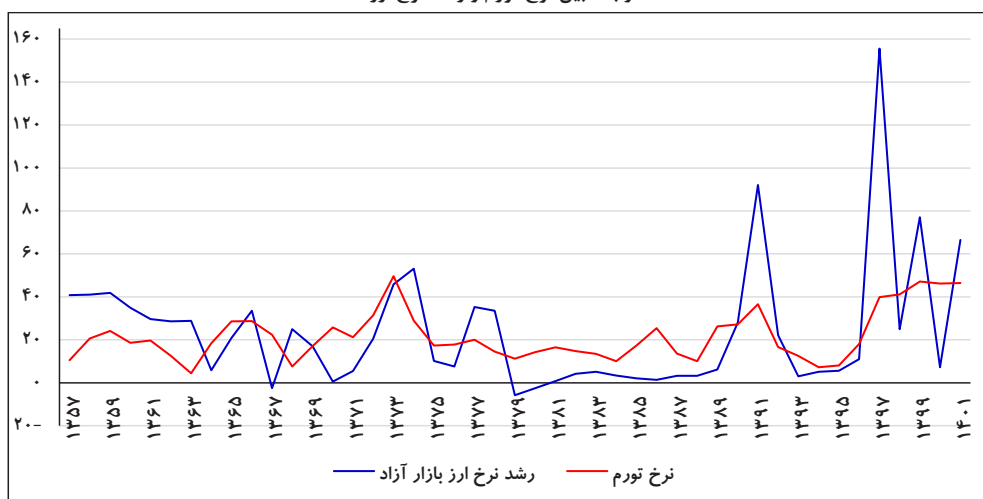
علاوه بر این، تحریم‌ها همچنین توانسته است تأثیرات منفی بر روی ارزش پول ملی داشته باشد. در حقیقت با کاهش تجارت بین‌المللی و کاهش ورود ارز خارجی، ارزش پول ملی ممکن است کاهش یابد و این موضوع می‌تواند به افزایش نرخ تورم و کاهش قدرت خرید مردم منجر شود. اتفاقی که در چند سال اخیر نیز برای ایران افتاد به همین صورت بود. از طرفی، با توجه به مطالعات انجام شده برای کشور ایران، مشخص شده است که نرخ ارز بالا منجر به قیمت بالا در کالاها خواهد شد. به این صورت که کاهش ارزش پول ملی، موجب بالا رفتن تقاضای داخلی و در نهایت بالا رفتن تورم خواهد شد. نوسان‌های غیرعادی نرخ ارز باعث کاهش نسبی قدرت خرید در قیاس با موازنه‌های بین‌المللی است. این امکان وجود دارد که بین نرخ ارز و تورم یک دایره علت و معلولی وجود داشته باشد. یعنی با بالا رفتن نرخ ارز و قیمت کالاهای وارداتی تورم ایجاد شده و خود این تورم موجب افزایش دوباره در نرخ ارز گردد (توکلی و همکاران، ۱۳۹۴). به طور کلی افزایش نرخ ارز از دو کانال موجب افزایش سطح عمومی قیمت‌ها می‌شود:

نخست کانال تقاضا: ناشی از افزایش تقاضا برای کالاها و خدمات صادراتی. افزایش قیمت کالاهای صادراتی و عبارتی بالا بودن قیمت کالاها در مقصد خارجی منجر به انتقال کالاهای صادراتی از بازار داخلی به بازار خارجی

می‌شود تا از این طریق سود بیشتری حاصل شود. در نتیجه این اتفاق و کاهش عرضه کالا در داخل کشور یک شکاف بین عرضه و تقاضا ایجاد می‌شود که در صورت نبود عرضه کافی برای تقاضای بالای داخلی، مازاد شکاف ایجاد شده (به شرط ثبات سایر شرایط) منجر به تورم می‌شود. همچنین افزایش نرخ ارز می‌تواند از طریق ایجاد یک سیاست پولی نیز روی تورم اثر بگذارد. در واقع افزایش نرخ ارز باعث افزایش در درآمدهای نفتی شده و موجب افزایش در حجم پول می‌شود. افزایش حجم پول موجب افزایش سطح عمومی قیمت‌ها و انتظارات تورمی افراد می‌گردد (یاوری و همکاران، ۱۳۸۳).

دوم کانال عرضه: کاهش ارزش پول موجب گران شدن کالاهای وارداتی (واسطه‌ای و سرمایه‌ای) می‌شود که با توجه به وابستگی نهادهای بخش‌های مختلف تولیدی به این قبیل کالاهای، منجر به تورم می‌شود. در واقع با افزایش هزینه تولید به دنبال افزایش قیمت کالاهای وارداتی روی قیمت کالاهای تولیدی داخلی نیز اثر گذاشته و قیمت آن‌ها را افزایش می‌دهد. البته کاهش ارزش پول ملی بر افزایش قیمت کالاهای مصرفی نیز اثر مستقیم دارد (طاهری فرد و همکاران، ۱۳۹۴؛ مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۲). نمودار زیر رابطه بین نرخ تورم و رشد نرخ ارز را نشان می‌دهد.

رابطه بین نرخ تورم و رشد نرخ ارز

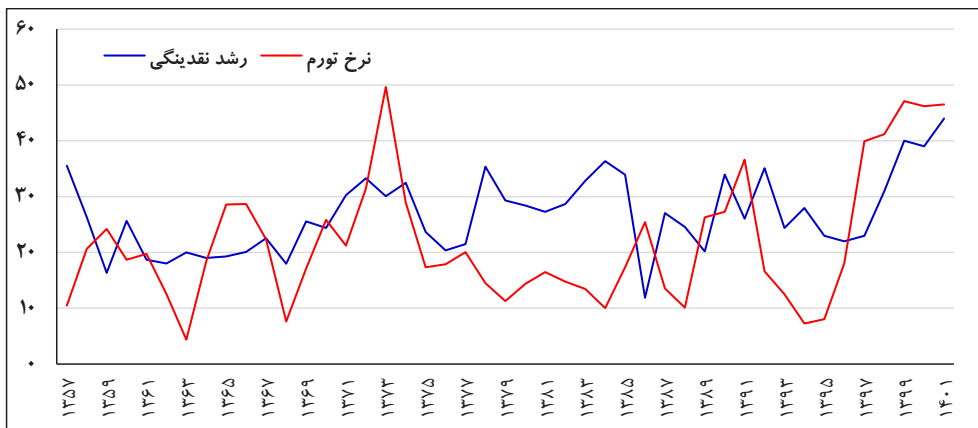


منبع: بانک مرکزی

علاوه بر این نرخ تورم می‌تواند نقدینگی کشور را نیز دستخوش تغییراتی کند. نقدینگی به مجموع پول و شبه پولی گفته می‌شود که در فضای اقتصاد یک کشور در جریان است. پول، طبق تعریف شامل اسکناس و مسکوک در دست اشخاص به علاوه سپرده‌های دیداری است و شبه پول نیز شامل سپرده‌های غیردیداری است. نقدینگی در

اقتصاد ضریبی از پایه پولی است که توسط بانک مرکزی خلق شده است و می‌توان گفت که عوامل موثر بر حجم نقدینگی در اقتصاد عمدتاً از عواملی همچون خالص دارایی‌های خارجی سیستم بانکی، خالص بدهی بخش دولتی به سیستم بانکی و بدهی بخش غیردولتی به سیستم بانکی نشأت می‌گیرد که در واقع مجموع عواملی که گفته شد به صورت پول و شبه پول در اقتصاد به گردش درمی‌آیند. این نکته حائز اهمیت است که میزان نقدینگی کشور در مقابل مقدار معینی از کالاها و خدمات است و نقدینگی باید با گردشش که توسط افراد جامعه دارد کفاف جریان کالاها و خدمات را بنماید. رشد بی‌رویه نقدینگی باعث رشد سریع تقاضا برای کالاها و خدمات شده و چون در کوتاه مدت عرضه کالا و خدمات و همچنین تولید داخلی محدود است این امر منجر به ایجاد تورم در اقتصاد، آن هم اقتصادی که روابط بین‌المللی محدود و در شرایط تحریمی شدیدی قرار دارد، می‌شود. برعکس این موضوع نیز می‌تواند صادق باشد. با افزایش نرخ تورم، از یک طرف ارزش پول کاهش می‌یابد و از طرف دیگر نیاز به پول برای داد و ستد افزایش پیدا می‌کند؛ که این موضوع می‌تواند نرخ رشد نقدینگی را افزایش دهد. نمودار زیر نشان دهنده رابطه رشد نقدینگی و نرخ تورم است.

رابطه نرخ تورم و رشد نقدینگی



منبع: بانک مرکزی

حال اگر به بررسی رابطه علت و معلول بین نرخ تورم و رشد نقدینگی بپردازیم نتایج قابل تاملی بدست می‌آید. این رابطه در جدول صفحه بعد مشخص است.

### آزمون علیت گرنجری بین نرخ تورم و رشد نقدینگی

Pairwise Granger Causality Tests			
Date: 07/12/24 Time: 08:39			
Sample: 1357 1401			
Lags: 2			
Null Hypothesis:	Obs	F-Statistic	Prob.
LIQ does not Granger Cause INFLATION	43	3.40672	0.0436
INFLATION does not Granger Cause LIQ		4.70779	0.0149

همانطور که از نتایج آزمون علیت گرنجر در نرم افزار ایویوز برای بازه زمانی ۱۴۰۱-۱۳۵۷ مشخص است، هردو ادعای اول و دوم مبنی بر اینکه «نرخ تورم علت رشد نقدینگی نیست» و «رشد نقدینگی علت نرخ تورم نیست» رد می‌شود (فرضیه صفر به دلیل اینکه مقدار احتمال آن کمتر از ۰,۰۵ می‌باشد، رد می‌شود). بنابراین، آنچه در اقتصاد ایران اتفاق می‌افتد بدین صورت است که افزایش نرخ تورم منجر به افزایش نقدینگی و افزایش نقدینگی منجر به افزایش نرخ تورم می‌گردد. البته در دهه ۸۰ شمسی به دلیل افزایش درآمدهای نفتی، ذخایر ارزی کشور زیاد شد و به همین دلیل نقدینگی از جانب پایه پولی افزایش پیدا کرد. همراه با این اتفاق با افزایش ذخایر ارزی در همین دوره، دولت توانست کالاهای بیشتری را وارد کند که از این طریق نرخ تورم تا حدودی کنترل گردید. بنابراین در ابتدای دهه ۸۰ شمسی، نرخ تورم و رشد نقدینگی رابطه معکوس داشته‌اند. به عبارتی در این دوره نرخ تورم روند کاهش داشته است ولی نقدینگی افزایش پیدا کرده است. با این حال با شروع تحریم‌های بین‌المللی و در چند سال اخیر، رابطه مستقیم علت و معلولی بین نقدینگی و نرخ تورم تقویت گردیده است.

علاوه بر این یکی از اثرات زیانبار بی‌ثباتی ناشی از تحریم‌ها و افزایش نرخ تورم، بیشتر شدن نااطمینانی در اقتصاد و افزایش انتظارات تورمی می‌باشد که در پی آن کشور از رشد و توسعه اقتصادی باز می‌ماند و اجازه بهره‌برداری از پتانسیل‌های موجود برای دست‌یابی به توسعه اقتصادی پایدار سلب می‌گردد. نااطمینانی به وضعیتی اطلاق می‌گردد که به دلیل نامشخص بودن احتمال وقوع حوادث در آینده [ناشی از عوامل اقتصادی (بی‌ثباتی در نرخ‌ها) سیاسی (تحریم) نهادی (بی‌ثباتی در قوانین و مقررات) و دیگر عوامل درونی و بیرونی] از یک طرف کنشگران اقتصادی را در اتخاذ تصمیم مناسب می‌تواند زمین‌گیر نماید و از طرف دیگر سیاست‌گذار را در حصول نتیجه مورد انتظار اعمال یک سیاست با محدودیت شدید مواجه نماید. برخی از برون‌دادهای نااطمینانی‌ها در حوزه اقتصادی شامل پیش‌بینی پذیر نبودن اقتصاد، فقدان انگیزه برای سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های اقتصادی مولد ورود بخش غیر دولتی به سمت فعالیت‌های کوچک مقیاس و قراردادهای کوتاه مدت ناشی از عدم احترام به حقوق مالکیت، ورود آحاد جامعه به فعالیت‌های سفته‌بازانه و رانت‌جویانه می‌باشد. برخی از مهم‌ترین عوامل و ریشه‌های نااطمینانی در محیط اقتصاد کلان ایران به شرح زیر است (همتی، ۱۴۰۳):<sup>۱</sup>

۱. برگرفته از گزارش: همتی، عبدالناصر، (۱۴۰۳)، برنامه وزیر پیشنهادی وزارت امور اقتصادی و دارایی

### عوامل و ریشه‌های نااطمینانی در محیط اقتصاد کلان

#### عوامل ساختاری

- (۱) سهم بالای یک دولت بی انضباط در اقتصاد که منجر به سلطه مالی در اقتصاد شده است.
- (۲) فقدان نظام جامع مالیاتی که دو هدف کسب درآمد برای دولت و توزیع مناسب درآمدها را دنبال کند.
- (۳) نامناسب بودن محیط کسب و کار هم از جنبه محیط کلان و هم از سایر جنبه‌های درونی.
- (۴) معیوب بودن نظام توزیع در کشور و عدم تناسب آن با چرخه تولید و تجارت.
- (۵) وابستگی ساختارهای تولید به واردات مواد اولیه و تجهیزات و نازل بودن عمق ساخت داخل.
- (۶) فقدان سازوکارهای قانونی مناسب برای مشارکت عمومی خصوصی.

#### عوامل نهادی

- (۱) تحریم و ناکافی بودن پیوندهای اقتصادی استراتژیک منطقه‌ای
- (۲) ناهماهنگی‌های گسترده بین دستگاه‌های دولتی و فرادولتی
- (۳) نااطمینانی از وضعیت صندوق‌های بازنشستگی و ابهام در پایداری فعالیت آنها در بلندمدت
- (۴) گستره ناقص بیمه‌های تأمین اجتماعی، بیمه‌های عمر و زندگی و سایر انواع بیمه در کشور
- (۵) کم توجهی دولت‌ها در تأمین نیازهای اساسی خانوارها اعم از مسکن و غیره
- (۶) سطح نازل شفافیت در عملکرد، بودجه و سیاست‌های دستگاه‌های مرتبط با حاکمیت (مانند بدهی‌های دولت)
- (۷) ناکارآمدی نظام قضایی کشور در حل و فصل دعاوی و مطول شدن فرایندهای بررسی در محاکم قضایی
- (۸) عدم رعایت و توجه به حقوق مالکیت و تضمین اجرایی شدن قراردادهای
- (۹) فقدان سیاست‌های کلان و غیرقابل تغییر در زمینه محیط زیست، آمایش سرزمین، شهرسازی و غیره

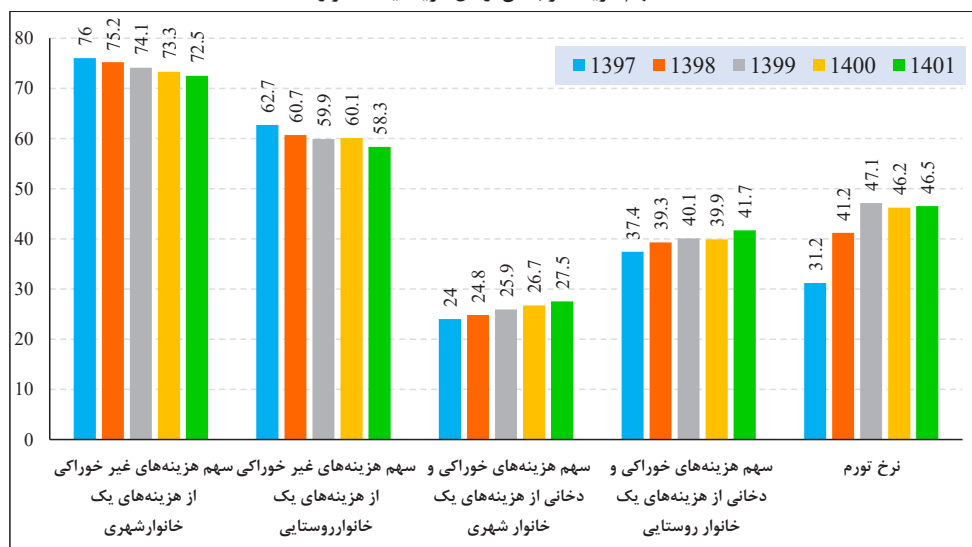
#### عوامل اقتصادی

- (۱) بی‌ثباتی در متغیرهای اقتصاد کلان نظیر نرخ تورم، رشد اقتصادی، نرخ ارز و غیره
- (۲) رشد بالای نقدینگی نسبت به تولید ناخالص داخلی و رشد نامتوازن بخش پولی نسبت به بخش حقیقی
- (۳) سهم اندک بهره‌وری در رشد اقتصادی طی دهه‌های متوالی
- (۴) وجود انحصارات دولتی در نتیجه عدم اجرای درست قانون سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی طی دو دهه اخیر
- (۵) کم توجهی به سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و عدم درک و اجرای آنها
- (۶) فقدان ابزارهای پوشش ریسک در معاملات و سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت اشخاص
- (۷) وجود رانت، فساد و قاچاق کالا و ارز در سطح گسترده
- (۸) بی‌ثباتی در بازار نیروی کار و لاینحل ماندن موضوع اشتغال پایدار.

منبع: (همتی، ۱۴۰۳).

علاوه بر این افزایش نرخ تورم و اثرات حاصل از تحریم‌ها در دهه اخیر منجر به تغییر سبد مصرفی خانوار شده است. همانطور که در نمودار زیر مشخص است، با افزایش نرخ تورم خانوار مجبور شده است هزینه‌های غیرخوراکی خود را کاهش دهد و آن را صرف هزینه‌های خوراکی و غذایی خود نماید. به عبارتی خانوار از هزینه‌های تفریحی، آموزشی، بهداشتی و درمانی و غیره خود کاسته است تا بتواند هزینه‌های خوراکی و غذایی خود را تأمین نماید. در واقع این موضوع بر اساس قانون انگل نیز تأیید می‌شود. این قانون بیان می‌کند که هنگام کاهش درآمد، درصد درآمدی که برای خرید مواد غذایی تخصیص داده می‌شود به خاطر کاهش درآمدی نسبتاً پایینی که مواد غذایی دارند کمتر کاهش می‌یابند، در حالی که درصدی که برای مصارف دیگر مثل آموزش، تفریح، پوشاک و غیره صرف می‌شود، کاهش بیشتری دارند.

سهم هزینه هر بخش از کل هزینه یک خانوار

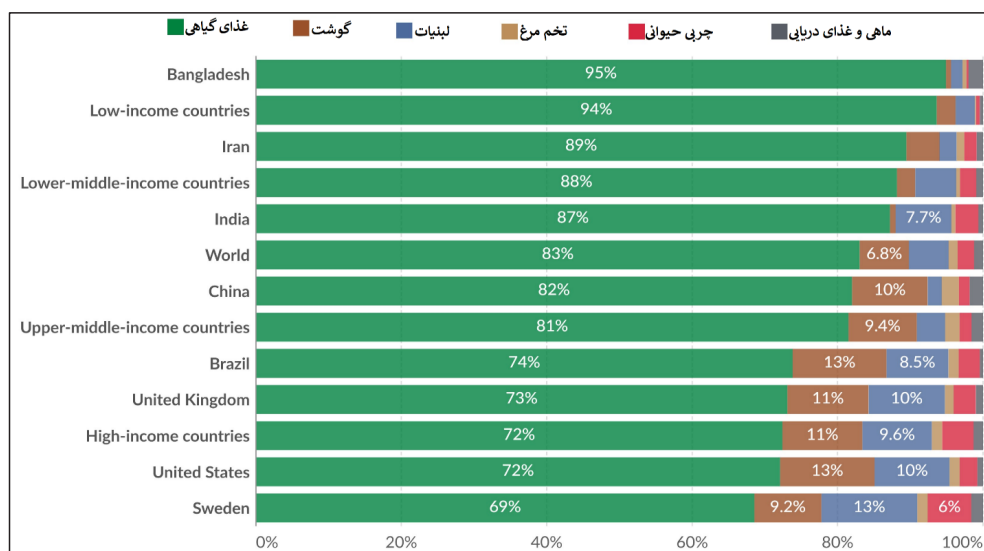


منبع: مرکز آمار ایران

همانطور که از نمودار بالا مشخص است در سال‌های اخیر به دلیل بی‌ثباتی اقتصادی هزینه‌های غیرخوراکی خانوار کاهش یافته است. اما باید به این نکته نیز توجه کرد که کاهش درآمد تنها تقاضای کل مواد غذایی را تغییر نمی‌دهد بلکه الگوی مصرف را نیز تغییر می‌دهد. به عنوان مثال زمانی که درآمد افزایش می‌یابد الگوی مصرف فرد به الگوی مصرف لوکس که به معنای راحتی بیش‌تر در دسترسی به غذا و محصولات فراوری شده و ایمنی مواد غذایی از نظر محیط زیست و بهداشت است، تغییر می‌دهد. قانون بنت در این خصوص بیان می‌کند که با افزایش درآمد، مردم غذاهای اصلی نشاسته‌ای با کالری نسبتاً کمتر را با گوشت و لبنیات و غیره جایگزین می‌کنند.

به عنوان مثال در کشورهای در حال توسعه افزایش درآمد از طریق افزایش توانایی و قدرت خرید پول در دست مردم، موجب تغییر رژیم غذایی مصرف کنندگان از رژیم غذایی تحت سلطه غلات به رژیم غذایی حاوی پروتئین‌های حیوانی مانند فرآورده‌های گوشتی، محصولات لبنی، تخم مرغ و همچنین حبوبات، میوه‌ها و سبزیجات و غیره می‌شود (مولر و همکاران، ۲۰۱۱). همانطور که در نمودار زیر مشخص است سهم مصرف غذاهای گیاهی نسبت به گوشت، لبنیات و غیره در ایران نسبت به برخی از گروه‌های درآمدی، کشورهای منتخب و متوسط جهانی کمتر است (البته نقش ذائقه مصرف کننده و فراوانی یک محصول در یک کشور را نمی‌توان نادیده گرفت).

سهم کالری دریافتی از گروه‌های مختلف غذایی (سال ۲۰۲۱)

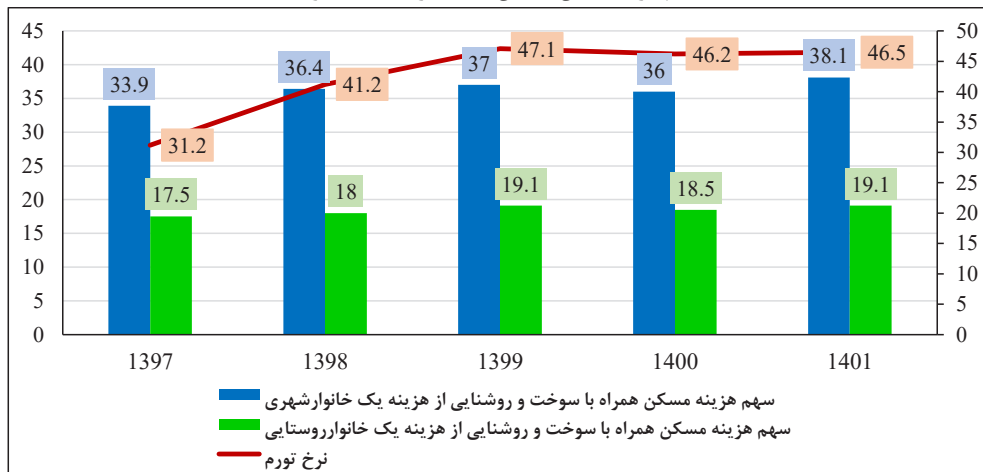


منبع: سازمان غذا و کشاورزی ملل متحد (فائو) - ۲۰۲۳

حال سوالی که مطرح می‌شود این است اقلام مربوط به هزینه غیرخوراکی خانوار به چه صورت تغییر کرده‌اند؟ نتایج بررسی‌ها نشان از این موضوع دارد که با وجود کاهش هزینه‌های غیرخوراکی خانوار، هزینه مسکن در این گروه کالایی روند صعودی داشته است.

## فصل دوم- بررسی اثرات تحریم ها و نوسانات اقتصادی بر جامعه

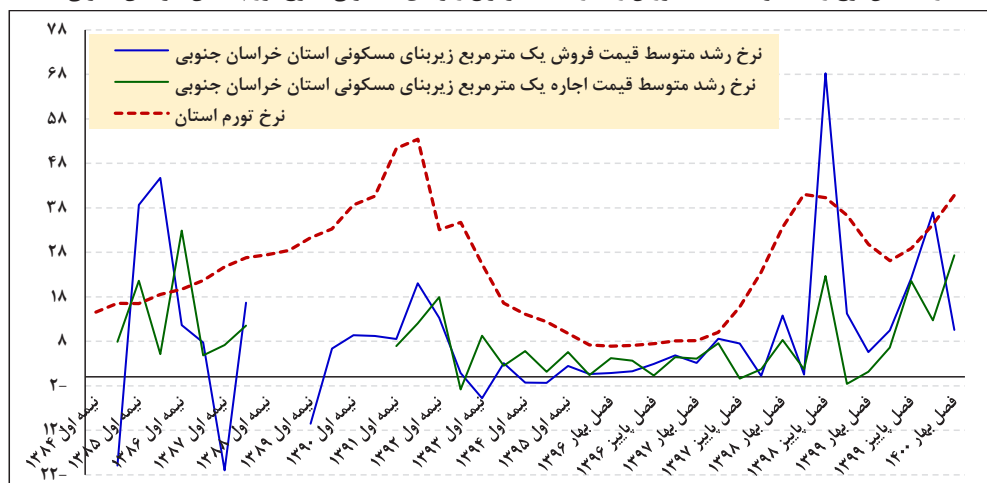
سهم هزینه بخش مسکن از کل هزینه یک خانوار



منبع: مرکز آمار ایران

دلیل این امر به خاطر نوسانات شدید قیمت مسکن و اجاره بهای آن می باشد (نمودار زیر). به عبارتی خانوار مجبور شده است برای تأمین مسکن و سرپناه بخش زیادی از هزینه های غیر خوراکی خود در سایر بخش ها (مانند تفریح و سرگرمی) را کاهش دهد تا بتواند هزینه های این بخش را تأمین نماید.

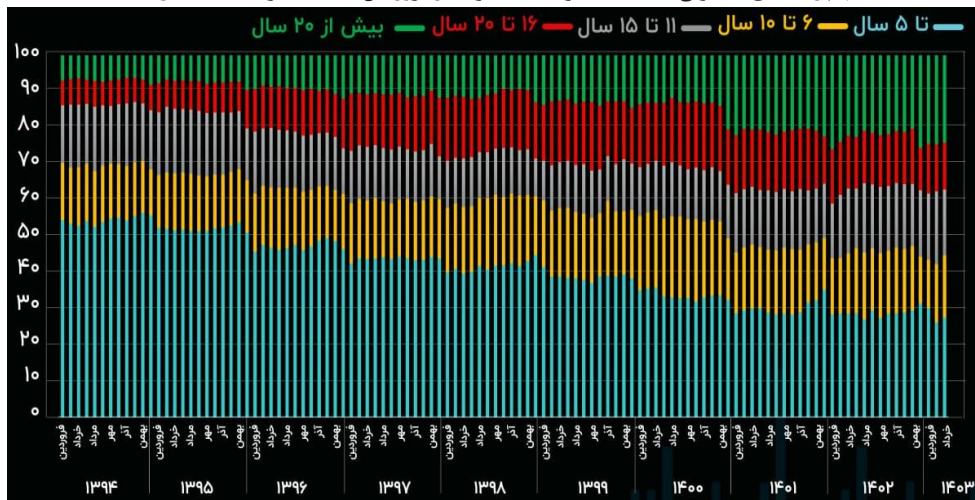
رابطه بین نرخ رشد متوسط قیمت فروش و اجاره یک مترمربع زیربنای مسکونی با نرخ تورم استان خراسان جنوبی



منبع: مرکز آمار ایران

البته با وجود افزایش هزینه مسکن کیفیت مسکن طی این چند سال کاهش پیدا کرده است. بانک مرکزی در گزارش‌های ماهانه خود آمار سن بناهای خریداری شده در شهر تهران را منتشر کرده است. بررسی روند این آمارها از فروردین سال ۹۴ تا خردادماه امسال نشان می‌دهد بناهای خریداری شده جدید در شهر تهران کاسته شده و افراد به سمت خرید خانه‌های قدیمی حرکت کرده‌اند. در این روند به خوبی می‌توان مشاهده کرد که سهم خانه‌های معامله شده در دو گروه «بین ۶ تا ۱۰ سال» و «بین ۱۱ تا ۱۵ سال» تقریباً از سال ۹۴ تا کنون ثابت بوده است و تغییرات چندانی نداشته است. اما تغییرات اصلی در سه گروه دیگر رخ داده است. بررسی آمار خانه‌های با سن «کمتر از ۵ سال» حاکی از یک کاهش معنادار در معاملات آن‌ها بوده است. برای مثال در خرداد سال ۹۴، سهم خانه‌هایی با عمر «کمتر از ۵ سال» معادل ۵۳ درصد بوده که در خرداد امسال به شدت کاهش یافته و به ۲۷٫۶ درصد رسیده است. در سمت دیگر دو گروه خانه‌های با عمر «بیش از ۲۰ سال» و «بین ۱۶ تا ۲۰ سال» قرار گرفته که سهم خانه‌های جدید را در معاملات مسکن در شهر تهران اشغال کرده است. طبق آمارهای بانک مرکزی، سهم خانه‌های با عمر «بیش از ۲۰ سال» و خانه‌های با عمر «بین ۱۶ تا ۲۰ سال» در خرداد سال ۹۴ به ترتیب ۶٫۳ درصد و ۷٫۳ درصد بوده است. اما این سهم به مرور زمان افزایش پیدا کرده و در خرداد سال ۱۴۰۳، سهم خانه‌های با عمر «بیش از ۲۰ سال» به ۲۴٫۱ درصد و سهم خانه‌های با عمر «بین ۱۶ تا ۲۰ سال» به ۱۳ درصد رسیده است. در نتیجه بر اساس این آمارها می‌توان گفت خرید خانه نوساز و جدید برای خانوارهای ایرانی علی‌الخصوص خانه اولی‌ها و مستأجران سخت‌تر شده و این خانوارها برای تأمین مسکن خود به دنبال واحدهای مسکونی با عمر بالا رفته‌اند (بانک مرکزی ایران، ۱۴۰۳؛ به نقل از اکوایران).

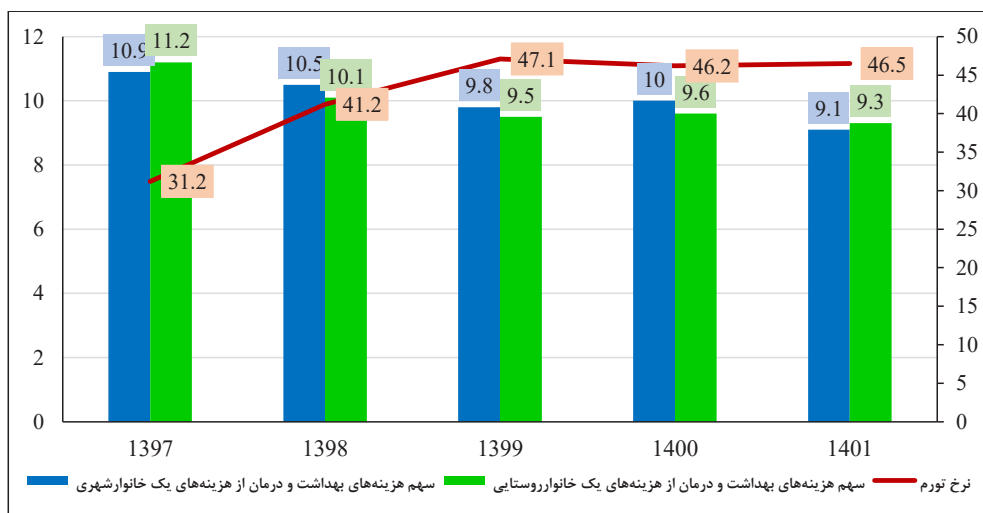
سهم واحدهای مسکونی معامله شده بر حسب عمر بنا از فروردین ۱۳۹۴ تا خرداد ۱۴۰۳ - (درصد)



منبع: بانک مرکزی (به نقل از اکو ایران)

علاوه بر این در چند سال اخیر هزینه‌های غیرخوراکی دیگری مانند هزینه‌های بخش بهداشت، آموزش و فرهنگ و تفریحات کاسته شده است. نمودار زیر سهم هزینه‌های بهداشتی از کل هزینه‌ای خانوار است. هرچند بخشی از کاهش هزینه‌های خانوار در حوزه بهداشت و سلامت به دلیل اجرای طرح تحول نظام سلامت بوده است، اما نمی‌توان اثرات تحریم‌ها و افزایش نرخ رشد قیمت‌ها را در کاهش سهم هزینه بخش بهداشت و درمان از کل هزینه‌های خانوار نادیده گرفت.

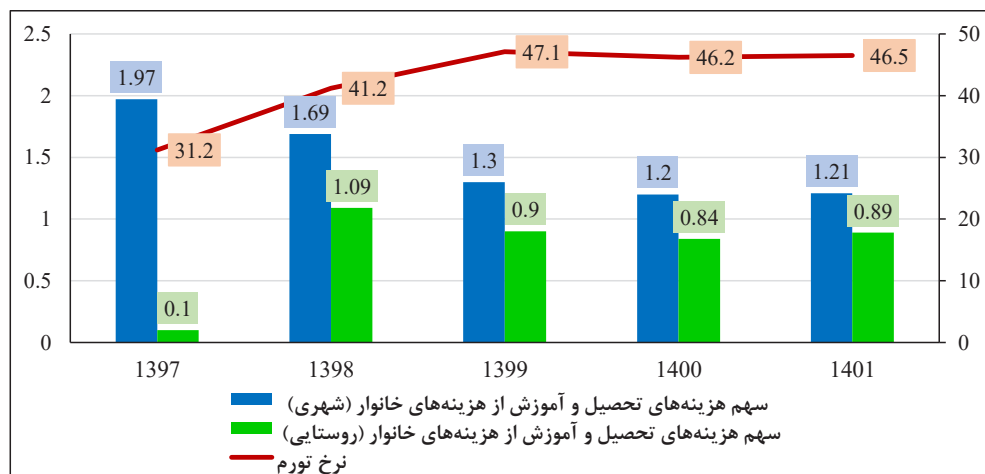
سهم هزینه بخش بهداشت و درمان از کل هزینه یک خانوار



منبع: مرکز آمار ایران

برای بخش آموزش نیز این موضوع صادق است و در چند سال اخیر افزایش نرخ تورم باعث کاهش هزینه آموزش خانوار شده است. این موضوع بیانگر این است که بخش قابل توجهی از هزینه‌های خانوارها به سمت اقلام خوراکی و ضروری حرکت کرده است که در نتیجه افزایش تورم، خرید آن‌ها با مشکل مواجه شده است و مخارج بهداشتی و آموزش تا حدودی ثابت و یا کاهش پیدا کرده‌اند. کاهش سهم مخارج بخش بهداشتی و آموزشی خانوار نسبت به مخارج سایر بخش‌ها که دو مؤلفه کلیدی برای ایجاد سرمایه انسانی و توسعه اقتصادی محسوب می‌گردند، شاید زنگ خطری برای آینده کشور باشد که نیازمند توجه بیشتر به این بخش‌ها می‌باشد.

سهم هزینه بخش آموزش از کل هزینه یک خانوار



منبع: مرکز آمار ایران

با توجه به تئوری توسعه انسانی، ارتباط تنگاتنگی بین بهبود سرمایه انسانی، رشد و توسعه اقتصادی وجود دارد. این موضوع بیانگر این نکته می‌باشد که سرمایه‌گذاری در آموزش و بهداشت به عنوان بخش‌های کلیدی سرمایه انسانی می‌تواند به پیشرفت و توسعه کمک نماید. مخارج بهداشتی تابعی از درآمد یا منابع موجود در بخش خصوصی و دولتی است. از آنجا که سلامت به عنوان یک عامل تعیین‌کننده سرمایه انسانی شناخته می‌شود و بهره‌وری نیروی کار نیز افزایش می‌یابد، بنابراین افزایش هزینه‌های مراقبت‌های بهداشتی باعث افزایش عرضه و بهره‌وری نیروی کار می‌شود و سپس منجر به درآمد بیشتری می‌شود. این شرایط برای بخش آموزش نیز برقرار است. آموزش نه تنها از جنبه توسعه انسانی، بهبود وضعیت بهداشت و وضعیت بازار کار، بلکه از جنبه عملکرد اقتصادی کشورها نیز بر آن‌ها موثر است. وقتی که اقتصاد وارد مرحله دانش‌محوری می‌شود، آموزش و سرمایه انسانی نقش حساسی را در رشد اقتصادی کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه ایفا می‌کند؛ از این جهت که باعث رشد و توسعه سریع این کشورها می‌شود (آل عمران و آل عمران، ۱۳۹۳، ص ۱۲).

موضوع مهم دیگری که در اقتصاد ایران باعث ایجاد مشکلات فراوانی شده است، سهم پایین تأمین مالی کشور از محل سرمایه‌گذاری خارجی و بازار سرمایه می‌باشد. عدم شکل‌گیری یک بازار سرمایه منسجم و کارآمد و بانک محور بودن بازار مالی موجب شده است بانک‌ها برای تأمین منابع مورد تقاضا به بانک مرکزی وابسته شده و به این دلیل، کارکرد سیستم بانکی خود به عاملی تورم‌زا همراه با اختلال در امور تولیدی تبدیل شود. از طرف دیگر اگر بانک‌ها در تأمین نیازهای مذکور ایفای نقش نکنند؛ بنگاه‌های اقتصادی بدون برخورداری از یک ساز و کار

مطمئن تأمین مالی، نمی‌توانند از رکود خارج شوند و ساز و کارهای موجود چنین شرایطی را فراهم نمی‌کند. شرایط سخت تحریمی طی سال‌های اخیر و عدم سرمایه‌گذاری خارجی کافی و محدودیت‌های فروش نفت برای ایجاد توسعه و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها در نتیجه فشار به منابع محدود سیستم بانکی و افزایش تسهیلات تکلیفی و تأمین مالی بیش از ۹۲ درصدی از طریق بانک‌ها و به تبع آن افزایش ناترازی بیشتر بانک‌های کشور منجر شده است؛ بطوری که برداشت بانک‌ها و مؤسسات اعتباری (به صورت اضافه برداشت یا عملیات ریپو) از بانک مرکزی به رقم بی سابقه حدود ۸۰۰ همت در خرداد سال ۱۴۰۳ افزایش یافته است. این برداشت مستقیم و غیر مستقیم بانک‌ها از بانک مرکزی در افزایش تورم تأثیر قابل توجهی داشته است (همتی، ۱۴۰۳)!

وضعیت تأمین مالی بنگاه‌های اقتصادی از محل بانک‌ها بازار سرمایه و سرمایه‌گذاری خارجی (درصد)

بازارها	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰	۱۴۰۱	۱۴۰۲
بازار پول	۹۲.۵	۹۰.۶	۹۲.۶	۹۱.۵	۹۰.۱	۸۵.۴	۸۶.۸	۸۷.۹	۸۶.۱	۸۹.۶	۹۲.۴	۹۲.۶
بازار سرمایه	۴.۲	۵.۷	۵.۷	۷.۴	۶.۴	۱۰.۶	۶.۷	۱۰.۲	۱۱.۶	۸.۱	۶.۷	۷.۱
سرمایه‌گذاری خارجی	۳.۳	۳.۷	۱.۷	۱.۱	۳.۵	۴	۶.۵	۱.۹	۲.۳	۲.۳	۰.۹	۰.۳

منبع: بانک مرکزی (به نقل از همتی، ۱۴۰۳)

همانطور که در جدول فوق مشخص است یکی از چالش‌های مهم دیگر در اقتصاد ایران ورود محدود سرمایه خارجی مناسب و کمبود منابع ارزی برای تجهیز سرمایه جهت ظرفیت‌سازی و نیز توسعه ظرفیت‌های تولید کشور است. از آنجا که درآمدهای نفتی ایران روند کاهشی داشته و تأمین منابع ارز لازم برای تهیه مواد اولیه و تجهیزات تولید، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و ظرفیت‌سازی برای تحقق یک رشد سریع با محدودیت مواجه شده است؛ دولت نیاز مبرمی به ورود سرمایه از خارج کشور دارد. علاوه بر این درحال حاضر برای رفع ناترازی حامل‌ها و فراورده‌های انرژی نظیر گاز، بنزین، برق و سایر و همچنین زیرساخت‌های ارتباطات و حمل و نقل و ناوگان هوایی، درکنار سرمایه‌های داخلی، نیاز به انواع تأمین مالی خارجی و تجهیز منابع ارزی سنگین می‌باشد (همتی، ۱۴۰۳).

علاوه بر این همانطور که اشاره شد عدم شکل‌گیری یک بازار سرمایه منسجم و کارآمد و بانک محور بودن بازار مالی موجب شده است که بانک‌ها برای تأمین منابع مورد تقاضا به منابع بانک مرکزی وابسته شده و به این دلیل، کارکرد سیستم بانکی خود به عاملی تورم‌زا همراه با اختلال در امور تولیدی تبدیل شود. توسعه مطلوب و شفاف بازار سرمایه می‌تواند تجهیز و تخصیص منابع را در اقتصاد ایران متحول سازد. درحال حاضر بازار سرمایه با شرایط

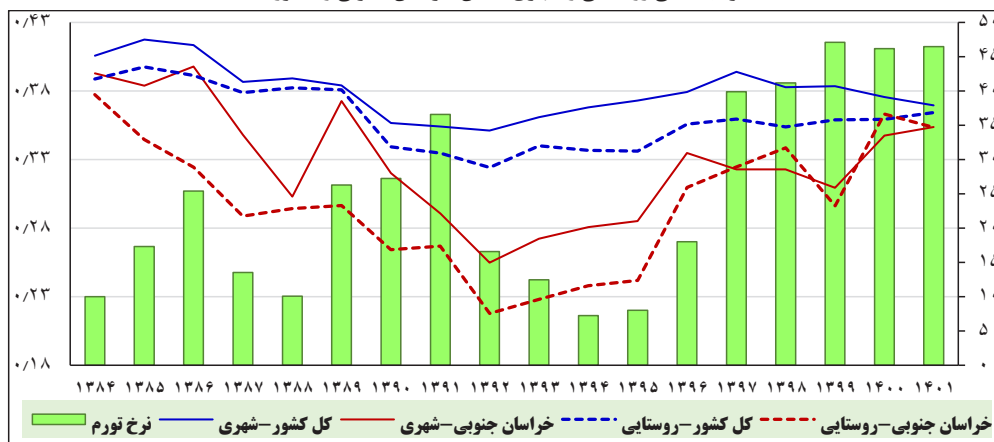
۱. برگرفته از گزارش: همتی، عبدالناصر، (۱۴۰۳)، برنامه وزیر پیشنهادی وزارت امور اقتصادی و دارایی

نامطلوب و مشکلاتی فراوانی مواجه شده است. عدم شفافیت، بی اعتمادی مردم به بازار، دخالت‌های مکرر دولت و همچنین قیمت‌گذاری دستوری از ویژگی‌های شرایط امروز بازار است (همان).

### ب) بخش اجتماعی

یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که در حوزه اجتماعی مطرح می‌شود بحث توزیع درآمد و نابرابری است. بدون شک افزایش نرخ تورم باعث افزایش درآمد و سود افرادی که دارای سرمایه‌های کلان هستند می‌شود و خانوارهای کم درآمد آسیب بیشتری می‌بینند. همانطور که در نمودار زیر مشخص است، ضریب جینی کشور و استان خراسان جنوبی تا قبل از اعمال تحریم‌های شدید بین‌المللی روندی نزولی داشته و به عبارتی شکاف درآمدی بین جمعیت غنی و فقیر کم شده است. اما از ابتدای دهه ۹۰ شمسی با افزایش تحریم‌های بین‌المللی، نوسانات نرخ تورم افزایش یافت و ضریب جینی روند صعودی در پیش گرفت. به طوری که بر اساس آمار و ارقام، ضریب جینی و نابرابری حال حاضر به همان اندازه تقریباً ۲۰ سال پیش می‌باشد.

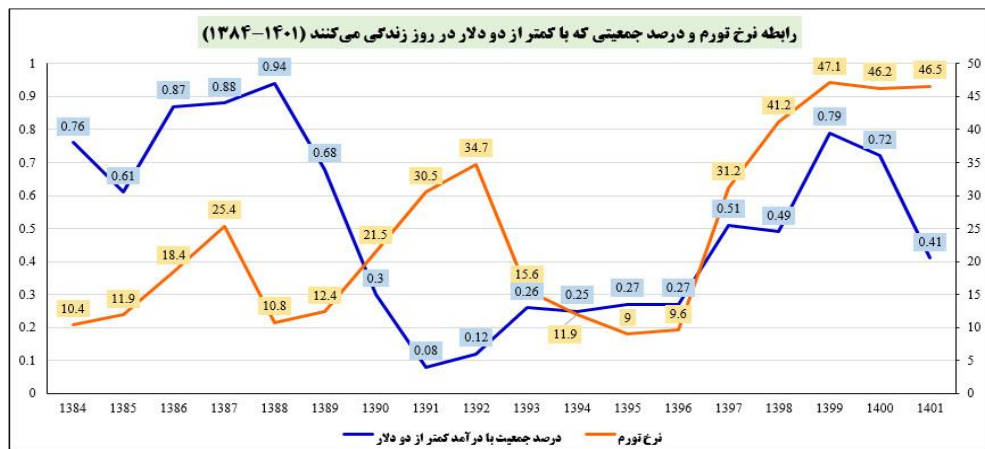
ضریب جینی روستایی و شهری استان خراسان جنوبی و کشور



منبع: مرکز آمار ایران

از جمله دلایل افزایش نابرابری و کاهش رفاه اجتماعی در دهه ۹۰، نوسانات اقتصادی ناشی از تحریم‌های بین‌المللی و کاهش منابع درآمد دولت به دلیل کاهش فروش نفت بوده است. به عبارتی نفت در کشورهای صادرکننده نفت مهم‌ترین کالای صادراتی است و کاهش قیمت نفت و کاهش درآمدهای نفتی بر تولید ناخالص داخلی و اجزای آن تأثیرگذار است. از سوی دیگر درآمدهای نفتی مهم‌ترین منبع تأمین هزینه‌های دولت است و تغییرات درآمدهای نفتی تأثیر مستقیمی بر درآمدهای دولت و لذا هزینه‌های آن دارد. با تحت‌تأثیر قرار گرفتن هزینه‌های دولت در اثر تغییرات درآمدهای نفتی، تقاضای کل با تغییر روبرو می‌شود و به‌طور غیرمستقیم درآمد و هزینه بنگاه‌ها و

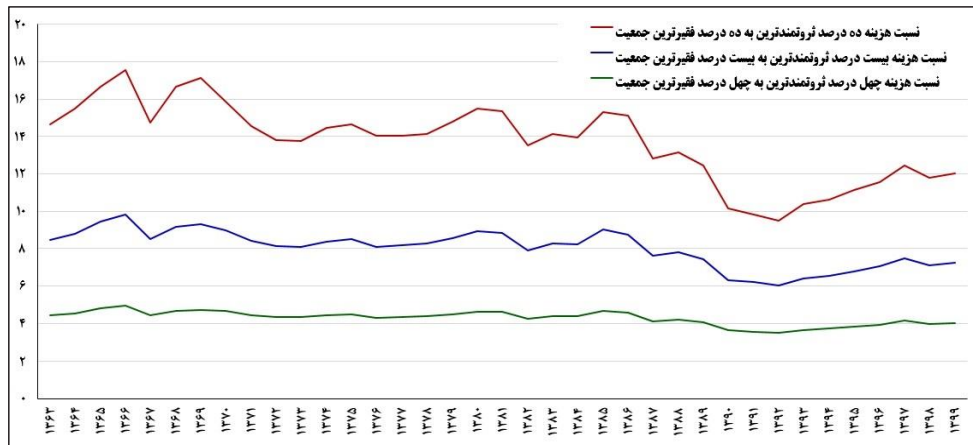
خانوارها و به دنبال آن رفاه را تحت تأثیر قرار می دهد (محمودی، ۲۰۱۹). مهم ترین کانال های انتقال شوک های نفتی بر بخش خانوارها عبارتند از: الف) شوک های نفتی با تأثیر بر قیمت های نسبی، سوددهی بخش های مختلف اقتصادی را تغییر می دهد و در نتیجه، اشتغال و دستمزدهای واقعی را با تغییر مواجه می کند. همچنین خانوارها از طریق تغییر قیمت کالاهای مصرفی تحت تأثیر قرار می گیرند. ب) شوک های نفتی تقاضای نیروی کار و سطح اشتغال را تحت تأثیر قرار می دهد و به این طریق سطح دستمزدها را در بخش های مختلف اقتصادی تغییر می دهد. ج) شوک های نفتی با تأثیر بر سوددهی دارایی های فیزیکی و سرمایه نرخ پس انداز خانوارها را تحت تأثیر قرار می دهد و بنابراین قدرت خانوارها در برابر شوک ها را تحت تأثیر قرار می دهد. د) شوک های نفتی با تحت تأثیر قراردادن انتقالات و هزینه های دولت تقاضای نیروی کار، قیمت های نسبی، انتقالات مستقیم (پرداخت های انتقالی دولت) و ارائه کالاهای عمومی را تحت تأثیر قرار می دهد که می تواند بر رفاه اقتصادی تأثیرگذار باشد (حسن زاده، ۲۰۱۲؛ صابرمآهانی، ۱۴۰۱). بنابراین با کاهش سوددهی بخش قابل تجارت، میزان تولید کاهش یافته و باعث کاهش درآمد کشور می شود و به این طریق منجر به کاهش رفاه خواهد شد. علاوه بر این مطالعات انجام شده نشان می دهند که شوک های وارده بر اقتصاد، زندگی خانوارهای ایرانی را بشدت تحت تأثیر قرار داده است و وضعیت زندگی مردم بعد از این نوسانات دچار تغییراتی شده و قدرت خرید و درآمد آن ها کاهش یافته است. به عبارتی پس از تکان ها اقتصادی اخیر، میزان دسترسی مردم به برخی کالاها کاهش پیدا کرده و وضعیت امکانات بهداشتی و درمانی و کیفیت آن ها نسبت به قبل از تحریم و نوسانات متغیرهای اقتصادی بدتر شده و رفاه اجتماعی مردم کاهش یافته است (رجبی، ۱۳۹۲). همچنین یکی از شاخص هایی که برای محاسبه فقر به کار گرفته می شود استفاده از خط فقر است. سازمان ملل گاهی از شاخصی تحت عنوان «درصد جمعیتی که کمتر از دو دلار در روز درآمد کسب می کنند» برای سنجش وضعیت یک کشور استفاده می کند. نمودار زیر رابطه این شاخص را با نرخ تورم نشان می دهد. همانطور که مشخص است در ابتدای دهه ۸۰ و در دهه ۹۰ رفتار دو نمودار مشابه است؛ اما از اواخر دهه ۸۰ و از سال ۱۴۰۰ به بعد روند دو نمودار متفاوت است. دلیل این تفاوت در دو زمان مذکور، اعطای یارانه ۴۵۵۰۰ تومانی در سال ۱۳۸۹ به بعد و یارانه ۳۰۰ و ۴۰۰ هزار تومانی در سال ۱۴۰۰ می باشد که باعث کاهش این نمودار شده است. بنابراین آنچه قابل رویت است این می باشد که افزایش نرخ تورم باعث افزایش جمعیت افرادی شده است که روزانه درآمدی کمتر از دو دلار کسب می کنند. به عبارتی دیگر افزایش بی ثباتی اقتصاد، فقر را در جامعه افزایش می دهد.



منبع: مرکز آمار ایران و وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی ایران

علاوه بر این معمولاً از شاخص‌های دیگری نظیر نسبت هزینه ۱۰، ۲۰ و ۴۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰، ۲۰ و ۴۰ درصد فقیرترین جمعیت نیز برای بررسی میزان نابرابری در جامعه استفاده می‌شود. از تقسیم کل هزینه یک دهک به کل هزینه دهکی دیگر، نسبت های دهکی به دست می‌آید. از نظر مبانی اقتصاد، هزینه تابعی از درآمد است، از این رو می‌توان از شکاف هزینه‌ای بین دو دهک به شکاف و اختلاف درآمدی آن دو نیز رسید. آمارها نشان می‌دهد نسبت هزینه‌ای ده درصد ثروتمند شهرنشین به ده درصد فقیر همانطور که در نمودار و جداول صفحات بعدی مشخص است، تا اوایل دهه ۹۰ شمسی روند نزولی و مناسبی را داشته‌اند؛ اما با گسترش تحریم‌ها و افزایش نوسانات اقتصادی این روند متوقف گردید و حتی برای برخی از سال‌ها صعودی نیز شد.

نسبت هزینه ۱۰، ۲۰ و ۴۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰، ۲۰ و ۴۰ درصد فقیرترین جمعیت در مناطق شهری سال‌های ۱۳۶۳-۹۹



منبع: مرکز آمار ایران

## فصل دوم- بررسی اثرات تحریم ها و نوسانات اقتصادی بر جامعه

شاخص های توزیع درآمد خانوارهای کل کشور

شرح	سهم بیست درصد کم هزینه ترین جمعیت (درصد)	نسبت هزینه ده درصد پر هزینه ترین به کم هزینه ترین جمعیت	نسبت هزینه بیست درصد پر هزینه ترین به کم هزینه ترین جمعیت	نسبت هزینه چهار درصد پر هزینه ترین به کم هزینه ترین جمعیت	سهم بیست درصد پر هزینه ترین جمعیت (درصد)	شاخص پالما	شاخص تیل	شاخص اتکنیسون
۱۳۸۰	۵.۲۲	۱۶.۴۳	۹.۶۱	۴.۹۰	۵۰.۱۸	۲.۳۳	۰.۳۱۸۶	۰.۲۷۱۵
۱۳۸۵	۵.۰۲	۱۷.۴۰	۱۰.۰۴	۵.۰۹	۴۷.۵۲	۱.۹۳	۰.۲۶۹۶	۰.۲۳۲۴
۱۳۹۰	۶.۶۳	۱۱.۰۹	۶.۷۸	۳.۸۰	۴۴.۹۸	۱.۶۸	۰.۲۳۲۵	۰.۲۰۸۱
۱۳۹۵	۶.۱۳	۱۲.۹۹	۷.۶۱	۴.۱۰	۴۶.۶۷	۱.۸۵	۰.۲۵۸۳	۰.۲۲۵۸
۱۳۹۷	۵.۸۰	۱۴.۴۵	۸.۳۶	۴.۴۱	۴۸.۵۰	۲.۰۵	۰.۲۸۷۱	۰.۲۴۶۱
۱۳۹۸	۵.۹۶	۱۳.۶۹	۷.۹۷	۴.۲۵	۴۷.۴۹	۱.۹۵	۰.۲۷۲۰	۰.۲۳۵۵
۱۳۹۹	۵.۸۳	۱۳.۹۶	۸.۱۳	۴.۳۲	۴۷.۴۴	۱.۹۶	۰.۲۷۲۱	۰.۲۳۷۹
۱۴۰۰	۵.۸۸	۱۳.۴۶	۷.۹۴	۴.۲۴	۴۶.۷۰	۱.۸۷	۰.۲۶۰۲	۰.۲۳۱۲
۱۴۰۱	۶.۰۱	۱۲.۸۶	۷.۶۹	۴.۱۳	۴۶.۳۱	۱.۸۲	۰.۲۵۲۴	۰.۲۲۴۴

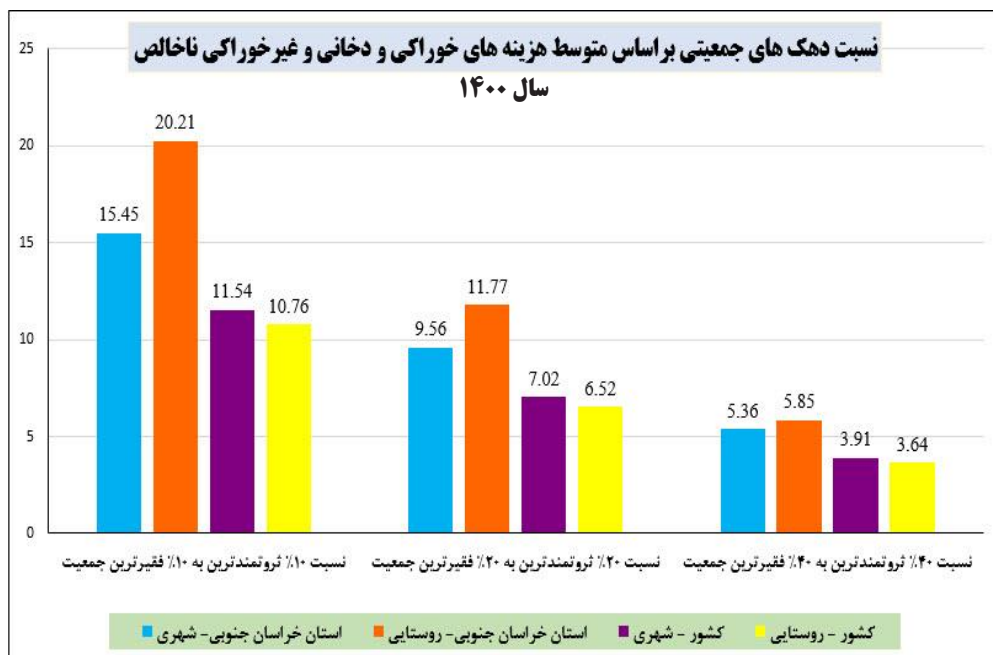
شاخص های توزیع درآمد خانوارهای مناطق شهری

۱۳۸۰	۵.۵۵	۱۵.۴۹	۸.۹۳	۴.۶۰	۴۹.۵۱	۲.۱۹	۰.۳۰۵۱	۰.۲۵۸۴
۱۳۸۵	۵.۴۱	۱۵.۳۱	۹.۰۰	۴.۶۴	۴۸.۹۷	۲.۱۴	۰.۲۹۶۵	۰.۲۵۷۰
۱۳۹۰	۶.۹۴	۱۰.۱۷	۶.۳۲	۳.۶۱	۴۳.۸۳	۱.۵۴	۰.۲۱۲۷	۰.۱۹۰۱
۱۳۹۵	۶.۷۲	۱۱.۱۲	۶.۷۷	۳.۸۰	۴۵.۵۲	۱.۶۹	۰.۲۳۶۳	۰.۲۰۵۷
۱۳۹۷	۶.۳۴	۱۲.۴۴	۷.۴۷	۴.۱۲	۴۷.۳۷	۱.۸۹	۰.۲۶۵۷	۰.۲۲۷۳
۱۳۹۸	۶.۵۲	۱۱.۸۱	۷.۱۱	۳.۹۴	۴۶.۳۶	۱.۷۹	۰.۲۵۰۳	۰.۲۱۵۹
۱۳۹۹	۶.۳۹	۱۲.۰۲	۷.۲۴	۳.۹۹	۴۶.۲۴	۱.۷۸	۰.۲۴۹۲	۰.۲۱۷۵
۱۴۰۰	۶.۴۶	۱۱.۵۴	۷.۰۲	۳.۹۱	۴۵.۳۴	۱.۷۰	۰.۲۳۶۴	۰.۲۱۰۰
۱۴۰۱	۶.۵۹	۱۱.۲۳	۶.۸۲	۳.۸۰	۴۴.۹۰	۱.۶۵	۰.۲۲۹۲	۰.۲۰۲۸

شاخص های توزیع درآمد خانوارهای مناطق روستایی

۱۳۸۰	۶.۱۲	۱۲.۶۸	۷.۵۴	۴.۰۹	۴۶.۱۴	۱.۸۱	۰.۲۵۱۲	۰.۲۲۲۴
۱۳۸۵	۶.۰۵	۱۳.۰۱	۷.۸۱	۴.۲۹	۴۷.۵۲	۱.۹۳	۰.۲۶۹۵	۰.۲۳۲۴
۱۳۹۰	۷.۲۲	۹.۳۸	۵.۸۵	۳.۳۹	۴۲.۲۵	۱.۴۰	۰.۱۹۰۷	۰.۱۷۴۱
۱۳۹۵	۷.۲۶	۹.۲۵	۵.۷۸	۳.۳۴	۴۱.۹۹	۱.۳۸	۰.۱۸۷۱	۰.۱۷۱۲
۱۳۹۷	۶.۸۱	۱۰.۶۸	۶.۴۷	۳.۶۳	۴۴.۰۹	۱.۵۷	۰.۲۱۷۴	۰.۱۹۳۸
۱۳۹۸	۷.۰۱	۱۰.۰۴	۶.۲۳	۳.۵۶	۴۳.۶۴	۱.۵۳	۰.۲۱۰۳	۰.۱۸۷۳
۱۳۹۹	۶.۸۳	۱۰.۵۴	۶.۴۵	۳.۶۳	۴۴.۰۶	۱.۵۶	۰.۲۱۶۱	۰.۱۹۳۰
۱۴۰۰	۶.۷۴	۱۰.۷۶	۶.۵۲	۳.۶۴	۴۳.۹۶	۱.۵۷	۰.۲۱۶۴	۰.۱۹۴۲
۱۴۰۱	۶.۸۹	۱۰.۵۵	۶.۴۷	۳.۷۰	۴۴.۶۱	۱.۶۲	۰.۲۲۲۹	۰.۱۹۷۰

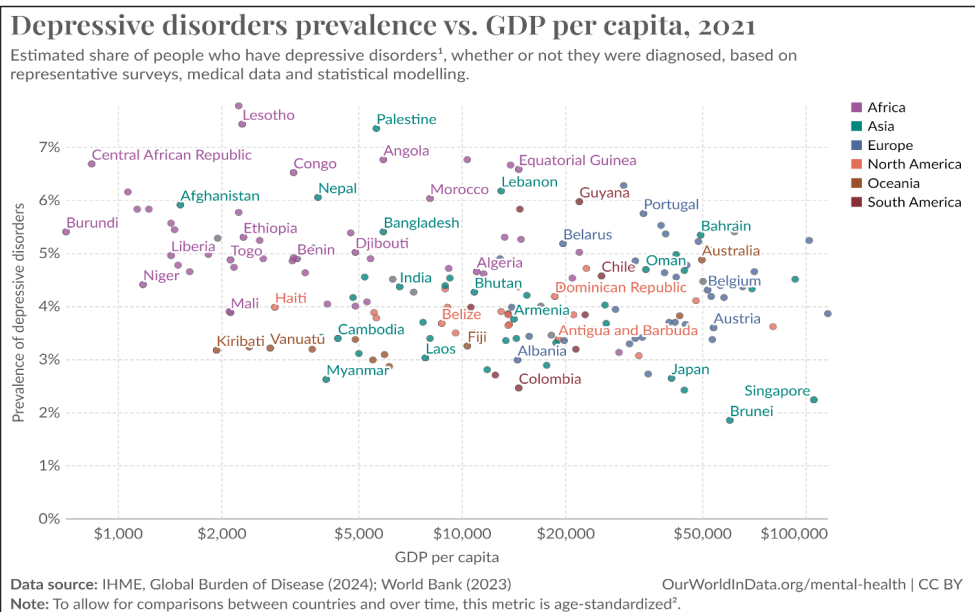
با توجه به آمار، این نسبت ها برای استان خراسان جنوبی از متوسط کشوری بیشتر بوده است. همچنین بین دو بخش شهری و روستایی استان، این نسبت ها برای بخش روستایی نسبت به بخش شهری بالاتر بدست آمده است؛ این در حالی است که برای متوسط کشوری، این نسبت ها برای بخش شهری وزن بیشتری داشته است.



منبع: مرکز آمار ایران

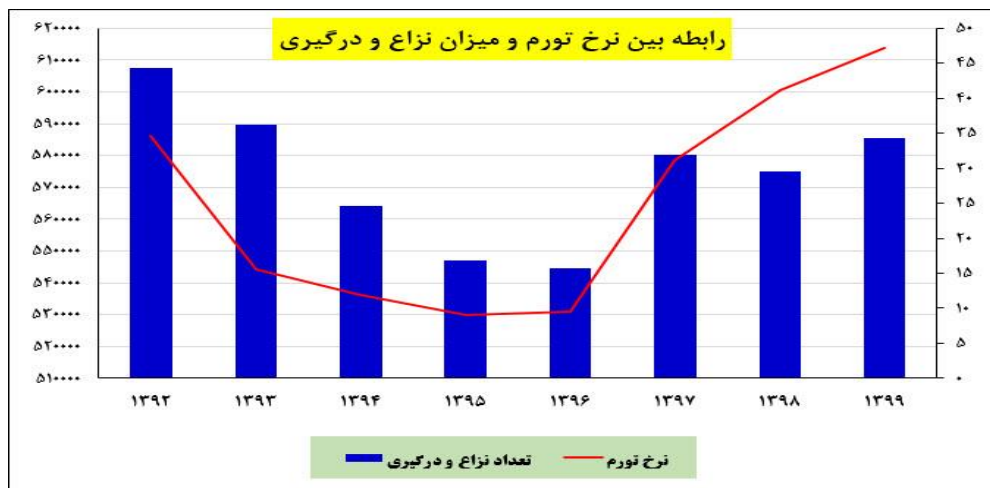
علاوه بر این معمولاً در جوامعی که دغدغه های اقتصادی در آن بالا است، مشکلات اجتماعی نظیر شیوع افسردگی، اختلالات روانی، افسردگی و نزاع نیز بالا می باشد. فشارهای روحی و روانی باعث بروز تنش های رفتاری می شود، بسیاری از مردم با کوچکترین تنش اجتماعی از کوره در آمده و با خشم با یکدیگر برخورد می کنند. بسیاری از درگیری های فیزیکی و لفظی ناشی از گرانی ها و فشارهای اقتصادی است؛ نزاع هایی مانند بوق زدن برای جای پارک ناشی از فشارهای روحی و عصبی است یا درگیری بر سر بهانه های کوچک همانند سوار و پیاده شدن از ماشین و یا رعایت نکردن صف می تواند به دلیل دغدغه های اقتصادی باشد. نمودار زیر رابطه بین شیوع افسردگی و تولید ناخالص داخلی را نشان می دهد. همانطور که مشخص است بطور غالب یک رابطه منفی بین تولید ناخالص داخلی سرانه و شیوع اختلالات افسردگی وجود دارد.

رابطه بین شیوع اختلالات افسردگی و تولید ناخالص داخلی سرانه، ۲۰۲۱



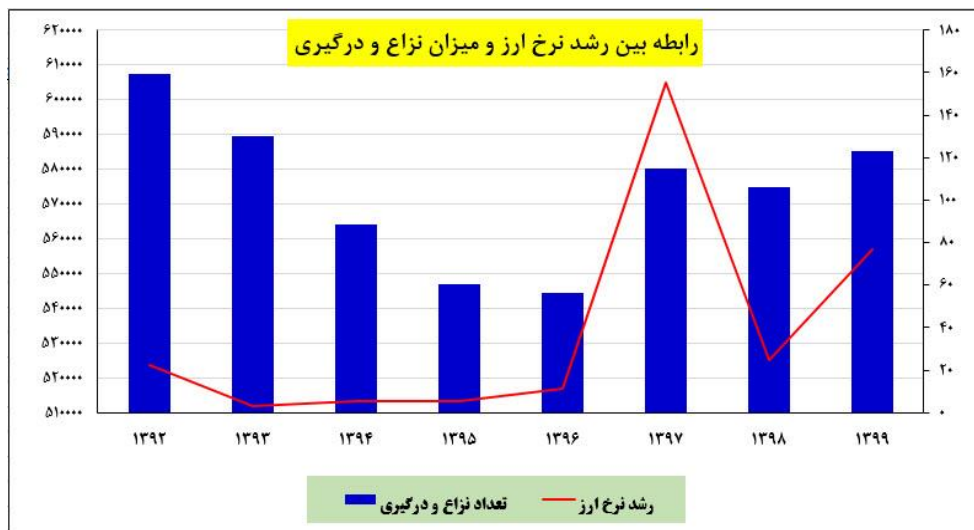
منبع: بانک جهانی و سازمان بهداشت جهانی

همچنین در چند سال اخیر افزایش نرخ تورم و سطح دغدغه های شهروندان باعث افزایش نزاع و درگیری نیز شده است که از مهم ترین مشکلات اجتماعی محسوب می شود. در حقیقت نزاع تنها یکی از آسیب های اجتماعی است که با افزایش تورم تشدید می شود و بنیان جامعه را مورد تهدید قرار می دهد. برای اینکه بدانیم تورم و افزایش گرانی ها چه تاثیری در سطح جامعه داشته بهتر است به نمودار زیر که رابطه بین نرخ تورم و یک شاخص به نام «نزاع ثبت شده در پزشکی قانونی» را نشان می دهد، نگاهی بیاندازیم. در سال ۹۶ نزدیک به ۵۴۴ هزار «نزاع» در سازمان پزشکی قانونی ثبت شد. اما ۴ سال بعد این رقم به بیش از ۵۸۶ هزار رسید. چه چیزی موجب تغییر این شاخص و معکوس شدن روند نزاع در ایران در اواخر دهه ۹۰ شده است؟ شاید عوامل زیادی موجب چنین چیزی است اما بخش بزرگی از آن ها را باید در شاخص های کلان اقتصادی نظیر تورم دید. نرخ تورم از سال ۹۲ تا ۹۶ روندی کاهشی طی کرد و از حدود ۳۳ درصد به حدود ۹ درصد کمتر شد. اما از سال ۹۶ روند افزایشی به نرخ تورم برگشت. رابطه بین نرخ تورم و نزاع و درگیری را می توان در نموداری زیر مشاهده نمود.



منبع: مرکز آمار ایران و وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی ایران

بررسی رابطه نزاع و تورم نشان می‌دهد به طور متوسط هر یک درصد رشد در نرخ تورم با افزایش ۱۲۰۰ مورد نزاع همراه بوده است. به عنوان مثال اگر نرخ تورم ۱۰٪ زیاد شود انتظار می‌رود آمار نزاع پزشکی قانونی نزدیک به ۱۲۰۰۰ مورد افزایش یابد. البته منشأ تورم عوامل مختلفی دیگری نظیر تحریم، بی‌ثباتی اقتصادی، افزایش ارز و غیره می‌باشد که می‌توان اثرات آن‌ها را نیز بر روی این شاخص اجتماعی ارزیابی کرد. نمودار زیر نیز رابطه رشد نرخ ارز و نزاع و درگیری را نشان می‌دهد که تأیید کننده همین موضوع است.



منبع: بانک مرکزی ایران و وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی ایران

در زمینه توضیح نظری اینکه چرا تورم به جرم منجر می‌شود، اورل می‌گوید: «با افزایش قیمت‌ها، مصرف‌کنندگان تمایل به کاهش دادوستد یا جایگزینی کالاها و خدمات ارزان‌تر دارند. اما برای افرادی که قبلاً ارزان‌ترین کالاها را می‌خریدند (مثلاً از فروشگاه‌های تخفیف‌دار خرید می‌کردند)، بازار کالاها دزدی ممکن است تنها جایی باشد که می‌توانند آنچه نیاز دارند را با قیمت‌هایی که قبلاً می‌توانستند، پیدا کنند». طبق این تئوری، این تقاضا برای کالاها دزدیده شده با قیمت کاهش یافته، سارقان را تشویق می‌کند تا آن‌ها را عرضه کنند. این نظریه در مطالعاتی که در سال ۲۰۰۷ در مجله گلوبال کرایم<sup>۱</sup> منتشر شد، رابطه میان جرم و جنایت و تورم و بیکاری در ایالات متحده را از سال ۱۹۶۰ تا ۲۰۰۵ بررسی کرد. نتایج این پژوهش نشان داد که نرخ جرم و جنایت با افزایش نرخ تورم افزایش می‌یابد. به دلیل تأخیر میان تعدیل قیمت و دستمزد، تورم درآمد واقعی نیروی کار با مهارت پایین را کاهش می‌دهد، اما به دلیل افزایش تقاضا و متعاقب آن سود بالا در بازار غیرقانونی به مجرمان دارایی پاداش می‌دهد. این موضوع در مقاله پروفیسور ریچارد روزنفل در سال ۲۰۱۹ با عنوان «جرم و تورم در شهرهای ایالات متحده» نیز تأیید گردید. این پژوهش نشان داد که تورم، نرخ جرم و جنایت در اموال مانند سرقت، را در شهرهای کمتر ثروتمند بیشتر از شهرهای ثروتمند افزایش می‌دهد. با این حال برخی از مهم‌ترین دلایل که رابطه مستقیم میان تورم و افزایش جرم و جنایت را توجیه می‌کنند، عبارت‌اند از:<sup>۲</sup>

**مشکلات اقتصادی:** تورم اغلب باعث کاهش درآمد واقعی می‌شود. با افزایش قیمت کالاها و خدمات اساسی، خانواده‌ها برای رفع نیازهای خود به کمک نیاز دارند. ناامیدی‌های اقتصادی می‌تواند افراد را به سمت فعالیت‌های مجرمانه به عنوان منبع درآمد جایگزین سوق دهد.

**افزایش بیکاری:** تورم می‌تواند باعث کاهش هزینه‌های شرکت‌ها و در نتیجه اخراج کارکنان شود. بیکاری می‌تواند به اقدامات ناامیدکننده از جمله روی آوردن به جرم منتهی شود.

**تخریب ارزش‌های اخلاقی:** با افزایش فشارهای اقتصادی، برخی از افراد ممکن است اقدامات مجرمانه را به عنوان یک شر ضروری برای حمایت از خانواده خود توجیه کنند. این امر می‌تواند هنجارها و ارزش‌های اجتماعی را از بین ببرد و نرخ جرم و جنایت را افزایش دهد.

**ناابرابری‌های اقتصادی:** تورم بالا می‌تواند شکاف میان فقیر و غنی را افزایش دهد و باعث افزایش نارضایتی و در نتیجه بروز جرایمی مانند سرقت شود.

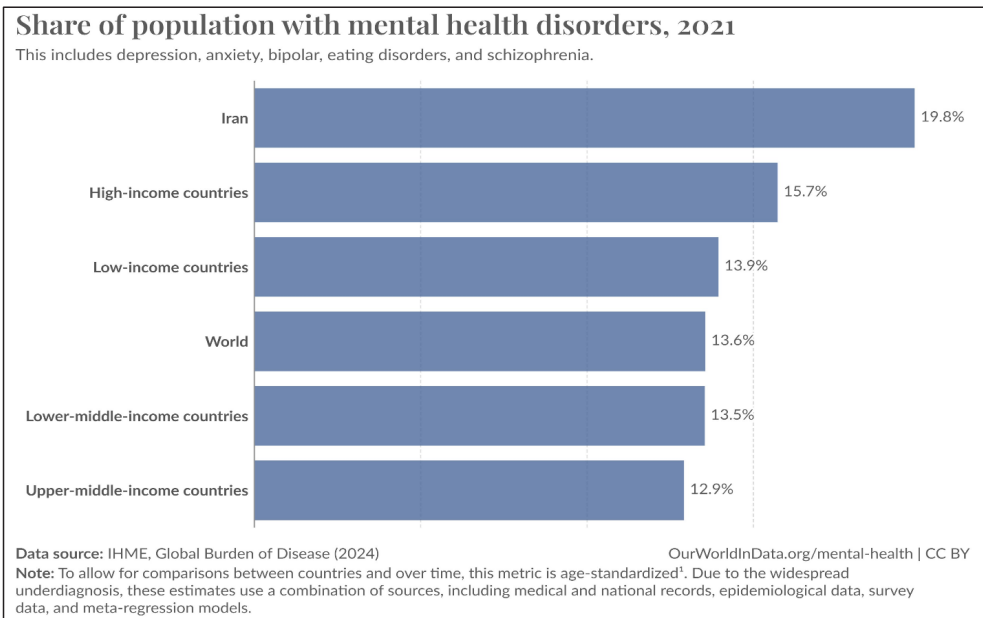
۱ Global Crime

۲. برگرفته از گزارش اقتصاد نیوز، (۱۴۰۳)، بررسی اثر معضلات اقتصادی بر رشد آسیب‌های اجتماعی

ناآرامی اجتماعی: تورم می‌تواند به نارضایتی توده‌ها و در نتیجه اعتراضات، شورش‌ها و سایر اشکال نافرمانی مدنی منجر شود و محیطی مساعد برای جنایت ایجاد کند.

از جمله مشکلات اجتماعی دیگری که معمولاً به واسطه دغدغه‌های اقتصادی می‌تواند به وجود بیاید، اختلالات سلامت روان است. با توجه به نمودار زیر بر اساس گزارش بهداشت جهانی، سهم جمعیت مبتلا به اختلالات روانی در ایران برابر ۱۹٫۸ درصد و بسیار بیشتر از متوسط جهانی (۱۳٫۹ درصد) و متوسط سایر گروه‌های درآمدی می‌باشد.

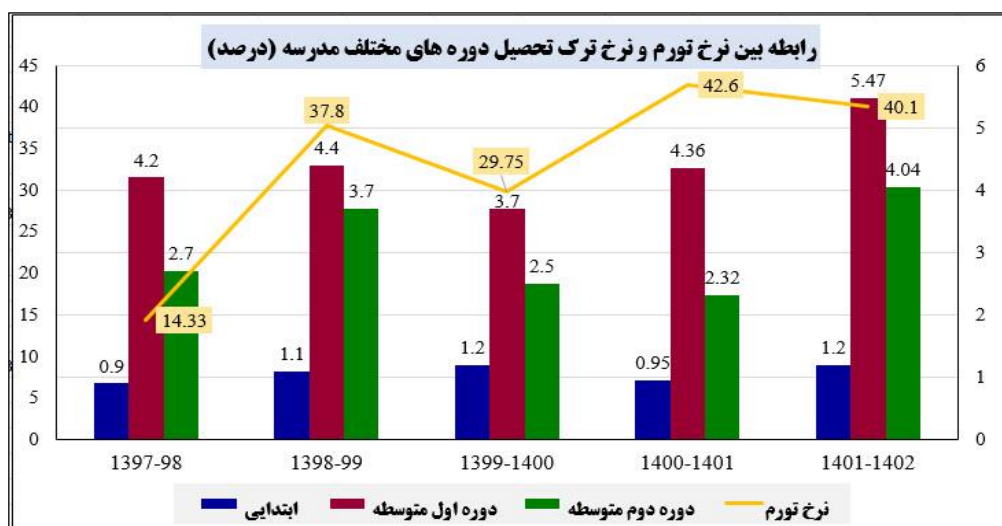
سهم جمعیت مبتلا به اختلالات سلامت روان، ۲۰۲۱



منبع: سازمان بهداشت جهانی

از دیگر معضلات اجتماعی که می‌تواند به دنبال بی‌ثباتی اقتصادی اتفاق بیفتد، افزایش ترک تحصیل کودکان به دلیل دغدغه‌های تحصیلی است. مطمئناً افزایش قیمت‌ها بر بخش آموزش تأثیرگذار می‌باشد و باعث افزایش مخارج آموزشی می‌گردد. یکی از دلایل اصلی که این اتفاق می‌افتد بدین خاطر است که افزایش قیمت‌ها و هزینه‌های آموزش مانند افزایش قیمت لوازم مورد نیاز برای تحصیل، حمل و نقل، شهریه، پوشاک مدرسه و غیره باعث می‌شود که خانوار برای فرستادن فرزندان خود برای تحصیل، مخارج بیشتری را متقبل شوند. در واقع قبل

از اینکه شوک های تورمی اتفاق بیافتد خانوارها با هزینه کمتری شرایط را برای تحصیل فرزندان خود فراهم می کردند اما با ایجاد شوک های تورمی و افزایش قیمت ها، هزینه خانوارها به اجبار دستخوش تغییراتی می شود. در این شرایط این امکان وجود دارد که درآمد افراد بزرگسال نیز کاهش یابد. با کاهش درآمد بزرگسالان، تأمین هزینه های مستقیم آموزش از جمله شهریه، هزینه کتاب، لوازم، لباس و آموزش خصوصی را برای والدین سخت تر می شود و این احتمال وجود دارد یا کودک از مدرسه خارج شود و یا هزینه های آموزش کم گردد (کوکا، ۱۹۹۵ و جاکوبی و اسکوفیاس<sup>۲</sup>، ۱۹۹۷)، یا والدین را مجبور کند تا کودکان را به کار وادار نمایند. در نتیجه کودکی که قبل از بحران، کارگر نبوده ممکن است کارگر شود یا اگر کودک قبل از بحران کودک کار بوده است، ممکن است مجبور شود ساعات طولانی تری کار کند. این افزایش در ساعت کار کودکان می تواند به پیامدهای آموزشی آسیب برساند؛ زیرا وقت خود را صرف کار می کند و ساعات کمتری برای مطالعه باقی می گذارد (کارول<sup>۳</sup>، ۱۹۹۷، کازیانگا و اودری<sup>۴</sup>، ۲۰۰۷). دو نمودار زیر تأیید کننده این موضوع است. در چندسال اخیر به واسطه افزایش نرخ تورم و بی ثباتی اقتصادی، نرخ ترک تحصیل و تکرار دوره تحصیلی نیز روند صعودی داشته است.



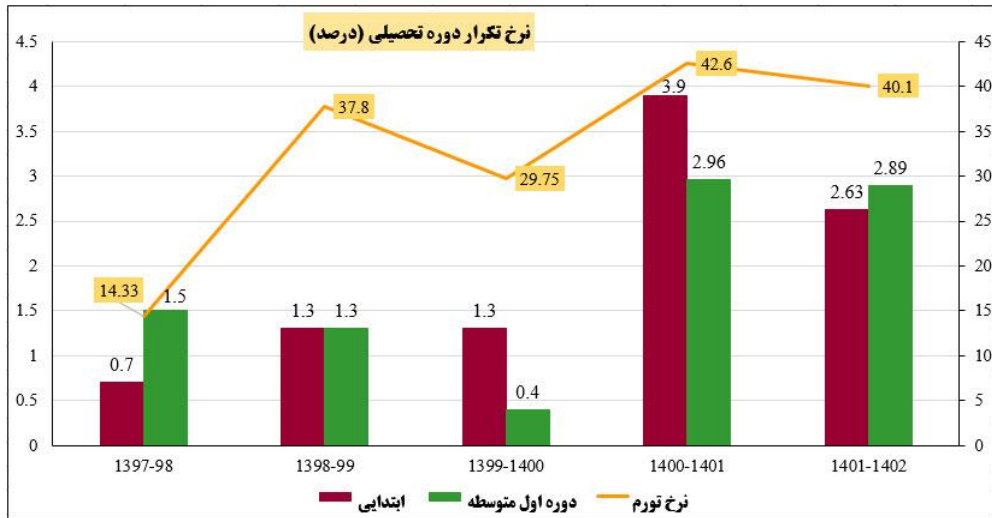
منبع: مرکز آمار ایران و وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی ایران

<sup>۱</sup> Kochar

<sup>۲</sup> Jacoby and Skoufias

<sup>۳</sup> Carroll

<sup>۴</sup> Kazianga and Udry



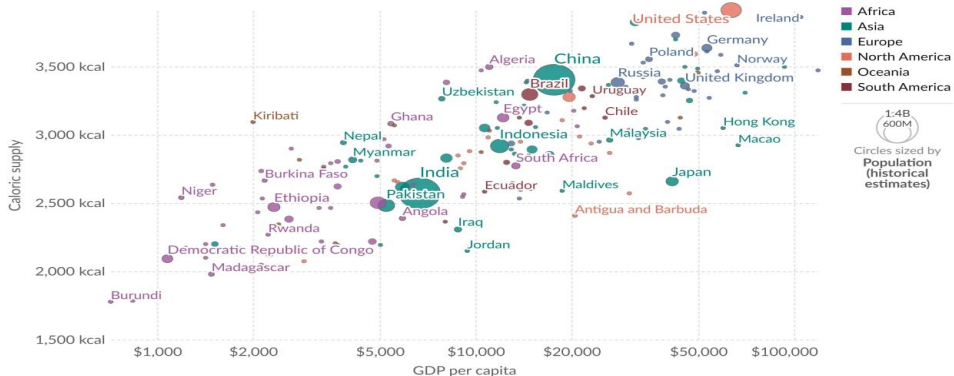
اما آثار بلندمدت تحریم‌ها و نوسانات اقتصادی می‌تواند بسیار پیچیده تر از وضعیت موجود باشد. به عنوان مثال مطالعات نشان داده است که مشکلات اقتصادی و دغدغه‌های معیشتی می‌تواند حتی بر روی قد افراد یک کشور نیز تأثیر بگذارد. این موضوع در سه نمودار بعدی به وضوح نمایان است. نمودار اول رابطه بین کالری دریافتی و GDP سرانه را نشان می‌دهد. بر اساس این نمودار هرچه GDP سرانه بیشتر شود مقدار کالری دریافتی هر فرد نیز بیشتر می‌شود. نمودار دوم بیانگر این است که هرچه کالری دریافتی افراد بیشتر باشد قد مردان آن کشور نیز بیشتر رشد می‌کند. به عبارتی یک رابطه مثبت بین رشد قد و کالری دریافتی وجود دارد. حال بر اساس نمودار سوم این موضوع برای کشورهای منتخب مانند ژاپن، چین، مالزی و کره جنوبی تایید می‌شود. در این کشورها قد مردم با توسعه و رشد اقتصادی رشد قابل توجهی داشته است (علت انتخاب این کشورها بدین خاطر بود که اولاً آن‌ها به تازگی توسعه پیدا کرده‌اند و می‌توان از آن‌ها به عنوان یک نمونه برای بررسی قدشان استفاده کرد و ثانیاً، مردمان این کشورها در گذشته غالباً قد کوتاه بوده‌اند و اثرات رونق اقتصادی راحت‌تر قابل بررسی است). بنابراین از آنجا که در ایران تحریم‌ها باعث نوسانات اقتصادی و در پی آن کاهش قدرت خرید مردم شده است و به نوعی GDP سرانه کشور را نیز کاهش داده است؛ در بلندمدت این تحریم‌ها می‌توانند بر قد مردم ایران اثر منفی بگذارد و آن را کاهش دهد.

## فصل دوم- بررسی اثرات تحریم ها و نوسانات اقتصادی بر جامعه

رابطه بین کالری دریافتی روزانه و GDP سرانه

### Daily per capita supply of calories vs. GDP per capita, 2021

Daily per capita supply of calories is measured in kilocalories per person per day. Gross domestic product (GDP) per capita is measured in constant international \$, which adjusts for inflation and cross-country price differences.

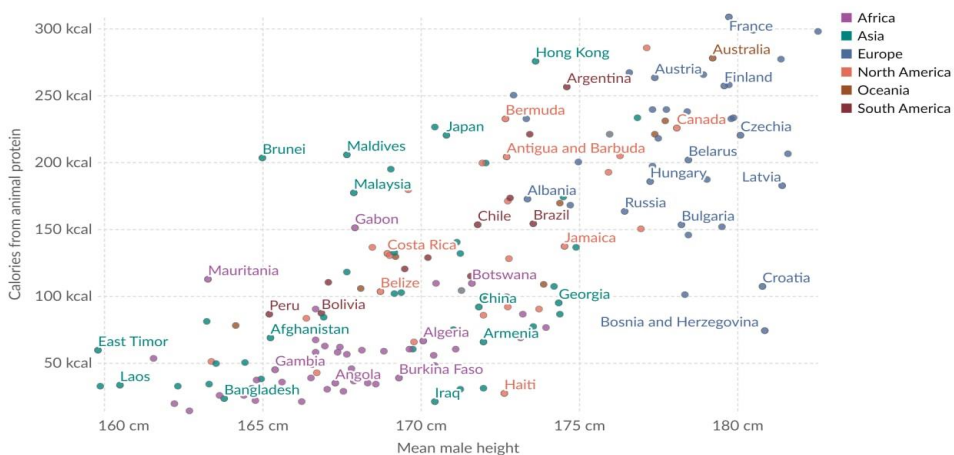


Data source: Food and Agriculture Organization of the United Nations (2023) and other sources. OurWorldInData.org/food-supply | CC BY

رابطه بین قد مردان و متوسط کالری دریافتی پروتئین حیوانی

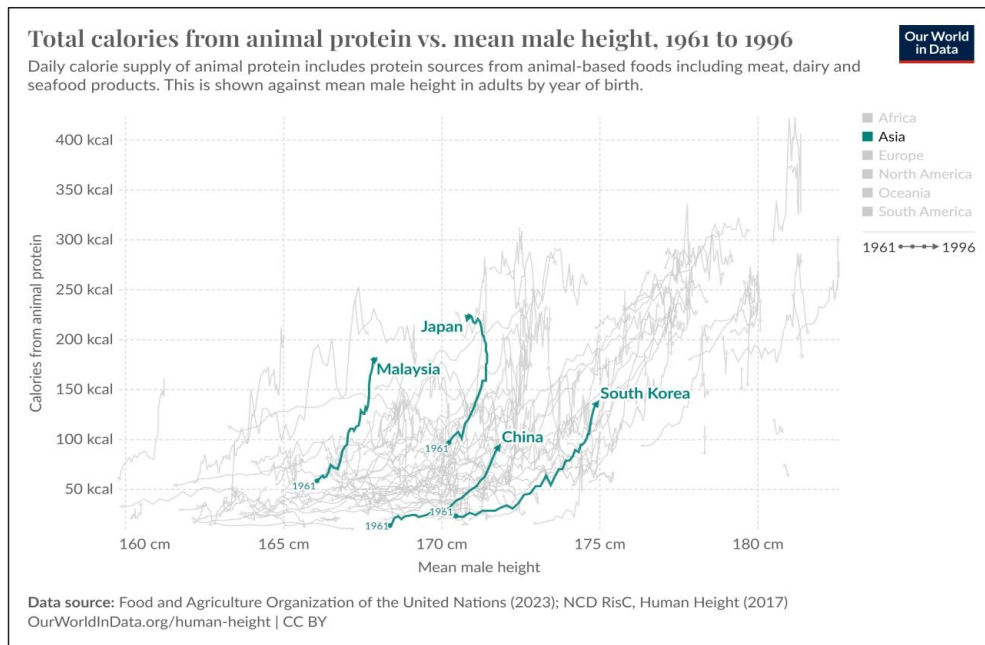
### Total calories from animal protein vs. mean male height, 1996

Daily calorie supply of animal protein includes protein sources from animal-based foods including meat, dairy and seafood products. This is shown against mean male height in adults by year of birth.



Data source: Food and Agriculture Organization of the United Nations (2023); NCD RiSC, Human Height (2017). OurWorldInData.org/human-height | CC BY

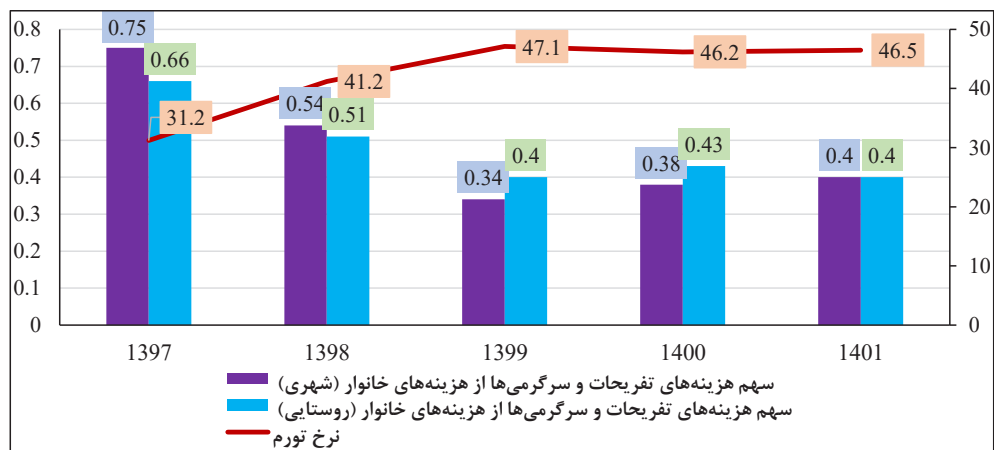
روند تغییرات بین قد مردان در کشورهای منتخب و متوسط کالری دریافتی پروتئین حیوانی



### ج) بخش فرهنگ

اثر نرخ تورم و بی‌ثباتی اقتصاد را نمی‌توان بر بخش فرهنگ نادیده گرفت. بدون شک افزایش نوسانات اقتصادی و تغییرات نرخ تورم باعث خواهد شد که خانوار به منظور تامین مایحتاج ضروری و روزمره زندگی خود هزینه سایر بخش‌ها مانند حوزه فرهنگ، سرگرمی و تفریحات خود را کاهش دهد. در حقیقت یک فرد می‌تواند بدون فعالیت فرهنگی زنده بماند اما هیچ‌وقت گرسنه نمی‌تواند زندگی کند. لذا افزایش نرخ تورم منجر به کاهش هزینه‌های فرهنگی خانوار خواهد شد. این موضوع در نمودار زیر نیز کاملاً قابل تأیید است. از سال ۱۳۹۷ به بعد که تورم روند صعودی داشته است، هزینه خانوار در حوزه فرهنگ، تفریحات و سرگرمی کاهش پیدا کرده است.

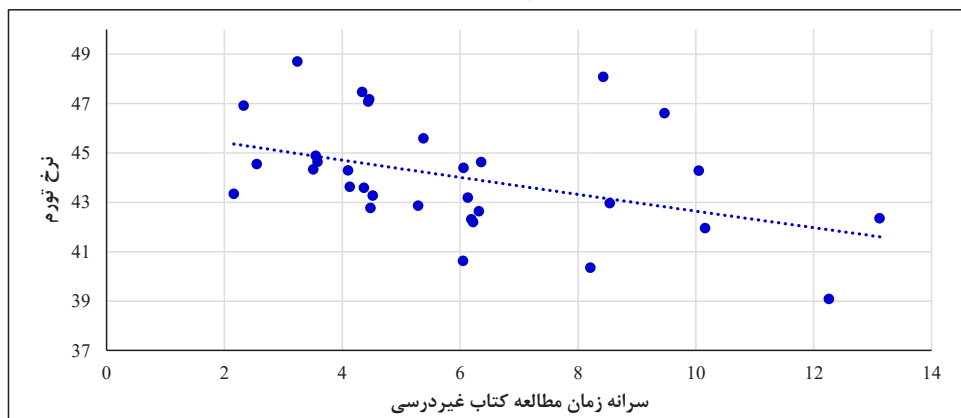
سهم هزینه بخش فرهنگ و تفریحات از کل هزینه یک خانوار



منبع: مرکز آمار ایران و وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی ایران

علاوه بر این وجود مشکلات اقتصادی و افزایش هزینه‌ها باعث می‌شود خانواده‌ها زمان بیشتری را صرف کار کردن نمایند تا بتوانند مایحتاج زندگی خود را تامین کنند. افزایش ساعت کاری باعث کاهش انجام فعالیت‌های فرهنگی می‌شود. این نتیجه را به وضوح می‌توان در نمودارهای بعدی دید. این نمودار رابطه بین سرانه مطالعه کتب غیر درسی و نرخ تورم را نشان می‌دهد. بر اساس این نمودار، استان‌هایی که نرخ تورم کمتری دارند، زمان بیشتری را صرف مطالعه کتب نموده‌اند.

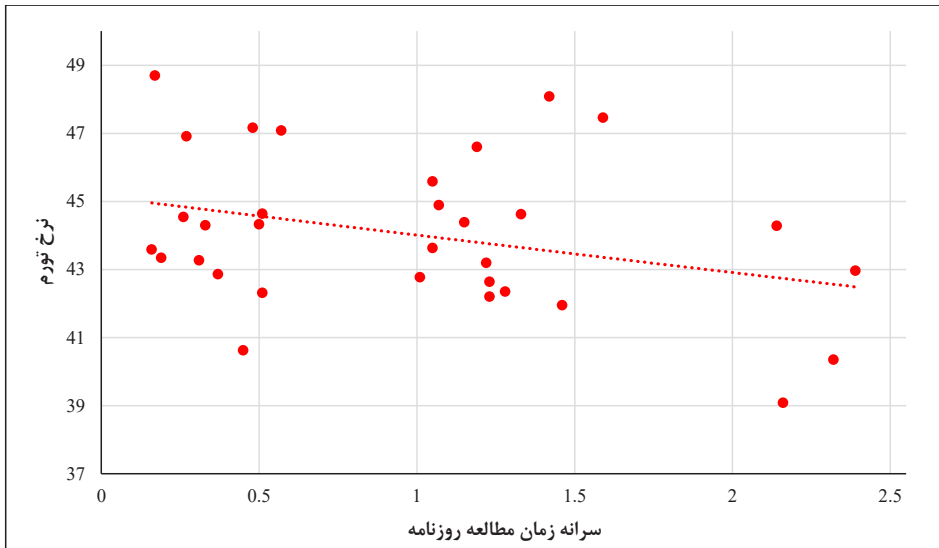
رابطه بین سرانه مطالعه کتب غیر درسی (برحسب ساعت و دقیقه) و نرخ تورم (درصد) - ۱۴۰۰



منبع: مرکز آمار ایران و وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی ایران

این موضوع برای مطالعه اخبار و روزنامه نیز صادق است. همانطور که در نمودار زیر مشخص است، استان‌هایی که دارای نرخ تورم بیشتری هستند، نسبت به سایر استان‌ها زمان کمتری را برای مطالعه اخبار و روزنامه صرف می‌کنند.

رابطه بین سرانه مطالعه روزنامه (برحسب ساعت و دقیقه) و نرخ تورم (درصد) - ۱۴۰۰

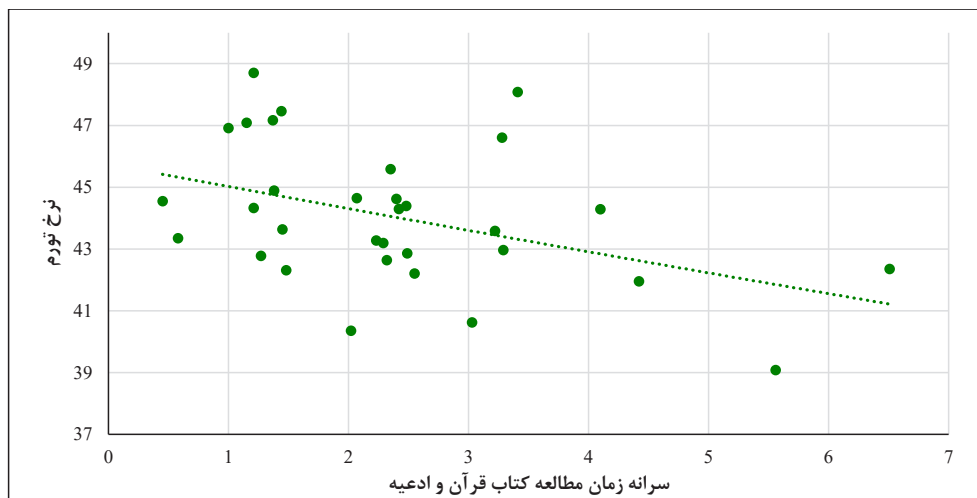


منبع: مرکز آمار ایران و وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی ایران

یکی از بخش‌های مختلف دیگری که مشکلات اقتصادی می‌تواند روی آن تأثیر بگذارد، باورهای دینی و مذهبی است. مقام معظم رهبری «مدظله العالی» در این خصوص می‌فرمایند: «اقتصاد یکی از مسائل اساسی کشور و یکی از نقطه ضعف‌های ما است. اگر اقتصاد کشور وضع مطلوبی پیدا نکند تأثیر در همه اوضاع عمومی کشور خواهد داشت. می‌توان گفت در دین و دنیای مردم می‌تواند اثر بگذارد». در این خصوص اگر رابطه بین سرانه زمان مطالعه کتاب، قرآن و ادعیه و نرخ تورم را برای استان‌های کشور بررسی کنیم خواهیم دید استان‌هایی که نرخ تورم پایین‌تری داشتند و سطح دغدغه‌های اجتماعی آن‌ها کمتر بوده است، زمان بیشتری را صرف مطالعه کتاب، قرآن و ادعیه کرده‌اند.

۱. سخنرانی نوروزی رهبر انقلاب در جمع اقشار مختلف مردم - ۱۴۰۳/۰۱/۰۱

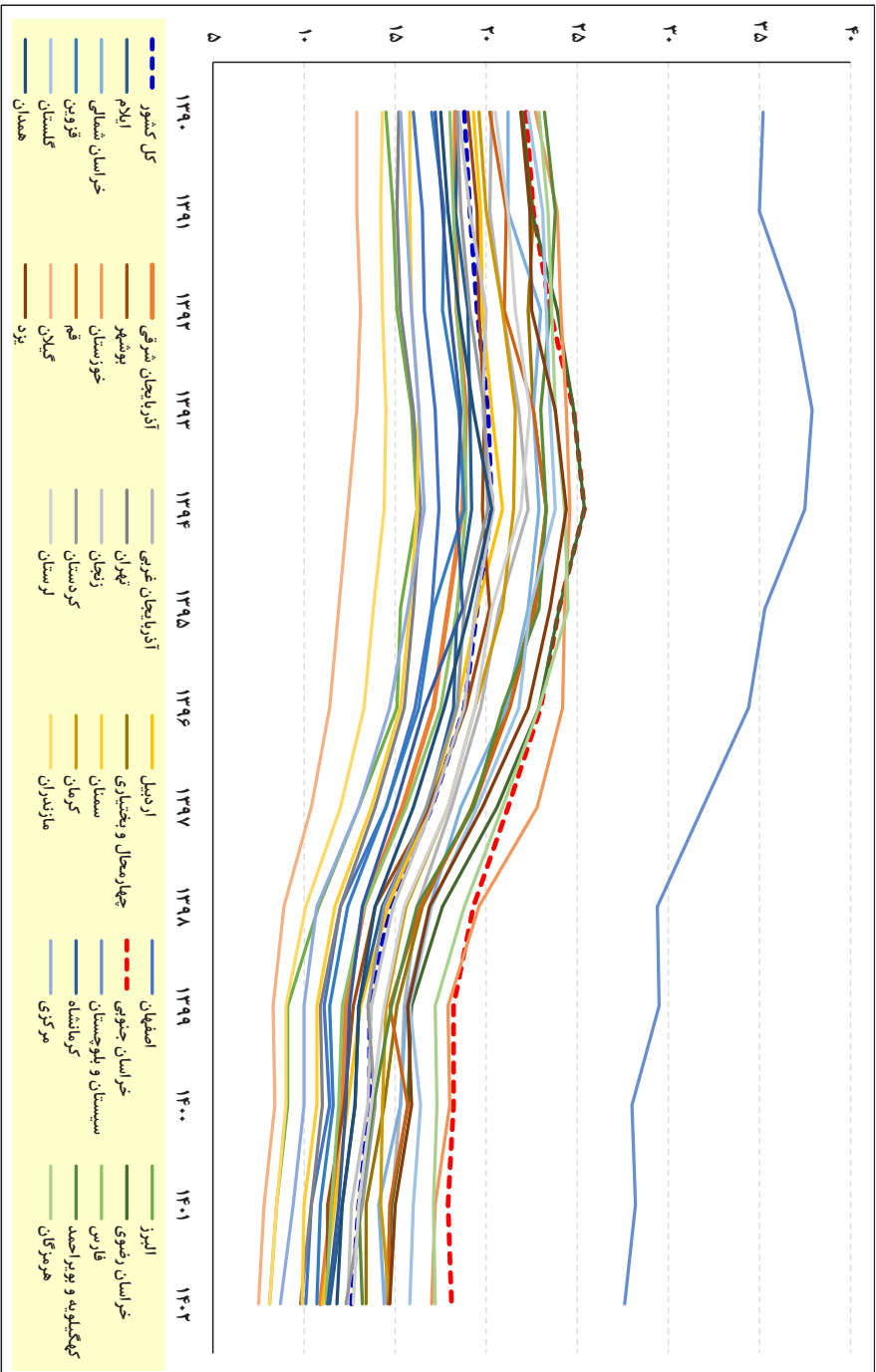
رابطه بین سرانه زمان مطالعه کتاب قرآن (برحسب ساعت و دقیقه) و نرخ تورم (درصد) -۱۴۰۰



منبع: مرکز آمار ایران و وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی ایران

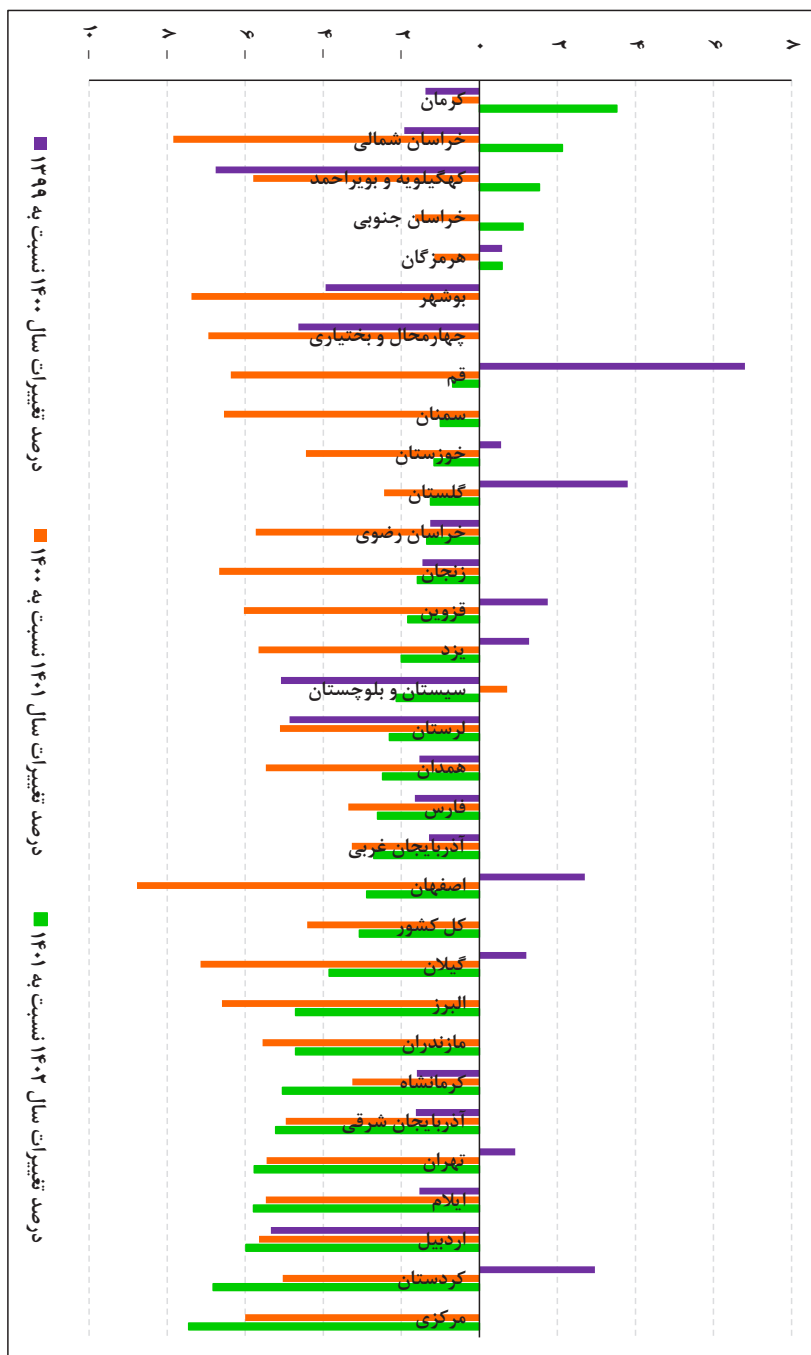
علاوه بر موارد فوق تورم و گرانی بر کاهش جمعیت هم اثر گذار است. بسیاری از زوجها بویژه کسانی که نوجوانه هستند متأسفانه به فرزند آوری تمایل ندارند و خانواده های تک فرزند هم به فرزند آوری بیشتر فکر نمی کنند. وقتی اقلام بهداشتی یا شیرخشک نوزادان با قیمت بالا عرضه می شوند، خانواده ها حتی اگر پدر و مادر هر دو شاغل باشند نمی توانند از پس تأمین هزینه ها برآیند. بسیاری از خانواده های جوان با وجود علاقه فراوان به داشتن فرزند، از فرزند آوری خودداری کرده و متأسفانه با حفظ این روند، جامعه با جمعیت سالمند رو به رو خواهد شد و شاید تا بیست سال آینده به دلیل کاهش جمعیت نیروی جوان، مجبور شویم نیروی کار از کشورهای دیگر وارد کنیم. اگر به نرخ ولادت در استان های مختلف نگاهی بیاندازیم خواهیم دید که نرخ ولادت در تمامی استان ها به ازای هر هزار نفر از سال های ۱۳۹۴ به بعد روند کاهشی داشته است. این نکته قابل تأمل این است که روند نزولی نمودار (شیب نمودار) در دو سه سال اخیر که قانون افزایش جمعیت اجرا شد، کاهش پیدا کرده است و هرچند این شیب منفی است اما این روند با نرخ کمتری نسبت به سال های قبل کاهش یافته است. بنابراین آنچه که مشخص می باشد این است که دغدغه های اقتصادی به شدت بر روی فرزند آوری خانوارهای اثرگذار است و می تواند منجر به مشکلات جمعیتی در کوتاه مدت و بلند مدت شود.

نرخ ولادت به ازای هر هزار نفر در هر استان



منبع: سازمان ثبت احوال کشور

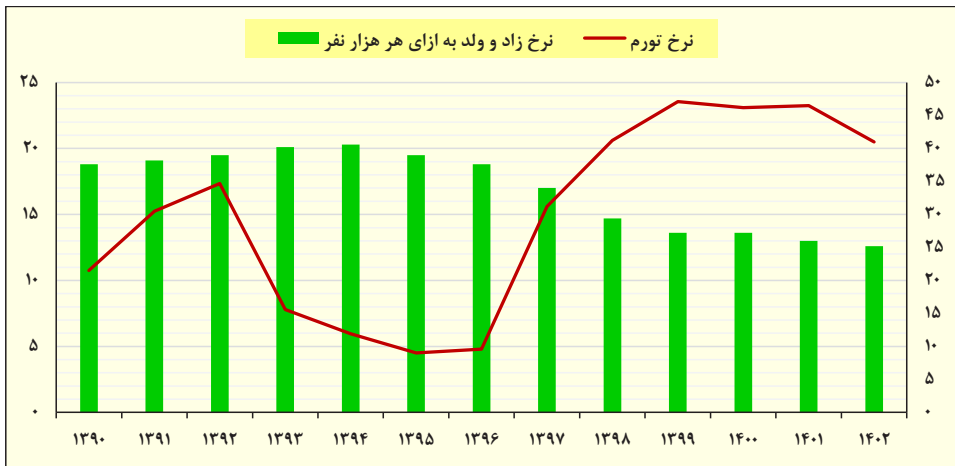
درصد تغییرات نرخ باروری به ازای هر هزار نفر در هر سال نسبت به سال قبل



منبع: محاسبات محقق بر اساس آمار سازمان ثبت احوال کشور

همانطور که اشاره شد به باور بسیاری از اقتصاددانان یکی از مهم‌ترین دلایلی که در چندسال اخیر باعث کاهش نرخ ولادت در تمامی استان‌ها شده است، شوک‌های اقتصادی و افزایش هزینه زندگی خانوارها می‌باشد. این موضوع در نمودار زیر نیز قابل تأیید است. همانطور که در نمودار زیر مشخص است، در دوره‌هایی که نرخ تورم روند افزایشی داشته است نرخ ولادت کاهش یافته و برعکس، در دوره‌هایی که نرخ تورم کم شده، نرخ ولادت روند صعودی به خود گرفته است.

رابطه بین نرخ تورم و نرخ زاد و ولد به ازای هر هزار نفر



منبع: سازمان ثبت احوال کشور و بانک مرکزی ایران

همچنین همبستگی بین نرخ تورم که معیاری برای بی‌ثباتی اقتصاد هست، با نرخ ولادت معنادار و منفی می‌باشد. به عبارتی با افزایش بی‌ثباتی اقتصادی، نرخ ولادت استان‌ها کاهش یافته است.

میزان همبستگی بین نرخ تورم و نرخ زاد و ولد به ازای هر هزار نفر

Correlations

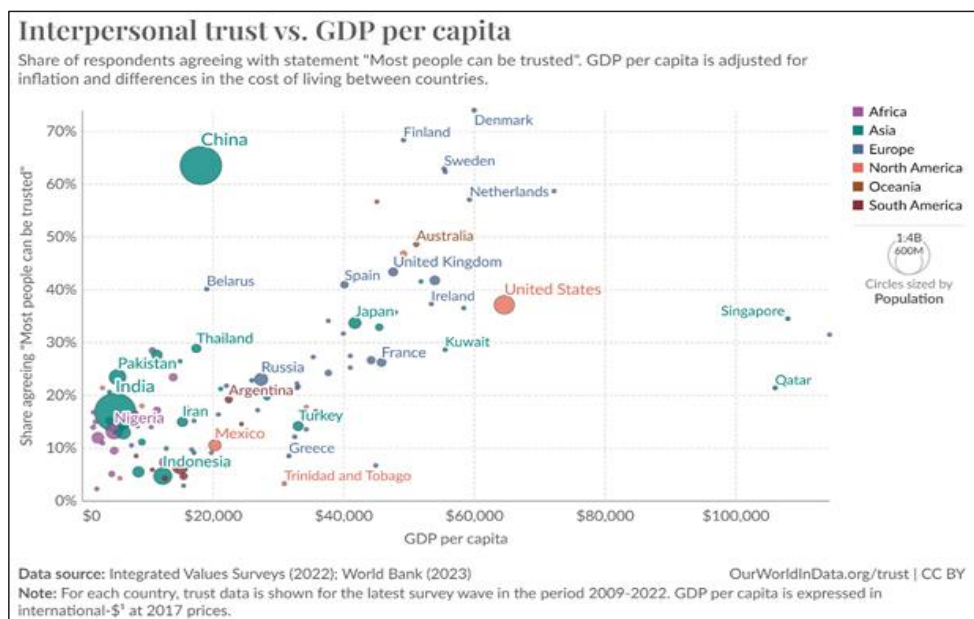
		brith	inf
brith	Pearson Correlation	1	-.856**
	Sig. (2-tailed)		.000
	N	13	13
inf	Pearson Correlation	-.856**	1
	Sig. (2-tailed)	.000	
	N	13	13

\*\* . Correlation is significant at the 0.01 level

### (د) بخش سیاسی

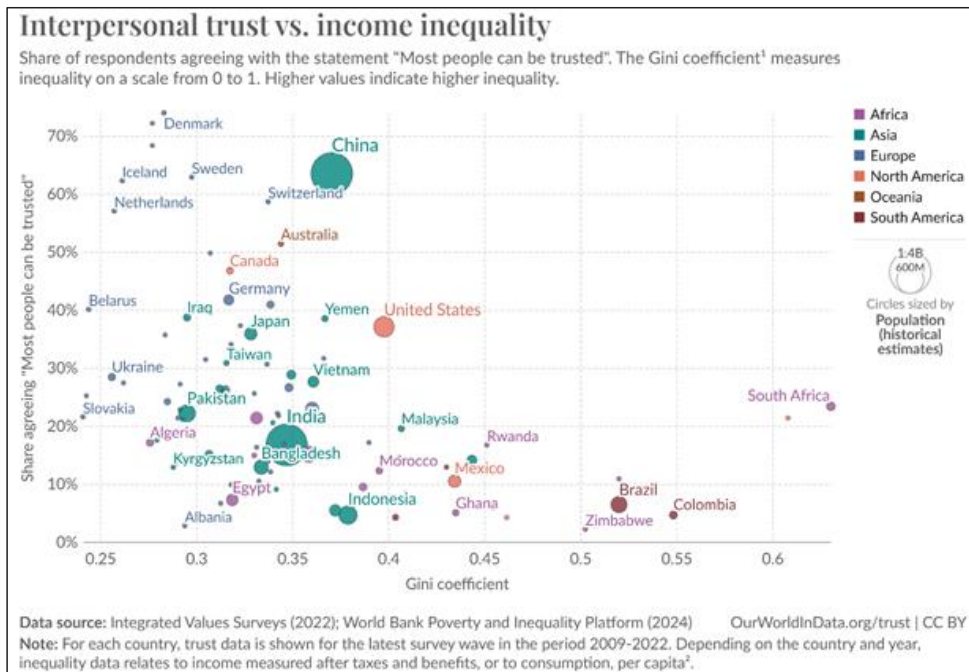
همواره دولت‌مردان و اقتصاددانان عقیده دارند بی‌اعتمادی مردم می‌تواند با سیاست‌گذاری‌ها در زمینه اقتصاد ارتباط داشته باشد و یک دلیل به وجود آمدن بی‌اعتمادی، پیش‌بینی نپذیر بودن اقتصاد و نوسانات اقتصادی مانند بالا رفتن تورم و نرخ ارز باشد. این موضوع را می‌توان به وضوح در آمارهای جهانی دید. نمودار زیر رابطه بین اعتماد فردی و GDP سرانه را نشان می‌دهد. همانطور که در نمودار زیر مشخص است یک رابطه مثبت بین دو متغیر موردنظر یعنی اعتماد فردی و GDP سرانه وجود دارد. به عبارتی زمانی که تولید سرانه یک کشور بیشتر باشد، اعتماد فردی در آن جامعه نیز افزایش می‌یابد. این موضوع نشان می‌دهد که وجود تحریم‌های بین‌المللی و کاهش قدرت خرید مردم ایران نیز می‌تواند در بلندمدت اعتماد بین فردی را کاهش دهد.

رابطه بین اعتماد فردی و GDP سرانه



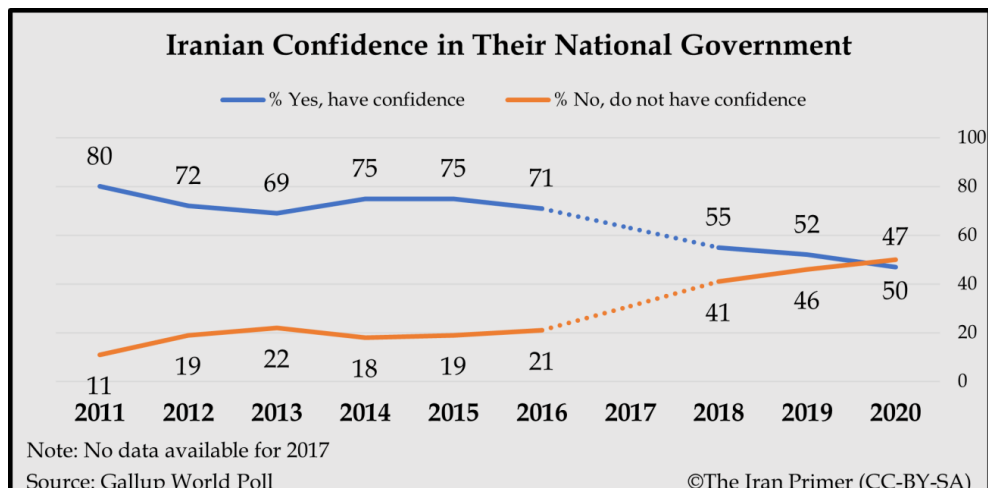
علاوه بر این افزایش نابرابری نیز یکی دیگر از پیامدهای تحریم و محدودیت‌های اقتصادی می‌باشد. طی چند دهه اخیر نابرابری درآمد در کشور در حال افزایش است که این امر منعکس کننده طیف وسیعی از عوامل خارجی مانند جهانی شدن و پیامدهای آن و همچنین عوامل داخلی مانند سیاست‌های پولی و مالی است. همانطور که در نمودار بعدی مشخص است افزایش نابرابری درآمدی نیز می‌تواند باعث کاهش اعتماد در بین افراد جامعه شود و سرمایه اجتماعی را کاهش دهد.

رابطه بین نابرابری درآمدی و اعتماد بین فردی



متأسفانه اقتصاد ایران در اکثر مواقع بیشتر از آن که آرام باشد در معرض تلاطم و نوسانات بوده و در برهه‌های مختلف هم بحران اقتصادی به شکلی خود را نشان می‌دهد. نظرسنجی موسسه گالوپ نشان می‌دهد که اعتماد عمومی به دولت ایران کاهش یافته است. بر اساس این نظرسنجی، در سال ۲۰۱۱، حدود ۸۰ درصد ایرانیان به دولت اعتماد داشتند در حالی که در سال ۲۰۲۰ تنها ۴۷ درصد بود. چه چیزی می‌تواند این کاهش اعتماد را توضیح دهد؟ اعتماد عمومی به دولت تا حد زیادی بازتابی از رفاه خود مردم است. اکثر مردم تمایل دارند عملکرد دولت را بر اساس اینکه چگونه استانداردهای زندگی آن‌ها تغییر کرده است و اینکه آیا فرزندان‌شان شغل مناسبی پیدا می‌کنند یا خیر، قضاوت کنند. موضوع دیگر این است که به نظر می‌رسد مقامات برنامه مؤثری برای حل بحران‌های اقتصادی، زیست محیطی و بهداشتی پیش رو ندارند.

اعتماد مردم به دولت ملی

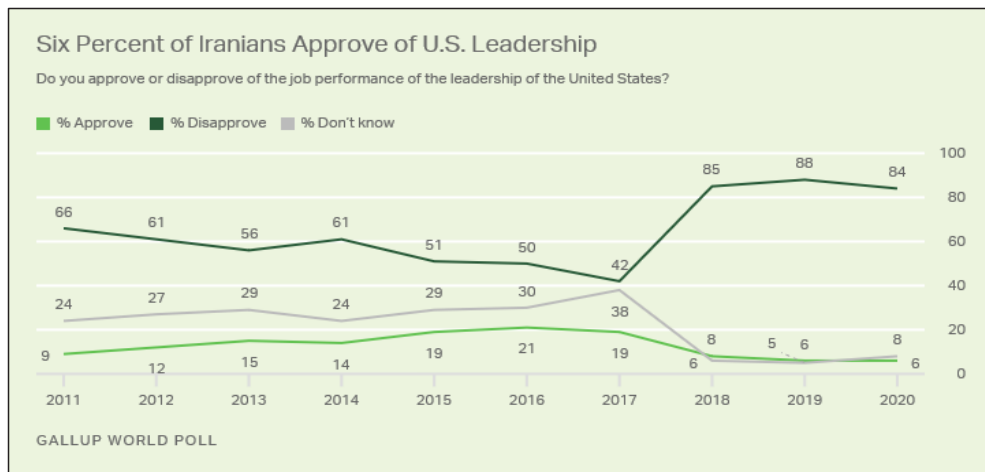


منبع: نظرسنجی موسسه گالوپ

در عین حال بسیاری از ایرانیان هنوز احساس غرور قوی‌ای دارند که این کشور در برابر فشارهای خارجی زیاد، از جنگ گرفته تا تحریم‌های بین‌المللی، مقاومت کرده است. این موضوع تا حد زیادی توضیح می‌دهد که چرا بخشی از مردم ایران همچنان پایبند نظام هستند.

موضوع جالب‌تر این است که با وجود کاهش اعتماد مردم به دولت، دیدگاه ایرانیان نسبت به ایالات متحده نیز طی این مدت تغییر کرده است و اعتماد آن‌ها به آمریکا کم شده است. در سال ۲۰۱۷، در نظرسنجی ۱۹ درصد از ایرانیان گفتند که عملکرد رفتاری رهبران ایالات متحده را تأیید می‌کنند در حالی که ۴۲ درصد مخالف و ۳۸ درصد گفتند که نظری ندارند. در سال ۲۰۱۸، رقم "عدم تأیید رفتار دولت آمریکا" از ۱۹ درصد به ۸۵ درصد افزایش یافت (که عمدتاً به دلیل کاهش شدید درصد افرادی بود که قبلاً نظری نداشتند و بعد تغییر نظر داده بودند). این تغییر به دلیل خروج آمریکا از برجام بود و نشان می‌داد که بسیاری از ایرانی‌هایی که در سال قبل درباره دولت ترامپ نظری نداشتند، زمانی که دیدند ایالات متحده توافقی هسته‌ای را ترک کرده است، از آن ناراحت شده بودند و رفتار آمریکا را قبول نداشتند.

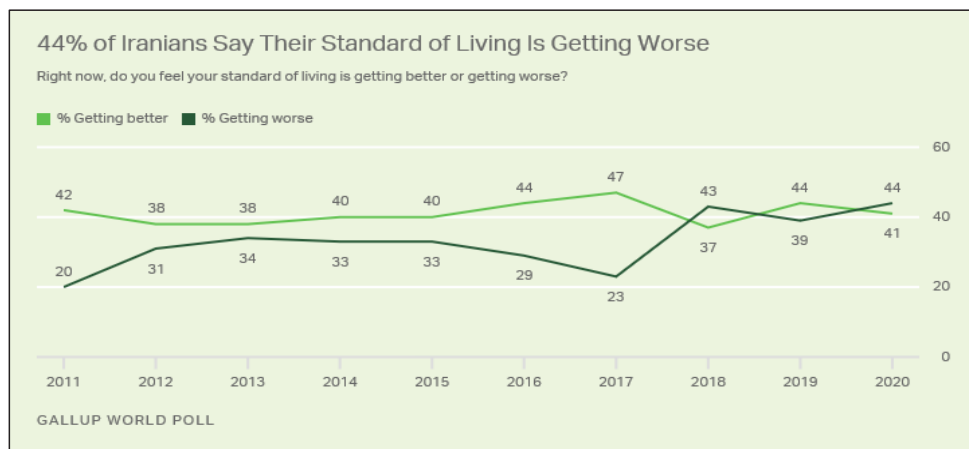
نظر مردم ایران در مورد تایید فعالیت آمریکا



منبع: نظرسنجی موسسه گالوپ

همانطور که اشاره شد یکی از دلایل اصلی کاهش اعتماد عمومی، مشکلات اقتصادی و عدم اطمینان از شرایط آتی کشور است. همانطور که در نمودار زیر مشخص است، از سال ۲۰۱۸ به بعد و با گسترش تحریمها و خروج آمریکا از برجام، اقتصاد ایران پیشبینی ناپذیرتر شده و مردم نسبت به آینده بی اعتماد شده‌اند که همین موضوع می‌تواند در از دست رفتن سرمایه اجتماعی اثرگذار باشد.

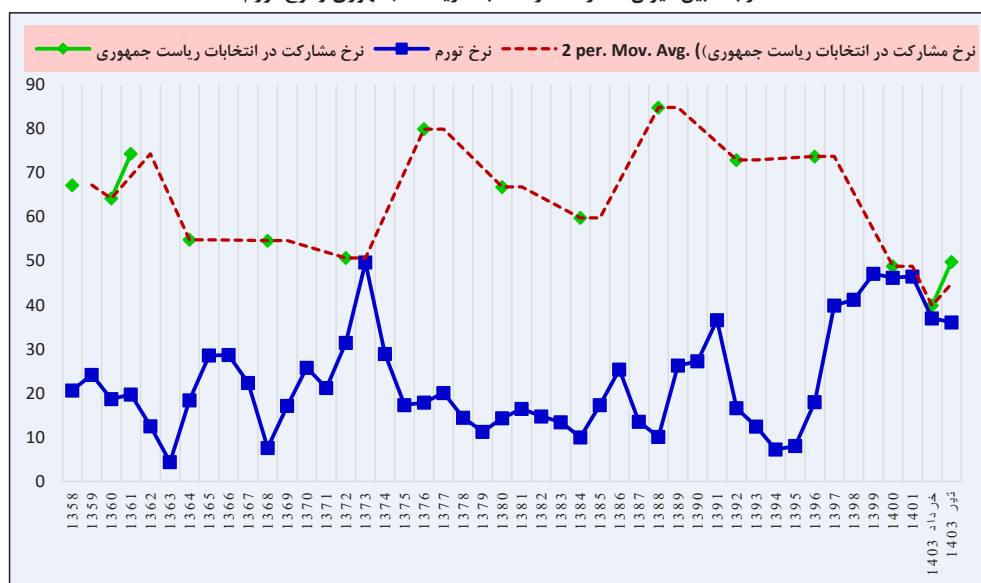
نظر ایرانیان در خصوص اینکه آیا شرایط بهتر می‌شود یا بدتر؟



منبع: نظرسنجی موسسه گالوپ

اثرات از دست رفتن سرمایه اجتماعی را می توان در دو سه دوره اخیر انتخابات نیز جستجو کرد. اگر به نمودار زیر که نشان دهنده رابطه بین میزان مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری و نرخ تورم است نگاهی بیاندازیم، خواهیم دید تا قبل از دهه ۹۰ شمسی و شروع اعمال تحریم های گسترده و نوسانات متغیرهای اقتصادی، رابطه خاصی بین میزان مشارکت و نرخ تورم وجود ندارد و حتی در برخی از سال ها با وجود نرخ تورم بالا، مردم در انتخابات مشارکت بالایی داشته اند. اما، از ابتدای دهه ۹۰ شمسی به بعد با گسترش تحریم ها و ایجاد شوک های متنوع در اقتصاد کشور و افزایش شدید نرخ تورم میزان مشارکت مردم در انتخابات روند نزولی به خود گرفت.

رابطه بین میزان مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری و نرخ تورم



منبع: وزارت کشور و بانک مرکزی ایران

برای بررسی دقیق تر بهتر است به بررسی نحوه مشارکت مردم در انتخابات ریاست جمهوری در استان های مختلف بپردازیم. نمودار بعدی رابطه بین مشارکت در دور دوم چهاردهمین انتخابات ریاست جمهوری ایران (مورخ ۱۴۰۳/۰۴/۱۵) و شاخص فلاکت را نشان می دهد. همانطور که مشخص است به غیر از استان یزد، می توان نتیجه گرفت یک رابطه منطقی میان مشارکت در انتخابات و اوضاع معیشتی مردم وجود دارد. به عبارتی هرچه اوضاع اقتصادی در یک استان بدتر شده است، میزان مشارکت نیز تقلیل یافته است.

وضع بد معیشتی

شاخص فلاکت

وضع مطلوب معیشتی

میزان مشارکت

مشارکت پایین

مشارکت بالا

استان	میزان مشارکت (X)	شاخص فلاکت (Y)
کردستان	22	57
کرمانشاه	32	57
لرستان	35	57
یزد	60	57
چهارمحال و بختیاری	37	56
اصفهان	40	56
البرز	35	52
همدان	40	51
گلستان	35	50
آذربایجان غربی	40	50
اردبیل	45	50
خراسان جنوبی	58	50
خراسان رضوی	48	49
قم	55	49
خوزستان	30	49
گیلان	32	49
سیستان و بلوچستان	28	48
فارس	35	48
نری	40	49
من شمالی	42	49
قزوین	43	48
زنجان	45	47
بوشهر	45	45
تهران	45	44
ارندران	42	46
سمنان	32	44

\ Thomas Gainsborough

به «کارگران یا شاغلان یقه سفید» به کار گرفته شد که طیف وسیعی را در بر می گرفت؛ از پزشکان، حسابداران، وکلا، حقوقدانان، قضات، استادان دانشگاه گرفته تا افراد درگیر در مشاغل به نسبت معمول و نیمه تخصصی مثل کارمندی، کارهای دفتری یا مشاغل خدماتی و اداری (نوذری، ۱۳۸۲). از لحاظ تاریخی طبقه بورژوا طبقه متوسط خوانده شده است. آن‌ها در آخرین دوره فئودالیسم<sup>۳</sup> در اروپا طبقه یا گروه‌های بین اشراف زمین دار و رعیت‌ها را شامل می شدند که گسترش وسیعی یافته بودند (هزار جریبی و صفری، ۱۳۸۹).

اگر بخواهیم به نقش طبقه متوسط در نظریه‌های مختلف بپردازیم باید بگوییم دو نظریه به بررسی نقش طبقه‌ها و به خصوص طبقه متوسط در جوامع مختلف پرداخته است؛ یکی نظریه‌های «مارکسیستی» متأثر از اندیشه «کارل مارکس» است که در آن نقش طبقه متوسط در تحولات سیاسی و اجتماعی منفعل و بسیار کم اهمیت جلوه داده شده است. علت این تحلیل تأکیدی است که در اندیشه‌های مارکسیستی بر جدال تاریخی و مداوم میان طبقه حاکم یا سرمایه‌دار از یکسو و طبقه کارگر (پرولتاریا) از سوی دیگر است. بنابراین در این میان طبقه متوسط به طور عمده از طرف مارکسیست‌ها به عنوان طبقه‌ای که نقش فعال و مهمی در تحولات سیاسی و اجتماعی داشته باشد، نادیده گرفته می‌شود. نظریه دیگری که نقش طبقه متوسط در جامعه را مورد بررسی قرار می‌دهد نظریه است که از آن به عنوان رویکرد ارسطویی یا دوتوکویلی متأثر از اندیشه «آلکسی هنری دوتوکویل» یاد می‌شود. در این رویکرد از طبقه متوسط به عنوان نقطه تعادل جامعه یاد شده و وجود طبقه متوسط را موجب ثبات در جامعه می‌داند؛ چرا که افراد وابسته به طبقه متوسط تمایلی به افراط ندارند. به طور کلی در این رویکرد به نقش طبقه متوسط در تحولات سیاسی و اجتماعی به عنوان مهم‌ترین بخش از جامعه توجه می‌شود. با نگاه تطبیقی به دو رویکرد مارکسیستی و دوتوکویلی به نظر می‌رسد که رهیافت دوم با واقعیت‌های موجود تطابق بیشتری دارد؛ چرا که امروزه این طبقه متوسط است که نقش مهمی در تحولات سیاسی و اجتماعی در جوامع مختلف ایفا می‌کند. امروزه با توجه به رشد کمی و کیفی که این طبقه داشته است نمی‌توان نقش آن را به عنوان مهم‌ترین کارگزاران نادیده گرفت. دوتوکویل در کتاب «دموکراسی در آمریکا» در اهمیت طبقه متوسط می‌نویسد:

۱. کارگر یقه‌سفید اصطلاحی است که در بعضی کشورها به کارکنان حقوق بگیری که کارهای حرفه‌ای یا نیمه حرفه‌ای دفتری را انجام می‌دهند، گفته می‌شود. این اصطلاح تعریف مستقیمی است از اصطلاح انگلیسی White-collar worker که در اوایل سده بیستم در آمریکا رایج شده بود.

۲ Bourgeoisie

۳ Feudalism

۴ Karl Marx

۵ Alexis Henri C M Clerel Tocqueville

۶ Democracy in America

«مهم‌ترین خصوصیت یک جامعه دموکراتیک کوچک بودن طبقه پایین و بسیار کوچک بودن طبقه ثروتمندان است که باید با بزرگ بودن و بطور دایم بزرگ شدن طبقه متوسط همراه باشد. در این رویکرد بر این مساله اشاره می‌شود که افراد طبقه متوسط به طور عمده تمایلی به حرکت های تندروانه و پر خطر ندارند» (ستاری، ۱۳۹۳).<sup>۱</sup>

هر چه جوامع به سمت توسعه بیشتری حرکت کند نقش طبقه متوسط هم پررنگ‌تر می‌شود چرا که عامل پیش برنده تکنولوژی است و بخش قابل توجه تکنولوژی هم مربوط به حوزه‌های کارآفرینی و حوزه‌هایی است که به تخصص وابسته است. بنابراین از منظر عرضه در اقتصاد هر چه زمان می‌گذرد قشر متوسط مهم‌تر می‌شود و از منظر تقاضا هم انباشت این تقاضا بر قشر متوسط مهم است، چرا که تقاضای قشر کم‌درآمد ناچیز است و تقاضای پر درآمدها هم معمولاً معطوف به سلاقی خاصی است. در واقع صرفه مقیاس در اقتصاد از سمت تقاضا عمدتاً از سمت توده وسیع قشر متوسط است که هر چه بزرگ‌تر می‌شود ثبات بیشتری هم در تقاضا ایجاد می‌کند که به دنبال آن بعد سرمایه‌گذاری‌های مبتنی بر تقاضا شکل می‌گیرد و توسعه می‌یابد. از منظر اجتماعی توسعه شهرنشینی و روابط مدرن در جوامع عمدتاً بر مبنای شکل‌گیری موجودیت قشر متوسط است و به لحاظ سیاسی هم قشر پردرآمد در جوامع مختلف به دلیل انتفاع از این شرایط مخالف تغییرات هستند و قشر کم‌درآمد هم به دلیل اینکه بازنده محسوب می‌شوند معمولاً به دنبال تغییر هستند. قشر متوسط معمولاً تحولات تدریجی دارند چون دارای یک ویژگی از قشر پردرآمد یعنی سرمایه است (البته منظور سرمایه انسانی است) و یک ویژگی هم از قشر کم‌درآمد دارد که آن هم تمرکز بر روی نیروی کار است (نیلی، ۱۴۰۳).<sup>۲</sup>

بنابراین، نقش طبقه متوسط را نمی‌توان در توسعه اقتصادی یک کشور نادیده گرفت. بهترین تعبیری که می‌توان به طبقه متوسط نسبت داد این است که این طبقه «به عنوان یک تعادل، حائل و ضربه گیر بین قشر فقیر و ثروتمند قرار دارد»؛ و هرچه این ضربه گیر و حائل بزرگتر باشد، کنش های اجتماعی سیاسی نیز در آن جامعه کمتر خواهد بود و تفاوت های بین قشر ضعیف و غنی را کم‌رنگ‌تر جلوه خواهد داد. بنابراین، بهبود وضعیت طبقه متوسط و ضعیف اهمیت فراوانی دارد که لازم است سیاست‌گذاران با این مسئله توجه ویژه‌ای داشته باشند. حال، سوالی که در این زمینه مطرح می‌شود این است که وضعیت طبقه متوسط در ایران چگونه است؟ آیا در چند سال گذشته

۱. با اقتباس از گزارش: ستاری، محمد، (۱۳۹۳)، طبقه متوسط موتور توسعه ایران.

۲. با اقتباس از گزارش: نیلی، مسعود، (۱۴۰۳)، گزارش سقوط طبقه پردرآمد به متوسط و متوسط به فقیر، مرکز تحلیل داده شریف.

وضعیت این طبقه بهبود پیدا کرده است یا بی ثباتی اقتصادی باعث بدتر شدن شرایط زندگی این طبقه شده است؟

در تعریف امروزی از طبقه متوسط جدید، تنها میزان درآمد و نقش و جایگاه اجتماعی آن مورد نظر نیست، بلکه کارآمدی، عقل گرایی و تحلیل گرایی، نوگرایی، دموکراسی خواهی و تعلق نداشتن نسبی به طبقات بالا و پایین جامعه از خصوصیت بارز طبقه متوسط به حساب می آید. جامعه شناسان اعضای طبقه متوسط ایران را به دو گروه «سنتی» (متقدم) و «جدید» (متأخر) تقسیم بندی می کنند که هر کدام از این دو گروه، خود در برگیرنده چندین قشر و شأن و منزلت اجتماعی است. طبقه متوسط سنتی شامل دو قشر اجتماعی روحانیت، تاجران و بازاریان سنتی است؛ در حالی که طبقه متوسط جدید که محصول فرآیند نوسازی، رشد و توسعه اقتصادی، رشد و گسترش شهرنشینی، بوروکراسی و آموزش عالی در ایران هستند افرادی مانند کارمندان، مدیران، روشنفکران، دانشجویان، متخصصان یا حرفه‌هایی اعم از مهندسان، پزشکان و غیره را در بر می گیرد (مطلبی، ۱۳۸۶). در واقع اعضای طبقه متوسط جدید بازمانده نظام دیوان سالاری اند و گرایش به صنعتی شدن و توسعه آموزش و پرورش در سطوح گوناگون دارند. این طبقه جدید در کشورهای رو به توسعه مانند ایران، حاصل دگرگونی جامعه سنتی است و عامل اصلی نوسازی و نوگرایی به شمار می آید (مسعودنیا و محمدی، ۱۳۹۰).

برخی معتقدند که اقتصاد در طبقه متوسط ایران نقشی تعیین کننده دارد. از جمله این که می گویند نوع نگرش فرهنگی و سبک زندگی رابطه مهمی با ساختار اقتصادی دارد و طبقه متوسط از دل دهک‌های میانی بیرون می آید. ویژگی این دهک‌های میانی، خرده مالکی است. خرده مالکی بسیاری از رفتارهای اجتماعی و سیاسی طبقه متوسط را تبیین می کند؛ به این معنا که خرده مالک همواره نگران آینده است و همین دغدغه آن سبب می شود از رفتارهای خشونت آمیز روی گردان باشد. از آنجا که طبقه متوسط در ایران بسیار فربه شده است بنابراین این ویژگی آن در شکل و فرم روندهای اجتماعی در ایران تأثیر بسیار می گذارد. عراق نیست اگر بگوییم که مرکز ثقل همه تحولات، قیام ها و نهضت های ۱۰۰ ساله گذشته در ایران، طبقه متوسط بوده است. در نهضت های مشروطیت، ملی شدن نفت، قیام پانزدهم خرداد و انقلاب اسلامی طبقه متوسط نقشی مهم داشته است. افزون بر نگاه تاریخی، طبقه متوسط نقشی سازنده، آگاهی بخش، متعادل کننده، انتقالی و کارکرد ویژه جامعه مدنی را در جامعه ایفا کرده است. گسترش طبقه متوسط جدید در ایران انکارناپذیر است. طبقه متوسط در همه زمینه ها بویژه اقتصاد، سیاست و فرهنگ نقش بنیادی دارد. در حوزه اقتصاد اعضای طبقه متوسط تنها در پی راه اندازی بازارهای تازه نیستند، بلکه در بینش، منش و رفتار تفاوت های آشکاری دارند (مطلبی، ۱۳۸۶).

فرآیند نوسازی در ایران بر شکل طبقه متوسط تأثیر ویژه‌ای به جای گذاشت. با فزونی گرفتن شمار افراد تحصیل کرده جهت تأمین نیازهای دیوان‌سالاری روبه گسترش، طبقه متوسط جدید شکل گرفت. در این میان ادامه نوسازی عمیق و همه جانبه جامعه در گرو گشوده شدن فضای سیاسی و استقرار نظام مبتنی بر مشارکت آحاد مردم و فعالیت احزاب است. از جنبه اقتصادی بخش اعظم طبقه متوسط - مستقل از دولت - در بخش خدمات، تجارت و تولید فعال است. این استقلال اقتصادی نقش مهمی در روابط اجتماعی و سیاسی برای طبقه متوسط فراهم کرده است (ستاری، ۱۳۹۳).<sup>۱</sup>

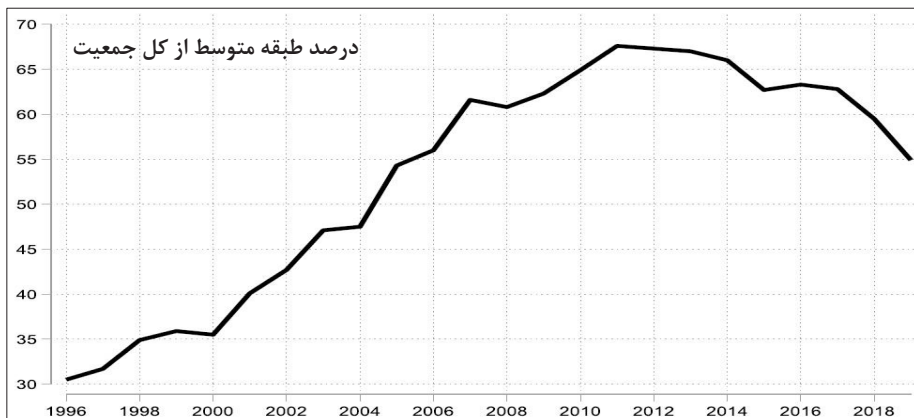
نتایج یک پژوهش نشان می‌دهد که تحریم‌های بین‌المللی پس از سال ۲۰۱۲ تأثیرات منفی قابل توجهی بر طبقه متوسط در ایران داشته است. از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۹ میانگین کاهش سالانه در اندازه طبقه متوسط ایران ۱۱ درصد بوده است. به عبارت دیگر، اگر تحریم‌های بین‌المللی وجود نداشت، اندازه طبقه متوسط در ایران تقریباً ۱۱ درصد در سال بیشتر می‌شد. این تحریم‌ها شوک‌های اقتصادی شدیدی به اقتصاد ایران وارد کردند و موجب کاهش درآمدهای صادرات نفت و اختلال در تجارت و سرمایه‌گذاری در تمامی بخش‌های اقتصادی شدند.

علاوه بر این ایران به دلیل تحریم‌های مالی قادر به بازگرداندن درآمدهای صادراتی خود نبود. حتی پس از کاهش تحریم‌ها در سال ۲۰۱۶ با توافق هسته‌ای، بسیاری از شرکت‌های خصوصی در آسیا و اروپا به دلیل ترس از مجازات‌های مالی آمریکا، از تجارت با ایران خودداری کردند. می‌توان گفت علاوه بر تحریم‌های نفتی، محدودیت‌های بانکی و مالی نیز نقش مهمی در کاهش توان اقتصادی ایران داشتند. بانک‌های ایرانی از سیستم مالی بین‌المللی سوئیفت جدا شدند و این موضوع موجب کاهش شدید تعاملات مالی بین‌المللی ایران شد. به دلیل این تحریم‌ها، بسیاری از شرکت‌های خارجی از سرمایه‌گذاری در ایران و تجارت با این کشور خودداری کردند که این موضوع به کاهش سرمایه‌گذاری خارجی و افت رشد اقتصادی منجر شد. این تحریم‌ها باعث کاهش تعاملات مالی بین‌المللی ایران و کاهش واردات کالاها و خدمات ضروری شدند. کاهش واردات به افزایش قیمت‌ها و کاهش قدرت خرید مردم منجر شد که این موضوع بویژه برای طبقه متوسط تأثیرات منفی داشت. افزایش نرخ تورم و کاهش ارزش ریال نیز باعث کاهش قدرت خرید مردم شد و کیفیت زندگی طبقه متوسط را تحت تأثیر قرار داد و اندازه طبقه متوسط را کاهش داد (فرزانگاہ و حبیبی، ۲۰۲۴).

۱. با اقتباس از گزارش: ستاری، محمد، (۱۳۹۳)، طبقه متوسط موتور توسعه ایران.

## فصل دوم- بررسی اثرات تحریم ها و نوسانات اقتصادی بر جامعه

سهم طبقه متوسط ایران از کل جمعیت (درصد)

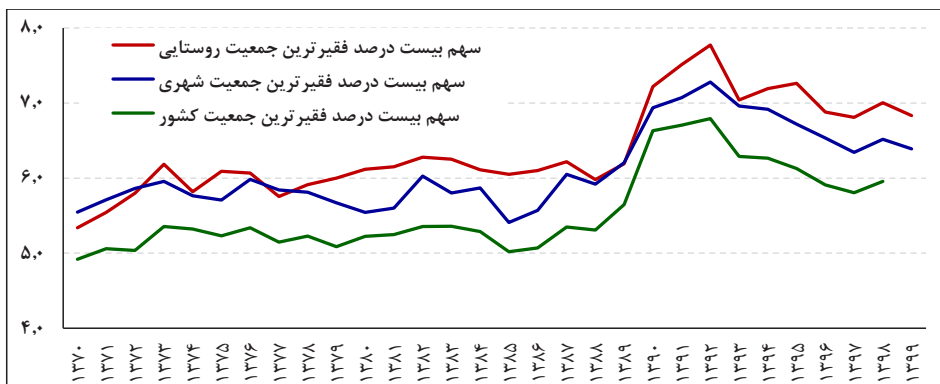


منبع: فرزاتگان و حبیبی، ۲۰۲۴

توجه: طبقه متوسط افرادی هستند که در خانواده ای زندگی می کنند که روزانه بین ۱۱ تا ۱۱۰ دلار برای هر نفر درآمد یا هزینه می کنند (بر اساس شاخص برابری قدرت خرید (PPP))

علاوه بر این همانطور که در نمودار زیر مشخص است متأسفانه از ابتدای دهه ۹۰ شمسی و با شروع تحریم ها، سهم ۲۰ درصد فقیرترین جمعیت بخش روستایی، شهری و کشور روند رو به رشد قابل توجهی داشته است و باعث شده است تعدادی از افرادی که در طبقه متوسط قرار دارند به این طبقه منتقل شوند. در این دوره، هم مقدار مطلق درآمدی کاهش قابل توجهی پیدا کرده و هم شاخص های توزیع درآمد افت داشته است و نابرابری در جامعه افزایش یافته است.

سهم بیست درصد فقیرترین جمعیت روستایی، شهری و کشور (دهک وزنی)-درصد

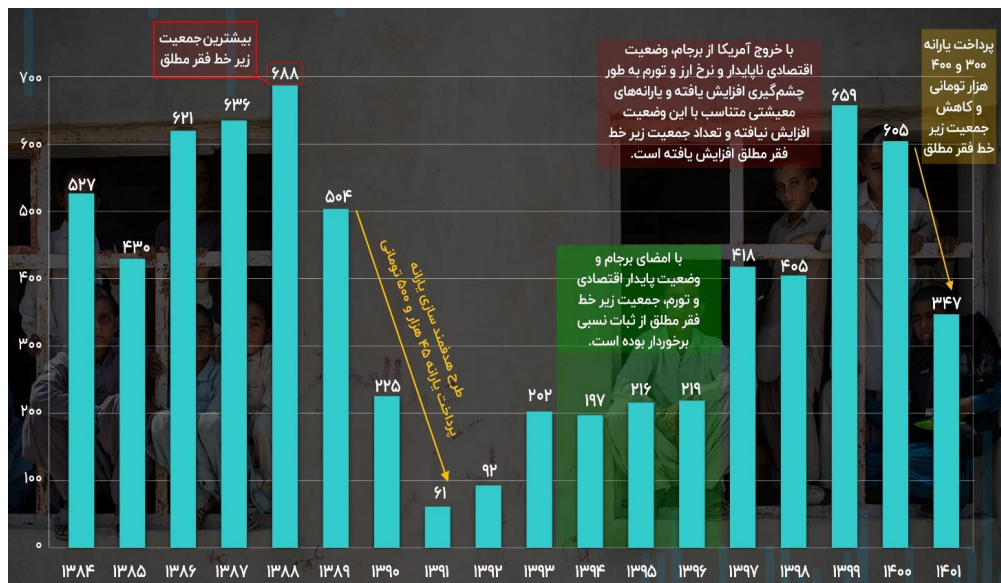


منبع: مرکز آمار ایران

علاوه بر این خط فقر نیز تأیید کننده این موضوع است. بانک جهانی در سال ۲۰۲۲ خط فقر مطلق جهانی را بر حسب برابری قدرت خرید (ppp) کشورها ۲ دلار و ۱۵ سنت در روز مشخص کرد. به عبارتی دیگر، افرادی که هزینه روزانه آن‌ها کمتر از ۲٫۱۵ دلار باشد، در فقر مطلق به سر می‌برند و در تأمین نیازهای اولیه خود دچار مشکل هستند. خط فقر مطلق به حداقل سطح درآمدی اشاره دارد که برای تأمین نیازهای اساسی زندگی یک فرد یا خانوار کافی است. این نیازها شامل غذا، آب آشامیدنی سالم، مسکن، آموزش اولیه و خدمات بهداشتی ضروری می‌شود. بر اساس آخرین آمار منتشر شده توسط مرکز آمار، در سال ۸۴، ۵۲۷ هزار نفر از جمعیت کشور در فقر مطلق زندگی می‌کرده‌اند. این روند تا سال ۸۸ صعودی بوده و در این سال به قله خود در ۶۸۸ هزار نفر رسیده است. با روی کار آمدن دولت دهم، پرداخت یارانه‌های نقدی از اواخر سال ۸۹ آغاز شده است. یارانه ۴۵ هزار و ۵۰۰ تومانی قدرت خرید دهک‌های پایین درآمدی را به طور قابل توجهی بالا برد. به طوری که در سال ۹۱ تعداد افراد زیر خط فقر مطلق به حداقل خود در حدود ۶۱ هزار نفر رسیده است. البته در این آمار جای سؤال باقیست، زیرا پس از مدتی با افزایش چشم‌گیر نرخ ارز و تورم، اثر مثبت یارانه‌ها بر معیشت خانوارهای کم درآمد کاهش یافت. با روی کار آمدن دولت یازدهم، ۹۲ هزار نفر از مردم کشور با فقر مطلق دست و پنجه نرم می‌کردند. تا سال ۹۶ با وجود توافق برجام و وضعیت خوب اقتصادی، تعداد جمعیت زیر خط فقر مطلق پایدار و در حدود ۲۰۰ هزار نفر بوده است. در سال ۹۷ با خروج آمریکا از برجام، تضعیف اقتصاد و افزایش شدید نرخ ارز، تعداد بیشتری از مردم به زیر خط فقر مطلق فرو رفتند. بطوریکه جمعیت زیر خط فقر مطلق از ۲۱۹ هزار نفر در سال ۹۶ به ۴۱۸ هزار نفر در سال ۹۷ رسیده است. با ادامه این روند و شروع بحران کرونا، این آمار در سال ۹۹ به ۶۵۹ هزار نفر رسیده که بعد از سال ۸۸ بیشترین مقدار ثبت شده است. مجدداً در سال ۱۴۰۰ با پرداخت یارانه ۳۰۰ و ۴۰۰ هزار تومانی، این شاخص کاهش چشم‌گیری پیدا کرد. در سال ۱۴۰۱ از جمعیت ۸۴ میلیون و ۷۰۰ هزار نفری کشور، ۳۴۷ هزار و ۲۷۰ نفر زیر خط فقر مطلق جهانی زندگی می‌کنند. به طور کلی پرداخت یارانه نقدی یک تنفس مصنوعی به جمعیت زیر خطر فقر می‌دهد و در کوتاه مدت اثرگذار است، اما با مرور زمان تورم این اثر حمایتی را از بین می‌برد. آنچه که مشخص است بی‌ثباتی اقتصادی باعث افزایش فقر و انتقال جمعیت از طبقه با درآمد بالاتر به طبقه با درآمد پایین‌تر و کاهش طبقه متوسط شده است.

۱. به نقل از گزارش اکو ایران (ecoiran.com)، (۱۴۰۳)، زندگی ۲ دلاری؛ چند هزار ایرانی زیر خط فقر مطلق هستند؟

جمعیت افرادی که با کمتر از ۲ دلار در روز زندگی می کنند.



منبع: بانک مرکزی (به نقل از گزارش اکو ایران - ecoiran.com)

بنابراین آمارها نشانگر کاهش طبقه متوسط و انتقال بخشی از جمعیت این طبقه به طبقه ضعیف است. به عبارتی طی چند سال گذشته با افزایش بی ثباتی اقتصادی و کاهش قدرت خرید مردم، طبقه حائل یا متعادل کننده کاهش یافته است که این موضوع می تواند نشان دهنده یک هشدار باشد؛ هدفی که غرب نیز به دنبال آن بوده و سعی در تحقق آن داشته است. نویسندگان کتاب «تحریم ها چگونه کار می کند: ایران و آثار جنگ اقتصادی»<sup>۱</sup> معتقدند طبقه متوسط بخشی از جامعه است که «بیشترین مقاومت علیه جمهوری اسلامی از آن سرچشمه می گیرد و باید تحت حمایت های غرب قرار گیرند» در جای دیگری از این کتاب آمده است: «در طول سال های گذشته، نیروی محرکه جامعه ایران برای تغییر، گشایش کشور و چرخش به سمت غرب، طبقه متوسط بوده است». بنابراین لازم است سیاست گذاران و برنامه ریزان توجه ویژه ای به این موضوع داشته باشند و با مشارکت آحاد مردم در اقتصاد، شرایط زندگی و معیشت آنان را بهبود دهند. چرا که در چند سال اخیر، به دلیل بی ثباتی اقتصادی و تحریم های ظالمانه غرب، قشر ضعیف و متوسط آسیب بیشتری نسبت به قشر ثروتمند دریافت کرده اند. بنابر

<sup>۱</sup> Sanctions Work: Iran and the Impact of Economic Warfare

فرموده مقام معظم رهبری گرانی‌ها، بی‌ثباتی بازار، تنزل ارزش پول ملی و فاصله طبقاتی از جمله واقعیت تلخ اقتصادی است. لذا این موضوع بیش از پیش باید مورد توجه قرار گیرد.

### سایه جنگ و تحریم‌های اقتصادی به مثابه استحاله ضمیر ناخودآگاه انسان

تقسیم ذهن به خودآگاه و ناخودآگاه فرض اساسی روانکاوی است و صرفاً بر مبنای این فرض است که روانکاوی به فرایندهای آسیب‌شناختی حیات روانی انسان پی می‌برد، بخش مهمی از آنچه هر فرد یاد می‌گیرد از طریق درونی سازی است. مدل سازی ناخودآگاه یا تأثیرپذیری از محیط اطراف از عوامل مؤثر برای شکل‌دهی رفتار و تفکر تعریف شده است. درونی سازی از طریق محیط اطراف، فرد را به تجزیه و تحلیل گفته‌ها و اعمال درون فکنی خود وا می‌دارد و این خود موجب می‌شود که فرد نگرش‌ها، عقاید، ارزش‌ها و رفتار خود را درونی کرده، تغییر ندهد و خود را هرچه بیشتر به الگوی مورد نظر شبیه و همانند می‌سازد. ناخودآگاه منبع انرژی است که احساسات و افکار انسان را تغذیه می‌کند. آرزوها، خواسته‌ها و امیال پس رانده و فراموش شده در این بخش شخصیت، انباشته می‌شود. اما پیوسته کوشش دارند که به ناحیه خودآگاه نفوذ کنند؛ یعنی خود را در افکار و رفتار ما جا دهند. تمام عقایدی که خودآگاه آن را تصویب نمی‌کند، به بخش ناخودآگاه رانده می‌شوند (ر.ک؛ میننجر و همکاران، ۱۳۷۰: ۱۷). دو گونه ناخودآگاه داریم یکی ناخودآگاه نهفته که (به سهولت) خودآگاه می‌گردد و دیگر ناخودآگاه سرکوب شده که به خودی خود و با دشواری خودآگاه می‌شود. این بینش درباره پویای ذهن خواه ناخواه بر نحوه توصیف ذهن و نیز اصطلاحاتی که به این منظور به کار می‌بریم تأثیر می‌گذارد. تحقیقات نشان داده که انسجام روانی فرد وابسته به تماس مناسب وی با محیط خارج و سطوح مناسب تحریکات است که دریافت می‌دارد. در بدو تولد خودآگاه و ناخودآگاه انسان موجودیتی یگانه دارند. در شروع مراحل رشد و شکل‌گیری شخصیت نمی‌توان تمایزی میان آگاهی و ناخودآگاه خود قایل شد. اما طبیعت رشد در ارتباط با دنیای بیرون باعث این جداسازی می‌شود. در تقابل روان آدمی با محیط و حقایق دنیای بیرون، ساختار درونی درگیر بسیاری تعارض‌ها و توافق‌ها می‌شود. جنگ‌ها و دوستی‌ها میان مختصات درونی انسان با واقعیت‌های دنیای بیرون منجر به نوعی هماهنگی قراردادی بین آن‌ها می‌گردد که این موضوع همان فرآیند شکل‌گیری شخصیت است. به بیان دیگر شخصیت فرد در چهارچوب نوع تعامل با محیطش قالب زده می‌شود. اگرچنین هماهنگی به درستی صورت نگیرد، بنیان شخصیت دچار ناهنجاری خواهد بود. اگر شخصیت افراد مختلف را به لحاظ استحکام و عملکرد مفید مقایسه کنیم، باید گفت ملاک شخصیت قوی، تقابلی نیرومند میان ساختار درونی با حقایق محیط است. بر این اساس هنگامی که در یک کشور جنگ یا درگیری رخ می‌دهد و یا یک کشور مستعمره کشور دیگر می‌شود و یا توسط کشوری بیگانه مورد تهاجم و حمله قرار می‌گیرد؛ بر ساختار ذهنی کودکان کشور حمله شده اثر منفی می‌گذارد. در این حالت



است که ناخودآگاه کودکان آن سرزمین بر اساس شرایط محیطی تطبیق داده می‌شود و چه بسا به دلیل هراس از جنگ و فرار از مرگ، این ترس تا پایان زندگی با آن‌ها باقی بماند و در بزرگسالی نیز با شنیدن کلمه جنگ و یا حتی شنیدن نام کشور متجاوز به صورت ناخودآگاه ترس بر آن‌ها چیره شود. بنابراین، اثرات جنگ، تحریم، ناامنی، درگیری و مواردی از این دست صرفاً فقط به دوره‌ای که این شرایط در جریان است محدود نمی‌شود و در بلندمدت نیز می‌تواند ضمیر ناخودآگاه جوانان آن سرزمین را معطوف به خود کند و آن حس ترس از کشور مهاجم برای همیشه با آن‌ها باقی بماند. در حقیقت بسیاری از موفقیت‌ها و شکست‌ها ناشی از شوق و یا ترس موجود در ضمیر ناخودآگاه انسان است. اینکه شخصی در کودکی با صدای چکمه‌های دشمن و یا با صدای غرش موشک یا جنگنده از خواب بپرد؛ این ترس در بزرگسالی نیز با وی باقی خواهد ماند و هیمنه دشمن و ترس از آن برای همیشه با او خواهد بود. در این حالت به دلیل اینکه این فرد اعتماد به نفس کافی در برابر دشمن ندارد و در ضمیر ناخودآگاه وی ترس بر قدرت چیره شده است فرار را بر قرار ترجیح خواهد داد.

#### مطالعه بیشتر

##### تأثیر محیط بر ضمیر ناخودآگاه انسان



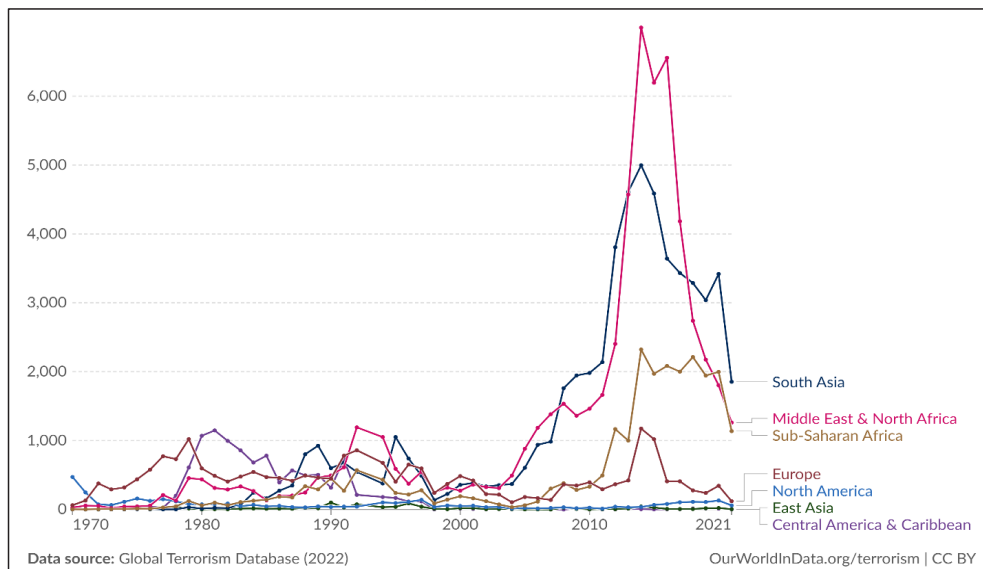
آزمایش عروسک بوبو در سال ۱۹۶۱ توسط آلبرت بندورا برای اثبات اینکه همه رفتارهای انسان از طریق تقلید اجتماعی آموخته می‌شوند تا اینکه از طریق عوامل ژنتیکی به ارث برسند، انجام شد. او برای آزمایش و اثبات اینکه بچه‌ها رفتار یک مدل بزرگسال را کپی می‌کنند، شرکت کنندگان را به

گروه‌هایی تقسیم کرد. یکی از آن‌ها با بزرگسالی روبرو بود که رفتار پرخاشگرانه نسبت به عروسک بوبو نشان می‌داد، دیگری با بزرگسال منفعل و مطیع روبرو بود که با عروسک بوبو بازی می‌کرد و سومی یک گروه کنترل بود که در معرض هیچ بزرگسالی نبود. بچه‌ها به صورت جداگانه به اتاقی با اسباب بازی‌های مختلف از جمله عروسک بوبو فرستاده می‌شدند. به آن‌ها گفته شده بود با اسباب بازی‌ها بازی نکنند، زیرا برای کودکان دیگر ننگه داشته شده‌اند. این برای افزایش سطح محرومیت و ناامیدی بود. بچه‌هایی که در مواجهه با مدل پرخاشگر بودند رفتار پرخاشگرانه‌ای نسبت به عروسک بوبو داشتند. در حالی که گروه دوم حتی نسبت به گروه کنترل، رفتار پرخاشگرانه کمتری داشتند. در میان بچه‌هایی که مدل بزرگسال پرخاشگر داشتند، پسران تمایل بسیار بیشتری به تقلید فیزیکی رفتار پرخاشگرانه بزرگسال نشان دادند.

## رویکرد سیاستی ایران از منظر اقتصاد سیاسی

منطقه غرب آسیا در طول سالیان گذشته به دلیل مسائل ژئوپلیتیک و ایدئولوژیک همیشه یکی از مناطق پر تنش جهان بوده و آتش جنگ در این منطقه همواره شعله‌ور بوده است. به طوری که از سال ۱۹۷۰ میلادی تاکنون این منطقه شاهد بیش از ۵۰ جنگ داخلی و خارجی بوده است و حداقل سه میلیون نفر در این جنگ‌ها کشته شده‌اند. بنابراین خاورمیانه محل تداخل منافع بازیگران خارجی بوده و این تداخل با ساخت قدرت در درون کشورهای منطقه ارتباط زیادی دارد. در منطقه غرب آسیا تهدیدات خارجی با آسیب‌پذیری‌های داخلی هم‌افزا شده و بحران‌ها و جنگ‌های منطقه را ساماندهی و منافع قدرت‌های فرامنطقه‌ای را تشدید می‌کند. بنابراین تهدیدهای خارجی در این منطقه یکی از اصلی‌ترین عواملی است که در تعیین مخارج نظامی نقش ایفا می‌کند. یکی از تأثیرات مهم رشد نظامی‌گری و تهدیدها و بروز جنگ‌ها، افزایش هزینه‌های نظامی کشورها است. وارد آمدن خسارت به سرمایه‌های انسانی و مادی، کاهش تولیدات داخلی و صادرات و وارد آمدن زیان بر درآمدهای ارزی، تبدیل شدن نیروی کار اقتصاد زمان صلح به نیروی نظامی و اقتصاد جنگی، عدم تخصیص مناسب منابع، فرار مغزها و خروج سرمایه‌های انسانی، کم شدن نیروی کار ماهر و نیمه ماهر، افزایش قیمت‌های داخلی، رشد واردات، افزایش قاچاق، و افزایش بدهی‌ها از جمله پیامدهای مهم جنگ هستند. چنین نتایجی باعث می‌شود که بسیاری از کشورها به منظور تقویت بنیه دفاعی خود و پیشگیری از تجاوزگری‌های دشمنان رو به افزایش مخارج نظامی بیاورند. در حقیقت دولت‌ها سعی می‌کنند تا با صرف هزینه دفاعی، امنیت شهروندان خود را تأمین کنند. با توجه به اثرات خارجی امنیت، تقویت توان دفاعی یک کشور برای سایر کشورها مخصوصاً کشورهای همسایه نیز اهمیت دارد، به این مفهوم که مسلح شدن یک کشور برای دیگر کشورها می‌تواند تبعات مثبت یا منفی به همراه داشته باشد. وجود حملات تروریستی موجب می‌گردد کشورها با افزایش در مخارج نظامی سعی در حفظ امنیت و آرامش کشور داشته باشند. ماهیت تروریسم از سازوکار خود تقویت کننده هم در زمینه زمان و هم در زمینه مکان است. اول آنکه تداوم و فعالیت تروریسم، تروریسم جدید را به همراه دارد؛ یعنی سرایت زمانی. از طرف دیگر آنکه اگر کشور یا منطقه‌ای از وجود تروریسم رنج می‌برد، معمولاً کشورهای همسایه نیز از تبعات آن اثر می‌پذیرند؛ یعنی سرایت مکانی. به طور مثال، گروه‌های تروریستی نوظهور از تجربه و سابقه گروه‌های تروریستی قدیمی‌تر در کشورهای همسایه استفاده می‌کنند. شکل مقابل تعداد کشته‌های حاصل از عملیات تروریستی را نشان می‌دهد که بیانگر این است که بیشترین مرگ و میر حاصل از تروریسم در منطقه غرب آسیا یعنی غرب ایران و منطقه جنوب آسیا یعنی شرق ایران اتفاق افتاده است.

تعداد مرگ و میر حاصل از تروریسم- ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۹



منبع: پایگاه جهانی داده‌های تروریسم (GTD)<sup>۱</sup>

با توجه به ناامنی که در اطراف ایران وجود دارد و از روی شکل فوق هم مشخص است، لازم است منابع و امکانات لازم را در جهت ایجاد امنیت در برابر تروریسم و تهدیدات داخلی انجام دهیم. خداوند در قرآن کریم بارها به موضوع امنیت اشاره می‌فرماید. در این باره خداوند متعال می‌فرماید: يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ (سوره انفال، آیه ۶۵). «ای رسول، مؤمنان را بر جنگ ترغیب کن که اگر بیست نفر از شما صبور و پایدار باشند بر دویست نفر غالب خواهند شد و اگر صد نفر بوده بر هزار نفر از کافران غلبه خواهند کرد، زیرا آن‌ها گروهی بی‌دانش‌اند». رهبر معظم انقلاب نیز در این باره می‌فرمایند: «امروز دنیا شاهد یک ظلم فراگیر از سوی قدرت‌های غاصب جهانی است؛ شما ملاحظه کنید که منطقه ما و بسیاری از مناطق دیگر عالم امروز درگیر مشکلاتی هستند که این مشکلات، ساخته دست استکبار جهانی است. ما درباره قدرت‌های ستمگر جهانی بدون تقیّه و با صراحت کامل سخن می‌گوییم. امروز سیاستی که استکبار و در رأس آن‌ها آمریکای ظالم و ستمگر برای خود اتخاذ کرده، یک سیاست شرارت بار است؛ منافع خودشان را در ایجاد بی‌ثباتی در بسیاری از مناطق عالم بخصوص منطقه ما - منطقه غرب آسیا- قرار داده‌اند؛ سیاست آن‌ها این است؛ منافع خودشان را اینجور تعریف کرده‌اند که در این منطقه

<sup>۱</sup> Global Terrorism Database (GTD)

جنگ باشد، جنگ‌های خانگی باشد، برادران به جان یکدیگر بیفتند، تروریسم به شکل‌های فجیعی در منطقه توسعه پیدا کند؛ این سیاستی است که امروز آمریکا به کمک رژیم صهیونیستی و متأسفانه با کمک بعضی از کشورهای منطقه دنبال می‌کند.<sup>۱</sup> آنچه که از مباحث فوق می‌توان دریافت این است که کشور ایران در یک منطقه پرتنش قرار دارد. این شرایط باعث شده است تا کشور ایران برای تامین امنیت خود اقدام به افزایش قدرت در حوزه‌های اطلاعاتی-امنیتی نماید. به عبارتی رویکرد ایران بیشتر به نظریه نئورئالیسم یا نواقع‌گرایی شباهت دارد. در ادامه به صورت خلاصه به بررسی این نظریه پرداخته می‌شود.

### نواقع‌گرایی یا نئورئالیسم

نواقع‌گرایی با تأکید بر مسأله سیستم، بهترین روش تحلیل فرایند از منظر قدرت است. فرایندهای قدرت در ارتباط با مفاهیمی همچون امنیت، قدرت نسبی، ساختار، بقاء و غیره تعریف می‌گردد. رهیافتی که هر دولت در نظام بین‌الملل را تحت تأثیر کنش ساختارهای متعارض نظام بین‌الملل به تصویر می‌کشد. این نظریه بر فرایند شکل‌گیری معمای امنیت تمرکز دارد. از جهت اینکه نواقع‌گرایی ساختار بین‌الملل را آنارشیک مفروض می‌دارد، به دلیل همین امر و پیش فرض نبود دولت هژمونیک که امنیت جهان را تأمین کند، دولت‌ها مجبور هستند جهت بقای خود از اصل خودیاری بهره جویند. نواقع‌گرایی به این مسأله که افزایش قدرت یک دولت به کاهش قدرت دولت دیگر می‌انجامد اذعان دارد. از این نظر معمای امنیت در یک فضای آنارشیک هرج و مرج گونه است که به صحنه می‌آید (رسندساندوس، ۲۰۰۷). بر پایه آموزه‌های این رویکرد، تضاد و کشمکش عنصر اصلی روابط و مناسبات میان دولت‌هاست. این امر نشأت گرفته از ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل است. در ساختاری که قدرتی فراتر از سایر دولت‌ها وجود ندارد که از اقدامات تهاجمی سایر دولت‌ها مانعت به عمل آورد، دولت‌ها بر اساس اصل خودیاری، خودشان مسئول تأمین امنیت‌شان هستند؛ در چنین نظامی دولت‌ها همواره نگران اقدامات و نیت تهاجمی سایر بازیگران می‌باشند و هر گونه تلاش جهت تأمین امنیت از سوی دیگری تهدید قلمداد شده و این امر از ذات آنارشیک نظام نشأت می‌گیرد (ریتبرگر، ۲۰۰۱). در نظریات اقتصاد سیاسی نواقع‌گرایی در دو دسته جای می‌گیرد: ۱. نواقع‌گرایی تدافعی ۲. نواقع‌گرایی تهاجمی. نواقع‌گرایی تدافعی یا نئورئالیسم تدافعی یک نظریه ساختاری است که از مکتب نواقع‌گرایی الهام گرفته‌است. بنیان نواقع‌گرایی تدافعی برگرفته از نظریه سیاست بین‌الملل کنت والتز است که ادعا دارد ساختار آشوب‌زده یا آنارشی نظام بین‌الملل دولت‌ها را تشویق می‌کند تا برای افزایش امنیت خود به اتخاذ سیاستی میانه‌رو و مدارایی روی

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دانشگاه علوم دریایی امام خمینی (ره) - نوبت ۱۸-۱۳۹۷/۰۶/۱۸.

۲. Resende Santos

۳. Rittberger

آورند. در مقابل، نواقعیتهای تهاجمی ادعا دارد که دولت‌ها قدرت خود را افزایش می‌دهند تا با رسیدن به سلطه و هژمونی به امنیت دست یابند. به نظر واقع‌گرایان تدافعی توسعه طلبی واقع‌گرایان تهاجمی باعث واکنش دولت‌هایی که خواستار حفظ موازنه قدرت هستند می‌شود پس امنیت آن‌ها را کاهش می‌دهد. واقع‌گرایی تدافعی واقعیت اختلاف میان دولت‌ها یا انگیزه دولت‌ها برای توسعه‌طلبی را نفی نمی‌کند بلکه معتقد است که اینگونه دولت‌ها استثنا هستند. از دیدگاه واقع‌گرایی تدافعی، اصلی‌ترین هدف دولت‌ها بقا و حفظ امنیت است. از منظر واقع‌گرایی تدافعی، جهان تک قطبی به شدت ناپایدار است و دولت‌های دیگر در مقابل قدرت برتر (هژمون) دست به موازنه قوا می‌زنند. البته با دلیل فاصله و شکاف قدرت میان دولت هژمون و دولت‌های دیگر، ریسک شکل‌گیری موازنه بالا است و در این صورت گاه دولت‌ها به موازنه نرم (و نه سخت) دست می‌زنند. واقع‌گرایی تهاجمی یا نئورئالیسم تهاجمی یک نظریه روابط بین‌الملل و بخشی از مکتب نوواقع‌گرایی می‌باشد که برای نخستین بار توسط جان مرشایمر مطرح شد. این نظریه اساساً با نظریه واقع‌گرایی تدافعی که توسط کنت والتز بیان شده در تضاد است. از منظر نواقعیتهای تهاجمی دولت‌ها تلاش می‌کنند قدرت خود را بیشینه کنند؛ زیرا افزایش قوا تنها راه اطمینان از بقا و کسب امنیت است. طبق این نظریه دولت‌ها به دنبال رسیدن به جایگاه برتر در نظام بین‌الملل (هژمونی) هستند به دلیل اینکه بتوانند بقا و امنیت خود را تضمین کنند. از دیدگاه نواقعیتهای تهاجمی، نظام تک قطبی که در آن دولت هژمون از نظر قدرت دارای فاصله زیادی از سایر دولت‌ها باشد، پایدار است ولی در نظام‌های چند قطبی به دلیل اینکه قدرت نسبی دولت‌ها تقریباً با هم برابر است و هر کدام از دولت‌ها تلاش می‌کنند به جایگاه هژمون برسند، جنگ و نزاع اجتناب ناپذیر است.

جان مرشایمر معتقد است که سه دلیل سبب هراس دولت‌ها نسبت به یکدیگر شده است: فقدان قدرت مرکزی توانایی و ظرفیت نظامی-تهاجمی دولت‌ها و این واقعیت که دولت‌ها هرگز نمی‌توانند از نیت هم آگاه باشند. گرچه کنت والتز و سپس واقع‌گرایان تهاجمی، تغییراتی را در اهداف و ابزارهای این نظریه ایجاد کردند اما بافت اصلی آن بر اساس آموزه‌های واقع‌گرایی کلاسیک استوار است. رئالیست‌ها معتقدند که دولت‌ها نیز همواره در پی کسب قدرت‌اند. توسعه قدرت ترس بر می‌انگیزد و باعث آشوب در یک محیط آنارشیک می‌گردد. این معضل نوعی خلا امنیتی برای دولت‌ها ایجاد می‌نماید، بدین سان معمای امنیت به صحنه روابط بین‌الملل می‌آید (آتون، ۲۰۰۸). متفکران نو واقع‌گرایی (چه تدافعی و چه تهاجمی) معتقدند که مبارزه برای قدرت، اولین گام برای پانهادن در عرصه ای است که هر یک از کشورها درصددند قوی‌ترین بازیگر نظام بین‌الملل باشند؛ بدین جهت مترصد افزایش قدرت در برابر دیگر رقبای هستند. چهار فرض وجود آنارشی در سیستم بین‌الملل، عدم اطمینان

دولت‌ها از مقاصد یکدیگر، تلاش برای حفظ بقا و توانایی تهاجمی همگی توجیه رفتارهای رقابت آمیز در راستای کسب قدرت دولت‌ها می‌باشد. نتیجه اینکه سیستم مزبور دولت‌ها را تشویق می‌کند تا مترصد فرصت‌هایی باشند تا قدرت خود را در برابر دیگران به حداکثر برسانند (سیمبر و همکاران، ۱۳۹۵).

مطالعات و پژوهش‌های انجام شده بیانگر این هستند که ایران طبق تئوری نوواقع‌گرایی یا نئورئالیسم با معمای امنیت مواجه بوده است چرا که ایران همانند هر دولت دیگری به دنبال به حداکثر رساندن قدرت خود در منطقه ژئوپولیتیکی خویش به منظور حفظ موجودیتش است. مسأله دیگر به تضاد بنیادین قدرت هژمونیک نظام بین‌الملل ایالات متحده با قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای از جمله ایران که در تئوری تک قطبی-چند قطبی استفان والت<sup>۱</sup> به آن پرداخته شده است، بر می‌گردد. در نظریه تک قطبی-چند قطبی توصیفی استفان والت به تحلیل رویدادهای پس از فروپاشی شوروی و دست برتر و قدرت یافتن یکی از ابر قدرت‌ها و تبدیل شدن به قدرت هژمونیک می‌پردازد. مفهوم رقابت تک-چند قطبی این را بیان می‌دارد که قدرت هژمونیک (ایالات متحده) با قدرت‌های منطقه‌ای از جمله ایران (خاورمیانه)، روسیه (اوراسیا-اروپا)، چین (شرق آسیا) و برزیل (آمریکای جنوبی) برای توسعه نفوذ در رقابت سخت بسر می‌برد. همچنین ساموئل هانتینگتون<sup>۲</sup> ساختار حاکم بر نظام بین‌الملل را نظم تک-چندقطبی می‌داند. سیستم تک قطبی به معنای یک ابر قدرت با قدرت قابل توجه به همراه بسیاری از قدرت‌های جزئی می‌باشد؛ براین اساس ابرقدرت به طور مؤثری می‌تواند مسائل مهم بین‌المللی را به تنهایی حل و فصل کند و هیچ ترکیبی از کشورهای دیگر قدرت جلوگیری از آن را ندارد. در مقابل در یک سیستم چند قطبی قدرت‌های عمده از قدرت قابل مقایسه‌ای برخوردارند و همکاری و رقابت با یکدیگر الگوی حاکم بر روابط بین‌الملل را شکل می‌دهد. هانتینگتون تعدادی از قدرت‌های منطقه‌ای را نام می‌برد که عبارتند از: روسیه در (اروپا و آسیا)، چین (در شرق آسیا)، هند (در جنوب آسیا)، ایران (در جنوب غرب آسیا) و برزیل (در آمریکای لاتین). با اوصاف تحلیلی هانتینگتون چالش میان قدرت هژمونیک (ایالات متحده) و قدرت بزرگ منطقه‌ای مانند ایران در خاورمیانه، مشخص است که امنیت ایران را به چالش کشیده می‌شود و ضرورت افزایش قدرت از جانب ایران را نشان می‌دهد.<sup>۳</sup> بنابراین رویکرد سیاستی کشور ایران به نوواقع‌گرایی تدافعی شباهت بالایی دارد. چرا که اولاً شرایط منطقه‌ایجاب می‌کند که کشور ایران برای حفظ امنیت خود قدرتش را مخصوصاً در بخش نظامی افزایش دهد و ثانیاً این افزایش قدرت در جهت بازدارندگی بوده و کشور ایران سعی در تهاجم و یا حمله به کشور دیگری نداشته است و رویکرد حکومت

۱. Stephen Walt

۲. Samuel P. Huntington

۳. با اقتباس از مقاله سیمبر و همکاران (۱۳۹۵)

تعامل با سایر کشورهاست. این موضوع در مبانی دینی و اسلامی نیز مشهود است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (سوره انفال، آیه ۶۱): و اگر دشمنان به صلح و مسالمت تمایل داشتند تو نیز مایل به صلح باش و کار خود به خدا واگذار که خدا شنوا و داناست». این نشان‌دهنده این است که در قرآن کریم نیز به اهمیت این موضوع اشاره شده است. در رابطه با اهمیت این موضوع مقام معظم رهبری نیز می‌فرمایند: «از اول پیروزی انقلاب سعی کردند کشورهای مسلمان همسایه ما را (از جمله کشورهای همسایه در خلیج فارس را) از جمهوری اسلامی و از انقلاب اسلامی بترسانند؛ متأسفانه در مواردی هم موفق شدند؛ در حالی که جمهوری اسلامی دست برادری به سوی همه ملت‌های مسلمان و همه دولت‌های مسلمان دراز کرده و دراز می‌کند. جمهوری اسلامی از بن دندان معتقد به اتحاد اسلامی است؛ اتحاد اسلامی به معنای همدلی ملت‌ها و همکاری دولت‌هاست. ملت‌ها بحمدالله باهم همدل‌اند؛ اختلافات طائفی و فرقه ای و مذهبی نمی‌تواند میان ملت‌ها شکاف ایجاد کند، مگر به وسوسه ی دشمن. اما دولت‌ها را متأسفانه دست سیاست می‌تواند به این طرف و آن طرف بکشاند. ما امروز هم اعلام می‌کنیم: کشورهای همسایه برادران ما هستند؛ دست دوستی و برادری ما به سوی این کشورها دراز است. به آن‌ها هیچ نیازی نداریم؛ این برادری، از روی نیاز نیست. ملت ایران ثابت کرده است که با توکل به خدا و با اعتماد به نفس بر مشکلات فائق می‌آید، اما ما اختلاف را بر خلاف مصلحت دنیای اسلام می‌دانیم؛ لذا دست دوستی به سوی همه کشورها دراز کرده ایم... و این باید روزبه روز تقویت شود»<sup>۱</sup>. ایشان همچنین در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری بر این موضوع چنین تأکید فرمودند: «من نمی‌گویم با دنیا قطع رابطه کنید، این اصلاً نظر بنده نیست. از اول انقلاب، بنده جزو آن آدم‌هایی بودم که اصرار داشتم بر ارتباط با اطراف دنیا - الان هم همان عقیده را دارم<sup>۲</sup>. مقام معظم رهبری صراحتاً به تعامل گسترده توأم با دوستی و احترام اشاره دارند که می‌تواند در سه سطح روابط با کشورهای اسلامی، روابط با کشورهای دوست و روابط با کشورهای غیرمتخاصم به مورد اجرا در آید. چرا که بر اساس منطق همزیستی مسالمت‌آمیز، کشورها در عین حفظ هویت و پیگیری اصول و منافع ملی خود، هویت و منافع دیگران را به رسمیت شناخته و با پرهیز از مطلق انگاری سیاسی تلاش می‌کنند هویت خود را نه بر پایه کشمکش با دیگران بلکه بر مبنای منافع مشترک با آن تعریف کنند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۷).

۱. ۱۳۸۷/۰۲/۱۹.

۲. ۱۳۹۶/۰۶/۳۰.

## چه باید کرد؟

همانطور که در این فصل اشاره شد پس از انقلاب اسلامی کشور ایران متحمل تحریم‌های گسترده بین‌المللی و تهدیدات نظامی مستقیم و غیرمستقیم مختلفی از جانب کشورهای متخاصم شده است. تحریم اقتصادی به صورت یک راهکار اصلی به عنوان جایگزین جنگ نظامی، اصلی‌ترین گزینه راهبردی غرب برای فشار بر ایران به حساب می‌آید. این تحریم‌ها و تهدیدات فقط بصورت مستقیم علیه کشور نبوده است، بلکه حتی منافع ایران در سایر کشورهای متحد و همسایه نیز مورد تهدید قرار گرفته و بارها از گزینه نظامی یا تهدید نظامی (بصورت مستقیم و یا تجهیز گروهک‌های تروریستی علیه ایران) در جهت ارباب و اثرگذارتر کردن تهدیدات استفاده گردیده است. همه این عوامل باعث شده است که بخش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و غیره بشدت متاثر گردد و آسیب‌های جدی به اقتصاد کشور وارد شود. بنابراین آنچه که از شرایط حال حاضر می‌توان دریافت این است که از یک طرف تحریم‌های گسترده باعث شده است که اقتصاد ایران با مشکلات جدی مواجه شود و از طرف دیگر کوتاه آمدن بر سر برخی از مسائل مورد چالش نظیر پرونده هسته‌ای می‌تواند زمینه‌های لازم برای ضربه زدن به کشور ایران توسط سایر کشورها را فراهم کند. اما راهکار چیست؟ آیا باید برای رفع تحریم‌ها به خواسته کشورهای متخاصم تن داد؟ در پاسخ به این سوال به نظریات جان مرشایمر نظریه پرداز نوواقع‌گرا رجوع می‌کنیم. وی معتقد بود که اگر قدرت بازدارندگی یک کشور کاهش پیدا کند در آینده نزدیک توسط کشورهای دشمن مورد تهاجم قرار خواهد گرفت. به عنوان مثال وی در سال ۱۹۹۳ در مقاله‌ای با عنوان "پرونده بازدارندگی سلاح‌های اتمی اوکراین"، تحویل سلاح‌های اتمی را از سوی اوکراین به روسیه یک اشتباه خواند و در همان مقطع پیش‌بینی کرد که چنین اقدامی باعث خواهد شد تا روسیه در آینده نزدیک به اوکراین حمله کند. همین پیش‌بینی برای حکومت قذافی در کشور لیبی هنگام تحویل سلاح‌های اتمی آن کشور انجام شد. یا در موارد مشابه می‌توان به تحویل سلاح‌های شیمیایی توسط صدام حسین رئیس‌جمهور عراق اشاره کرد که بعد از چندسال توسط خود آمریکا سرنگون شد. بنابراین، آنچه می‌توان از مباحث مطرح شده دریافت. این است که اولاً ادامه شرایط تحریمی برای ایران بسیار پرهزینه است و ثانیاً کوتاه آمدن بر سر برخی مسائل اختلافی با غرب نظیر برنامه هسته‌ای یا قدرت موشکی، به دلیل کاهش قدرت بازدارندگی کشور می‌تواند در آینده از جانب دشمن، حمله یا تهاجم را در پی داشته باشد. لذا آنچه که حکومت باید آن را دنبال کند این است که با کمترین هزینه (با حل اختلافات با کشورهای موردنظر ضمن حفظ اقتدار) به بهترین نتیجه (حذف تحریم‌ها و محدودین‌های بین‌المللی) دست پیدا کند چرا که حل و فصل هر دو مولفه برای کاهش چالش‌های کشور ضروری است.

## پیوست (۱) اولویت‌ها، راهبرد و اهداف اصلی وزارت امور اقتصادی و دارایی در دولت چهاردهم در جهت افزایش ثبات اقتصادی و کاهش آثار تحریم‌ها<sup>۱</sup>

### الف) اولویت‌های اصلی وزارت امور اقتصادی و دارایی

- (۱) تامین ثبات اقتصاد کلان و پیش بینی پذیر ساختن اقتصاد
- (۲) مهار تورم و حفظ و تقویت ارزش پول ملی
- (۳) بهبود محیط کسب و کار و رقابت پذیر کردن اقتصاد
- (۴) توانمندسازی بخش خصوصی به عنوان پیشران درون زایی اقتصاد ملی
- (۵) توجه به سرمایه گذاری‌های مولد و ایجاد جهش در تولید ملی
- (۶) تلاش برای جلب و جذب سرمایه گذاری خارجی
- (۷) افزایش سهم مالیات در بودجه عمومی و نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی
- (۸) ایجاد زمینه اشتغال برای عموم مردم و شغل آفرینی پایدار و کاهش بیکاری
- (۹) بهبود شرایط بازار سرمایه و افزایش عمق و شفافیت آن در جهت جلب ایجاد تعادل در بازارهای مالی و پولی
- (۱۰) تحکیم بنیان‌های اقتصاد داخلی اقتصاد مقاومتی در کنار تعامل با اقتصاد جهانی
- (۱۱) افزایش نفوذ بیمه در کشور خصوصا در زمینه بیمه های زندگی
- (۱۲) مولدسازی دارایی‌های راکد دولت
- (۱۳) میدان دادن و بکارگیری نیروهای کارآمد و متخصص وجوان
- (۱۴) تامین مالی پایدار دولت
- (۱۵) توسعه ابزارها، نهادها و سازوکارهای متنوع سرمایه گذاری از جمله بستر سازی سرمایه گذاری عموم مردم در طرح‌ها و پروژه‌های دارای بازدهی یا ارزآوری بالا در قالب عرضه عمومی سهام شرکت سهامی عام طرح (پروژه) و همچنین انتشار اوراق بدهی (ارزی- ریالی)

### ب) راهبردهای وزارت امور اقتصادی و دارایی دولت چهاردهم

راهبردهای وزارت امور اقتصادی و دارایی دولت چهاردهم مطابق اسناد بالادستی و جهت گیری ها و محورهای راهبردی دولت منتخب بصورت زیر خواهد بود:

۱. کنترل تورم و ثبات بخشی به اقتصاد: رفع عوامل ساختاری ایجاد کننده تورم از طریق افزایش سهم درآمدی مالیات در بودجه عمومی، ممانعت از گسترش و بی انضباطی مخارج دولت و سلطه بودجه ای و فرا بودجه‌ای دولت

<sup>۱</sup>. برگرفته از گزارش: همتی، عبدالناصر، (۱۴۰۳)، برنامه وزیر پیشنهادی وزارت امور اقتصادی و دارایی

بر سیاست پولی، کاهش ناترازی بانکها و به حداقل رساندن نااطمینانی‌ها و تقویت سیاست گذاری نوین پولی در بانک مرکزی برای مهار تورم

۲. **رشد اقتصادی فراگیر و اشتغال‌زا:** رفع نااطمینانی‌های محیطی اقتصاد کلان و بهبود فضای کسب و کار رقابتی ساختن و پیش بینی پذیر کردن اقتصاد و بسترسازی برای سرمایه گذاری‌های داخلی و خارجی و شکل‌گیری و تقویت کسب و کارهای بزرگ مقیاس و مولد و جهت دهی کسب و کارهای کوچک و متوسط در مسیر تکمیل زنجیره ارزش تولید

۳. **مبارزه با فساد و افزایش شفافیت:** حرکت به سمت هوشمندسازی حکمرانی اقتصادی برای شفافیت بیشتر و حذف زمینه های فساد از جمله قیمت گذاری‌های دستوری و امضاهای طلایی بعنوان عوامل اصلی ناکارآمدی و عدم موفقیت در دستیابی به اهداف کلان اقتصادی و نارضایتی مردم

۴. **عدالت گستری و کاهش فقر و شکاف در آمدی:** توانمندسازی اقتصادی خانوارها و توسعه چترهای حمایتی و هدفمند کردن یارانه های آشکار و پنهان

۵. **گسترش تعامل سازنده با اقتصاد جهانی:** تعامل اقتصادی بین المللی خصوصا منطقه ای برای فعلیت بخشیدن به فرصتهای اقتصادی از طریق تلاش برای رفع تحریم‌های ظالمانه و بسط روابط بانکی و مالی بین المللی و جذب سرمایه خارجی

۶. **رشد سرمایه گذاری با اولویت زیرساخت‌ها:** باز طراحی ساختار تصمیم گیری در موضوعات مرتبط با سرمایه گذاری‌های زیرساختی و توسعه ای و توسعه زیرساخت‌های پیشران اقتصادی از طریق تصویب لایحه مشارکت عمومی - خصوصی و اجرایی نمودن قانون تامین مالی تولید و زیرساخت‌ها

۷. **بکارگیری نیروی کار آمد متخصص و جوان:** شایسته سالاری و بکارگیری افراد توانا، متخصص، کارآمد و جوان در بدنه اجرایی و مدیریتی وزارت امور اقتصادی و دارایی

۸. **تضمین حقوق مالکیت برای تامین بیشتر امنیت و آرامش و نشاط بخشی:** ایجاد احساس امنیت اقتصادی در جامعه از طریق ایجاد ساز و کارهای گسترش حقوق مالکیت

۹. **اصلاح نظام توزیع یارانه در اقتصاد:** اصلاح حکمرانی اقتصادی مشارکت موثر اصلاح نظام توزیع یارانه و مالیات ستانی است که علاوه بر رفع مشکلات فوق به عنوان یک عامل اصلی در سرمایه گذاری و دستیابی به رشد اقتصادی پایدار بشمار می‌رود.

### ج) اهم برنامه های کلان بخشی و عملیاتی وزارت امور اقتصادی و دارایی در دولت چهاردهم

#### ۱. امور مالیاتی

##### الف) اهداف کلان

- افزایش سهم مالیات از منابع عمومی بودجه ای در کنار اصلاح روش های مالیاتی برای کاهش فشار بر فعالین اقتصادی و حقوق بگیران
- افزایش نقش تنظیمی مالیات در اقتصاد
- ساماندهی معافیت های مالیاتی با هدف جذابیت زدایی از فعالیت های غیرمولد، حذف معافیت های غیر ضروری و تقویت معافیت های مولد
- افزایش نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی با تأکید بر شناسایی پایه های مالیاتی جدید و جلوگیری از فرار مالیاتی
- افزایش جلب اعتماد آحاد جامعه نسبت به ستم مالیاتی و اطمینان بخشی به مردم از نحوه هزینه کرد مالیات دریافتی
- ارتقا سلامت اداری سازمان مبارزه با فساد مالیاتی
- افزایش سطح رضایتمندی مؤدیان مالیاتی

##### ب) اهم برنامه ها و اقدامات

- پیگیری پیاده سازی کامل نظام جامع مالیاتی کشور
- شفافیت در اعمال سیاست های تشویقی مالیاتی و همچنین هدفمند نمودن آنها در راستای حمایت موثر از تولید داخلی کشور
- پیگیری در استقرار نظام نوین و هوشمند مالیاتی در راستای توسعه و تکمیل نظام اطلاعات مالیاتی
- شناسایی و فهرست کلیه معافیت های مالیاتی و تصمیم گیری درباره لغو یا ادامه معافیت ها براساس ملاحظات داخلی و استانداردهای بین المللی در راستای هدفمند کردن معافیت های مالیاتی
- تقویت اجرای قانون پایانه های فروشگاهی و سامانه مودیان و همچنین تفکیک حساب جاری و غیر جاری با همکاری دستگاه های ذیربط در راستای ارتقای حکمرانی ریال
- اصلاح فرایند نظام دادرسی مالیاتی
- تقویت ضمانت های اجرایی مالیات ستانی از طریق تلقی فرار مالیاتی به عنوان جرم عمومی
- مطالعه، تدوین پیشنهاد و تصویب قانون هدفمندسازی معافیت ها و مشوق های مالیاتی
- پروژه ارتقای سلامت اداری سازمان در راستای شفافیت و کاهش فساد

- ایجاد تسهیلات مالیاتی برای تولید کنندگان به منظور عبور از مشکلات ناشی از تحریم‌های ظالمانه
- ارزیابی و تعدیل لازم در مالیات بر عایدی سرمایه در جهت کارآمدسازی آن

## ۲. گمرک

### الف) اهداف کلان

- توسعه گمرک الکترونیک و یکپارچه با تمرکز بر پنجره واحد بین المللی
- کاهش زمان و هزینه تشریفات گمرکی ترخیص کالا در رویه های واردات و صادرات با ساده سازی رویه‌ها
- افزایش سهم درآمدهای گمرکی و تحقق درآمدهای پیش بینی شده
- افزایش تعاملات بین المللی با کشورهای هدف
- کاهش تخلفات گمرکی ارتقای سلامت اداری و مبارزه با فساد

### ب) اهم برنامه ها و اقدامات

- توسعه و تکمیل مدل مجازی پنجره واحد تجاری فرامرزی در سطح بین المللی
- اعمال مدیریت ریسک و کنترل بر اساس بازبین
- جلوگیری از هرگونه بیش اظهاری یا کم اظهاری در واردات یا صادرات کالاها براساس تکالیف قانون برنامه
- هفتم موضوع جزء ۲ بند ب ماده ۴۲ تکمیل سامانه یکپارچه امور گمرکی در رویه های باقیمانده
- متوقف شدن بخشنامه ها و دستورالعمل‌های متعدد و مغایر و جلوگیری از سردرگمی و ثبات اجرای قوانین
- و مقررات در روند صادرات واردات و ترانزیت در کشور
- تکمیل برنامه تجهیز گمرکات به ابزارهای پیشرفته کنترلی و فناوری‌های نوین با رویکرد الکترونیکی
- نمودن کلیه اسناد
- اجرای اقدامات پیشگیرانه در جهت مبارزه با قاچاق کالا
- توسعه سرمایه انسانی گمرک با آموزش و تربیت کارشناسان ارزیابان و مدیران آگاه و توانمند در حوزه
- گمرک
- اصلاح نظام ارزش گذاری کالاهای وارداتی و صادراتی در گمرک
- کاهش رسوب کالا در اماکن گمرکی و اظهار کالا به محض ورود کالا به بنادر و اماکن گمرک

## ۳. بهبود فضای کسب و کار

### الف) اهداف کلان

- تقویت حقوق مالکیت فیزیکی و معنوی

- فراهم کردن محیطی مناسب شفاف و فرصت‌های برابر برای فعالان عرصه اقتصادی از طریق بهبود محیط کسب و کار
- مکلف شدن تمامی دستگاه‌های اجرایی به اطلاع رسانی هرگونه تغییر در سیاست‌ها، مقررات و رویه‌های اقتصادی قوانین قبل از اجرا بوسیله رسانه‌های گروهی
- کاهش انحصارات دولتی در اقتصاد ایران و ایجاد و توسعه فضای رقابتی مؤثر در فعالیت‌های اقتصادی

### ب) اهم برنامه ها و اقدامات

- شناسایی عوامل اصلی بازدارنده در بهبود محیط کسب و کار و ارتقای شاخص‌های اقتصادی
- شفاف سازی و روان سازی قوانین و مقررات برای دریافت مجوزهای لازم جهت کارآفرینان و سرمایه گذاران
- مشارکت فعال و مؤثر تشکلهای اقتصادی در تدوین یا اصلاح مقررات، بخشنامه‌ها و رویه‌های اجرایی
- اصلاح قوانین مرتبط با قیمت گذاری و حذف فرصت‌های رانتی منبعت از قیمت گذاری دستوری
- بهبود فرایند رسیدگی به مسائل حقوقی کسب و کارها
- باز طراحی نظام حمایت از حقوق مالکیت
- تدوین و به تصویب رساندن آیین نامه بکارگیری ظرفیت‌های روابط خارجی و نمایندگی های سیاسی کشور در خارج برای تولید کنندگان داخلی و سرمایه گذاران در ایران و به ویژه صادر کنندگان کالاها و خدمات

## ۴. سرمایه گذاری و تأمین مالی خارجی

### الف) اهداف کلان

- تعیین اولویت‌های سرمایه گذاری خارجی در راستای راهبردها و مزیت‌های کشور
- تسهیل زمینه های جذب سرمایه گذاری خارجی و پیوستن به معاهدات بین المللی
- تجهیز و تدارک منابع مالی خارجی از محل بانک‌های توسعه اسلامی و بین المللی
- گسترش تبادلات هیئت‌های اقتصادی، انعقاد اسناد همکاری اقتصادی دو جانبه و چند جانبه با کشورهای هدف و پیشبرد مؤثر مذاکرات تشویق و حمایت از سرمایه گذاری
- ایجاد زمینه و ارائه تصویر روشن از ثبات مقررات و نرخ ارز برای جذب سرمایه گذاری خارجی
- افزایش سرعت و سهولت سرمایه گذاری با تأکید ویژه بر سرمایه ایرانیان خارج از کشور
- فعال سازی دیپلماسی اقتصادی با رویکرد کشورهای منطقه

(ب) اهم برنامه ها و اقدامات

- کاهش ریسک‌های اقتصادی و سیاسی کشور از طریق تدوین و اجرای قوانین و مقررات مناسب و با ثبات
- کاهش رتبه ریسک اعتباری کشور و کاهش هزینه های تأمین مالی خارجی
- پیگیری و تنظیم موافقت‌نامه‌ها و ضمانت‌نامه‌ها انعقاد موافقت‌نامه کلی تسهیلات با اعتباردهندگان خارجی
- شناسایی، پایش و بازاریابی فرصت‌های سرمایه گذاری خارجی ایران
- به هنگام سازی اولویت‌های سرمایه گذاری خارجی در راستای راهبردها و مزیت‌های اقتصادی
- افزایش هم افزایی فیما بین با بخش‌های بین الملل دستگاه‌های اجرایی
- ایجاد بستر برای مشارکت و سرمایه گذاری هموطنان خارج از کشور
- نظارت بر طرح‌های سرمایه گذاری خارجی مصوب و پیگیری جذب سرمایه های خارجی مصوب به پروژه‌ها
- مساعد کردن فضای کلان اقتصاد ایران بر اساس ثبات نرخ تورم و کاهش ریسک نوسانات نرخ ارز و سایر مخاطرات مالی
- همکاری با وزارت خارجه برای معرفی دیپلمات‌های اقتصادی-تجاری

۵. بازار سرمایه

الف) اهداف کلان

- افزایش شفافیت، سرعت کارایی و عمق بازار سرمایه و بدهی
- حمایت از سهام داران خرد جذب سرمایه گذاران خارجی به بازار سرمایه و بدهی ایران
- ظرفیت سازی برای توسعه بازار سرمایه و تقویت نقش آن در تأمین مالی بنگاه ها
- توسعه و تکامل جدی بازارهای مالی خصوصاً بازار سرمایه برای تأمین مالی پایدار رشد تولید
- بهبود شرایط بازار سرمایه تعمیق بازار سرمایه برای افزایش سیالیت و نقدپذیری و بهبود وضعیت سهامداران
- تبدیل بازار سرمایه کشور به یک عامل مهم در برقراری ثبات اقتصادی
- افزایش سهم بازار سرمایه در تأمین مالی پایدار و ارزان قیمت برای فعالیتهای تولید
- بین المللی کردن بازار سرمایه کشور با توجه به ظرفیت بسیار بالای سودآوری شرکت‌های بورسی ایران
- توسعه نهادهای مالی واسطه برای حضور غیر مستقیم سرمایه گذاران در بازار و توسعه ابزارهای پوشش ریسک
- اصلاحات ساختاری در اقتصاد کلان نظیر حذف قیمت گذاری دستوری و عدم مداخله دولت در بازار سرمایه

ب) اهم برنامه ها و اقدامات

- جلوگیری از وضع قوانین و مقررات ناگهانی در بازار سرمایه بدون مطالعه زمینه ای جامع اقتصادی، مالی و اجتماعی
- تشکیل جلسات منظم شورای ملی تأمین مالی برای ایجاد هماهنگی میان بازار پول، سرمایه و بیمه بر اساس ماده ۲ قانون تأمین مالی تولید و زیرساختها
- استفاده از ظرفیت های کشور برای ساماندهی بازار سرمایه
- جلوگیری از قیمت گذاری دستوری در بازار سرمایه در تعیین قیمت نهاده ها و مواد اولیه (نرخ خوراک گاز، نرخ مواد اولیه پالایشگاه ها و ...) و در فروش محصولات تولیدی (خودرو، تعرفه خدمات فناوری و ارتباطات نرخ فرآورده های نفتی پالایشگاه ها و ...)
- ایجاد امکان سرمایه گذاری اشخاص حقوقی و حقیقی خارجی در بازار سرمایه
- الزام بانک ها به فروش املاک و مستغلات مازاد و صرف منابع در اجرای پروژه های تولیدی شرکت های بورسی و کمک به افزایش سودآوری شرکت های بورسی و بانک ها بصورت توأمان
- تأمین مالی شرکت های بورسی از طریق منابع موجود در بازار سرمایه به اتکای تضامین بانکی
- ارتقای فرهنگ سرمایه گذاری و سواد مالی و تشویق سهام داران عمده حقیقی و حقوقی به اتخاذ مشی سهامداری بلندمدت
- افزایش سودآوری شرکت های بورسی و بهبود نسبت قیمت به سود هر سهم از طریق کاهش نرخ تأمین مالی برای شرکت های بورسی بدلیل شفافیت بالاتر شرکت های بورسی
- تنظیم برنامه زمانی عرضه اوراق دولتی به نحوی که تناسب ورود و خروج نقدینگی در بازار سرمایه تنظیم شده و فروش اوراق دولتی موجب تضعیف بازار سهام نگردد
- معرفی ابزارهای ترکیبی بازار پول و سرمایه از قبیل صندوق های سرمایه گذاری مشترک طلا و سهام به نحوی که تعادل بین بازارها حفظ شده و مدیریت ریسک بشکل مناسب تری برای سهامداران قابل انجام گردد.
- افزایش نقش رسانه ها در ارائه تحلیل در بازار سرمایه و صیانت از سرمایه اجتماعی ایجاد شده در این بازار
- افزایش سواد مالی در میان اقشار جامعه بخصوص دانش آموزان و دانشجویان
- بهره گیری از سیاست های ایجاد اطمینان از جمله انتشار اختیار فروش برای سهام داران نیازمند به اطمینان از آینده بازار سهام

## ۶. خصوصی سازی

### الف) اهداف کلان

- بهسازی روند خصوصی سازی و واگذاری ها و فروش بنگاه ها از روش های شفاف کارا، رقابتی و منصفانه و توجه به صلاحیت، اهلیت و اصالت خریداران در امر واگذاری ها
- کاهش تصدی گری دولت با فروش و یا تعیین تکلیف بنگاه های گروه (۱) و (۲) مشمول واگذاری
- استفاده از روش های نوین برای مولد سازی دارایی های دولت
- خروج از مدیریت شرکت های واگذار شده
- نظارت بر عملکرد شرکت های واگذار شده در چارچوب قراردادهای منعقد
- توانمندسازی و حمایت و نظارت بنگاه های اقتصادی در فرایند واگذاری ها
- تقدم بخشی به بخش خصوصی واقعی در واگذاری ها و ایجاد بسترهای لازم جهت توسعه و توانمند کردن بخش خصوصی

### ب) اهم برنامه ها و اقدامات

- توانمندسازی و تقویت بخش های خصوصی و تعاونی برای ورود فعال تر در واگذاری ها و نیز سرمایه گذاری ها
- شناسایی موارد تعارض در برخی قوانین مهم جاری با قانون سیاست های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی و رفع آن با همکاری مجلس شورای اسلامی
- تقویت شورای رقابت و مرکز ملی رقابت
- تسهیل مشارکت بخش خصوصی انحصار زدایی و تسهیل فرآیند واگذاری ها
- اصلاح ساختار و تصحیح روند اجرای طرح توزیع سهام عدالت
- گردش شفاف مبالغ حاصل از واگذاری ها جهت واریز به حساب خزانه

## ۷. نظام بانکی

### الف) اهداف کلان

- مشارکت فعال وزارت امور اقتصادی و دارایی در ساماندهی نظام پولی و بانکی و سیاست گذاری پولی با هدف مهار تورم و حفظ ارزش پول ملی با توجه به نقش وزارتخانه در تدوین سیاست های اقتصادی و اجرای سیاست های مالی کشور
- تسريع در اصلاح نظام بانکی بانک های دولتی با هدف ارتقای کارآمدی بانک ها
- باز تعریف رابطه بانک ها با بانک مرکزی وزارت امور اقتصادی و دارایی و دولت و بنگاه ها

- کمک به مدیریت نقدینگی کشور با استفاده از روش هایی همچون کارا نمودن بازارهای پولی و سرمایه ای و سوق دادن نقدینگی کشور به سمت سرمایه گذاری در بخش های مولد اقتصادی و توانمندسازی کشور برای مقابله با تحریم ها
- کاهش ناترازی بانک های کشور و حمایت از بانک مرکزی در مدیریت بانک های مشکل دار

#### ب) اهم برنامه ها و اقدامات

- جلوگیری از اضافه برداشت بانک ها و کمک به کنترل پایه پولی از طریق حذف هرگونه اثر پذیری منابع پایه پولی از سیاست های مالی و عملیات بودجه ای دولت و کاهش تدریجی بدهی بانک ها به بانک مرکزی
- تنظیم رابطه بین بنگاه های اقتصادی بانک ها وزارت صنعت، معدن و تجارت، گمرک و سایر دستگاه های ذیربط به منظور روان سازی و تسهیل فعالیت ها در حوزه بانکی و تجاری متناسب با محدودیت های تحریم های اقتصادی
- برنامه افزایش سرمایه بانک ها و بهبود نسبت کفایت سرمایه به منظور افزایش قدرت تسهیلات دهی
- افزایش نقدشوندگی دارایی های بانک ها با افزایش سهم اوراق بازار پذیر دولت
- افزایش شفافیت اطلاعاتی شرکت ها و دارایی های بانک های دولتی
- پیگیری واگذاری شرکت های وابسته و اموال و املاک مازاد بانک های دولتی

### ۸. صنعت بیمه تجاری

#### الف) اهداف کلان

- بازنگری در مدل نظارتی بیمه مرکزی با هدف تقویت نظارت بر بیمه ها
- افزایش ضریب نفوذ بیمه
- افزایش سطح توانگری شرکت های بیمه
- افزایش سهم بیمه های زندگی در بازار بیمه کشور
- تسهیل ورود استارت آپ ها و فناوران مالی در حوزه بیمه و بهره گیری از دانش نوین بیمه گری با پیگیری تصویب قوانین لازم

#### ب) اهم برنامه ها و اقدامات

- شناسایی و ارایه محصولات جدید بیمه ای مورد نیاز شرایط فعلی اقتصاد کشور
- ایفای نقش بیمه ها در خرید مخاطره ها، تأمین رفاه و امنیت مردم و شناسایی و ارایه محصولات جدید بیمه ای مورد نیاز شرایط فعلی اقتصاد کشور و اقتصاد الکترونیک

- توسعه زیرساخت‌های فناوری اطلاعات بیمه‌گری به منظور پاسخگویی سریع و به هنگام و جلوگیری از تقلب و تخلفات بیمه‌ای و استقرار کامل سامانه های نظارتی
- بازنگری در مقررات و آیین نامه های سرمایه گذاری ذخایر بیمه ای جهت استفاده بهینه از منابع تأمین مالی پایدار
- کمک به استقرار مدیریت ریسک و برنامه ریزی برای بهبود دانش اکچوئری در نظام بیمه ای کشور
- افزایش ظرفیت پذیرش ریسک در بازار بیمه و تقویت شرکت‌های بیمه اتکایی در جهت ارائه پوشش های بیمه اتکایی مورد نیاز حوزه سرمایه گذاری و تولید
- شناسایی بازارهای جدید بیمه ای و تلاش برای فراهم سازی ارتباط با بیمه گران خارجی جهت توسعه بیمه های اتکایی واگذاری و قبولی
- بازنگری و اصلاح نحوه نظارت بیمه مرکزی در جهت کارآمد سازی نظارت آن و مقابله جدی با هرگونه تخلف و فساد در جریان نظارت

## ۹. خزانه داری کل کشور

### الف) اهداف کلان

- شفاف سازی و هوشمندسازی عملیات مالی دولت و ارتقاء پاسخگویی نظام مالی دولت
- پیاده سازی کامل حساب واحد خزانه
- رعایت صرفه و صلاح اقتصادی در انجام معاملات و هزینه کردهای دولت
- هوشمند سازی نظام مدیریت مالی دولت
- ارتقای نظارت مالی از طریق گردش ذی حسابان توسعه حرفه‌ای آنان و ارزیابی عملکرد ذی حسابان
- درج کامل اطلاعات اموال و دارایی‌ها دستگاههای اجرایی و پیاده سازی پروژه مدیریت دارایی‌های دولت

### ب) اهم برنامه ها و اقدامات

- انتشار انواع اوراق بدهی اسلامی و سایر ابزارهای تسویه و تهاتر و ایجاد ترکیب بهینه بدهی های دولت با رعایت پایداری بدهی ها
- انحصار انتشار اوراق دولت به خزانه و ممنوعیت مطلق انتشار اوراق توسط سایر دستگاه‌ها، نهادها و وزارتخانه‌ها به هر شکل
- پروژه خزانه داری الکترونیک (هوشمند سازی نظام مدیریت مالی دولت)
- بهبود در سیستم های برنامه ریزی کنترل و مدیریت اثر بخش منابع و تخصیص اعتبارات دولت
- پاسخگویی شفاف به دولت و دستگاه‌های اجرایی در راستای اعمال نظارت بر بودجه

- آموزش مستمر و اجرای ارزیابی عملکرد مدیریتی ذیحسابان و جابجایی ذیحسابان
- توسعه سامانه های نظارتی اجرای بودجه
- توسعه و استقرار نظام جامع مدیریت بدهی ها و تعهدات عمومی دولت
- مدیریت نقدینگی مؤثر در خزانه و حساب واحد دستگاه های اجرایی نزد بانک مرکزی

## ۱۰. نظام توزیع یارانه

### الف) اهداف کلان

- اصلاح نظام توزیع یارانه به عنوان یک عامل اصلی در سرمایه گذاری و دستیابی به رشد اقتصادی پایدار
- توزیع عادلانه درآمدها به منظور جلوگیری از بروز فقر و نابرابری در جامعه
- ضرورت بازنگری در طرح هدفمند کردن یارانه ها و فراهم ساختن تمهیدات قانونی لازم
- استفاده از ظرفیت اجرای هدفمندسازی یارانه ها در جهت افزایش تولید، اشتغال و بهره وری و ارتقاء شاخص های عدالت اجتماعی

### ب) اهم برنامه ها و اقدامات

- اصلاح نظام باز توزیع یارانه ها با رویکرد تأمین درآمد خانوارهای کم درآمد تا خط فقر مطلق
- حذف قاچاق کالاهای یارانه ای
- حذف یارانه واردات کالا و خدمات
- تدوین اعطای یارانه تسهیلات تولیدی و اشتغال زا در جهت رونق تولید (موضوع تبصره ۲ قانون بودجه سال ۱۴۰۳)
- حمایت از معیشت عمومی و اقشار آسیب پذیر
- تداوم و اصلاح تدریجی اعطای هدفمند یارانه به کالاهای واسطه ای و نهاده هایی که منجر به تولید کالاهای اساسی نظیر گوشت قرمز، مرغ و محصولات کشاورزی می گردد
- استفاده از روش طراحی سازوکار (Mechanism Design) در اعطای یارانه ها
- پرداخت یارانه برای توسعه زیرساخت های کاربرد دانش در بخش های تولیدی (اعم از کالا و خدمات) که این امر هم به بهبود فناوری و هم به کاهش هزینه های تولید منتهی می شود

## ۱۱. امور اقتصادی و سیاست گذاری

### الف) اهداف کلان

- تقویت نقش و جایگاه وزارت امور اقتصادی و دارایی جهت تنظیم سیاست های اقتصادی کشور

- تلاش برای حفظ ثبات سیاست‌های اقتصادی و برقراری نظم و انضباط مالی
- اتخاذ سیاست گفتمانی مناسب برای همکاری با دستگاه‌های ستادی اقتصادی دولت و صاحب نظران برجسته اقتصادی کشور و شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی

(ب) اهم برنامه ها و اقدامات

- بهسازی ساختار وزارت امور اقتصادی و دارایی در جهت تقویت نقش حاکمیتی و نظارتی وزارتخانه در سیاست گذاری اقتصادی و گزارش گیری
- تبیین وضعیت موجود اقتصادی دولت، چالش‌ها و مشکلات پیش رو با هدف مدیریت انتظارات

۱۲. مناطق آزاد تجاری صنعتی و ویژه اقتصادی

الف) اهداف کلان

- فعالسازی ظرفیت‌های مناطق آزاد با سه محور صادرات اشتغال و جذب هدفمند سرمایه های داخلی و خارجی
- احیا کارکرد اصلی مناطق آزاد تجاری - صنعتی و ویژه اقتصادی در جهت افزایش صادرات غیر نفتی
- معرفی و بازاریابی جهانی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی برای جذب سرمایه گذاران داخلی و خارجی

(ب) اهم برنامه ها و اقدامات

- تسهیل و کمک به تأمین منابع مالی از خارج از طریق توسعه بازارهای پول و سرمایه و ارز در مناطق آزاد
- بهبود محیط کسب و کار حاکم بر مناطق آزاد از طریق ارتقای شفافیت، پیشگیری و مقابله با فساد اداری، مالی و اقتصادی
- اصلاح ساده سازی و بهبود فرآیندها و مقررات و ارتقای خدمات عمومی سازمان های مناطق و تقویت پنجره واحد
- پیگیری و برنامه ریزی جهت انتقال تکنولوژی به داخل کشور
- توسعه زیرساخت‌های مربوط به کسب و کارهای محوری مناطق (سایت‌ها، دسترسی ها امور زیربنایی حمل و نقل و ارتباطات)
- تقویت سرمایه انسانی و ایجاد اشتغال مولد و کمک به کاهش بیکاری در سطوح منطقه ای و ملی
- افزایش هماهنگی در روابط سازمانی مناطق آزاد با دستگاه‌های دولتی، عمومی و مردمی برای تسریع در انجام امور مرتبط با توسعه مناطق آزاد و ویژه اقتصادی

- تدوین شاخص کسب و کار اختصاصی مناطق آزاد، پایش و مقایسه آن با سرزمین اصلی و مناطق مشابه در سایر کشورها

### ۱۳. تعامل با مجلس و امور حقوقی و قانون گذاری

#### الف) اهداف کلان

- مشارکت در تنقیح قوانین اقتصادی کشور بویژه قوانین پولی، مالی و تجاری با مجلس شورای اسلامی
- تعامل مستمر و همدلانه و قانونمند مجموعه وزارت امور اقتصادی و دارایی با مجلس محترم شورای اسلامی

#### ب) اهم برنامه ها و اقدامات

- پیگیری و مشارکت در شناسایی قوانین و مقررات ناکارآمد، منسوخ و مخل و اصلاح آن ها
- ارائه اطلاعات منظم و شفاف در مورد متغیرهای اقتصادی کشور به کمیسیون های تخصصی مجلس و برای نظارت مؤثر نمایندگان محترم
- پیگیری امور و درخواست های نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی در چهارچوب ضوابط و مقررات مربوطه
- عملیاتی و اجرایی نمودن قوانین از جمله قانون بانک مرکزی، قانون طرح تأمین مالی تولید، قانون اصلاح موادی از قانون مالیات های مستقیم، قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار، قانون جهش تولید دانش بنیان ها، اصلاح قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، قانون تأسیس صندوق بیمه همگانی حوادث طبیعی و سایر قوانین مهم اقتصادی در تعامل و هماهنگی با مجلس شورای اسلامی

### ۱۴. شفافیت و انضباط مالی اداری

#### الف) اهداف کلان

- برقراری کامل اصول حاکمیت شرکتی در بانک ها بیمه ها و شرکت های دولتی و تهیه الگوی استقرار نظام مدیریت حرفه ای در شرکت های دولتی
- ساماندهی شرکت های دولتی (متناسب سازی اختیارات مدیریتی دولت و مؤسسات و نهادهای عمومی غیر دولتی با میزان سهام شان و تقویت جایگاه سهامداران خرد و غیر حاکمیتی و تعیین چهارچوب پاداش قابل پرداخت به مدیران)
- اعتماد آفرینی از طریق افزایش شفافیت، سلامت و انضباط اقتصادی و مالی و سیاست گذاری مبتنی بر قاعده و انضباط در طراحی و اجرا در مجموعه وزارت امور اقتصادی و دارایی

(ب) اهم برنامه ها و اقدامات

- تقویت سیستمی اعمال نظارت‌های مجمعی و مالی برای افزایش شفافیت و امنیت اقتصادی در مجموعه وزارت امور اقتصادی و دارایی
- طراحی و استقرار نظام پاسخگویی در مجموعه وزارت امور اقتصادی و دارایی
- پیگیری و تکمیل و نهایی سازی پایگاه اطلاعات اقتصادی (بانک، بیمه مالیات گمرک و...) و استقرار نظام جامع آماری وزارت امور اقتصادی و دارایی
- ساماندهی و مولد سازی دارایی‌ها و سایر اموال غیر منقول از طریق شناسایی، مستندسازی و تثبیت مالکیت دولت بر اموال غیر منقول تشخیص، تخصیص بهینه و تعیین بهره بردار و یا صدور گواهی بهره برداری و مولد سازی آنان به طرق مختلف
- پیاده سازی روش‌های نوین در شناسایی و پیشگیری از موارد مشکوک و تأمین مالی تروریسم و جرائم سازمان یافته و پیگیری تصویب لوایح معطل مانده برای خروج از لیست سیاه FATF
- ارتقای رویکرد پیشگیرانه در اجرای قوانین و مقررات به منظور جلوگیری از بروز فساد اقتصادی
- شناسایی مجاری و منافذ فساد در حوزه مالی و اقتصادی و تهیه برنامه عملیاتی در جهت مبارزه با فساد مالی

۱۵. تسهیل تأمین مالی تولید و زیرساخت

(ب) اهداف کلان

- توسعه و ترویج الگوهای تأمین مالی
- توسعه الگوهای سرمایه گذاری در طرح‌های تولیدی و زیربنایی
- ایجاد هماهنگی و هم افزایی بین نهادهای متولی تأمین مالی در بازار پول، سرمایه و بیمه
- هم افزایی نهادها و روش‌های تأمین مالی
- تقویت نظارت یکپارچه در تأمین مالی
- توسعه دامنه وثایق و تضامین
- تقویت نظام سنجش اعتبار

(ب) اهم برنامه ها و اقدامات

- طراحی و تصویب الگوهای نوین تأمین مالی طرح‌های دستگاه‌های اجرایی یا طرح‌های تولیدی غیر دولتی
- تعیین نرخ سود دوران مشارکت متناسب با ریسک طرح‌های تولیدی دستگاه‌های اجرایی

- اقدام قانونی به منظور رفع عوامل دارای تأثیر منفی بر انگیزه سرمایه گذاری نظیر قیمت گذاری تشویق سرمایه گذاری در طرح‌های مرتبط با تأمین منابع و کالاها از طریق توسعه انواع قراردادهای تهاتر، پیش خرید و خرید تضمینی از بخش غیر دولتی
- تشویق سرمایه گذاری در طرح‌های سرمایه بر و پر خطر انتقال یا داخلی سازی دانش فنی از طریق الزام دستگاه اجرایی به تضمین ماده اولیه یا تضمین خرید محصولات
- فراهم کردن امکان تأمین مالی طرح‌ها و پروژه های بخش‌های غیر دولتی توسط صندوق توسعه ملی
- تعیین مالیات صفر برای برای تسهیل تأمین مالی داخلی و تأسیس شرکت پروژه و انتشار اوراق
- امکان انتشار اوراق با سود متناسب با ریسک بر مبنای رتبه اعتباری
- تسهیل انتشار ابزارهای مالی مبتنی بر دارایی نظیر گواهی سپرده کالایی با حذف مالیات نقل و انتقال
- تسهیل فرآیند افزایش سرمایه شرکت‌های بورسی با کاهش زمان حق تقدم، الکترونیکی شدن و حذف مراحل زائد
- فراهم کردن صدور مجوز تأسیس کارگزاری‌های جذب سرمایه گذاری
- مولد سازی اموال و تغییر کاربری و فروش زمین های مازاد

## پیوست ۲) گوشه ای از اقدامات اداره کل امور اقتصادی و دارایی خراسان جنوبی از منظر درآمدهای

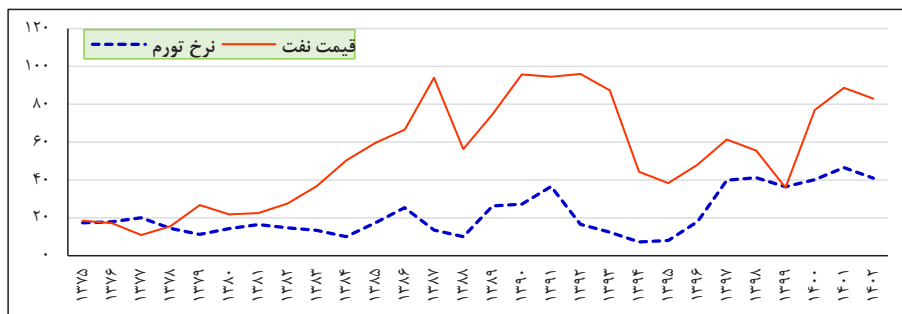
### عمومی

در ادامه تحلیل مختصری در راستای تبیین موضوع این فصل با رویکرد ملی و استانی و گزارشی از اقدامات انجام گرفته اداره کل امور اقتصادی و دارایی استان خراسان جنوبی ارائه می‌گردد :

### الف: تحلیل رویکرد ملی

درآمدهای نفتی به دلیل نوسانات قیمت جهانی نفت و امکان اعمال محدودیت فروش آن توسط کشورهای غربی متغیری خارج از کنترل دولت بوده و دشمنان کشور به سهولت می‌توانند از طریق کاهش فروش نفت و یا مدیریت قیمت جهانی آن، بر روی اقتصاد کشور و درآمدهای دولت اثر مخربی بگذارند. مشکل دیگری که در گذشته درآمدهای نفتی کشور داشته این است که بر اساس آمار و ارقام در چند دهه اخیر درآمدهای نفتی عموماً یک رفتار موافق سیکلی یا موافق چرخه ای با نرخ تورم بجا گذاشته است. به عبارتی زمانی که درآمدهای نفتی افزایش پیدا کرده و کشور وارد رونق اقتصادی شده، دولت اقدام به افزایش مخارج خود کرده‌اند که این امر منجر به افزایش نقدینگی و افزایش تورم شده و به اصطلاح یک سیاست مالی انبساطی (در رونق اقتصادی) رقم خورده است؛ در صورتی که به نظر می‌رسد سیاست‌گذاری در شرایط رونق اقتصادی می‌بایست بر پایه اعمال سیاست مالی انقباضی (کاهش مخارج دولت و ذخیره منابع ارزی تحصیلی در صندوق توسعه ملی برای سنوات آتی و هزینه کرد در زیرساخت‌های سرمایه‌ای) در نظر گرفته شود. بر عکس سال‌هایی که کشور با رکود مواجه شده و درآمدهای نفتی کشور کاهش یافته است، دولت نیز به دنبال کاهش درآمدهای نفتی مخارج خود را کم کرده و یک سیاست مالی انقباضی اتخاذ نموده و همین تصمیم منجر به تشدید رکود در اقتصاد شده است؛ در صورتی که به نظر می‌رسد تصمیم بهینه در این شرایط سیاست مالی انبساطی می‌باشد تا از این طریق تقاضا افزایش یابد و کشور از رکود خارج گردد. این شرایط در نمودار نیز قابل رویت است.

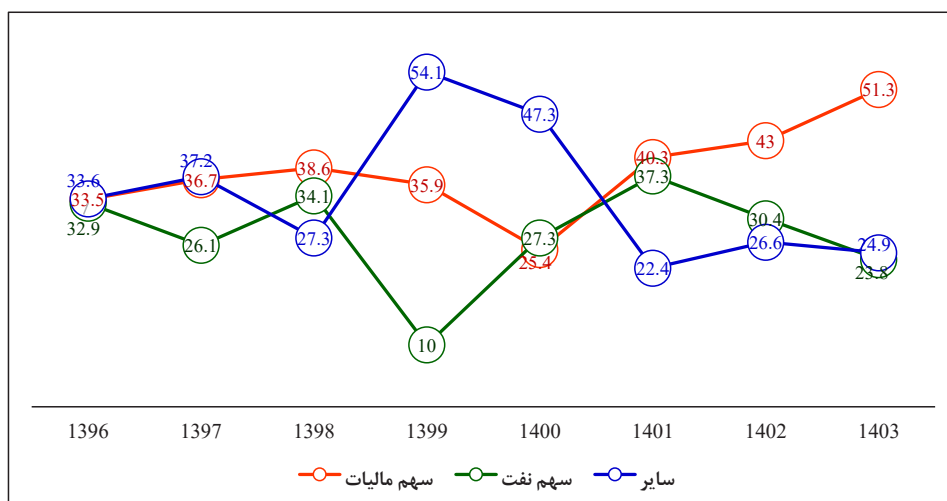
نحوه تغییرات قیمت نفت و نرخ تورم کشور (اثر موافق سیکلی یا موافق چرخه ای)



منبع: آژانس بین‌المللی انرژی و مرکز آمار ایران

از این رو در سنوات اخیر و در راستای سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری، به منظور تحقق جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، علی‌الخصوص با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل تکلیف مؤکد برای برنامه‌ریزی و تدوین کاهش سهم درآمدهای نفتی و افزایش سهم مالیات در بودجه، بویژه با توجه به تحریم‌های ظالمانه غرب برنامه‌ریزی گردید. بررسی آمار مربوط به تکالیف قانونی و بودجه‌ای نشان می‌دهد که سهم درآمدهای غیر نفتی در قانون بودجه افزایش یافته است.

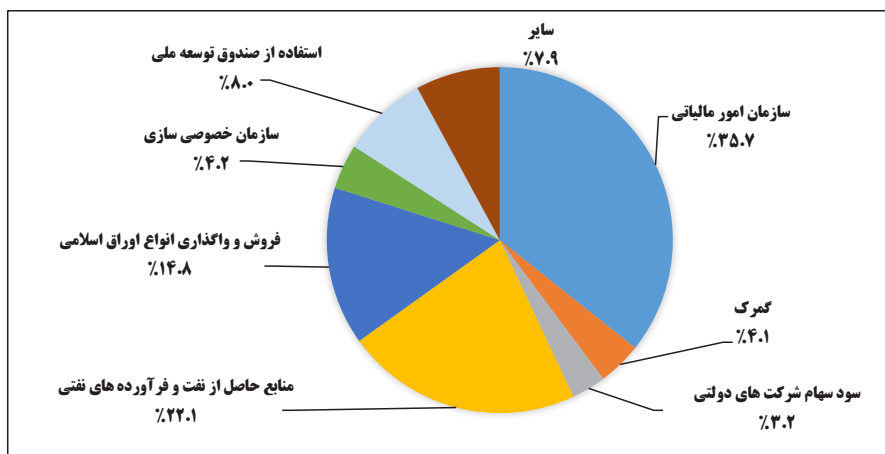
سهم درآمدهای مالیاتی و نفتی از بودجه کشور



منبع: گزارش پژوهش‌های مجلس

پس از انجام مطالعات پژوهشی و بررسی تمامی جوانب، نهایتاً رویکرد تأمین منابع درآمدی دولت با رویکرد عدالت اجتماعی در مالیات ستانی و همچنین فساد ستیزی و جلوگیری از فرار مالیاتی، اخذ مالیات از خودروها و اماکن لوکس، مالیات خانه‌های خالی و غیره در راستای مطالبات عمومی و مردمی در اولویت برنامه‌ریزی قرار گرفت. به نحوی که در سال ۱۴۰۲ علی‌رغم کاهش ضریب مالیاتی و همچنین ایجاد بخشودگی مالیاتی برای مراکز تولیدی و پژوهشی، دانش بنیان و غیره، بخش مالیات ستانی قریب ۳۵/۷٪ از منابع عمومی را پوشش داده است.

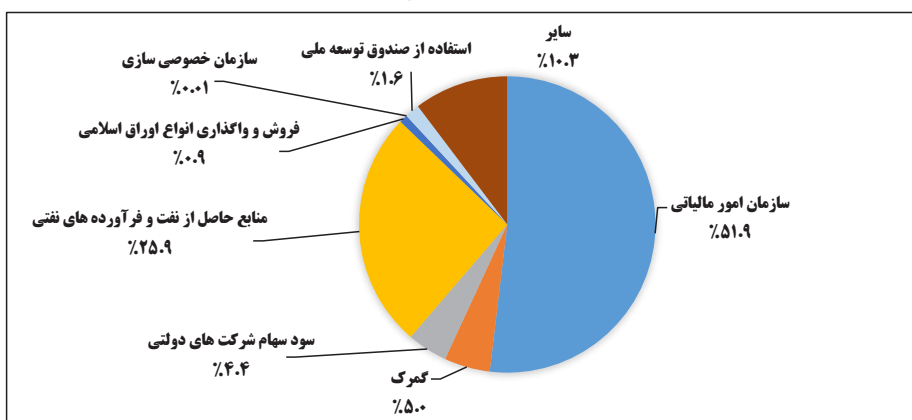
سهم بخش‌های مختلف از عملکرد منابع عمومی در سال ۱۴۰۲



منبع: وزارت امور اقتصادی و دارایی

با عنایت به بازخوردهای صورت گرفته در خصوص فرآیندهای برنامه‌ریزی شده برای کاهش وابستگی به منابع نفتی، تحصیل منابع درآمد عمومی از حوزه مالیات ستانی در سال ۱۴۰۳ با رویکرد جلوگیری از فرار مالیاتی و شفاف سازی منابع و مصارف درآمدی (به ویژه هزینه کرد مالیات مأخوذه) برنامه‌ریزی شد (علی رغم اینکه بخش قابل توجهی از مؤدیان مالیاتی در زمره معافیت‌های مالیاتی و یا مالیات صفر قرار گرفته و بخش قابل تأملی نیز با مالیات تشخیصی متناسب (بسیار اندک) مواجه شده‌اند). به نحوی که منابع درآمدی در این بخش حدود ۵۱/۹٪ از مجموع منابع درآمدی را پوشش می‌دهد که این سهم (درآمد مالیاتی سال ۱۴۰۳) نسبت به سال ۱۴۰۲ قریب ۴۴/۴٪ افزایش را نشان می‌دهد.

سهم بخش‌های مختلف از عملکرد منابع عمومی لغایت اردیبهشت ماه سال ۱۴۰۳

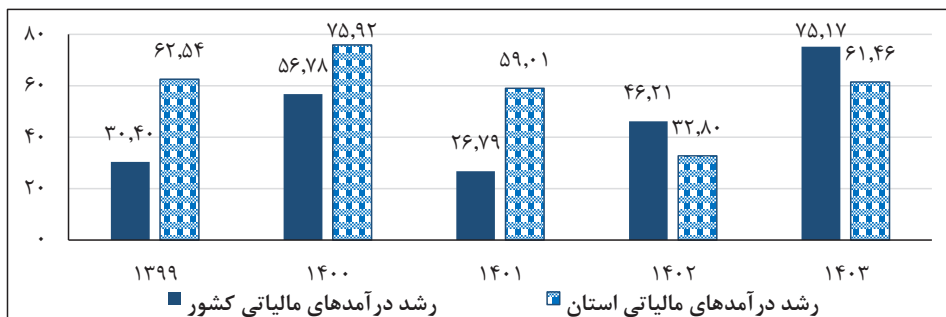


منبع: وزارت امور اقتصادی و دارایی

### ب: اقدامات استانی

از سوی دیگر با عنایت به بررسی‌های به عمل آمده در خصوص برنامه‌های بودجه‌ای ناشی از سهم درآمدی استان مشخص شد که تفاوت فاحشی میان رشد درآمد‌های عمومی کشور و استان وجود دارد. به نحوی که به عنوان مثال برای سال ۱۳۹۹، افزایش سهم درآمدهای مالیاتی در سطح کشور با رشد ۳۰/۴٪ پیش‌بینی گردید در حالی که نرخ رشد درآمدهای مالیاتی استان بالغ بر ۶۲/۵۴٪ تکلیف گردیده بود. این در حالی است که استان خراسان جنوبی با توجه به وضعیت اقلیمی و قرار گیری در حاشیه کویر، بحران کم آبی ناشی از خشکسالی دو دهه، گستردگی سطح استان و همجواری با کشور بی‌ثبات افغانستان و همچنین فواصل قابل تأمل از مرکز کشور، بنادر و همچنین عدم وجود و دستیابی به زیرساخت‌های اساسی حمل و نقل هوایی، زمینی و ریلی و از همه مهم‌تر عدم دسترسی به بازارهای کشوری و بین‌المللی، چنین تکلیفی برای تحقق درآمدهای مالیاتی با توجه به ناپایداری درآمدهای مؤدیان مالیاتی، قابل تأمل بود و ضرورت بازنگری را اجتناب ناپذیر کرد. بدین ترتیب پیگیری‌های مکرری به منظور تقرب به واقعیت و انطباق داده‌های اقتصادی استان (مبنی بر اینکه سهم تولید ناخالص داخلی استان (GDP) در رتبه ۳۱ کشور قرار دارد ولی از نظر درآمدهای مالیاتی دریافتی، استان در رتبه بالاتری قرار می‌گیرد) صورت گرفت. به عبارتی درآمدهای عمومی کشور تکلیف مالایطاق و تعهداتی بویژه در حوزه مالیات ستانی ایجاد و ایجاد کرده بود و بار اصلی سهم درآمدهای استان بر دوش حوزه مالیاتی پیش‌بینی شده بود در حالی که استان در زمینه شاخص‌های اقتصادی نظیر درآمد سالانه خانوار و تولید ناخالص داخلی وضعیت مناسبی نداشت. لذا ضمن تبیین داده‌های متقن علمی و راینی‌های انجام شده در راستای شفاف سازی منابع محدود و ناپایدار استان و همچنین به منظور کمک به ظرفیت‌های بالقوه استان، مکاتباتی از سال ۱۴۰۱ با نهادهای مرتبط و ذی‌مدخل انجام گرفت تا اینکه خوشبختانه به مرور جایگاه استان خراسان جنوبی به سمت واقعیت سوق داده شد. به نحوی که در سال ۱۴۰۲ میانگین رشد سهم درآمدهای مالیاتی در سطح کشور به میزان ۴۶/۲۱٪ پیش‌بینی ولی برای استان خراسان جنوبی به میزان ۳۲/۸٪ تعیین گردید.

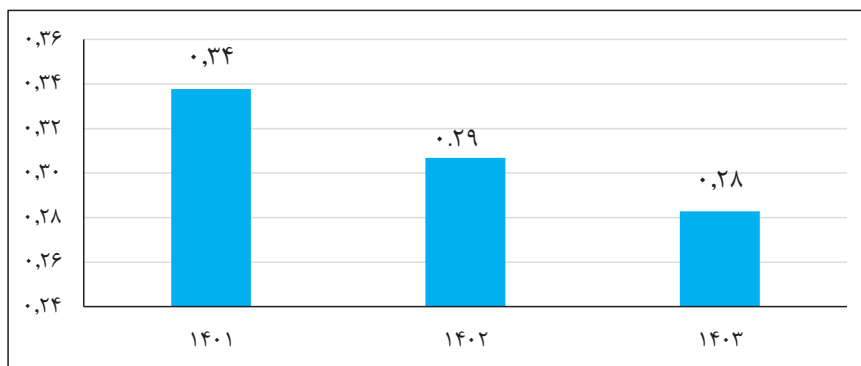
مقایسه رشد درآمدهای مالیاتی استان و کشور



\* منبع: وزارت امور اقتصادی و دارایی- ارقام سال ۱۴۰۳ بر اساس بودجه سال جاری پیش‌بینی شده است.

علاوه بر این همانگونه که در نمودار زیر مشخص است سهم تعهدات درآمدهای عمومی استان سیر نزولی قابل توجهی داشته است به نحوی که در قانون بودجه سال ۱۴۰۱ سهم تعهد درآمدی برای استان به نسبت کل کشور ۰/۳۴ درصد بوده است که در سال ۱۴۰۲ به میزان ۰/۲۹ درصد و در سال ۱۴۰۳ نیز به ۰/۲۸ درصد کاهش یافته است.

سهم مالیات های استان از کل مالیات های کشور



\* سهم مالیات ستانی سال ۱۴۰۳ بر اساس قانون بودجه

علی ایحال در سه سال اخیر پیگیری های لازم در جهت اصلاح روند تعهدات درآمدهای عمومی استان به منظور انطباق داده های اقتصادی با واقعیت اقتصادی استان که در جذابیت های عملی رشد سرمایه گذاری در حوزه های مختلف تولیدی، خدماتی و غیره استان نقش داشته و باعث ایجاد توازن منطقه ای، اشتغال پایدار، کاهش نرخ بیکاری و از همه مهم تر افزایش درآمد سرانه و رضایتمندی مردم استان می شود، انجام شد. بدون شک بازنگری و اصلاح در برخی از قوانین و مقررات تکلیفی بویژه کاهش نرخ و یا افزایش سقف معافیت های مالیاتی برای مناطق کمتر توسعه یافته، مناطق کویری، مرزی و غیره و بالاخص توجه جدی به آمایش تقنینی نیز تأثیرات قابل توجهی در رشد و توسعه متوازن کشور خواهد داشت.

## فصل سوم

چالش های برنامه ریزی و  
سیاست گذاری در ایران

## نگاهی بر اهداف برنامه‌های توسعه‌ای بعد از انقلاب اسلامی

پس از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ سازمان برنامه و بودجه در اوج توان کارشناسی و تجارب برنامه‌ریزی جامع ملی و منطقه‌ای بود. در آن مقطع حساس تاریخی لازم بود از ظرفیت‌های کارشناسی و تخصصی آماده به خدمت نهایت بهره‌گیری در برنامه‌سازی توسعه، صورت گیرد تا با زمینه مناسب مردمی، عزم و وحدت ملی، توسعه گسترده اقتصادی و اجتماعی در کشور با شتاب مطلوب تحقق یابد. در آن زمان اقتصاد آزاد رقابتی رونق گرفته بود و برنامه‌ریزی ارشادی و هدایتی جایگزین برنامه‌ریزی دستوری (قانونی، الزامی) شده بود و می‌بایست برای هدایت اقتصاد و سرمایه‌گذاری‌های ملی از محل درآمدهای نفت و گاز، برنامه‌های مناسب تهیه شود. کارشناسان سازمان برنامه و بودجه، برنامه‌های تازه متناسب با تحولات و نیازهای روز کشور را تهیه و در اردیبهشت ۱۳۵۸ با نام مبرم‌ترین مسائل کشور تسلیم مقامات کردند که شامل تحلیل وضع گذشته و موجود کشور و پیشنهادهای کارشناسی از جمله هشدار درباره اجتناب از امحای بخش خصوصی بود. سپس در گزارش تشریحی و تحلیلی آبان ۱۳۵۸ با آیین نامه شوراهای برنامه‌ریزی با تعریفی از حوزه مشارکت مردم و بخش‌های غیردولتی اشاره شد. با این حال این برنامه‌ها در سال‌های ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ به اجرا نرسید. سرانجام برنامه ۵ ساله برای دوره ۱۳۶۶-۱۳۶۲ تهیه و در تیرماه ۱۳۶۲ به تصویب هیئت دولت رسید اما هرگز به تصویب مجلس شورای اسلامی نرسید. در اقدام بعدی سازمان برنامه و بودجه هدف‌های کمی و سیاست‌های کلی توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی بیست ساله جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۱-۱۳۶۱) در خرداد ۱۳۶۱ در شورای اقتصاد مطرح کرد. در این برنامه اهداف کلی چشم‌انداز درازمدت به شکل مثلثی به صورت مثلث بالندگی اقتصادی، استقلال اقتصادی و عدالت اجتماعی دیده شد. اما این برنامه هم بعد از بازنگری سرانجامی نیافت. در اواخر این دوران چون شورای نگهبان عنوان وزیر مشاور را برای رئیس سازمان برنامه و بودجه قانونی ندانست، سازمان برنامه به وزارت برنامه و بودجه تبدیل شد. پس از کوشش‌ها و تشکیل نشست‌های پی در پی طولانی و انجام بحث و تبادل نظرهای مفصل پیرامون الگوی استراتژی توسعه، طرحی با فرنام طرح قانونی اهداف و استراتژی‌های توسعه در جمهوری اسلامی ایران تنظیم و در ۹ دی ماه ۱۳۶۳ به کمیسیون مجلس تسلیم شد. ولی مشکلات و مسائل متنوع بعد از انقلاب و شروع جنگ تحمیلی عراق سبب شد تا شرایط لازم برای توجه به برنامه‌ریزی و ادامه فعالیت‌های توسعه اجتماعی-اقتصادی فراهم نشود. در نتیجه برنامه‌ریزی توسعه تا پایان جنگ تحمیلی اجباراً به تعویق افتاد. سرانجام اولین برنامه پنج ساله در آبان ۱۳۶۷ با برنامه کلان توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران از سوی دفتر اقتصاد کلان معاونت امور اقتصادی وزارت برنامه و بودجه در پنج فصل تهیه و به شورای اقتصاد پیشنهاد شد و نهایتاً سند برنامه اول توسعه در اواخر سال ۱۳۶۸ به تصویب مجلس رسید. علیرغم سپری شدن بیشتر سال، همان سال ۱۳۶۸ به

عنوان سال اول برنامه منظور شد و سرانجام پس از ده سال چالش و جنگ و گریز بین موافقان و مخالفان برنامه‌ریزی، برنامه‌ای برای کشور اتخاذ گردید. با آغاز سال ۱۳۶۸ تقویت بنیه اقتصادی کشور از دستورکارهای محوری مسئولان ارشد کشور قرار گرفت، نرخ تورم باید کاهش می‌یافت و سیاست‌های ارزی، بانکی، کوپنی و غیره باید تعدیل می‌شد. همچنین مسئولان به دنبال راهکارهایی برای رفع نیازهای بخش کشاورزی، صنعت و خدمات بودند و به چگونگی تأمین بودجه ارزی و ریالی مورد نیاز بازسازی کشور می‌اندیشیدند. در چنین شرایطی بهار ۱۳۶۸ با سایه سنگین سیاست بر اقتصاد همراه بود، موضوع‌هایی از قبیل بازنگری در قانون اساسی، رحلت امام خمینی (ره) و به دنبال آن تعیین آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان رهبر انقلاب، در کانون توجه محافل خبری قرار گرفت.

مهم‌ترین اهداف برنامه پنج‌ساله اول توسعه در ۵ محور اصلی بازسازی و تقویت ظرفیت‌های دفاع ملی، بازسازی مراکز تولیدی و جمعیت خسارت‌دیده در طول جنگ تحمیلی، ایجاد رشد اقتصادی با تأکید بر خودکفایی محصولات استراتژیک کشاورزی و مهار تورم، تأمین حداقل نیازهای اساسی مردم و تلاش برای تأمین عدالت اجتماعی اسلامی، تعیین و اصلاح الگوی مصرف و اصلاح سازمان و مدیریت اجرایی و قضایی کشور برنامه‌ریزی شده بود و با توجه به وضعیت سال‌های ۱۳۶۶ و ۱۳۶۷ کشور، قصد داشت اقتصاد کشور را راه بیندازد و آن را به سوی «اقتصاد کمتر دولتی» سوق دهد. یکی از موضوع‌هایی که در تصویب این برنامه محل بحث‌های جنجالی قرار گرفت، اجازه استفاده از منابع ارزی و تسهیلات خارجی بود که مخالفان سرسختی داشت؛ اما در نهایت با رأی بالایی به تصویب رسید. آغاز دور جدیدی از همکاری‌های اقتصادی با شوروی در پی سفر خردادماه آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی به این کشور که زمینه‌ساز انعقاد موافقتنامه همکاری بین دو کشور در زمینه ساخت و بهره‌برداری از تأسیسات آبی خداآفرین و قیزقلعه‌سی روی رودخانه مرزی ارس شد و اعلام سیاست‌های جدید ارزی در مهرماه، از دیگر تحولات اقتصادی کشور در سال ۱۳۶۸ بود. هدف‌های کلی برنامه توسعه اول به شرح زیر بود:

- بازسازی دفاعی و تأمین نیازهای ضروری آن بر مبنای اهداف دفاعی تعیین شده
- بازسازی و نوسازی ظرفیت‌های تولیدی و زیربنایی و مراکز جمعیتی خسارت‌دیده در طول جنگ تحمیلی در چهارچوب اولویت‌های برنامه
- گسترش کمی و ارتقا کیفی فرهنگ عمومی تعلیم و تربیت و علوم و فنون در جامعه با توجه خاص نسبت به نسل جوان
- ایجاد رشد اقتصادی در جهت افزایش تولید سرانه، اشتغال مولد و کاهش وابستگی اقتصادی با تأکید بر خودکفایی محصولات استراتژیک کشاورزی و مهار تورم
- تلاش در جهت تأمین عدالت اجتماعی اسلامی

- تأمین حداقل نیازهای اساسی آحاد مردم
- تعیین و اصلاح الگوی مصرف در جهت تعیین نیازهای انسان و جامعه در جریان رشد و تکامل مادی و معنوی با حفظ کرامت و آزادی انسان
- اصلاح سازمان و مدیریت اجرایی و قضایی کشور در ابعاد مختلف
- تلاش در جهت ایجاد امنیت قضایی و تحکیم مبانی نظری و عملی تساوی عموم در برابر قانون و اجرای عدالت و حمایت از آزادی‌های مشروع فردی و اجتماعی
- سازماندهی فضایی و توزیع جغرافیایی جمعیت و فعالیت‌های متناسب با مزیت‌های نسبی هر منطقه به استثنای مواردی که ملاحظات سیاسی و نظامی ایجاب می‌نماید. (سازمان برنامه و بودجه، ۱۹۹۷).

برنامه اول در سال ۱۳۷۳ نیز ادامه پیدا کرد و در طول این سال اقدامات لازم برای تدوین برنامه دوم انجام شد. تا اینکه از سال ۱۳۷۴ برنامه دوم توسعه (۱۳۷۸-۱۳۷۴) اجرا گردید و عدالت اجتماعی، افزایش بهره‌وری و کاهش وابستگی را به عنوان مهم‌ترین اهداف اقتصادی خود بیان کرد. برنامه دوم خط مشی‌هایی همچون تشویق صادرات، توجه به بازارهای مالی، اشتغال زایی، مهار فشارهای معیشتی و اصلاح نظام قیمت‌ها را در پیش گرفت. در حقیقت برنامه دوم توسعه از نظر ساختار و ماهیت چندان با برنامه اول تفاوت نداشت. این برنامه هم مبتنی بر آزادی اقتصادی و خصوصی‌سازی و افزایش رشد اقتصادی با محوریت کشاورزی بود. رشد اقتصادی یا اصلی‌ترین هدف برنامه، ۵٫۱ درصد پیش‌بینی شده بود. در این برنامه به دولت اجازه داده شد از محل منابع بودجه عمومی پیش‌بینی شده در جداول شماره ۴ الی ۹ قانون برنامه تا سقف مبالغ زیر را با توجه به درآمدهای قابل تحقق و با رعایت قوانین و مقررات مربوط جهت نیل به هدف‌های برنامه اختصاص دهد:

- سال ۱۳۷۴ مبلغ ۳۶۳۹۴ میلیارد ریال
  - سال ۱۳۷۵ مبلغ ۴۱۲۹۶ میلیارد ریال
  - سال ۱۳۷۶ مبلغ ۴۶۷۳۳ میلیارد ریال
  - سال ۱۳۷۷ مبلغ ۵۲۹۳۸ میلیارد ریال
  - سال ۱۳۷۸ مبلغ ۶۰۸۲۵ میلیارد ریال
- جمع هزینه‌های بودجه عمومی در دوره برنامه دویست و سی و هشت هزار و یکصد و هشتاد و شش میلیارد (۲۳۸۱۸۶۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰) ریال.

دولت مکلف شد با توجه به تبصره‌های این قانون زمینه‌های لازم را به گونه‌ای فراهم آورد که اجرای هدف‌ها و خط‌مشی‌ها و طرح‌های سرمایه‌گذاری از محل منابع بودجه عمومی و شرکت‌ها و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت در سال‌های برنامه طبق بودجه مصوب سالیانه عملی گردد. هدف‌های کلی برنامه دوم به شرح زیر بود:

- تلاش در جهت تحقق عدالت اجتماعی
- رشد فضائل بر اساس اخلاق اسلامی و ارتقاء کمی و کیفی و فرهنگ عمومی جامعه
- هدایت جوانان و نوجوانان در عرصه‌های ایمان مذهبی، فرهنگ خودی، خلافت، علم، هنر، فن، و تربیت بدنی و مناسب انسانی، خانوادگی و اجتماعی و مشارکت در صحنه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی
- افزایش بهره‌وری
- تربیت نیروی انسانی مورد نیاز
- رشد و توسعه پایدار اقتصادی با محوریت بخش کشاورزی
- اصلاح ساختار نظارتی، اجرایی و قضایی کشور در جهت تحقق اهداف برنامه
- تقویت مشارکت عامه مردم و اتخاذ تدابیر لازم برای نظارت شایسته و پیوسته بر اجرای برنامه
- تلاش در جهت کاهش وابستگی اقتصاد کشور به درآمدهای حاصل از نفت و توسعه بیش از پیش صادرات غیرنفتی
- حفظ محیط زیست و استفاده بهینه از منابع طبیعی کشور
- تقویت بنیه دفاعی کشور در چار چوب سیاست‌ها و تدابیر فرماندهی معظم کل قوا
- رعایت اصول عزت و حکمت و مصلحت کشور در سیاست خارجی.
- تلاش در جهت حاکمیت کامل قانون و حفظ امنیت همه‌جانبه آحاد مردم و ترویج فرهنگ احترام به قانون، نظم اجتماعی و وجدان کار.
- نظام‌دهی و بکارگیری تحقیقات به‌عنوان ابزاری برای حل مشکلات و توسعه کشور.
- ایجاد تعادل در بخش‌های اقتصادی (تعاونی، خصوصی و دولتی).
- تقویت و ترویج ارزش‌های انقلاب اسلامی در عرضه کردن منابع مالی و امکانات دولتی.

برنامه سوم توسعه از سال ۱۳۷۹ آغاز شد و با نگاه اجتماعی-اقتصادی در داخل و سیاست تنش‌زدایی در روابط بین‌الملل اهدافی همچون اصلاح ساختاری اقتصاد و تقویت بخش خصوصی را دنبال می‌کرد. رویکرد این برنامه، توسعه اقتصاد رقابتی به همراه اصلاحات در زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی و تسهیل سرمایه‌گذاری بود. این برنامه یکسان‌سازی نرخ ارز، حذف موانع غیر تعرفه‌ای، تاسیس بانک‌های خصوصی، ایجاد حساب ذخیره ارزی، اصلاح نظام قیمت‌ها و نیز حرکت برای حذف یارانه انرژی را مورد تأکید قرار می‌داد. البته در این برنامه برخی

حقوق اجتماعی شهروندان و تقویت فضای سیاسی داخلی نیز به عنوان هدف تعیین شد. اهداف کلی این برنامه به شرح زیر بود:

- در بخش اقتصادی، تمرکز دادن همه فعالیت‌های مربوط به رشد و توسعه اقتصادی به سمت و سوی «عدالت اجتماعی» و کاهش فاصله میان درآمدهای طبقات، رفع محرومیت از قشرهای کم درآمد
- ایجاد نظام تأمین اجتماعی برای حمایت از حقوق محرومان
- تلاش برای مهار تورم و حفظ قدرت خرید گروه‌های متوسط و کم‌درآمد
- تلاش برای توسعه و عمران روستاها
- حفظ امنیت سرمایه‌گذاری
- فراهم ساختن امنیت غذایی و تأمین کالاهای ضروری
- بخش فرهنگی اعتلاء و عمق بخشیدن به معرفت و بصیرت دینی و قرآنی و تحکیم ارزش‌های آنها
- زنده و نمایان نگه داشتن اندیشه دینی و سیاسی حضرت امام خمینی (ره)
- توجه به پرورش و شکوفایی استعدادها تشویق خلاقیت و نوآوری‌های علمی
- در بخش اجتماعی سیاسی و فرهنگی و امنیتی، توجه به گسترش و عمق بخشیدن روحیه تعاون و مشارکت عمومی
- اهتمام به موضوع جوانان، ایجاد زمینه‌های مساعد برای پیشرفت معنوی و علمی
- تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن
- اصلاح نظام اداری در جهت افزایش کارایی و کارآمدی بهبود و خدمات رسانی به مردم
- حمایت از مسلمانان و مظلومان جهان
- تقویت، توسعه و نوسازی صنایع دفاعی کشور (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۹).

برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۸-۱۳۸۴) در شرایطی تهیه شد که کشور درگیر چالش‌های ژرف درونی و بیرونی فراوانی بود. ژرفای دشواری‌های اقتصادی و اجتماعی به گونه‌ای بود که نه فقط مخالفان برنامه‌ریزی به هواداران برنامه‌ریزی توسعه پیوستند بلکه جملگی بر آن شدند که فقط برنامه‌ریزی میان‌مدت ۵ ساله کافی نیست و در پی برنامه‌ریزی بلندمدت ۲۰ ساله و طرح‌ریزی استراتژی توسعه برآمدند.

برنامه چهارم توسعه از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ در چارچوب سند چشم‌انداز ۲۰ ساله و ابلاغ سیاست‌های کلی رهبر معظم انقلاب تهیه و تصویب شد. نکته مهم این برنامه تصویب آن در اواخر دوره اصلاحات بود که مورد توجه دولت نهم قرار گرفت. ضمن اینکه اجرای این برنامه با انحلال سازمان برنامه بودجه در دولت محمود احمدی‌نژاد همراه شد.

برنامه چهارم با عنوان «برنامه توسعه پایدار با رویکرد جهانی» به طور همزمان نگاه به تحولات جهانی و مباحثی همچون جهانی شدن، تقسیم کار بین‌المللی و همگرایی سیاست‌ها را دنبال می‌کرد و از همین رو موجب دگرگونی رویکردهای توسعه کشور می‌شد. توجه به رشد سریع اقتصادی و مقوله‌هایی همچون پیشرفت‌های علمی، محیط زیست و آمایش سرزمینی و توازن منطقه‌ای نیز از نکته‌های بارز این برنامه بود. علاوه بر این برنامه چهارم به توسعه فرهنگی، قضایی و تأمین امنیت و تقویت توان دفاعی کشور نیز توجه ویژه‌ای داشت. اهداف اصلی این برنامه عبارتند از:

- گسترش معرفت و بصیرت دینی برپایه قرآن و مکتب اهل بیت
- زنده و نمایان نگه داشتن اندیشه دینی و سیاسی حضرت امام خمینی (ره)
- فرهنگ‌سازی برای استفاده از تولیدات داخلی
- مقابله با تهاجم فرهنگی
- اصلاح نظام آموزشی کشور شامل آموزش و پرورش، آموزش عالی
- تلاش در جهت تحقق عدالت اجتماعی و ارتقاء شاخص‌هایی از قبیل آموزش، سلامت، غذا و مبارزه با فساد
- ایجاد و نظام جامع تأمین اجتماعی برای حمایت از محرومین و مستضعفان
- تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن در خانواده و جامعه
- ایجاد محیط و ساختار مناسب حقوقی، قضایی و اداری
- گسترش و عمق بخشیدن به روحیه تعاون
- توجه به حفظ وحدت و یکپارچگی سرزمین
- تقویت امنیت و اقتدار ملی
- توسعه و نوسازی صنایع دفاعی کشور
- توسعه نظام و سیاست عمومی و پیش‌گیری و مقابله مؤثر با جرائم و مفسدات اقتصادی و اجتماعی
- گسترش همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی
- تلاش برای رهایی منطقه از حضور نظامیان بیگانه
- تحقق رشد اقتصادی پیوسته و پرشتاب
- پشتیبانی از کارآفرینی و نوآوری
- مهار تورم و افزایش قدرت خرید گروه‌های کم درآمد و متوسط
- تأمین مسکن اقشار کم درآمد

- توجه به مشارکت عامه مردم در فعالیتهای سیاسی و اقتصادی (سازمان برنامه و بودجه، ۲۰۰۶).

عنوان برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، پیشرفت و عدالت، توجه به دین باوری و خودباوری و ترسیم الگوی بومی و نقشه اسلامی بود و دیدگاه غالب بر آن عبارت بود از: پیشرفت همراه با عدالت، استقرار الگوی توسعه اسلامی- ایرانی و اصلاح نظام اداری. این قانون برای تحقق سند چشم انداز ۱۴۰۴ تدوین شد که ماده ۲۳۵ داشت. اجرای برنامه پنج ساله پنجم توسعه از ابتدای سال ۱۳۹۰ آغاز شد و قرار بود با پایان سال ۱۳۹۴ به آخر برسد. در برنامه پنجم، ۶ محور با عناوینی چون «دستیابی به جایگاه ترسیم شده برای کشور در سند چشم انداز بیست ساله در منطقه، تحقق کامل سیاستهای ابلاغی مقام معظم رهبری ایجاد فضای مناسب برای تحقق جهش بلند اقتصادی و اجتماعی و جلب گسترده مشارکت مردم و مردمی کردن حوزههای اقتصادی و اجتماعی» ذکر شده است. تحقق رشد مستمر و پرشتاب اقتصادی به میزان حداقل ۸ درصد از جمله دیگر اهداف این برنامه بود. بطور کلی سیاستها و اهداف کلی برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به شرح زیر بود:

- تکمیل و اجرایی طرح مهندسی فرهنگی کشور و تهیه پیوست فرهنگی برای طرحهای مهم
- زنده و نمایان نگه داشتن اندیشه دینی و سیاسی حضرت امام خمینی (ره)
- تقویت قانون گرایی، انضباط اجتماعی و وجدان کاری
- تحمل در نظام آموزش عالی و آموزش و پرورش
- تحول و ارتقا و علوم انسانی
- تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن
- هویت بخشی به سیمای شهر و روستا، بازآفرینی
- تقویت و کار آمد کردن نظام بازرسی کشور
- ارتقای به شاخصهای سلامت هوا، غذا، محیط
- ارتقای امنیت اجتماعی از طریق مبارزه همه جانبه با مواد مخدر
- سازمان بخشیدن به مناطق حاشیه نشین و پیشگیری و کنترل هنجارهای عمومی
- توجه به رشد اقتصادی مداوم و سریع
- بهبود فضای کسب و کار کشور
- قطع وابستگی دولت به درآمدهای نفتی
- ایجاد بازار رقابتی برای ارائه خدمات بیمه‌ای

- گسترش عدالت اجتماعی از طریق توجه به اقتصاد کم درآمدها
- تأمین برخورداری آمار جامعه از اطلاعات اقتصادی
- کاهش نرخ بیکاری به هفت درصد
- توسعه نظام پیشگیری از آسیب فردی و اجتماعی
- تقویت و حضور مردم در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی
- حمایت از آزادی‌های مشروع
- تحکیم و ارتقای امنیت پایدار
- گسترش پدافند غیر عامل (سازمان برنامه و بودجه، ۲۰۱۲).

فرایند تهیه و تدوین برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، از ابتدای خردادماه ۱۳۹۳ با تدوین پیش نویس اولیه برنامه مشتمل بر ۶ سرفصل و ۳۳ بند، توسط معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری آغاز شد که این پیش نویس در قالب مستندات برنامه ششم توسعه در مردادماه ۱۳۹۳ انتشار یافت. ۶ سرفصل پیش نویس یادشده شامل «امور فرهنگی»، «امور علم و فناوری»، «امور اقتصادی»، «امور اجتماعی»، «امور سیاسی، امنیتی و اداری» و «امور حقوقی و قضایی» بود.

اما با توجه به تقدم سیاست‌های کلی برنامه در فرایند تدوین، طبق اصل یکصدودهم (۱۱۰) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، رهبر معظم انقلاب اسلامی پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام طی نامه ای به ریاست جمهور محترم، سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه را بر پایه محور های سه گانه «اقتصاد مقاومتی»، «پیشتازی در عرصه علم و فناوری» و «تعالی و مقاوم سازی فرهنگی»، در قالب ۸ سرفصل مشتمل بر «امور اقتصادی»، «امور فناوری اطلاعات و ارتباطات»، «امور اجتماعی»، «امور دفاعی و امنیتی»، «امور سیاست خارجی»، «امور حقوقی و قضایی»، «امور فرهنگی» و «امور علم، فناوری و نوآوری»، در تاریخ ۹ تیرماه ۱۳۹۴ به انضمام سیاست‌های کلی محیط زیست ابلاغ فرمودند. در فرایند تدوین برنامه ششم توسعه، قوه مجریه با هدف کاهش حجم لایحه برنامه برخی از احکام را با این استدلال که ماهیت دائمی دارند و در برنامه‌های مختلف توسعه تکرار می‌شوند از لایحه برنامه تفکیک نمود و در قالب لایحه ای مجزا تحت عنوان «لایحه تنظیم برخی از احکام برنامه‌های توسعه کشور» ارائه کرد. این لایحه در نهایت با عنوان «قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور» در بهمن ماه ۱۳۹۵ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. همچنین دولت محترم لایحه برنامه ششم توسعه را تحت عنوان «لایحه احکام مورد نیاز اجرای برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۹-۱۳۹۵)»، به مجلس شورای اسلامی تقدیم کرد. استفاده از عبارت «احکام مورد نیاز اجرای برنامه» در عنوان این لایحه، حکایت از

وجود تفاوت های معنایی و محتوایی قابل تأمل نسبت به لوایح برنامه های پیشین داشت. درواقع دولت در قالب لایحه مذکور تنها آن دسته از احکامی را ارائه کرده بود که به زعم خود به اخذ مجوز های قانونی از مجلس شورای اسلامی نیاز داشت. شایان ذکر است اتخاذ چنین رویکردی توسط دولت برای اولین بار در تاریخ نظام برنامه ریزی کشور رخ داده است. لایحه یادشده با عنایت به همزمانی آن با ماه های پایانی مجلس نهم و آغاز کار مجلس دهم، در هر دو دوره نهم و دهم مجلس بررسی شد و درنهایت در مجلس دهم به تصویب رسید. با این حال زمان برنامه ششم تا پایان سال ۱۴۰۰ بود؛ اما به دلیل اینکه برنامه هفتم توسعه با تاخیر آماده شد، برنامه ششم دو بار و برای سال های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ تمدید گردید. سرانجام سیاست های کلی برنامه هفتم در ۷ سرفصل «اقتصادی»، «امور زیربنایی»، «فرهنگی و اجتماعی»، «علمی، فناوری و آموزشی»، «سیاسی و سیاست خارجی»، «دفاعی و امنیتی»، «اداری، حقوقی و قضایی» و در ۲۶ بند از ابتدای سال ۱۴۰۳ به اجرا درآمد. از جمله هدف گذاری های کمی که در این برنامه به عنوان چشم انداز آمده است، می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- هدف رشد اقتصادی ۸ درصد
- رشد تشکیل سرمایه ناخالص سرمایه گذاری ۲۲,۶ درصد
- رشد موجودی سرمایه ۶,۵ درصد
- رشد اشتغال ۳,۹ درصد سالانه معادل یک میلیون شغل، متوسط نرخ تورم ۷/۱۹ درصد و نرخ تورم هدف گذاری شده در پایان برنامه ۹,۵ درصد، رشد بهره وری کل عوامل تولید ۲,۸ درصد با داشتن سهم ۳۵ درصدی از رشد اقتصادی ۸ درصدی متوسط رشد نقدینگی ۲۰,۴ درصد و در سال پایانی برنامه ۱۳,۸ درصد، متوسط رشد صادرات نفتی ۱۲,۴ درصد، متوسط رشد صادرات غیرنفتی ۲۲,۶ درصد
- رشد واردات کالا ۱۶,۲ درصد
- رشد اعتبارات تملک دارایی های سرمایه ای ۴۴ درصد
- متوسط نرخ رشد بخشی در برنامه هفتم توسعه به منظور تحقق رشد ۸ درصدی در بخش کشاورزی، ۵,۵ درصد نفت ۱۳,۳، معدن ۱۱,۸ درصد صنعت، ۸,۵ درصد آب، برق و گاز، ۸,۱ درصد ساختمان، ۹ درصد حمل و نقل و انبارداری، ۹,۷ درصد ارتباطات، ۱۰,۹ درصد سایر خدمات، ۶,۵ درصد که میزان سرمایه گذاری لازم به قیمت جاری برای تحقق رشد اقتصادی ۸ درصد در کل اقتصاد معادل ۲۳۴ ۶۰ هزار میلیارد تومان.

### عملکرد برنامه‌های توسعه‌ای بعد از انقلاب اسلامی

برنامه اول با اصول آزادی اقتصادی شروع شد اما رویارویی بعدی با دشواری‌های اقتصادی و تنگنای ارزی و تورم، سبب شد تا دولت از ادامه سیاست تعدیل منصرف شود. رشد اقتصادی در سه سال اول برنامه بالا بود ولی در دو سال آخر برنامه این نرخ روند کاهشی به خود گرفت. اما میانگین رشد اقتصادی برنامه به مقدار مطلوبی رسید. همچنین این برنامه اگر چه در کاهش نرخ بیکاری و در برخی زمینه‌های اجتماعی موفق بود اما در زمینه خصوصی سازی و کاهش نقش دولت ناموفق بود. در برنامه اول انحرافات جدی و تعیین‌کننده‌ای در عمل به وجود آمد و بخشی از برنامه کنار گذاشته شد. نرخ تورم بالا به ویژه سال‌های پایانی و کاهش صادرات نفت به نصف رقم پیش‌بینی شده، از جمله عدم موفقیت‌های دیگر این برنامه بود. با این که در برنامه اول تحقق درآمدهای دولت بیش از صد در صد بود، ولی در اجرا دست‌یابی به اهداف برنامه حاصل نشد. همچنین بخش صنعت و معدن به نتایج پیش‌بینی شده نرسید ولی صادرات بخش کشاورزی از میزان پیش‌بینی شده بیشتر شد. بر پایه برنامه تعدیل اقتصادی که از اهداف برنامه استنباط می‌شد، انتظار می‌رفت که دولت کارآمدتر و کوچک‌تر شود، اما نه تنها این اتفاق نیفتاد، بلکه دولت روز به روز فربه‌تر و ناکارآمدتر و پرهزینه‌تر شد.

در برنامه دوم، رشد اقتصادی یا اصلی‌ترین هدف برنامه، ۵٫۱ درصد پیش‌بینی شده بود که در عمل رشد محقق شده کمتر از این مقدار بود و در زمینه بیکاری نیز موفق عمل نکرد. البته این برنامه توانست نقش بخش خصوصی را در اقتصاد ایران پررنگ تر کند. در حوزه مالی نیز به علت نرخ سالانه ۲۵ درصدی افزایش نقدینگی، نرخ تورم به ۲ برابر نرخ پیش‌بینی شده (۱۳٫۲ درصد) در برنامه افزایش یافت. در مجموع و به رغم کوشش‌های به عمل آمده برنامه دوم به علل مختلف در دست‌یابی به اهداف برنامه موفق نشد. سپس در ادامه برنامه‌های قبلی، اجرای برنامه سوم با دقت بیشتری پیگیری شد که این برنامه نیز با موفقیت‌ها و ناکامی‌هایی همراه بود. از جمله موفقیت‌هایی که این برنامه بدست آورد می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. ایجاد حساب ذخیره ارزی: در ایران ایجاد حساب ذخیره ارزی حاصل از عواید نفت در سال ۱۳۷۹، طبق ماده ۶۰ قانون برنامه سوم صورت گرفت. به موجب این قانون دولت مکلف شد از سال ۱۳۸۰، مازاد درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت خام را در حساب سپرده دولت نزد بانک مرکزی با عنوان حساب ذخیره ارزی درآمد نفت خام نگهداری و پس انداز کند.

۲. رشد سرمایه‌گذاری خارجی و آزادسازی تجارت خارجی: برنامه سوم توسعه مقارن با انجام مجموعه‌ای از اصلاحات ساختاری در اقتصاد کشور بود که تمامی آن‌ها به طور مستقیم و غیرمستقیم با ایجاد زمینه‌های مناسب

و کاهش ریسک، فرایند جذب سرمایه‌گذاری خارجی را تسهیل نموده. از جمله این اقدامات می‌توان به ایجاد حساب ذخیره ارزی، یکسان سازی نرخ ارز و اصلاح نظام ارزی کشور، اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم، تصویب و اجرای قانون تجمیع عوارض، لغو مقررات پیمان سپاری ارزی، آزادسازی تجارت خارجی، تقویت بازار سرمایه، مدیریت مطلوب بدهی‌ها و درنهایت تصویب و اجرای قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی در اواخر سال ۱۳۸۰ اشاره کرد. مجموعه این اقدامات به همراه تداوم سیاست تنش زدایی در روابط خارجی کشور و درنهایت امضا پروتکل الحاقی از طریق بهبود شرایط اقتصادی، ثبات سیاسی و سرانجام کاهش درجه ریسک کشور، امکان حضور سرمایه‌گذاران خارجی و جذب سرمایه‌های آنان را تسهیل ساخت.

۳. **اصلاح نظام ارزی (یکسان سازی نرخ ارز و ثبات در بازار ارز):** برنامه سوم توسعه اقتصادی از سال ۱۳۷۹ به اجرا درآمد. در این سال در زمینه مسائل ارزی، مقرر شد گواهی سپرده ارزی جایگزین واریزنامه‌های ارزی در بخش خارجی اقتصاد شود. در دومین سال اجرای برنامه سوم توسعه و بر اساس بند ۲۹ قانون بودجه سال ۱۳۸۰، دولت مکلف به حرکت به سمت سیاست تک نرخی شدن ارزی از ابتدای سال ۱۳۸۱ گردید.

۴. **اصلاح و آزادسازی بازار مالی کشور:** کاهش نسبت سپرده‌های قانونی، کاهش پیش پرداخت اعتبارات اسنادی، تعدیل نرخ‌های سود بانکی، انتشار اوراق مشارکت بانک مرکزی و تأسیس بانک‌های غیردولتی از جمله اقدامات در این بخش بود.

۵. **اصلاح نظام بودجه ریزی کشور:** اقداماتی که در این خصوص انجام شد عبارتند از: دسته‌بندی تبصره‌های بودجه در قالب موضوعات مشخص و خودداری از درج تبصره‌های دائمی، هماهنگ کردن طبقه‌بندی‌های بودجه با استانداردهای بین‌المللی، هماهنگ سازی شاخص‌های مالی دولت با حساب‌های ملی، تلاش برای بکارگیری شیوه بودجه عملیاتی در برآورد هزینه‌ها، حذف برخی ردیف‌های متفرقه، حذف ردیف‌های فرعی ذیل ردیف اصلی دستگاه‌ها و تنظیم بودجه عمرانی استانی در قالب نظام درآمد هزینه استان و مصوبات هیئت وزیران.

۶. **نرخ رشد اقتصادی به نسبت مطلوب:** متوسط رشد سالانه تولید ناخالص داخلی در برنامه سوم ۵٫۸ درصد بوده است که با توجه به پیش‌بینی برنامه به میزان ۶ درصد، تقریباً این نرخ محقق شد.

۷. **کاهش تقریبی نرخ تورم:** متوسط عملکرد تورم در دوره برنامه سوم توسعه در حدود ۱۴٫۱ درصد بوده است که نه تنها در مقایسه با هدف پیش‌بینی شده برنامه (۱۵٫۹) کمتر نشان می‌دهد، بلکه در مقایسه با نرخ تورم ۱۳۷۸ (۲۰٫۱ درصد) کمتر بوده است.

۸. گسترش توجه به علم و فناوری و تکنولوژی اطلاعات (آی تی): در این راستا می‌توان از گسترش توجه دولت به اموری مانند سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه صادرات کالا با فناوری بالا، سرمایه‌گذاری در عرصه فناوری اطلاعات و ارتباطات و گسترش شبکه ارتباطی، پرداخت حق امتیاز و... اشاره کرد.

۹. بهسازی و اصلاحات اداری مدیریتی: در این راستا می‌توان از اصلاح، ادغام یا انحلال برخی شرکت‌های دولتی (مانند تشکیل سازمان میراث فرهنگی، ادغام سازمان برنامه و بودجه و سازمان امور اداری و استخدامی و تشکیل سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و غیره)، تصویب ساختار سازمانی وزارت خانه‌ها و مؤسسات دولتی، تصویب برنامه جامع نیروی انسانی، طرح طبقه بندی مشاغل، گسترش امکان مشارکت مردم در ارائه خدمات دولتی.

برنامه سوم توسعه به نسبت دیگر برنامه‌های کشور موفق تر عمل کرد و توانست به رشد اقتصادی مناسب حدوداً ۶ درصدی در کنار افزایش ۱۰ درصدی سرمایه‌گذاری دست یابد. در سال ۱۳۸۱، نرخ رشد ۴٫۷ و در سال ۱۳۸۲، نزدیک ۶ درصد بوده که در سال‌های قبل سابقه نداشته است. ضمن اینکه تورم سالانه به سطح ۱۰۱۴ رسید که ۱٫۸ درصد کمتر از برآوردهای برنامه بود. البته این برنامه نیز دارای یک سری ناکامی‌ها بود که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد:

۱. افزایش بی‌رویه واردات: با رفع محدودیت‌های غیرتعرفه‌ای واردات و آزاد شدن ورود کلیه کالاها به کشور به جز چند مورد خاص به همراه ثبات نسبی نرخ ارز در طول سال‌های برنامه سوم، واردات کالا طی سال‌های ۱۳۷۹ الی ۱۳۸۲ از روند رو به رشد به نسبت بالایی برخوردار شد. مجموع واردات کالا در طول سال‌های مذکور معادل ۸۰٫۴ میلیارد دلار بود که در حدود ۱۵٫۷ درصد بیش از اهداف پیش‌بینی شده در برنامه، رشد نشان می‌دهد.

۲. افزایش کند صادرات غیرنفتی: در مجموع در برنامه سوم، در حدود ۲۸٫۲ میلیارد دلار کالای غیرنقدی صادر شده که در حدود ۲ درصد بیشتر از برنامه محقق گردیده است.

۳. افزایش حجم نقدینگی: باوجود بهبود ترکیب نقدینگی در طول برنامه سوم توسعه، یعنی افزایش سهم شبه پول و کاهش سهم پول در این دوره، نقدینگی بخش خصوصی به طور متوسط سالانه ۲۸٫۹ درصد افزایش یافت که نسبت به هدف برنامه (۱۶٫۴ درصد) افزایش قابل ملاحظه‌ای یافت. افزایش تقاضا برای اعتبارات در جهت ساخت و ساز بیشتر و رشد چشم‌گیر ذخایر ارزی از جمله دلایل عمده رشد نقدینگی بخش خصوصی بود.

۴. وابستگی زیاد بودجه به درآمد های نفتی و برداشت مکرر از حساب ذخیره ارزی: سهم درآمدهای نفتی بر حسب مجموع واریز به بودجه عمومی و استفاده از موجودی حساب ذخیره ارزی در کل منابع به طور متوسط در

طول برنامه سوم ۶۱,۸ درصد بود. نسبت مذکور از ۵۴,۹ درصد در سال ۱۳۷۹ به ۶۳,۸ درصد در سال ۱۳۸۳ افزایش یافت.

۵. روند کند و ناقص خصوصی سازی: با توجه به گزارش دولت به مجلس شورای اسلامی در مورد واگذاری شرکت‌های دولتی نشان دهنده آمار کم واگذاری ها است. مجموع تعداد شرکت‌های دولتی، بانک‌ها و مؤسسات اعتباری از تعداد ۵۵۰ شرکت در سال ۱۳۷۹ به ۵۳۳ شرکت در سال پایانی برنامه رسیده است. همچنین طبق گزارش سازمان خصوصی سازی، وصولی از محل واگذاری شرکت‌های دولتی (رقم عملکرد خصوصی سازی) طی سال‌های برنامه سوم نسبت به ارقام مصوب فقط ۲۳,۹ درصد تحقق یافت که حاکی از روند کند خصوصی سازی طی سال‌های برنامه سوم است.

۶. هدفمند نبودن یارانه ها، به ویژه پرداخت یارانه سنگین به بخش انرژی: با توجه به منابع و مصارف بودجه عمومی دولت در سال‌های ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ می‌توان گفت که مصوبه یارانه های حامل های انرژی از سهم کل بودجه عمومی دولت در سال‌های ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ به ترتیب ۲۵ و ۲۱,۸ درصد بوده است؛ درحالی که عملکرد آن ۲۹,۸ و ۳۰,۶ درصد از سهم کل بودجه عمومی دولت را نشان می‌دهد.

۷. نقش ضعیف درآمد های مالیاتی در بودجه دولت و برنامه سوم توسعه: باوجود شتاب مناسب سالانه ۱۰,۱۸ درصدی درآمدهای مالیاتی در طول برنامه سوم توسعه، ولی این بخش به دلیل رشد بالای درآمدهای نفتی نتوانست سهمی بیش از ۲۶,۳ درصد در ترکیب درآمدهای دولت به دست آورد.

۸. رشد پایین اشتغال: بر اساس نتایج نمونه گیری مرکز آمار ایران، نرخ بیکاری در سال‌های ۸۳-۱۳۷۹ به ترتیب ۱۴,۲۵ ، ۱۴,۲ ، ۱۲,۸ ، ۱۱,۴ و ۱۰,۳ درصد بوده است. باوجود کاهش نرخ بیکاری در این دوره، در سال ۱۳۸۳ جمعیت بیکار کشور بالغ بر ۲,۶ میلیون نفر بود. در پنج ساله برنامه سوم توسعه به طور خالص به ترتیب ۴۳۹ ، ۴۴۰ ، ۷۱۲ ، ۶۹۱ و ۶۱۹ هزار شغل ایجاد شد. بر اساس پیش‌بینی برنامه سوم، خالص اشتغال ایجاد شده در سال‌های یادشده باید به ترتیب به ۴۹۹ ، ۶۸۴ ، ۸۰۹ و ۸۷۲ هزار نفر می‌رسید. بدین ترتیب در دوره پنج ساله برنامه سوم توسعه در مجموع ۲۹۰۱ هزار شغل ایجاد شده است درحالی که طبق هدف برنامه باید ۳۸۲۵ هزار فرصت شغلی جدید ایجاد می‌شد که به معنی تحقق ۷۵,۸ درصد هدف برنامه است. شایان ذکر است که در برنامه سوم توسعه به طور متوسط سالانه ۵۸۰ هزار شغل ایجادشده است که نسبت به متوسط سالانه ۳۸۳ هزار فرصت شغلی جدید در برنامه اول و ۲۸۱ هزار شغل جدید در برنامه دوم توسعه، افزایش قابل ملاحظه ای را نشان می‌دهد.

## ۹. عدم کاهش مقررات زدایی و برچیدن انحصارها

عملکرد برنامه چهارم نشان داد که متوسط رشد کشور از میزان ۷,۴ درصد پیش‌بینی شده کمتر بود. این برنامه در کنترل بیکاری نیز ناموفق بود و بیکاری از ۱۰,۱ درصد بالاتر رفت و به ۱۲,۷ رسید. همچنین متوسط نرخ رشد سرمایه‌گذاری در این مدت ۶,۹ درصد بوده است که حدوداً نیمی از هدف ۱۲,۲ درصدی برنامه را محقق کرد. در این گزارش همچنین به برخی از علل ناکامی در تحقق رشد سرمایه‌گذاری مطلوب اشاره شد که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به تورم فزاینده همراه با ثبات تقریبی نرخ ارز، کاهش رقابت‌پذیری محصولات داخلی، افزایش واردات، عدم بهبود نسبی شاخص‌های فضای کسب‌وکار، عدم توفیق در تأمین منابع مالی خارجی، اتکای بیش از حد به سرمایه‌گذاری دولتی، ناکارایی نظام‌های تأمین‌کننده اعتبار، بالا بودن ریسک سرمایه‌گذاری در کشور، کند بودن روند واگذاری شرکت‌های دولتی و تأثیر متقابل اقتصاد و سیاست اشاره کرد. همچنین در این گزارش متوسط نرخ تورم در چهار سال نخست برنامه چهارم دو رقمی اعلام شد که بیانگر عدم توفیق دولت در تک رقمی کردن نرخ تورم بود. در بخش عمرانی قرار بود ۵۰ درصد آزادراه‌های متصل به استان‌ها به اتمام برسد اما تنها ۷/۵ درصد تحقق یافته است، ۴۰ درصد فاضلاب شهری باید انجام می‌شد اما بسیار کمتر از میزان پیش‌بینی شده است یا ۸ درصد فاضلاب مربوط به روستاها اصلاً محقق نشد.

در برنامه پنجم نیز مجدداً نرخ رشد ۸ درصدی هدف قرار گرفت که باز هم نرخ رشد محقق‌شده با هدف تعیین‌شده فاصله داشت. به خصوص اینکه بخش عمده‌ای از ناکامی در برنامه پنجم در تحقق نرخ رشد مورد نظر مربوط به انباشتگی عدم اجرای برنامه‌ها و قوانینی بوده که در برنامه چهارم تعیین شده بوده است. مطالعه گزارش‌های عملکرد قانون برنامه پنجم توسعه نشان می‌دهد غالب طرح‌هایی که مبنی بر تخصیص بودجه دولت برای اجرای آن طرح‌ها بوده‌اند عملاً به اجرا درنیامده‌اند. طرح‌هایی که حتی اگر به هنگام تدوین قوانین برنامه اعتبارات و تخصیص بودجه به درستی برای آنان در نظر گرفته می‌شد باز هم به دلایل مختلفی که وجود داشت موفقیت آن‌ها دشوار بود و محقق نمی‌شد. همچنین به دلیل آماده نبودن برنامه ششم توسعه، این برنامه برای یک سال تمدید گردید.

در برنامه ششم رشد اقتصادی متوسط سالانه هدف ۸ درصد در نظر گرفته شد اما در عمل رشد متوسط اقتصادی حدود ۲ الی ۳ درصد محقق شد. بر اساس اهداف برنامه در بازه زمانی سال ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ رشد تورم، نقدپنگی و بیکاری در متوسط سالانه به ترتیب ۱۷ و ۸,۸ و ۱۰,۲ تعیین شده اما شاخص آن بر اساس آمار نهادهای ذیربط وضعیت نامطلوبی را نشان می‌داد. اگر بخواهیم انحراف برنامه را مثلاً در حوزه رشد تورم سالانه بینم در بازه ۴ ساله مذکور در بحث کنترل تورم، سالی ۲۰ درصد و در مجموع ۴ ساله ۸۰ درصد انحراف داشته ایم. یا در بحث

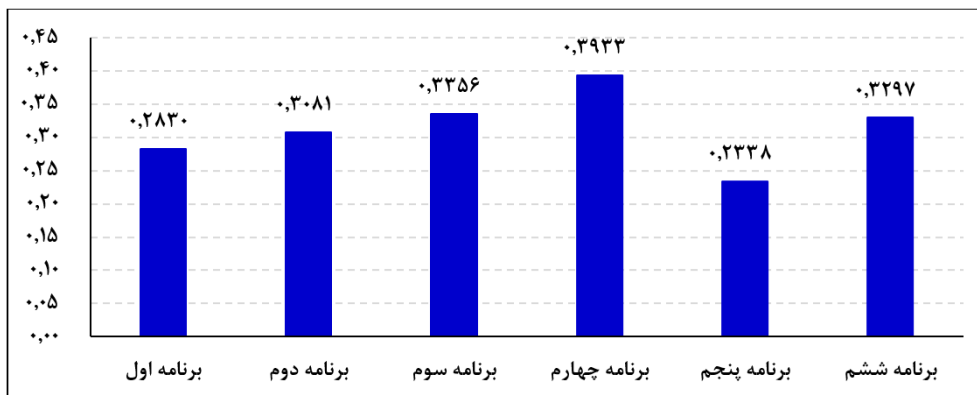
نقدینگی، ۲۷،۹ درصد سالانه انحراف داشته ایم که در مجموع ۴ ساله آن انحراف ۱۱۱ درصدی را به ارمغان آورد. در قانون برنامه ششم توسعه دستیابی به متوسط رشد سالانه ۸ درصد، سهم ۲،۸ درصد از رشد ۸ واحد درصدی سالانه از محل رشد بهره‌وری کل عوامل تولید، رشد سرمایه‌گذاری ناخالص سالانه ۲۱،۴ درصد، کاهش ضریب جینی کشور به ۰،۳۴ درصد، رشد متوسط نقدینگی سالانه ۱۷ درصد تبیین شده بود که با انحراف در عملکرد روبرو بوده‌اند. بسیاری از منابع درآمدی که برای برنامه ششم پیش‌بینی شده عملاً غیرقابل تأمین بود. در برنامه ششم منابع مالی خارجی برای سرمایه‌گذاری سالیانه حدود ۴۵ میلیارد دلار تعیین شد که حدود ۱۱ میلیارد آن از طریق سرمایه‌گذاری مستقیم و ۳۴ میلیارد آن از طرق دیگر تأمین مالی می‌شد. این درحالی است که در عمل تأمین مالی از طریق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سال ۱۳۹۵ تنها ۲ میلیارد دلار و سایر انواع سرمایه‌گذاری تقریباً صفر بود. سرمایه‌گذاری دولتی از طریق تملک دارایی‌های سرمایه‌ای سالیانه حدود ۱۰۵ هزار میلیارد تومان در نظر گرفته شد درحالی که این نوع سرمایه‌گذاری در سال‌های اخیر هیچگاه از ۳۰ هزار میلیارد تومان فراتر نبود. تأمین مالی در نظر گرفته شده از طریق بازار سرمایه (سالیانه ۹۵ هزار میلیارد تومان) بیش از سه برابر رقم فعلی آن و یک‌سوم ارزش کل بازار سهام بود. سهم درآمد نفتی از منابع بودجه عمومی طی سال‌های اخیر روندی کاهشی داشته است. البته این مسئله چندان با تصمیم‌گیری حاصل نشده بلکه به شکل تحمیلی رخ داده است. تحریم عملاً درآمدهای نفتی را از لیست منابع درآمدی دولت حذف کرد. طبق اهداف برنامه پنج‌ساله توسعه ششم مقرر شده بود که در انتهای برنامه نسبت منابع نفتی به کل منابع به ۳۴،۷ درصد برسد. مطابق با آمار اعلامی به‌رغم اینکه تحریم در طول این برنامه تشدید شد، کرونا و کاهش تقاضا نیز مزید بر علت شد تا میزان فروش نفت در این برنامه به کمترین میزان برسد. با اینکه کاهش نسبت منابع نفتی به کل منابع اقدام مناسب و ارزشمندی برای خودکفایی بودجه از اقتصاد نفتی ایران محسوب می‌شود ولی با این حال فاصله ۶ واحد درصدی با هدف تعیین شده محسوس بود. به عبارت دیگر این موضوع نشان از این دارد که حتی مطابق برنامه‌ریزی‌ها اقتصاد ایران انتظار کاهش زیاد منابع نفتی دولت را نداشته که در این برنامه اثر آن را می‌توان به‌صورت کسری بودجه قابل توجه ملاحظه کرد. کاهش سهم نفت در بودجه نه به شکل برنامه‌ریزی بلکه با اجبار تحریم صورت گرفت.

### بررسی میزان موفقیت برنامه بر اساس شاخص ترکیبی NSED

به‌منظور مقایسه و رتبه‌بندی برنامه‌های توسعه‌ای بعد از انقلاب در ایران، شاخص ترکیبی NSED (شاخص ملی اقتصادی-اجتماعی توسعه) با استفاده از رویکرد بازنگری صورت‌پذیرفته در گزارش توسعه انسانی سازمان ملل متحد و همچنین دستورالعمل‌های تولید شاخص‌های ترکیبی منتشرشده توسط کمیسیون اقتصادی سازمان ملل متحد برای اروپا، طراحی و مدل‌سازی شده است. این شاخص بر مبنای ۶ بعد مختلف (شامل محورهای توسعه

اقتصادی، توسعه سرمایه‌گذاری، توسعه انسانی، توسعه پایدار، توسعه تجاری و توسعه عمومی) و با استفاده از ۲۴ متغیر از منابع داخلی و خارجی (همانند رشد GDP، رشد سرمایه‌گذاری، بهره‌وری نیروی کار و سرمایه، شاخص توسعه انسانی، نرخ بیکاری، شاخص شدت مصرف انرژی، شاخص شدت کربن، تورم، اندازه دولت، سهم واردات در اقتصاد و...) بر اساس تکنیک وزن‌دهی یکسان (سهم ۴ درصدی هر متغیر در NSED محاسبه شده است. کلیه متغیرها با استفاده از ضریب محرومیت موریس رفع مقیاس شده و سپس طی دو مرحله با تکنیک میانگین‌گیری هندسی ادغام شدند. شاخص ترکیبی هدف NSED در حد فاصل صفر و یک (استاندارد) بیانگر میزان توسعه همه‌جانبه ملی در یک سال مشخص بوده که عدد یک بیانگر بیشترین مقدار برای توسعه همه‌جانبه کشور و صفر بیانگر کمترین مقدار آن است. نهایتاً از مقادیر سالانه NSED بر مبنای برنامه‌های پنج‌ساله، میانگین حسابی گرفته شده که بر اساس نتایج حاصله این تحقیق، برنامه سوم و چهارم موفق‌ترین برنامه‌ها و برنامه پنجم با کسب تنها ۰,۲۳۳۸، ضعیف‌ترین برنامه در دستیابی به توسعه همه‌جانبه مشخص شده‌اند.

مقایسه برنامه‌های توسعه‌ای در ایران با توجه به شاخص NSED - واحد ارقام بین صفر و یک (استاندارد)



منبع: گزارش دنیای اقتصاد بر اساس محاسبات تعریف شده در گزارش توسعه انسانی و دستورالعمل‌های تولید شاخص‌های ترکیبی منتشر شده توسط کمیسیون اقتصادی سازمان ملل متحد

تحلیل نتایج بیان می‌دارد برنامه‌های اول تا چهارم در مسیر بهبود قرار داشته‌اند (که به مفهوم افزایش قابلیت برنامه‌ها در ایجاد توسعه همه‌جانبه در کشور در بستر انجام اصلاحات بعد از جنگ و غیره میسر شده)، اما تشدید تحریم‌های همه‌جانبه آمریکا و در راستای جنگ ارزی علیه ایران، وقوع تحریم بانک مرکزی و تحریم خرید نفت از ایران در بهمن ۱۳۹۰ (سال اول برنامه پنجم)، باعث کاهش چشم‌گیر NSED در سال ۱۳۹۱ شده بطوریکه میانگین این شاخص برای برنامه پنجم از متوسط برنامه اول نیز کمتر شده است. تکانه وارده بیش از ۲۵ سال، روند تحقق توسعه همه‌جانبه در اقتصاد ایران را به تأخیر انداخته و عملاً با گرفتاری در بحران کرونا و تداوم ضعف

عملکردی طی برنامه ششم، این میزان عقب‌افتادگی جبران نشده است (مقادیر عملکردی برنامه ششم، بر اساس داده‌های اولیه و غیرقطعی محاسبه شده و پیش‌بینی می‌شود مقادیر واقعی NSED، کمتر از این میزان باشد). با وجود اینکه برخی از شاخص‌ها همانند شاخص توسعه انسانی (در نتیجه گسترش پیشرفت‌های عمومی، افزایش تسهیلات آموزش و...) طی بازه سی‌ساله کاملاً روند افزایشی داشته‌اند ولیکن دستاوردهای نهایی برنامه ششم (برآیند کلیه متغیرها در NSED، متأسفانه همچنان کمتر از دستاوردهای برنامه‌های چهارم و سوم و مؤید شکاف ۲۰ ساله در فرآیند توسعه همه‌جانبه است که می‌تواند بسیار نگران‌کننده باشد). اساساً برنامه‌ای که نتواند موجب غلبه بر موانع و بهبود وضع موجود شود، فاقد هرگونه کارایی و توجیه‌پذیری خواهد بود. همچنین مطابق نتایج آنالیز حساسیت، برنامه‌های سوم و چهارم به‌عنوان موفق‌ترین برنامه‌های توسعه‌ای (بعد از انقلاب) و همچنین برنامه‌های پنجم و اول با ضعیف‌ترین عملکرد، متمایز شده‌اند. بنابراین نحوه مدیریت، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری دارای چالش‌های اساسی می‌باشد<sup>۱</sup>.

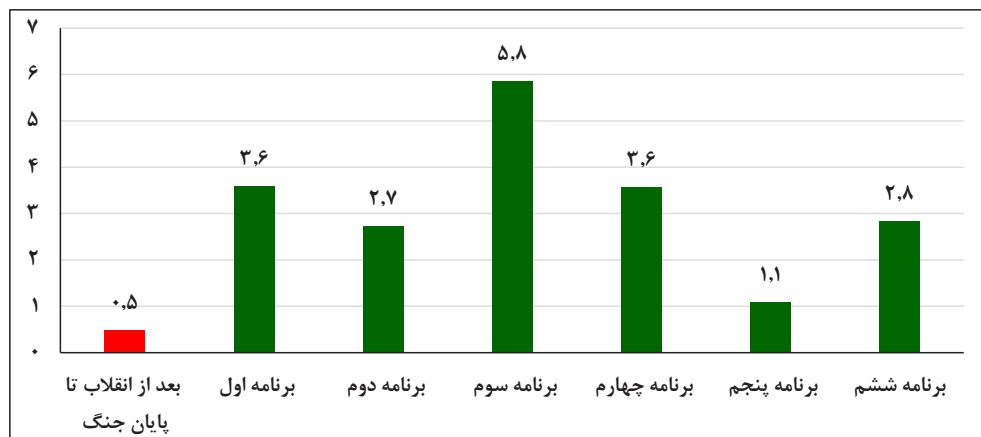
### مقایسه برنامه‌های توسعه‌ای با یکدیگر از برخی از شاخص‌های مهم اقتصادی

#### متوسط نرخ رشد اقتصادی

همانطور که در نمودار مشخص است نرخ رشد اقتصادی در دوره جنگ تحمیلی برابر ۵٫۰ درصد بوده است. این نرخ رشد با توجه به شرایطی که ایران در آن زمان داشت و بخش زیادی از صنایع و میادین نفتی کشور متحمل خسارت‌های زیادی از جانب جنگ شده بود، دور از انتظار نبود. با پایان جنگ و شروع بازسازی کشور و همچنین وجود ظرفیت‌های خالی در اقتصاد، رشد اقتصادی در ابتدای برنامه اول، مطلوب بود. اما در پایان برنامه اول، با شکست سیاست‌های تعدیل ساختاری و شروع سررسید وام‌های کوتاه مدت دریافتی توسط دولت وقت، رشد اقتصادی کند شد. برنامه دوم نیز از بسیاری جهات شبیه برنامه اول بود و نتوانست نرخ رشد اقتصادی مدنظر برنامه را محقق کند. با شروع برنامه سوم و بهبود روابط اقتصادی با سایر کشورها، رشد اقتصادی در این برنامه به رشد اقتصادی مناسب حدوداً ۶ درصد (مطابق با پیش‌بینی) رسید و این برنامه نسبت به برنامه‌های قبلی موفق‌تر عمل کرد. با این حال نرخ رشد اقتصادی ایران در برنامه چهارم توسعه، با وجود رشد بالای درآمدهای نفتی نتوانست آنچه مدنظر اهداف از پیش تعیین شده بود را برآورده کند. شروع تحریم‌های اقتصادی در ابتدای برنامه پنجم باعث شد نرخ رشد اقتصادی این برنامه و برنامه ششم توسعه به شدت تحت تأثیر قرار گیرد و به اقتصاد کشور آسیب جدی وارد شود.

۱. روزنامه دنیای اقتصاد، (۱۴۰۱)، علل ناکامی برنامه‌های توسعه، شماره خبر: ۳۸۸۱۶۹۹

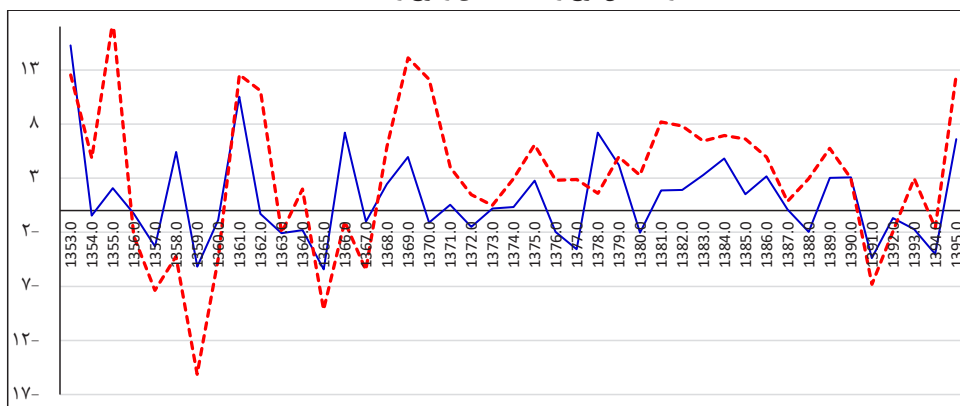
متوسط نرخ رشد اقتصادی در برنامه‌های توسعه‌ای ایران در هر سال برنامه‌های توسعه - (درصد)



منبع: بانک جهانی (<https://data.worldbank.org/indicator/NY.GDP.MKTP.KD.ZG>)

یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که در خصوص نرخ رشد اقتصادی مطرح می‌شود وابستگی بالای این نرخ با رشد قیمت نفت است. در نمودار زیر رابطه بین نرخ رشد اقتصادی و قیمت نفت مشخص است.

رابطه بین نرخ رشد اقتصادی و نرخ رشد قیمت نفت



منبع: بانک مرکزی ایران (راهنما: نرخ رشد قیمت نفت ♦ و نرخ رشد اقتصادی ♦)

همانطور که در نمودار بالا قابل مشاهده است رابطه معنادار و مثبتی بین این دو متغیر وجود دارد. هر زمانی که قیمت نفت افزایش پیدا کرده است، نرخ رشد اقتصادی ایران نیز روند صعودی داشته است و بالعکس در زمان

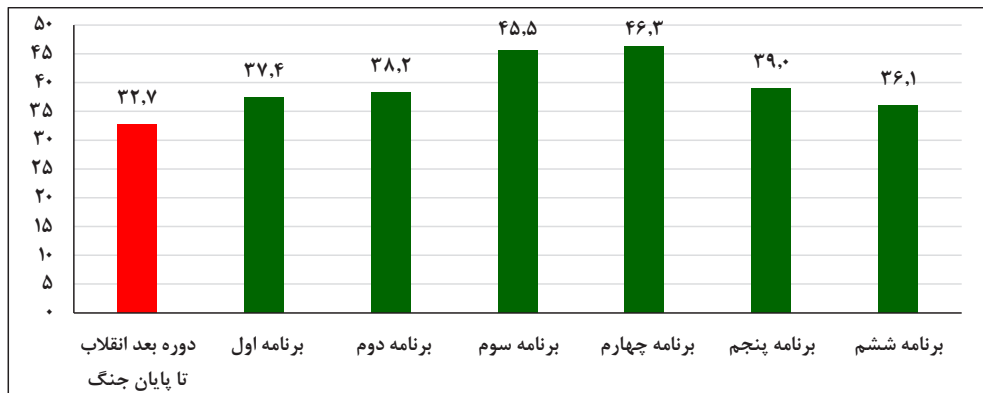
۱. تفاوت ارقام به دلیل تفاوت اندک آمار اعلامی بانک جهانی با مرکز آمار می‌باشد.

کاهش رشد قیمت، نرخ رشد اقتصادی نیز تنزل پیدا کرده است. این موضوع بیانگر آن است که اقتصاد کشور وابسته به درآمدهای نفتی می‌باشد. مشکل دیگری که در خصوص نرخ رشد اقتصادی ایران مطرح می‌شود این است که این متغیر به شدت نوسانی بوده و باعث پیش‌بینی‌ناپذیر شدن اقتصاد ایران گردیده که به تبع آن سرمایه‌گذاری نیز کاهش یافته است. به عبارتی دیگر یکی از مهمترین مشکلات و چالش‌های ساختاری اقتصاد ایران، پرنوسان و پائین بودن میانگین نرخ رشد اقتصادی است. نرخ رشد اقتصادی، سرعت افزایش یا کاهش تولید داخلی و به تبع آن سرعت بهبود یا کاهش سطح رفاه و برخورداری مردم را نشان می‌دهد. به علاوه شاخص‌هایی نظیر بیکاری و فقر عموماً تحت تأثیر تولید و رشد اقتصادی قرار دارند، به نحوی که رشد اقتصادی بالاتر، در بلندمدت به کاهش نرخ بیکاری و در صورت توزیع مناسب به کاهش سطح فقر می‌انجامد. با عنایت به اهمیت میزان تولید و رشد اقتصادی در هر جامعه، دستیابی به تولید بیشتر و نرخ رشد بالاتر، همواره دغدغه دولت‌ها بوده است. رشد اقتصادی در ایران عمدتاً به دلیل منابع محور بودن و نقش ناچیز بهره‌وری با دو معضل عمده، پائین بودن نرخ رشد اقتصادی و بی‌ثباتی و پرنوسان بودن آن روبرو است (همتی، ۱۴۰۳).

#### سهم هر بخش اقتصادی در هر برنامه

برای حرکت از اقتصاد سنتی به سمت اقتصاد مدرن لازم است سهم ارزش افزوده بخش صنعت و خدمات از تولید افزایش یابد و به سمت صنعتی سازی حرکت کند. آمار و ارقام گویای این است که سهم بخش صنعت از تولید ناخالص داخلی در دوره جنگ نسبت به سایر دوره‌ها مدنظر (بازه زمانی برنامه‌های توسعه‌ای)، کمتر بوده است. با توجه به شرایط کشور در جنگ تحمیلی، این موضوع دور از انتظار نبود. با این حال روند افزایش سهم بخش صنعت از تولید کشور در برنامه‌های اول تا چهارم، صعودی بود. به طوری که از متوسط ۳۷ درصد در برنامه اول به ۴۶ درصد در برنامه چهارم رسید. اما با شروع تحریم‌های ضالمانه غرب، سهم بخش صنعت از تولید کشور افت شدیدی یافت و باعث شد تولیدات بخش صنعتی کشور با توجه به محدودیت صادرات محصولات و واردات کالاهای و خدمات مورد نیاز کاهش یابد.

متوسط سهم ارزش افزوده بخش صنعت و معدن (شامل ساخت و ساز) از تولید ناخالص داخلی در هر سال برنامه‌های توسعه - (درصد)



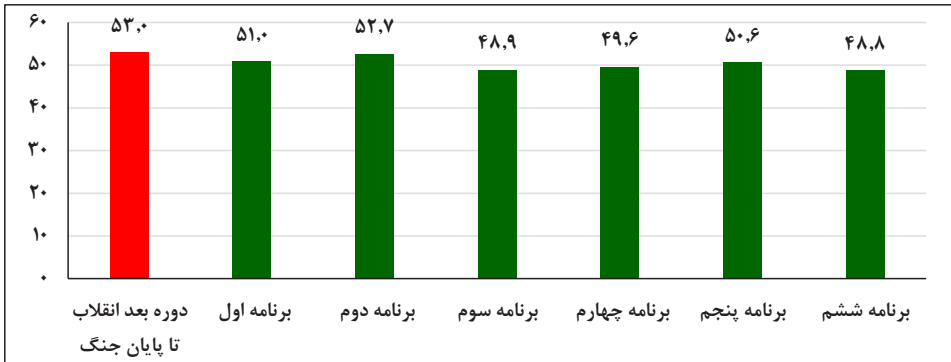
منبع: بانک جهانی

همانطور که از نمودار مشخص است سهم بخش صنعت در چند سال اخیر کاهش یافته است. در حقیقت صنعت موتور محرکه توسعه سایر بخش‌هاست. تا زمانی که برای توسعه صنعتی به نقشه راهی نرسیم حمایت‌ها منجر به ماندگاری وضعیت فعلی می‌شود. رهبر معظم انقلاب<sup>مدظله العالی</sup> در خصوص توسعه بخش صنعتی می‌فرمایند: «نقشه کلان راهبردی صنعت، خیلی چیز مهمی است؛ این را دنبال کنید. ما نیاز داریم به اینکه سندی تهیه بشود؛ در این زمینه باید سند نقشه راهبردی صنعتی کشور را تهیه کنید و این را تصویب کنید. یکی از دوستان اشاره کردند که با رفت‌وآمد دولت‌ها و تغییر دولت‌ها، [برنامه] نباید تغییر پیدا کند. این‌ها اگر چنانچه به صورت یک سند مصوب قانونی مستمری در دسترس باشد، از آن در طول سال‌های متمادی استفاده می‌شود.» این جملات بخش‌هایی از بیانات رهبر انقلاب در دیدار تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی است. از زمان آغاز فرایند صنعتی‌شدن در کشور و با وجود پیشرفت‌های صنعتی چشم‌گیری که بعد از انقلاب رقم خورد، توسعه صنعتی بدون وجود نقشه راه مشخصی انجام شده است. اگرچه در حال حاضر طیف وسیعی از صنایع در بخش دولتی و با حمایت‌های مختلف دولتی در بخش خصوصی وجود دارند اما توسعه آن‌ها در سال‌های گذشته بر اساس الگوی بهینه توسعه صنعتی (مبتنی بر مزیت‌های نسبی و ارزیابی هزینه فرصت گزینه‌های مختلف) صورت نگرفته است. بدیهی است که موضوع آمایش سرزمین نیز عملی نشده است به طوری که بر اساس آن بدانیم استقرار کدام صنایع با چه منطقی بر اساس ارزش‌افزوده آن‌ها و زنجیره تأمین آن‌ها و اقتضائات فرهنگی و اجتماعی جامعه ایران، در چه مناطقی برای ما ضرورت دارد.

علاوه بر این نمودار مقابل سهم بخش خدمات را از تولید نشان می‌دهد که گویای این است که بخش خدمات تقریباً در تمامی برنامه‌ها نزدیک به ۵۰ درصد از تولیدات کشور را به خود اختصاص داده است. یکی از دلایل اصلی که بخش خدمات نسبت به دو بخش دیگر سهم بیشتری به خود اختصاص داده این است که اولاً این بخش نیاز

به سرمایه کمتری برای شروع دارد و ثانیاً دوره بازگشت سرمایه در این بخش نسبت به دو بخش دیگر سریع‌تر است.

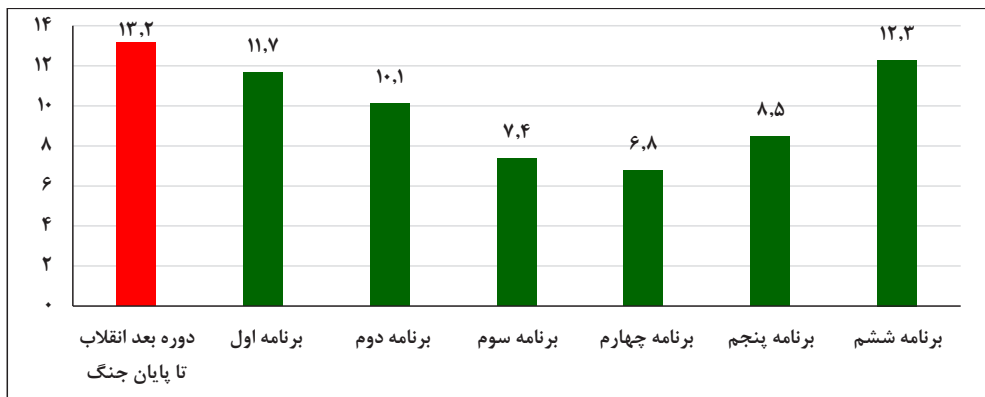
متوسط سهم ارزش افزوده بخش خدمات از تولید ناخالص داخلی در هر سال برنامه‌های توسعه - (درصد)



منبع: بانک جهانی

همچنین مطابق با نمودار زیر سهم بخش کشاورزی از تولید کشور بعد از انقلاب اسلامی روند نزولی داشته و از سهم ۱۳,۲ درصد در دوره جنگ تحمیلی به ۶,۸ درصد در برنامه چهارم رسید. اما با شروع تحریم‌ها و کاهش سهم بخش صنعت از تولید کشور، سهم بخش کشاورزی در برنامه پنجم و ششم روند صعودی به خود گرفت؛ بطوریکه که در برنامه ششم این سهم به نزدیک ۱۲,۸ درصد رسید.

متوسط سهم ارزش افزوده بخش کشاورزی از تولید ناخالص داخلی در هر سال برنامه‌های توسعه - (درصد)

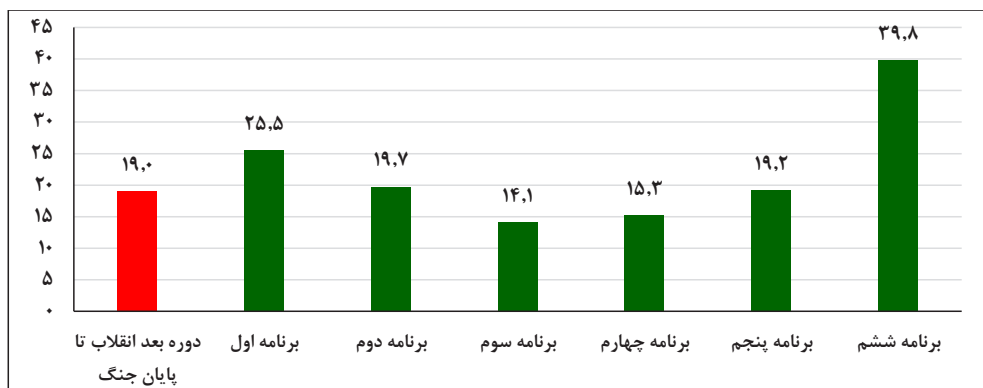


منبع: بانک جهانی

### نرخ تورم

بر اساس نمودار زیر، متوسط نرخ تورم ایران در تمامی برنامه‌ها دو رقمی می‌باشد. بطوریکه در برنامه ششم حتی متوسط نرخ تورم نزدیک به ۴۰ درصد رسیده است. کمترین میزان نرخ تورم در برنامه سوم اقتصاد افتاد که رشد اقتصادی بالایی نیز در این برنامه رقم خورد.

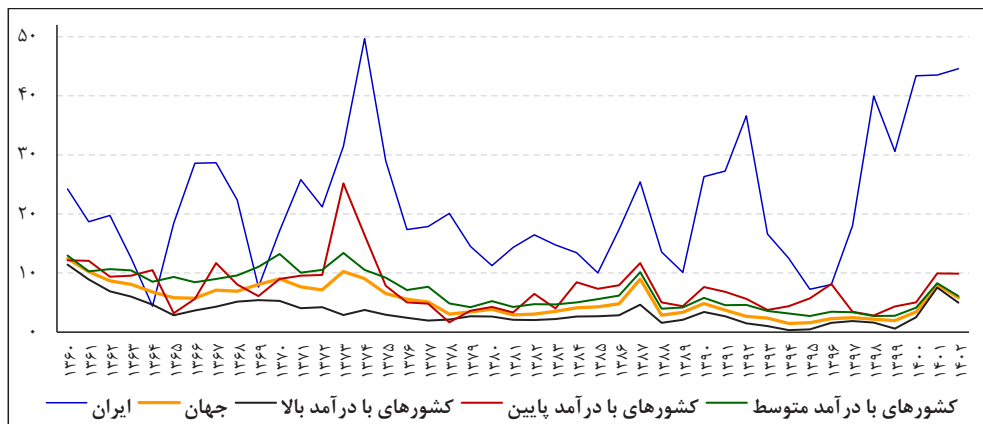
متوسط نرخ تورم در هر سال برنامه‌های توسعه - (درصد)



منبع: بانک جهانی

وجود نرخ تورم بالا باعث شده است که اقتصاد ایران دچار مشکلات بسیار زیادی هم در بخش عرضه و هم در بخش تقاضا باشد. اگر به نمودار زیر نگاهی بیندازیم خواهیم دید که نرخ تورم از متوسط جهانی و تمامی گروه‌های درآمدی حتی کشورهای کم درآمد، بسیار بیشتر و نوسانی‌تر است.

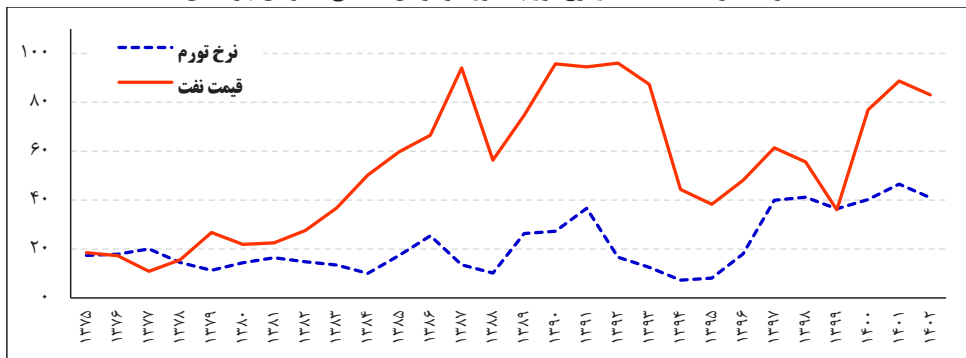
مقایسه نرخ تورم کشور ایران و سایر گروه‌های درآمدی



منبع: بانک جهانی

افزایش نرخ تورم هم به خاطر عوامل داخلی نظیر مدیریت نادرست منابع و سیاست‌های اشتباه و هم به دلیل عوامل خارجی مانند تحریم‌ها بوده است. بطور نمونه تا چند سال گذشته درآمدهای نفتی بخش قابل‌توجهی از درآمدهای بودجه را تشکیل می‌داد. درآمدهای نفتی به دلیل نوسانات جهانی قیمت نفت و امکان تحریم فروش آن توسط کشورهای غربی، متغیری خارج از کنترل دولت است و دشمنان کشور به راحتی توانسته‌اند از طریق کاهش فروش نفت ایران و یا کاهش قیمت جهانی آن، روی اقتصاد کشور و درآمدهای دولت اثر مخربی بگذارند. مشکل دیگری که درآمدهای نفتی کشور داشته است این است که درآمدهای نفتی یک اثر موافق سیکلی یا موافق چرخه‌ای با نرخ تورم کشور داشته است. عبارتی زمانی که درآمدهای کشور افزایش یافته و کشور وارد رونق شده است، دولت اقدام به افزایش مخارج خود در اقتصاد کرده، که این امر منجر به افزایش نقدینگی و افزایش تورم گردیده و به اصطلاح یک سیاست مالی انبساطی رقم خورده است؛ در صورتی که سیاست بهینه این بود که در شرایط رونق، دولت یک سیاست مالی انقباضی (کاهش مخارج دولت و ذخیره منابع ارزی در صندوق توسعه ملی برای سال‌هایی که کشور با کمبود منابع مواجه است) در نظر بگیرد. بر عکس سال‌هایی که کشور با رکود مواجه شده و درآمدهای نفتی کشور تنزل یافته، دولت نیز به دنبال کاهش درآمدهای نفتی، مخارج خود در اقتصاد کاهش داده و یک سیاست مالی انقباضی در نظر گرفته و همین موضوع منجر به تشدید رکود در اقتصاد شده است. در صورتی که سیاست بهینه در این شرایط سیاست مالی انبساطی بوده است تا از این طریق تقاضا افزایش و کشور از رکود خارج گردد. این شرایط در نمودار نیز قابل رویت است.

نحوه تغییرات قیمت نفت و نرخ تورم کشور (اثر موافق سیکلی یا موافق چرخه‌ای)



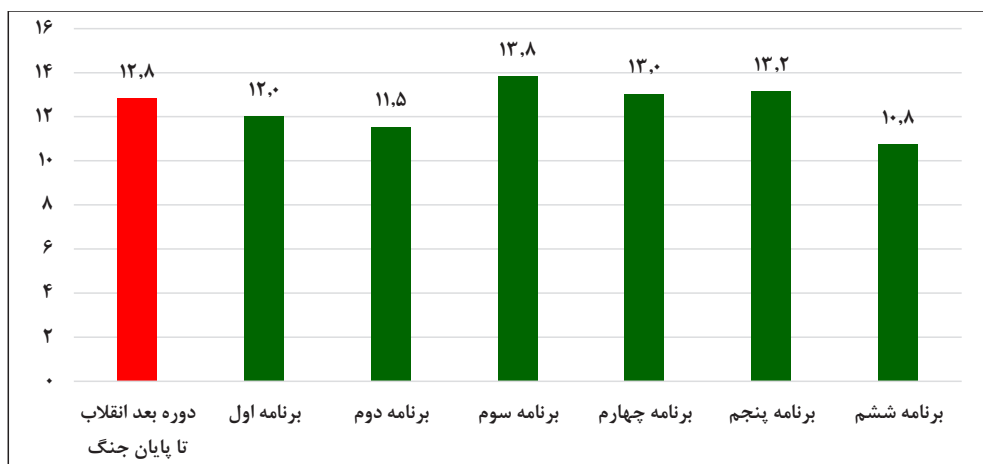
منبع: آژانس بین‌المللی انرژی و مرکز آمار ایران

### نرخ بیکاری

همانطور که در نمودار بعدی مشخص است، پس از جنگ تحمیلی به دلیل وجود ظرفیت‌های خالی در اقتصاد نرخ بیکاری در کشور کاهش یافت. اما این روند کاهشی در برنامه‌های بعدی متوقف شد و نرخ بیکاری افزایش یافت.

با این حال در برنامه ششم با توجه به سیاست‌هایی اشتغال‌زایی که در نظر گرفته شد متوسط نرخ بیکاری به کمترین مقدار خود نسبت به سایر برنامه‌ها دست یافت.

متوسط نرخ بیکاری در هر سال برنامه‌های توسعه - (درصد)

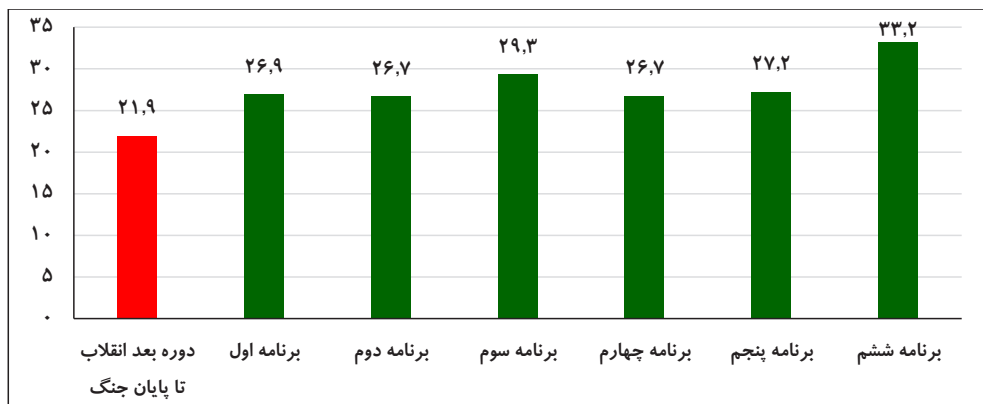


منبع: مرکز آمار ایران

### رشد نقدینگی

یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی که اقتصاد ایران با آن مواجه است رشد بالای نقدینگی می‌باشد. البته رشد نقدینگی به خودی خود برای پویایی اقتصاد امری مطلوب است اما اینکه منشأ ایجاد این نقدینگی به چه صورت است و آیا این نقدینگی به سمت بخش حقیقی اقتصاد یعنی تولید حرکت می‌کند یا به سمت فعالیت‌های نامولد، باید مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد. عوامل ایجاد نقدینگی در دوره‌های مختلف متفاوت است. از ابتدای انقلاب اسلامی تا شروع برنامه سوم، افزایش خالص بدهی دولت به بانک مرکزی نقش اصلی را در افزایش رشد نقدینگی داشته است. با توجه به اینکه در طول جنگ تحمیلی و پس از آن برای بازسازی کشور، دولت نیاز به منابع مالی داشت، این موضوع دور از انتظار نیست. در طول دهه ۸۰ شمسی (برنامه سوم و چهارم توسعه) با افزایش قیمت نفت و به تبع آن افزایش ذخایر ارزی، در بیشتر سال‌ها افزایش نقدینگی از جانب افزایش خالص دارایی‌های خارجی اتفاق افتاد. البته برای برخی سال‌ها افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی نیز متغیر بسیار اثرگذار بر رشد نقدینگی بوده است. اما در طول برنامه پنجم و ششم توسعه با شروع تحریم‌ها و کاهش منابع مالی دولت، بدهی دولت به بانک مرکزی در اکثر سال‌ها نسبت به سایر متغیرها نقش بیشتری را در رشد نقدینگی کشور داشته است. البته در این مدت نمی‌توان از افزایش بالای بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی نیز چشم‌پوشی کرد.

متوسط نرخ رشد نقدینگی در هر سال برنامه‌های توسعه - (درصد)

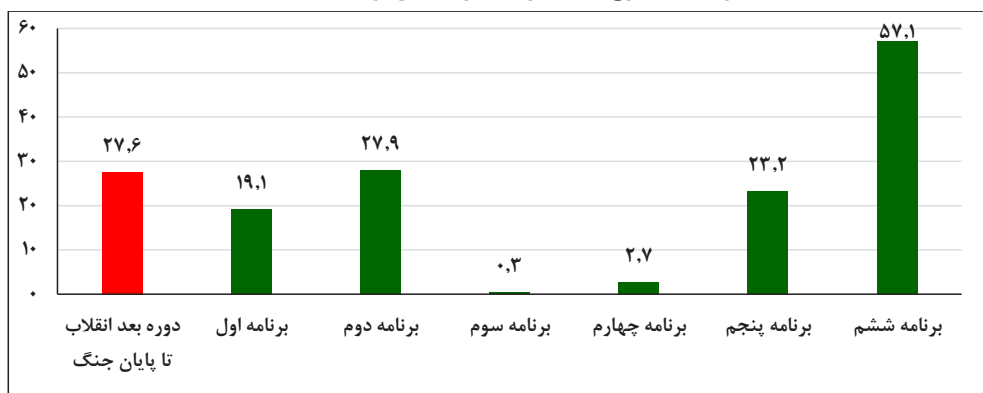


منبع: بانک مرکزی ایران

### نرخ ارز

متوسط رشد نرخ ارز بجز در برنامه سوم و چهارم توسعه، در بقیه برنامه‌ها بالا و دو رقمی بوده است. در دهه ۸۰ و همزمان با شروع برنامه سوم، سیاست تک نرخی ارز اجرا شد. علاوه بر این در دهه ۸۰ و همزمان با اجرای برنامه سوم و چهارم، با افزایش قیمت نفت، ذخایر ارزی ایران افزایش چشم‌گیری داشت که از این طریق دولت توانست رشد نرخ ارز را کنترل کند. با این حال با شروع تحریم‌ها در طول برنامه پنجم و ششم و افزایش بی‌ثباتی اقتصاد، نرخ ارز بشدت افزایش یافت. بطوریکه در برنامه ششم به طور متوسط در هر سال نرخ ارز به میزان ۵۷ درصد رشد ثبت کرده است.

متوسط رشد نرخ ارز در هر سال برنامه‌های توسعه - (درصد)

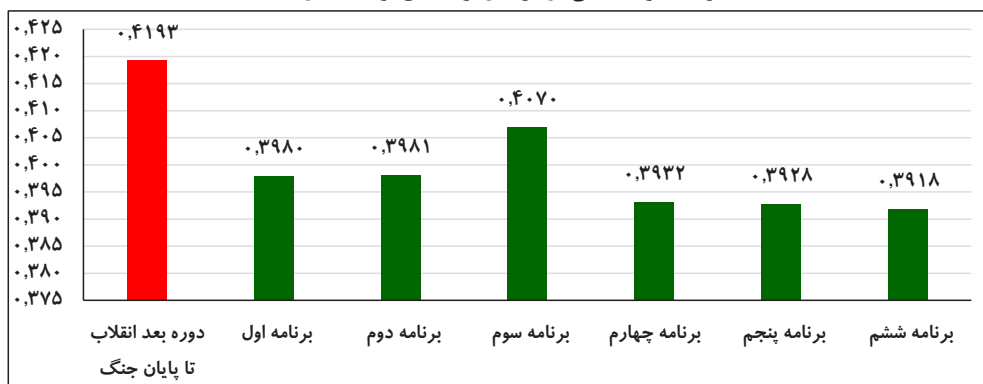


منبع: بانک مرکزی ایران

### ضریب جینی

ضریب جینی به عنوان شاخصی که نشان دهنده میزان اختلاف طبقاتی و نابرابری در جامعه است بیانگر این موضوع است که میزان نابرابری در طول برنامه‌های گذشته (بجز برنامه سوم) روند کاهشی داشته است و مقدار آن برای برنامه ششم به کمترین مقدار خود رسیده است.

متوسط ضریب جینی در هر سال برنامه‌های توسعه - (درصد)

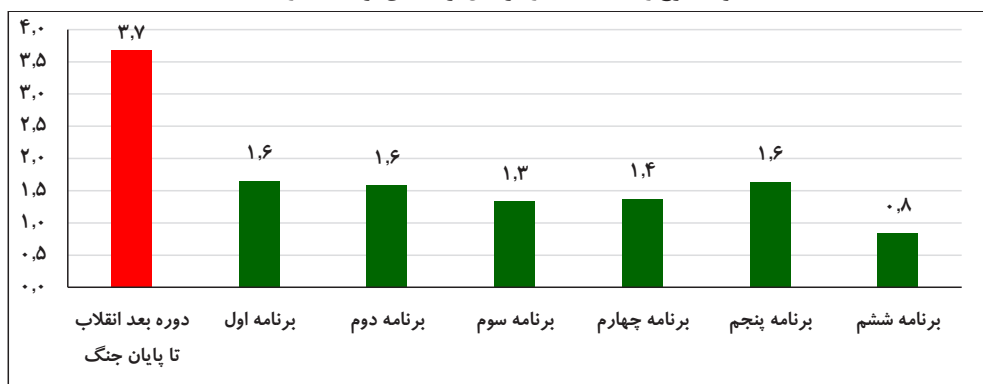


منبع: بانک جهانی

### نرخ رشد جمعیت

همانطور که در نمودار زیر مشخص است نرخ رشد جمعیت از گذشته تا به امروز روند نزولی داشته است و مقدار آن برای برنامه ششم توسعه به کمترین مقدار خود رسیده است. یکی از دلایل اصلی کاهش نرخ جمعیت، مشکلات اقتصادی است که باعث کاهش قدرت خرید خانوار شده و روی فرزندآوری خانوار نیز تأثیر منفی گذاشته است.

متوسط نرخ رشد جمعیت در هر سال برنامه‌های توسعه - (درصد)

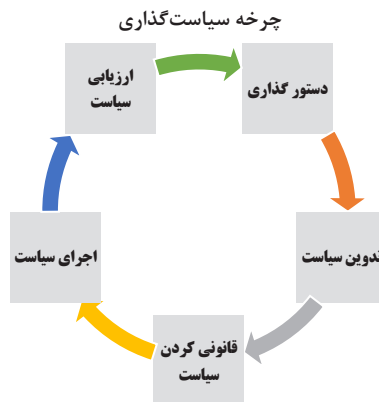


منبع: مرکز آمار ایران

## چرایی عدم موفقیت سیاست‌گذاری‌ها

## الف) چرخه سیاست‌گذاری

یکی از متداول‌ترین راه‌های ساده کردن سیاست‌گذاری عمومی به منظور فهم و تجزیه و تحلیل آن، تجزیه آن به مجموعه‌ای از مراحل مشخص و تلقی آن به عنوان یک فرآیند است؛ که به این توالی، مراحل چرخه سیاست‌گذاری نامیده می‌شود. در مورد مراحل فرآیند سیاست‌گذاری مدل‌های گوناگونی تنظیم شده که صرف نظر از پاره‌ای اختلافات در راه انتخاب بهترین گزینه باید گام‌های مشابهی برداشته شود. در شکل زیر یکی از متداول‌ترین مدل‌های چرخه سیاست‌گذاری ترسیم شده است. اولین گام در این فرآیند، تشخیص و تعریف (دستورگذاری) است. البته صاحب نظران سیاست‌گذاری اتفاق نظر دارند که مراحل سیاست‌گذاری آن گونه که در مدل چرخه سیاست‌گذاری از یکدیگر تفکیک شده قابل جداسازی و ساده سازی نیستند و همپوشانی دارند. با این حال جداسازی مراحل فرآیند سیاست‌گذاری به فهم بهتر آن کمک می‌کند در ادامه هر مرحله به اختصار توضیح داده شده است.



Source: Based on figure 20.1 in Knill and Tolsun (2008)

**مرحله اول؛ دستورکار:** فرایندی که نشان می‌دهد یک مسئله چگونه در سطح جامعه مطرح گردیده و سازمان مسئول آن را برای تجزیه و تحلیل و یافتن راه حل در اولویت بررسی قرار می‌دهد، فرآیند دستور کار است. کوب و روس دستور کار را فرایندی تعریف کرده‌اند که از طریق آن خواسته‌های گروه‌های مختلف جامعه به مقوله‌های متعارض تبدیل می‌شوند تا توجه جدی مقامات دولتی را به خود جلب نمایند. دولت‌ها با در دستور کار قراردادن یک مسئله هویت آن مساله را مورد تأیید قرار داده و بر بعضی دیگر از مسائل چشم می‌بندد تا آن‌ها را از اولویت ساقط نمایند. عوامل مؤثری از جمله گروه‌های اجتماعی و ذی نفوذ، ذی نفع، فشار و غیره فعال اند تا مسائلی به صورت اولویت دار جلوه نمایند. نقش این عوامل با نقش دولت در تقابل و تعارض است. شواهد تجربی نشان می‌دهد که فرایند سیاست در بسیاری از موارد بوسیله اعضا دولت و نه گروه‌های اجتماعی تعیین می‌شود.

**مرحله دوم؛ طراحی سیاست:** مطالعاتی که بر روی چگونگی طراحی سیاست‌ها انجام شده است، نقش مهم بازیگران را در طراحی سیاست‌های پیشنهادی و ارائه گزینه‌های مختلف برجسته می‌کند. برخلاف مرحله دستورکار که ممکن است بازیگران زیاد و حتی شهروندان در آن نقش فعالی داشته باشند، تعداد افراد دخیل در این مرحله به مراتب محدودتر است. در واقع بازیگرانی می‌توانند در مرحله طراحی سیاست‌ها دخالت داشته باشند که هم نسبت به موضوع و هم نسبت به شرایط موجود بر دستگاه سیاست‌گذاری آگاهی و دانش لازم را داشته باشند. در این مرحله پس از بررسی چالش‌ها و مشکلات، راهکارهای رفع آن‌ها ارائه می‌گردد.

**مرحله سوم؛ تقنین سیاست:** در علم حقوق، قانون گاهی به معنی عام و گاهی به معنی خاص به کار گرفته می‌شود. قانون به معنی عام، هر قاعده یا دستور کلی است که از طرف قدرت حاکمه کشور وضع و اطاعت از آن اجباری است. پس قانون به معنای عام شامل قانون اساسی، قانون‌های مصوب مجلس، و مصوبات هیئت دولت اطلاق می‌شود. قانون به معنی خاص را قوه مقننه وضع می‌کند که به عنوان نمونه می‌توان در ایران به قانون انتخابات ریاست جمهوری، قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی و قوانین مربوط به شرایط قضا و ارکان قوه قضائیه اشاره کرد. در مرحله قبلی پس از بررسی مشکلات و چالش‌ها، بهترین استراتژی انتخاب می‌شود. حال لازم است برای اینکه این سیاست اعتبار پیدا کند، از طریق نهادهای مورد تأیید در قالب قانون به تصویب برسد.

**مرحله چهارم؛ اجرای سیاست:** یک سیاست، توسط واحدهای اجرایی مربوطه تا برای رسیدن به یک هدف خاص ضمن بسیج منابع مالی و انسانی به مرحله اجرا گذاشته می‌شود.

**مرحله پنجم؛ ارزیابی:** آخرین مرحله در چرخه سیاست، مرحله ارزیابی سیاست است. سیاست‌گذاری، قرار است که در حل مشکل مشارکت کند یا حداقل در کاهش مشکلات نقش داشته باشد. در مرحله ارزیابی چرخه سیاست‌گذاری، نتایج در نظر گرفته شده سیاست‌ها در مرکز توجه قرار می‌گیرد. در نهایت منطق هنجاری قابل قبولی که سیاست‌گذاری می‌بایست در برابر اهداف مورد نظر و تأثیرات آن به کار می‌برد نقطه آغازین ارزیابی می‌شود. در تحقیقات اولیه تصور می‌شد که ارزیابی به معنی بررسی میزان دست یافتن یک سیاست به اهدافش است. اگر هم سیاستی نتوانسته بود به اهداف از پیش تعیین شده برسد، دلایل عدم موفقیتش بررسی می‌شد. دیوید ناچمیاس ارزیابی سیاست را اینگونه توصیف می‌کند: «بررسی عینی، تجربی و روش‌مند اثرات سیاست‌های جاری بر روی اهداف مشخص شده با توجه به انتظاری که از سیاست می‌رود». با این وجود ارزیابی نه تنها با مرحله پایانی چرخه سیاست‌گذاری مرتبط است بلکه با مرحله خاتمه یا مرحله طراحی مجدد بر مبنای مسائل تغییر یافته در طول فرآیند و هم چنین مرحله دستور کار سیاست‌گذاری مرتبط است.

### ب) مشکلات چرخه سیاست‌گذاری در ایران<sup>۲</sup>

در ادامه به برخی از مهم‌ترین چالش‌های حال حاضر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی ایران پرداخته می‌شود:

<sup>۱</sup> David Nachmias

<sup>۲</sup> . با اقتباس از مطالعات مختلف نظیر احمدی نژاد و همکاران (۱۴۰۰)، کمالی و همکاران (۱۴۰۰) و غیره.

**مشکلات مربوط به ماهیت سیاست و دستور کار**

از جمله مشکلات و چالش‌های این حوزه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

عقلانیت محدود و انباشت مسائل حل نشده

توجه بیش از حد به بخش دولتی نقش نداشتن بخش خصوصی و مردم در این فرآیند

توجه به اهداف مجرد، بخشی‌نگری و جز‌نگری

عدم پیش‌بینی اثرگذاری شاخص‌های اقتصادی بر یکدیگر

فقدان تعریف شاخص‌های قابل سنجش برای بررسی اهداف

جامعیت بیش از حد برنامه‌ها

وجود تعارض منافع و منفعت طلبی برخی گروه‌ها یا جریان‌ها در این مرحله

ابهام قانونی و عدم وجود استراتژی مشخص در خصوص تعیین مسئله یا چالش برای ارائه دستورکار

فشار گروه‌های ذی نفع به نهادهای مربوطه

طولانی بودن فرآیند موردنظر

دستوری بودن ماهیت برنامه‌ها

تعدد مسائل و مشکلات معرفی شده در دستور کار که منجر به تصویب قوانین غیرضروری در مراحل بعدی می‌شود

نبود انسجام و یکپارچگی برنامه‌ها به دلیل رعایت نکردن الزامات بین بخشی

عدم همخوانی و هماهنگی با قوانین و مقررات سابق

عدم اتکا به روش روشن در طراحی سیاست‌ها و برنامه‌های مدنظر

وجود ضعف تئوریک و چالش‌های مفهومی در تعیین دستورکار مناسب

خلأ نگرش سیستمی و فقدان مبانی نظری

تسلط نگرش اقتصادی بیش از حد به موضوعات مختلف

نبود تعریفی روشن از مفهوم توسعه و سیاست‌گذاری

ایستا بودن برنامه

نبود نگرش کل‌گرا و نظام مند

### مشکلات مربوط به تدوین و شکل‌گیری سیاست

از جمله مشکلات و چالش‌های این حوزه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

ساده سازی ناصحیح مسائل پیچیده  
عدم توجه کافی به شرایط داخلی و بین‌المللی  
عدم تناسب طرح‌ها و سیاست‌های مطرح شده در برنامه‌ها با واقعیات روز حاکم بر کشور  
مشکلات ساختار سیاسی-اجتماعی  
ساختار متمرکز نظام سیاسی و اداری کشور  
دخالت بیش از حد دولت و نهادهای مربوطه در امر برنامه‌ریزی  
طولانی شدن فرآیند تدوین سیاست و عدم تدوین به موقع سیاست‌ها  
استفاده از تجربیات و روش‌های انجام شده در سایر کشورها بدون مطالعه و توجه به ملاحظات و مقتضیات خاص جامعه ایران  
عدم وجود فلسفه مدلی مبتنی بر جهان بینی، ارزش و اصول حاکم بر روند توسعه اسلامی کشور  
وابستگی بخش اعظم درآمد ملی کشور به نفت و فرآورده‌های جانبی و افزایش میزان آسیب پذیری نظام برنامه‌ریزی کشور  
عدم نظام اطلاعاتی کارآمد به منظور تدوین سیاست‌های مناسب  
فقدان یا کمبود برنامه‌ریزی فضایی و منطقه‌ای در برخی بخش‌ها  
توجه ناکافی به توازن منطقه‌ای  
عدم توجه مطلوب به نقش مطالعات عمیق و کاربردی جهت شناسایی نارسایی‌های سیاست‌های قبلی  
نبود فرهنگ برنامه‌ریزی در کشور بطوریکه برخی سال‌ها حتی برنامه‌های قبلی تمدید گردیده است  
عدم تطابق برنامه‌ها یا نهادهای مختلف که دیدگاه متفاوتی دارند: هر برنامه توسعه‌ای حداقل با دو دوره دولت و دو دوره مجلس تلاقی پیدا می‌کند که زمینه‌ای برای بروز تعارض‌ها در نحوه نگرش و عمل به این برنامه بلندمدت بوجود می‌آید  
عدم توجه به در هم تنیده بودن ابعاد مختلف برنامه‌ای و ارتباط علی و معلولی برنامه‌ها با یکدیگر  
استفاده ناکافی از نخبگان ملی و محلی در امر برنامه‌ریزی  
عدم خلاقیت و نوآوری و افول تدریجی و کم اعتباری دانشگاهیان در تدوین برنامه‌ها  
عدم همخوانی اهداف برنامه با نظریه‌های اقتصادی  
شفاف نبودن و ناسازگاری اهداف و عدم انسجام درونی مستندات برنامه  
محدودیت دامنه پذیرش محتوای برنامه  
اطلاعات ناقص و به روز نبودن اسناد

مشکلات مربوط به قانونی کردن سیاست‌ها

از جمله مشکلات و چالش‌های این حوزه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- عدم اجماع نظر نخبگان سیاسی، احزاب، گروه‌های سیاسی و غیره
- عدم اقناع سازی مردم در خصوص برخی از سیاست‌ها
- تأخیر در اجرای سیاست‌ها و برنامه‌ها
- توقف اجرای برخی سیاست‌ها با ایجاد تداخل دوره‌های مدیریتی در اجرای یک برنامه
- اختلاف نهادهای مربوطه در امر اجرای سیاست‌ها
- فقدان طراحی و الحاق سازوکارهای ارتباطی
- عدم تعیین سازگاری تدوین کنندگان و مجریان
- نبود برنامه‌ریزی‌های مدون و نظام‌مند در سطح کلان در جهت پیوند نخبگان جامعه و طبقه حاکمیتی
- افتراق نهادهای برنامه‌ریز و سیاست‌گذار از مردم و مراکز علمی
- عدم تکمیل و تشریح فرآیند مشارکت مردم و بخش خصوصی و نبود بسترهای لازم و مطلوب به منظور جلب مشارکت آن‌ها
- بی توجهی مشاوران تهیه کننده برنامه‌های منطقه‌ای به لزوم مشارکت کارشناسان با تخصص‌های مرتبط با برنامه‌ریزی منطقه‌ای
- انباشت و عدم انتقال تجارب به دلیل موقت بودن بودن تشکیل ستاد تدوین در کنار تعویض پیاپی شخصیت‌های حقوقی عضو ستاد و شورای برنامه‌ریزی
- عدم تفاهم متقابل در بخش‌های ذی نفع و ذی نفوذ جامعه
- مداخله افراد غیر کارشناس در برخی موارد که درک غیر واقعی از وضعیت جامعه و کشور دارند
- کم توجهی به ظرفیت سازی محلی و منطقه‌ای
- عدم مدیریت تعارض منافع
- عدم مشارکت گروه‌های مختلف در تدوین سیاست

### مشکلات مربوط به اجرای سیاست

از جمله مشکلات و چالش‌های این حوزه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- تأخیر زمان متبوع رویدادهای پسینی
- نبود ضمانت اجرای برنامه و سیاست‌ها
- غلبه رویکردهای کمی و فنون اقتصاد سنجی بر تحلیل‌های سیاستی
- فقدان پیوند بین بودجه سالیانه با برنامه‌های مصوب
- منعطف نبودن سیاست‌ها و برنامه‌ها
- سیاست‌گذاری غیر تعاملی و وجود تعارض منافع
- مشخص نبودن اهداف کمی و کیفی و پیش‌بینی نشدن اهداف
- تداخل سیاست‌ها و دستورهای متفاوت
- حجم زیاد سیاست‌ها
- عدم رابطه منطقی بین برنامه با اهداف
- تمرکز بر اثر بخشی و غفلت از اهداف کمی و کیفی
- فقدان ارتباط منطقی جداول کمی و محتوای برنامه‌ها
- نگرش متفاوت دولت‌ها نسبت به برنامه‌ها
- نداشتن تمرکز تصمیم در سطح کلان
- کمیبود وفاق درون و بین مراجع سیاست‌گذاری و اجرا
- بی‌اعتمادی مجریان به سیاست‌ها
- نادیده گرفتن ذی نفعان
- عدم درک مجریان و عدم انگیزه آنان
- فقدان اراده سیاسی دولت
- ضعف در آموزش مجریان و ناآشنایی مجریان با برنامه
- عدم تعهد و مهارت سیاسی و مدیریتی؛ عدم تمکین مجریان
- وجود منافع پنهان قانون‌گذاران، مجریان و ناظران
- ضعف سازوکارها و تناقض ایدئولوژی بین تدوین‌کنندگان و مجریان
- عدم شفافیت در اجرای برنامه‌ها

نزاع‌های سیاسی و ناهماهنگی رفتارهای سیاسی

عدم مسئولیت پذیری

تعارض سیاست‌ها با ارزش‌های فردی مجریان

بی‌ثباتی مدیریتی

مشارکت محدود بخش خصوصی و اقشار مختلف جامعه

پیچیدگی و پیوندهای غیر مرتبط قوانین

وجود چند سازمان در مرحله اجرا و ضعف کار گروهی

عدم نظارت در حین اجرا

عدم هماهنگی قوانین

نابسامانی و عدم هم افزایی کارکردهای دستگاه‌ها

ساختار موازی نهادها

نداشتن نظام کنترل و ارزشیابی مناسب

مشکلات زمانی و عدم زمان بندی در اجرای برخی سیاست‌ها

گسترده‌ی تحولات سیاسی و اقتصادی و تأثیر آن بر روی اجرای سیاست‌ها

بی‌توجهی به شرایط محیطی و برنامه‌ریزی راهبردی

عدم شرایط برای اجرا و عوامل خارجی نامساعد

بی‌ثباتی داخلی، نبود محیط آرام و وجود تحریم‌ها و تنش در روابط خارجی

عدم شناخت محدودیت‌های اجرای برنامه‌ها

نبود هماهنگی و یکپارچگی بین دستگاه‌ها

عدم نقش آفرینی بخش خصوصی

عدم فراهم کردن بسترهای لازم برای اجرای سیاست‌ها

بی‌توجهی به مطالعه اجرای سیاست

ضعف در پیش‌بینی منطقی منابع مالی و غیرمالی

ابزارهای سیاستی نامتناسب با هدف

نبود دستورالعمل‌های صریح سیاستی

ضعف گردش اطلاعات و مدیریت دانش در سازمان‌ها

**مشکلات مربوط به ارزیابی سیاست**

از جمله مشکلات و چالش‌های این حوزه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

غیرشفاف، غیرمنسجم، نامشخص و غیر قابل دستیابی بودن برخی اهداف

عدم تعریف سنجش مناسب به منظور ارزیابی یک سیاست (فقدان مقیاس سازی کمی و عدم تعریف دقیق و کلی گویی)

عدم تناسب بین اهداف و ابزارها

آرمانی بودن برخی اهداف برنامه‌ها و عدم وجود راهبرد بلندمدت در برخی از برنامه‌ها

عدم توجه به نحوه تحقق اهداف براساس محدودیت‌ها و پتانسیل‌های کشور

عدم قابلیت اندازه‌گیری برخی اهداف

مداخله برخی نهادهای ذی ربط در ارزیابی برنامه‌ها و سیاست‌ها

عدم صورت بندی عملیاتی اهداف

عدم وجود دستگاه یا نهاد مشخص برای ارزیابی و ارائه گزارش نتایج برنامه‌ها

دشوار شدن ارزیابی برنامه‌ها با وجود ابهام و ازدیاد اهداف و گاه متناقض

عدم تفکیک برخی اهداف در حوزه‌های مختلف

فقدان معیار برای اولویت بندی اهداف در ارزیابی

وجود برخی محدودیت‌ها در انتشار بعضی از ارزیابی‌ها

انتشار با تأخیر نتایج حاصل از ارزیابی و عدم امکان استفاده از این نتایج برای برنامه‌ریزی‌های بعدی به دلیل این تأخیرها



## فصل چهارم

حکمرانی مرکب با رویکرد  
خیر عمومی

### مفهوم خیر عمومی (جمعی)

در فلسفه و اخلاق «خیر عام یا خیر عمومی» به نوعی از «خیر» یا «خوبی» اطلاق می‌شود که برای بیشتر اعضای یک جامعه سودبخش است. اینکه چه چیزی خیر یا خوبی است و برای بیشتر افراد یک جامعه سودبخش است، ممکن است در طول زمان یا در جوامع مختلف تغییر کند (یونگرت،<sup>۱</sup> ۲۰۰۹). خیر عمومی در فلسفه، اقتصاد و علوم سیاسی به آنچه همه یا بیشتر اعضای یک جامعه مشخص در آن مشترک اند یا از آن نفع می‌برند یا به آنچه از شهروندی، کنش دسته جمعی و مشارکت فعال در قلمرو سیاست و خدمت عمومی حاصل می‌شود، اشاره دارد. فلاسفه یونان باستان از جمله ارسطو و افلاطون مفاهیم اولیه خیر مشترک را طرح ریزی کردند. مجموع امور خیر و مطلوبی را که از طریق کنش‌های جمعی در طی دوره ای شکل می‌گیرد و از طرف اکثریت اعضای آن جامعه مطلوب خواستنی و خیر به طور عام تلقی می‌شود، می‌توان خیر عمومی نامید (ریسچ،<sup>۲</sup> ۲۰۱۸). به عبارت دیگر آن نوع امور خیری که برای انسانها ذاتاً عمومی، خیر و مشترک اند و آنها به وسیله این نوع دارایی یا میراث خیر با هم به کنش متقابل می‌پردازند و به صورت جمعی آنها را خیر می‌دانند نظیر ارزش‌ها فضایل مدنی، احساس عدالت و سایر امور خیر مادی را که قابل تقلیل به منابع و امور قابل استفاده فردی نیستند، می‌توان تحت عنوان خیر عمومی تعریف کرد (یونگرت،<sup>۳</sup> ۲۰۰۹).

در حقیقت خیر عمومی همان اموری است که عمومیت دارد و مشترک است و عمومیت و اشتراک آن ذاتی است و به صلاح و صرفه جامعه تمام می‌شود (نه لزوماً فرد) و روابط بعدی نیز براساس آن شکل می‌گیرد. از این نظر خیر عمومی با مفاهیمی چون خیرات مشترک، خیر منافع مشترک، مصالح عمومی و نظایر آن تفاوت و تمایزاتی دارد هر جا سخن از خیر در اندیشه متفکران رفته است در واقع مفهومی از خیر عمومی است که در سطح کلان جامعه، صلاح کلی و روند کلان سعادت‌مندی و توسعه جامعه را نشان می‌دهد. لیکن برای روشن تر شدن موضوع و درک تمایزات در برخی موارد مثال‌هایی از مفاهیم مختلف نیز وارد بحث شده است. این مسئله از دو نظر قابل توجیه و تفسیر است: اول اینکه مفهوم خیر عمومی تعریف شده و همچنین به استناد مقالات مورد ارجاع، همه خیرات مختلف را نیز در بر می‌گیرد. به عبارت دیگر تک تک خیرات و مطلوب‌ها در صورت طی شدن مسیر درست می‌تواند جامعه را به سوی سعادت و خیر عمومی و کمال برساند. در واقع خیر عمومی از این منظر حدی از کمال و سعادت را در یک جامعه مشخص می‌کند. دوم اینکه برای نشان دادن خیر عمومی در قالب حدی از سعادت و

<sup>۱</sup> Yuengert

<sup>۲</sup> Reisch

<sup>۳</sup> Yuengert

کمال، نیاز به اعمال صالح جمعی، کوچک و خردی است که بتواند هم آن حد اعلی را به طور ملموس نشان دهد و هم اینکه در مجموع این اعمال کمال مطلوب را تأمین کند.

با این توصیف تعاریف مختلفی از خیر عمومی وجود دارد. دوپره (۱۹۹۴: ۱۷۳) اخیراً مفهوم کلاسیک خیر عمومی را جمع‌بندی کرده و آن را به عنوان امری مطلوب، مناسب و قابل دستیابی صرفاً توسط اجتماع تعریف می‌کند که بطور جداگانه بین اعضای آن به اشتراک گذاشته می‌شود. از نظر ژاک مارتین قرن بیستم، خیر عمومی را امری تشکیل می‌دهند که برای انسان ذاتاً و مشترک‌اند و آن‌ها عمومی با یکدیگر به وسیله این دارایی‌ها ارتباط برقرار می‌کنند، مانند ارزش‌ها، فضایل مدنی و احساس عدالت مردم کالاهای بسیار زیادی را با همکاری و تعاون با یکدیگر تولید می‌کنند، زیرا انجام این کار از نظر ابزاری ضروری و واجب یا حتی اگر لازم نباشد راحت و کارآمد است. برای مثال می‌توان به ساختمان‌ها، جاده‌ها، تهیه وعده‌های غذایی برای نیروهای کار در رستوران‌ها و سیستم دفع زباله اشاره کرد. هر کدام از ما می‌توانیم به تنهایی یک خانه بسازیم، اما نمی‌توانیم خیلی راحت این کار را انجام دهیم بنابراین از اقدام جمعی استفاده می‌کنیم. اما به محض تولید چنین کالاهایی می‌توانیم حداقل در اصل هر یک به تنهایی از آن‌ها بهره‌مند شویم؛ در خانه زندگی کنیم، در جاده سفر کنیم از این رو در مورد کالاهایی که از طریق اقدامات جمعی تولید می‌شوند، هیچ چیز فردی وجود ندارد، زیرا این کار از نظر ابزاری ضروری، راحت یا کارآمد است به این معنا که منافع آن‌ها فقط به افراد تعلق نمی‌گیرد.

بی شک مردم معمولاً از چنین کالاهایی که با همکاری همدیگر تولید شده، سود می‌برند؛ آن‌ها در یک خانه با هم یا به تنهایی زندگی می‌کنند، در غذاخوری محل کار غذا می‌خورند. اما به اشتراک گذاشتن چنین کالاهایی مسئله‌ای است که سبب مطلوبیت آن‌ها می‌شود. اگرچه اشتراک‌گذاری برای هر گیرنده سودمند است اما هیچ چیز ذاتی برای خود کالا وجود ندارد که به اشتراک آن نیاز باشد. چنین کالاهایی، کالاهایی هستند که عرضه آن‌ها به اقدام جمعی نیاز دارد، این امر به دلایل اساسی صورت گرفته است، نه به دلیل ذاتی بودن خیریت آن کالا - و ممکن است مصرف آن‌ها مشترک باشد یا نباشد از این رو برای قابل فهم شدن مباحث همه این امور خیر را خیرات مشترک می‌نامیم. بیشتر مفاهیم مورد استفاده در ادبیات علم اقتصاد در این مقوله قرار می‌گیرند. نوع دیگری از خیر مشترک نسبتاً متفاوت نیز وجود دارد که شامل امور خیری است که ذاتاً خیرات مشترک‌اند. اصطلاح خیر مشترک مترادف چیزی است که چارلز تیلور (۱۹۹۵) کالاهای غیرقابل کاهش اجتماعی می‌نامد. ما ترجیح می‌دهیم در عوض از اصطلاح خیر استفاده کنیم تا بتوانیم روابط بین خیر عمومی در سطح خرد و کلان را بهتر درک کنیم.

خیر جمعی، خیرات مشترک و خیر عمومی از این حیث مشابه هستند که هر سه به اقدام مشترکی احتیاج دارند اما این امر برای خیر جمعی و خیرات مشترک به صورت تصادفی و تعاون اجباری است در حالی که برای خیر عمومی امری ذاتی است.

در نهایت شاید تأکید دو نکته روشن کننده باشد؛ اول اینکه البته هم خیر عمومی وجود دارد و هم بدهای (شر) عمومی؛ بسیاری از افراد ساعت شلوغی شهر را «بد» می دانند، ولی این به معنای بد بودن کلیت شهر نیست. دوم اینکه بحث از خیرات مشترک، خیرات جمعی، منافع عمومی و کالاهای عمومی زمانی مطرح می شود که جامعه یا سیاست گذاران به این نتیجه برسند که تأمین برخی کالاها، خیرات یا منافع به طریق فردی امکانپذیر نبوده و از طریق بازار عرضه و تأمین نمی شود. از این رو در مواردی که تدارک و تأمین آن ها به طریق فردی یا از طریق بازار ممکن نیست، از دولت خواسته می شود تا شکست بازار را جبران کند. از طرف دیگر برخی از فعالیت های بازار یا اشخاص نیز تأثیرات خارجی و بیرونی برجای می گذارند که ممکن است مثبت یا منفی باشد که تأثیرات منفی بخشی از محاسبات کنشگران اقتصادی و بازار در نظر گرفته نمی شود و به طور سنتی ساماندهی به چنین اموری را وظیفه دولت ها می دانند. از این رو آنچه به طور عام مشخص کننده خیرات مشترک است، به شرایط خاص تأمین و مصارف این خیرات و همچنین خصوصیات فنی آن ها بستگی دارد. خیرات یا منافع به طریق فردی امکانپذیر نبوده و از طریق بازار عرضه و تأمین نمی شود. از این رو در مواردی که تدارک و تأمین آن ها به طریق فردی یا از طریق بازار ممکن نیست، از دولت خواسته می شود تا شکست بازار را جبران کند. از طرف دیگر برخی از فعالیت های بازار یا اشخاص نیز تأثیرات خارجی و بیرونی برجای می گذارند که ممکن است مثبت یا منفی باشد که تأثیرات منفی بخشی از محاسبات کنشگران اقتصادی و بازار در نظر گرفته نمی شود و به طور سنتی ساماندهی به چنین اموری را وظیفه دولت ها می دانند.<sup>۱</sup>

### حکمرانی با رویکرد خیر عمومی (جمعی) از منظر اسلام

حضرت امام علی (ع) در بخشی از نامه ۵۳ نهج البلاغه (عهدنامه مالک اشتر) در خصوص نحوه حکمرانی می فرمایند:

وَلْيَكُنْ أَحَبَّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَوْسَطُهَا فِي الْحَقِّ، وَأَعْمَهَا فِي الْعَدْلِ، وَاجْمَعِهَا لِرِضَى الرَّعِيَّةِ، فَإِنَّ سُخْطَ الْعَامَّةِ يُجْجِفُ بِرِضَى الْخَاصَّةِ، وَإِنْ سُخْطَ الْخَاصَّةِ يُتَنَفَّرَ مَعَ رِضَى الْعَامَّةِ؛ وَلَيْسَ أَحَدٌ مِنَ الرَّعِيَّةِ أَثْقَلَ عَلَى الْوَالِي مَوْثِقُهُ فِي الرِّخَاءِ، وَأَقْلَ مَوْثِقُهُ لَهُ فِي الْبَلَاءِ، وَأَكْرَهَ لِلْأَصَافِ، وَأَسْأَلَ بِالْإِلْحَافِ، وَأَقْلَ شُكْرًا عِنْدَ الْأَعْطَاءِ، وَأَبْطَأَ

۱. با اقتباس از مطالعه رضایی و درخشه (۱۴۰۰).

عَدْرًا عِنْدَ الْمَنَعِ، وَأَضْعَفَ صَبْرًا عِنْدَ مُلِمَاتِ الدَّهْرِ مِنْ أَهْلِ الْخَاصَّةِ؛ وَإِنَّمَا عِمَادُ الدِّينِ وَجَمَاعُ الْمُسْلِمِينَ وَالْعُدَّةُ لِلْأَعْدَاءِ الْعَامَّةِ مِنَ الْأُمَّةِ؛ فَلْيَكُنْ صِغُوكَ لَهُمْ، وَمِلْكُكَ مَعَهُمْ.

باید که محبوبترین کارها در نزد تو، کارهایی باشد که با میانه روی سازگارتر بوده و با عدالت دمسازتر و خشنودی رعیت را در پی داشته باشد زیرا خشم توده های مردم، خشنودی نزدیکان را زیر پای بسپرد و حال آنکه، خشم نزدیکان اگر توده های مردم از تو خشنود باشند، ناچیز گردد. خواص و نزدیکان کسانی هستند که به هنگام فراخی و آسایش بر دوش والی باری گران اند و چون حادثه ای پیش آید کمتر از هر کس به یاریش برخیزند و خوش ندارند که به انصاف در باره آنان قضاوت شود. اینان همه چیز را به اصرار از والی می طلبند و اگر عطایی یابند، کمتر از همه سپاس می گویند و اگر به آنان ندهند، دیرتر از دیگران پوزش می پذیرند و در برابر سختی های روزگار، شکیبایی شان بس اندک است. اما ستون دین و انبوهی مسلمانان و ساز و برگ در برابر دشمنان، عامه مردم هستند، پس باید توجه تو به آنان بیشتر و میل تو به ایشان افزونتر باشد.

در منطق اسلام، حکومت وسیله ای برای رساندن مردم و جامعه به کمال و اهداف عالی انسانی الهی است. بر همین اساس بزرگان دین و از جمله حضرت علی (علیه السلام) برای حکومت و دنیا ارزشی قایل نبودند: «سوگند به خدایی که دانه را شکافت و جان را آفرید، اگر حضور فراوان بیعت کنندگان نبود و یاران حجت را بر من تمام نمی کردند و اگر خداوند از علما عهد و پیمان نگرفته بود که برابر شکم بارگی ستمگران و گرسنگی مظلومان سکوت نکنند، مهار شتر خلافت را بر کوهان آن انداخته، رهاپیش می ساختم و آخر خلافت را به کاسه اول آن سیراب می کردم، آن گاه می دیدید که دنیای شما نزد من از آب بینی بزغاله ای بی ارزش تر است.» از منظر حضرت علی (علیه السلام) حکومت، وسیله ای برای اقامه حق و دفع باطل است. ابن عباس می گوید: در سرزمین «ذی قار»، خدمت امام رفتم، داشت کفش خود را پینه می زد. تا مرا دید، فرمود: قیمت این کفش چقدر است؟ گفتم: بهایی ندارد. فرمود: «به خدا سوگند، همین کفش بی ارزش نزد من از حکومت بر شما محبوب تر است، مگر اینکه حقی را با آن بپا دارم یا باطلی را دفع نمایم». بنابراین با نگاهی که دین اسلام به حکومت دارد، در رفتار حاکم و کارگزار با مردم نیز مؤثر است. در منطق اسلام، حاکم باید به مردم نگاهی از روی مهربانی و عطوفت داشته باشد. اگر حاکم نسبت به مردم این نگاه را داشته باشد، از انحرافات و فسادهای حکومتی در اجتماع جلوگیری می شود چون برخورد آن ها با مردم به مهربانی و عطوفت انجام می گیرد و این نگاه دیگر اجازه ظلم، تجاوز و تعدی به حقوق مردم را به آن ها نمی دهد و کار مردم به سرانجام می رسد. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرماید: «امامت و رهبری شایسته نیست، مگر برای انسانی که سه خصلت داشته باشد: ورعی که او را از معصیت خدا دور

نگه دارد، بردباری که غضبش را نگه دارد و نیکو ولایت کردن به کسانی که تحت ولایت او هستند تا برای آنان مانند پدر باشد (برای فرزندان)» (کلینی، ۱۳۸۸).

درباره سیره پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) نیز روایت شده است: «پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) به هر مسلمانی مهربانی می نمود، حتی با افرادی که با بدترین روش با پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) رفتار می کردند». پس در اسلام حاکم خود را خادم و دوست و همدم مردم می داند و رسیدن به قدرت و حکومت را طعمه و فرصتی مغتنم برای ثروت اندوزی تلقی نمی کند. تصویری که امام علی (علیه السلام) از حکومت برای کارگزاران خویش نشان می دهد، امانت بودن حکومت است. اگر حاکم حکومت خویش را امانت تلقی نماید، در صدد اصلاح کار مردم و به دنبال کسب رضایت آنان برمی آید. امام علی (علیه السلام) طی نامه ای به اشعث بن قیس، فرماندار آذربایجان، نوشت: «همانا پست فرمانداری برای تو وسیله آب و نان نبوده، بلکه امانتی در گردن توست، باید از فرمانده و امام خود اطاعت کنی. تو حق نداری نسبت به رعیت، استبداد ورزی و بدون دستور، به کار مهمی اقدام نمایی. در دست تو اموالی از ثروت های خدای بزرگ و عزیز است و تو خزانه دار آن هایی تا به من بسپاری». امام علی (علیه السلام) در تمام نامه ها، فرمانداران و استانداران خود را نسبت حقوق اجتماعی مردم سفارش می کرد و از نظر اخلاق اجتماعی، مسئولان نظام را به مردم داری، ابراز محبت و لطف نسبت به رعیت و مردم دستور می داد. امیرالمؤمنین (علیه السلام) در نامه ۵۳ به مالک اشتر می فرماید: «مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده و با همه دوست و مهربان باش. مبادا هرگز چنان حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی زیرا مردم دو دسته اند: دسته ای برادر دینی تو و دسته ای دیگر همانند تو در آفرینش می باشند. اگر گناهی از آنان سر می زند یا علت هایی بر آنان عارض می شود یا خواسته و ناخواسته اشتباهی مرتکب می گردند، آنان را ببخشای و بر آنان آسان گیر، آن گونه که دوست داری خدا تو را ببخشاید و بر تو آسان گیرد. همانا تو از آنان برتر و امام تو از تو برتر و خدا بر آن کس که تو را فرمانداری مصر داد، والاتر است که انجام امور مردم مصر را به تو واگذارده و آنان را وسیله آزمودن تو قرار داده است.»

همچنین در نامه ای به محمد بن ابی بکر، شیوه های مردم داری و رعایت حقوق اجتماعی آنان را تذکر داده است و می فرماید: با مردم فروتن باش، نرمخو و مهربان باش، گشاده رو و خندان باش. در نگاه هایت و در نیم نگاه و خیره شدن به مردم، به تساوی رفتار کن، تا بزرگان در ستمکاری تو طمع نکنند و ناتوان ها در عدالت تو مأیوس نگردند. زیرا خداوند از شما بندگان در باره اعمال کوچک و بزرگ، آشکار و پنهان خواهد پرسید، اگر کیفر دهد شما استحقاق بیش از آن را دارید و اگر ببخشد از بزرگواری اوست. همچنین در خصوص اخلاق مدیران اجرایی اشاره می کنند: «ای محمد بن ابی بکر بدان که من تو را سرپرست بزرگ ترین لشکر یعنی لشکر مصر قرار دادم.

بر تو سزاوار است که با خواسته‌های دل مخالفت کرده و از دین خود دفاع کنی هر چند ساعتی از عمر تو باقی نمانده باشد. خدا را در راضی نگهداشتن مردم به خشم نیاور زیرا خوشنودی خدا جایگزین هر چیزی بوده اما هیچ چیز جایگزین خوشنودی خدا نمی‌شود. نماز را در وقت خودش به جای آن که در بیکاری زودتر از وقتش بخوانی و به هنگام درگیری و کار آن را تأخیر بیندازی و بدان که تمام کردار خوبت در گرو نماز است»<sup>۱</sup>

این موضوع در کلام و رفتار بنیانگذار انقلاب اسلامی و رهبر معظم نیز قابل درک است و اهمیت دادن به مردم به مثابه یکی از عناصر محتوایی یک نظام سیاسی را می‌توان در این نکته مشاهده کرد. در مجموع بیانات ایشان ۱۵۲۳ لفظ ملت و ۱۲۱۲ مورد لفظ مردم تکرار شده است که با توجه به کاربرد غالباً مترادف آن‌ها توسط امام، در مجموع ۲۷۳۵ بار این دو لفظ تکرار شده‌اند (قادری، ۱۹۹۹). جهان بینی امام خمینی همان گونه که دین از سیاست جدا نیست؛ بدین صورت است که حکومت هم از مردم جدا نیست. ایشان می‌فرمایند: همه ملت از دولت اند و دولت هم از ملت است. دولت و هر چه متعلق به دولت است خدمتگزار ملت است و ملت هم پشتیبان دولت و تا این هماهنگی میان همه قشرها مردم است، جمهوری اسلامی آسیب نخواهد دید. از دیدگاه امام همین یگانگی قدرت یا وحدت دولت و ملت است که باعث قطع سلطه ی قدرت های استعمارگر و مانع سلطه آن‌ها بر امکانات و ثروت‌های کشور می‌شود. لذا یکی از ویژگی‌های حکومت مطلوب از نظر امام راحل مردمی بودن آن است که به معنای این است که حکومت شکل‌گیری و ایجاد آن بر آرا و نظر و خواست مردم مبتنا یافته باشد و که در این صورت دارای مشروعیت و مقبولیت مردمی می‌شود. علاوه بر این امام همواره بر پیوند رهبری در این حکومت با مردم که پیوند عمیق، باطنی و اعتقادی است تأکید داشتند. ایشان نه تنها بر حق مردم در حکومت صحه می‌گذارند و بر آن تأکید می‌ورزند، بلکه آن را از باب تکلیف و وظیفه ی شرعی نگاه می‌کند. ایشان این تکلیف را محدود به انتخاب و یا قشر خاصی از جامعه نمی‌دانند بلکه در همه شئون سیاسی و افراد می‌داند.

در این خصوص رهبر معظم انقلاب نیز می‌فرمایند: «در نگاه اسلامی، مردمی بودن، ارزشی بالاتر از انتخاب شدن به وسیله مردم است. بعضی افراد ممکن است در یک نظام دموکراتیک، به شکل دموکراتیک هم انتخاب شوند، اما با مردم رابطه‌ای نداشته باشند. اینها مردمی نیستند.» از سوی دیگر برای سنجش مردمی بودن، شاخص‌هایی وجود دارد. اولین شاخص این است که مسئول کشور، «خودش را دارای شأن و روحیه‌ی خدمتگزاری به مردم بداند؛ نگاه از بالا نباشد... خیلی از این مردم از ما بالاتر هم هستند». دومین شاخص «اعتقاد به اراده‌ی مردم و نیروی مردم، و مخالفت با تمرکزهای دولتی در مسائل اقتصادی، تکیه‌ی به مردم؛ در مسائل نظامی، تکیه به مردم در مسائل سازندگی کشور» است. مسئله‌ای که به نوبه‌ی خود راه غلبه بر مشکلات هم هست. بدون تردید ظرفیت‌ها می‌تواند

۱. با اقتباس از مطالعه سلوک‌لایی (۱۳۸۴)

بر مشکلات غلبه کند به شرط اینکه این ظرفیت‌ها درست شناخته و به کار گرفته شود. سومین شاخص، «روحیه مردمی بودن و انس با مردم، تماس با مردم، از نزدیک پای صحبت مردم نشستن، راه‌هایی باز کردن برای تماس با متن زندگی مردم، رفتن به خانه‌ی مردم، رفتن به منزل شهدا» است. با این نگاه مردمی بودن «به معنای حضور در بین مردم است». بر این اساس گفتگوی صادقانه‌ی با مردم هم یکی از کارهایی است که به مردمی بودن کمک می‌کند. این جهت‌گیری در عرصه‌های مختلف از جمله «مدیریت اقتصادی کشور» هم معنای خاص خود را پیدا می‌کند: «مثلاً فرض کنید شما می‌روید فلان کارخانه را افتتاح می‌کنید، این کافی نیست. اینی که شما بروید فرض کنید حالا فلان کارخانه را در فلان نقطه‌ی کشور، یک نواری را مثلاً قیچی کنید این کافی نیست... بروید با کارگر تماس بگیرید، بروید پای کوره، بروید نمیدانم محصول را تماشا کنید، بروید جاهای، انبارها را ببینید، بروید با کارگرها، مجموع کارگرها حرف بزنید، وارد کار بشوید». چهارمین شاخص، عمل کردن به سیره‌ی پیامبر (ص) و ائمه (ع) است در زمینه‌ی توجه به محرومین و مستضعفین جامعه: «سیره‌ی پیغمبر این است که با فقرا و با ضعفا و مانند این‌ها کنار می‌آمد. به شئون ظاهری و آن چیزهایی که به حسب ظاهر موجب جلال و شوکت و این چیزها است، اهمیتی نمیداد».

### آیا کار خیر به منزله رسیدن به خیر عمومی (جمعی) است؟

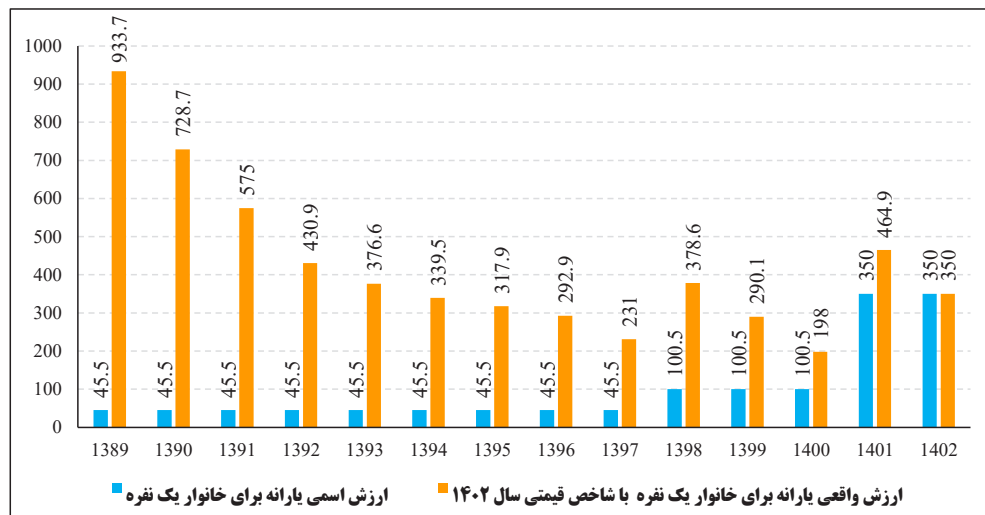
تعریف سنتی از کار خیر کمک رسانی در زمینه‌های عمومی و تأمین مایحتاج اولیه افراد نیازمند است؛ مواردی همچون خوراک، پوشاک، سرپناه و ملزومات تحصیل. همچنین کمک به حل مشکلات مردم و برداشتن موانع از سر راه شان از تعاریف عام کار خیر محسوب می‌شود. اما در جوامع تخصصی تعاریف دیگری از کار خیر می‌توان ارائه دارد مانند ارائه خدمات حرفه‌ای در زمینه‌های تخصصی در مناطق محروم و به مردم کم بضاعت، کمک مالی به انجمن‌های تخصصی جهت انجام بهتر اموری که موجب افزایش رفاه ایمنی و سلامت جامعه می‌شود و ارائه خدمات حرفه‌ای در زمینه‌های تخصصی با کیفیتی بالاتر از عرف و استاندارد جامعه به کارفرمایان و بهره‌مندان از خدمات، نمونه‌هایی از انجام کار خیر در جوامع تخصصی هستند. اما سؤالی که در این زمینه مطرح می‌شود این است که آیا هر کار خیری می‌تواند به خیر عمومی ختم شود؟ آیا کار خیر از منظر اقتصادی در جامعه همیشه اثرات مثبتی را در پی دارد؟

۱. بر گرفته از گزارش «نگاهی به توصیه کلیدی رهبر انقلاب به رئیس جمهور محترم؛ با مردم و درمیان مردم باشید» در پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای

بدون شک هر کار خیری الزاما به معنی خیر عمومی نیست و نمی‌توان گفت یک کار خیر حتما خیر عمومی را نیز در پی دارد. برای درک بهتر این موضوع به بررسی اثرات چند سیاست می‌پردازیم که در اجرای آن‌ها در جهت انجام کار خیر بود اما اثرات آن‌ها خیر عمومی را در پی نداشته است. به عنوان مثال می‌توان به هدفمندسازی یارانه‌ها اشاره کرد. از نظر عدالت اجتماعی همه افراد باید حداقل رفاه را داشته باشند و بتوانند نیازهای اولیه خود را برطرف کنند؛ بنابراین معمولا برای کالاهای اساسی یارانه پرداخت می‌شود. دولت از پرداخت یارانه سه هدف عمده را دنبال می‌کند که شامل تخصیص بهینه منابع، ثبات اقتصادی و توزیع عادلانه درآمدها است (قادری و همکاران، ۱۳۸۴). عدم کارایی و ناعادلانه نظام پرداخت یارانه‌ها در کشور در سال‌های متمادی، موجب شد دولت از سال ۱۳۸۹ قانون هدفمندسازی یارانه‌ها را عملیاتی کند.

در فرآیند اجرای این قانون با آزادسازی نرخ حامل‌های انرژی به ویژه بنزین و در قالب دو نرخی کردن نرخ سوخت‌های فسیلی، سیاست‌گذار دو محور اساسی را دنبال کرد. در نخستین محور با سهمیه بندی بنزین یارانه ای سهمیه محدودی به صورت ماهانه به هر خودرو اختصاص یافت و تمرکز اصلی حول محور دوم بر پرداخت به خانوارها و بهبود توزیع درآمد مورد توجه قرار گرفت. با این وجود در اغلب موارد دستیابی به اهداف موردنظر یارانه سوخت‌های فسیلی با شکست مواجه شد و منجر به تخصیص غیر بهینه منابع و انحراف بازار شد. علاوه بر این پرداخت یارانه بدون توجه به عواقب اقتصادی و زیست محیطی ناشی از افزایش مصرف سوخت انجام شده است (توکلیان و همکاران، ۱۳۹۷). محور اساسی دوم سیاست‌گذار در اجرای این قانون کمک به بهبود وضعیت معیشتی خانوارها مطرح شد و برای دستیابی به این هدف پرداخت یکسان یارانه نقدی به تمام اقشار جامعه صورت پذیرفت. اما شواهد موجود نشان از افزایش سهم مخارج کالاهای ضروری خانوار در سبد هزینه‌ای آنان دارد؛ موضوعی که بر اساس نظریه انگل، بیانگر عدم تحقق هدف سیاست‌گذار در بهبود وضعیت اقتصاد خانوارها است. علاوه بر این ارزش یارانه‌های پرداختی در چند سال اخیر به دلیل نوسانات قیمتی به شدت کاهش یافته است. همانطور که در نمودار مقابل مشخص است میزان ارزش اسمی و واقعی یارانه‌ها از سال ۱۳۸۹ تا ۱۴۰۲ روند نزولی داشته است.

میزان ارزش اسمی و واقعی (بر اساس شاخص قیمتی سال ۱۴۰۲) یارانه های نقدی

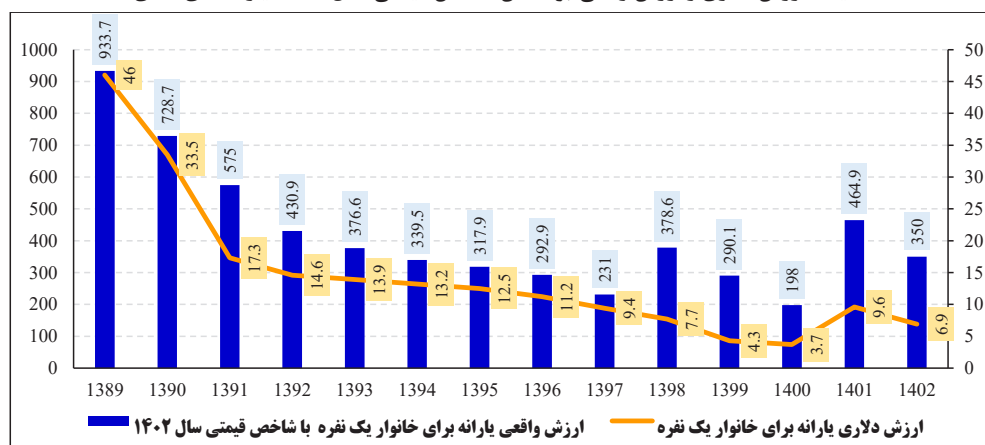


منبع: بانک مرکزی و مرکز آمار ایران- (بر اساس گزارش دیبای اقتصاد)

مطابق با نمودار فوق، با وجود افزایش میزان یارانه‌های نقدی در سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۴۰۱ ارزش واقعی یارانه‌های نقدی پرداخت‌شده توسط دولت همواره کاهشی بوده است. در سال ۱۳۸۹، پرداخت یارانه نقدی معادل ۴۵ هزار و ۵۰۰ تومان برای هر خانوار یک‌نفره آغاز شد. در آن زمان ارزش این یارانه با شاخص قیمتی در سال ۱۴۰۲، معادل بیش از ۹۰۰ هزار تومان بوده است به این معنا که اگر قرار بود یارانه ۴۵ هزار تومانی در سال ۱۴۰۲ به گونه‌ای باشد که ارزشی معادل آنچه در سال ۱۳۸۹ پرداخت می‌شد داشته باشد، باید بیش از ۹۰۰ هزار تومان به هر فرد یارانه نقدی داده شود. با این حال یارانه ۴۵ هزار و ۵۰۰ تومانی تا سال ۱۳۹۷ ثابت ماند اما ارزش واقعی آن در سال مذکور به حدود ۲۳۱ هزار تومان رسیده بود. در سال ۱۳۹۸ به دنبال افزایش قیمت بنزین رقم یارانه به ۱۰۰ هزار و ۵۰۰ تومان افزایش یافت اما با وجود این افزایش ارزش واقعی یارانه در آن سال به قیمت‌های سال ۱۴۰۲، حدود ۳۸۷ هزار تومان بود. تأثیر این افزایش یارانه نقدی چندان دوامی نداشت و ارزش واقعی آن با افزایش تورم، کاهش بیشتری یافت. به این ترتیب ارزش واقعی یارانه ۱۰۰ هزار و ۵۰۰ تومانی در سال ۱۳۹۹ به ۲۹۰ هزار تومان و در سال ۱۴۰۰ به ۱۹۸ هزار تومان کاهش پیدا کرد. اما به نظر می‌رسد سیاست‌گذار همچنان به جای مهار تورم، حفظ ارزش ریال و قدرت خرید خانوار قصد داشت با افزایش یارانه نقدی این هدف را محقق کند. در همین راستا بار دیگر در سال ۱۴۰۱، با حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی، یارانه نقدی به ۴۰۰ هزار تومان برای سه دهک اول و ۳۰۰ هزار تومان برای سایر دهک‌ها افزایش یافت. در سال ۱۴۰۱ که یارانه نقدی افزایش یافت، ارزش واقعی میانگین ۳۵۰ هزار

تومان که به خانوار پرداخت می‌شد به قیمت‌های سال ۱۴۰۲ حدود ۴۶۵ هزار تومان بود. اما در سال ۱۴۰۲ ارزش واقعی این یارانه به دلیل اثرات تورمی کاهش یافت. علاوه بر این همانطور که در نمودار زیر مشخص است، ارزش دلاری یارانه نیز طی یک دهه گذشته کاهش یافته است. بر این اساس در سال ۱۳۸۹، میانگین قیمت دلار حدود ۹۷۶ تومان بوده است و یارانه نقدی ۴۵ هزار و ۵۰۰ تومانی معادل ۴۶ دلار بوده است. اما ارزش دلاری یارانه با بالارفتن قیمت دلار کاهش بیشتری یافت. تا سال ۹۷ و پیش از اینکه یارانه نقدی مجدداً شارژ شود، ارزش دلاری ۴۵ هزار و ۵۰۰ تومان به ۹٫۴ دلار رسیده بود. در سال ۹۸ دو برابر شدن یارانه نتوانست تغییری در ارزش دلاری یارانه ایجاد کند. دلیل آن نیز رشد قیمت دلار بود. در سال ۹۸ میانگین قیمت دلار حدود ۱۳ هزار تومان بود و ارزش دلاری یارانه ۱۰۰ هزار و ۵۰۰ تومانی، ۷٫۷ دلار بود. پس از آن در سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰، یارانه نقدی به ترتیب ارزشی معادل ۴٫۳ دلار و ۳٫۷ دلار داشته است. در سال ۱۴۰۱ نیز که بار دیگر یارانه نقدی افزایش یافت، ارزش میانگین یارانه نقدی ۳۵۰ هزار تومانی پرداختی به خانوار اندکی رشد کرد و معادل ۹٫۶ دلار بود. اما با افزایش تورم در سال ۱۴۰۲ و همچنین رشد نرخ ارز، ارزش دلاری یارانه در سال جاری به ۶٫۹ دلار رسید.<sup>۱</sup>

مقایسه ارزش دلاری و ارزش واقعی (بر اساس شاخص قیمتی سال ۱۴۰۲) یارانه های نقدی



منبع: بانک مرکزی و مرکز آمار ایران - (بر اساس گزارش دنیای اقتصاد)

همچنین بخشی از منابع پرداخت یارانه نقدی از محل هزینه کرد درآمدهای نفتی و بخش دیگری از کسری بودجه دولت نیز از طریق استقراض از بانک مرکزی تأمین می‌شود و تأمین بخش دیگری هم از محل درآمدهای ناشی از افزایش قیمت‌ها است. این عوامل حجم پول در گردش را افزایش می‌دهد. گسترش حجم پول نیز عامل اصلی تورم است. در این میان از اثر شوک تورمی به علت افزایش قیمت حامل های انرژی نباید غفلت کرد (عیسی وند و

۱. بر گرفته از گزارش دنیای اقتصاد «<https://donya-e-qtasad.com/>»

توحیدفام، ۱۳۹۴). تورم به وجود آمده موجب افزایش نرخ ارز شد و دولت نیز از این افزایش نرخ ارز به منظور جبران بخشی از کسری بودجه خود استفاده می‌کند. به عبارت دیگر تورم یکی از منابع دولت‌ها برای پرداخت یارانه است. این مثلث یعنی کسری بودجه تورم و افزایش نرخ ارز دور باطلی را ایجاد کرد که اثرات نامطلوب زیادی داشته است (رجبی، ۱۳۹۳). افزایش نرخ ارز و ثابت ماندن قیمت حامل های انرژی نیز منجر به افزایش حجم یارانه پنهان شد. بر اساس گزارش آژانس بین‌المللی انرژی برای سال ۲۰۲۲ ایران از نظر مبلغ پرداختی یارانه پنهان انرژی، بعد از روسیه در رتبه دوم قرار دارد. همچنین ایران در شاخص نسبت یارانه پنهان پرداختی به GDP کشور رتبه اول (با سهم ۳۶ درصد از GDP) را دارا است. علاوه بر این سرانه یارانه پنهان انرژی پرداختی به ازای هر فرد برای ایران ۱۴۴۴٫۵ دلار (یعنی با نرخ ارز ۵۶۰۰۰ تومان سالانه ۸۰ میلیون تومان برای هر فرد (ماهانه ۶۶۶۰٫۰۰۰ تومان) می‌باشد. با استفاده از مقادیر یارانه پنهان ارائه شده در این گزارش، می‌توان دو شاخص مهم درصد بهره‌مندی خانوار از یارانه پنهان انرژی و نسبت یارانه به هزینه کل خانوار را به تفکیک هر یک از حامل های انرژی محاسبه کرد. با محاسبه دو شاخص مذکور برای حامل های انرژی، مشخص می‌شود که کمترین درصد بهره‌مندی از یارانه گاز طبیعی، فرآورده های نفتی و کل یارانه پنهان انرژی مربوط به دهک اول با ۵ درصد و بیشترین درصد بهره‌مندی از این یارانه ها مربوط به دهک دهم با ۱۵ درصد است. این در حالی است که شاخص نسبت یارانه به هزینه کل خانوار برای دهک اول ۱۵ درصد و برای دهک دهم ۵ درصد است. این مقادیر به خوبی نشان دهنده فقدان عدالت در توزیع یارانه های انرژی در دهک‌های مختلف درآمدی، است.<sup>۱</sup>

جدول ۲) درصد بهره‌مندی دهک‌های مختلف از یارانه انرژی (با نرخ ارز ۵۶۰۰۰)

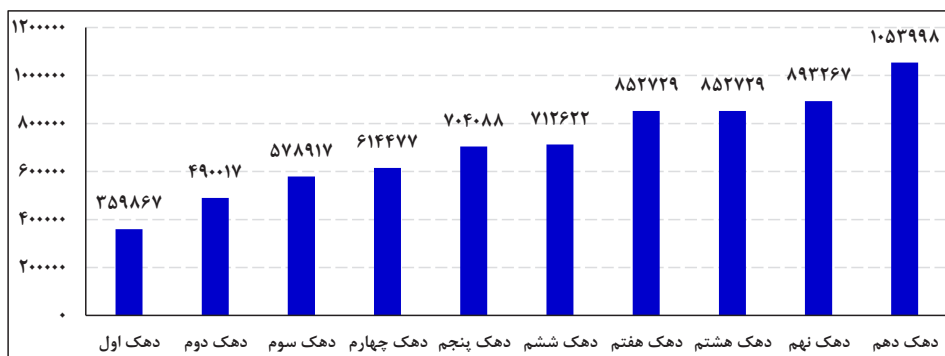
نسبت یارانه به کل هزینه خانوار	سهم هر دهک از کل یارانه پنهان (میلیارد تومان)	سهم هر دهک از کل یارانه پنهان	مقدار یارانه پنهان نفت (میلیارد تومان)	سهم هر دهک از یارانه پنهان نفت	مقدار یارانه پنهان گاز (میلیارد تومان)	سهم هر دهک از یارانه پنهان گاز	دهک‌ها
۱۵	۳۵۹٫۸۶۷	۵۰۶	۱۴۵۶۰۰	۵	۱۲۶٫۰۰۰	۵	دهک اول
۱۳	۴۹۰٫۰۱۷	۶۸۹	۱۷۴۷۲۰	۶	۲۰۱٫۶۰۰	۸	دهک دوم
۱۳	۵۷۸٫۹۱۷	۸۱۴	۲۶۲۰۸۰	۹	۲۰۱٫۶۰۰	۸	دهک سوم
۱۲	۶۱۴٫۴۷۷	۸۶۴	۲۳۲۹۶۰	۸	۲۲۶٫۸۰۰	۹	دهک چهارم
۱۲	۷۰۴٫۰۸۸	۹۰۹	۲۶۲۰۸۰	۹	۲۵۲٫۰۰۰	۱۰	دهک پنجم
۱۱	۷۱۲٫۶۲۲	۱۰۰۲	۲۶۲۰۸۰	۹	۲۵۲٫۰۰۰	۱۰	دهک ششم
۱۱	۸۵۲٫۷۲۹	۱۱۰۹	۳۴۹۴۴۰	۱۲	۳۰۲٫۴۰۰	۱۲	دهک هفتم
۹	۸۵۲٫۷۲۹	۱۱۰۹	۴۰۷۶۸۰	۱۴	۲۷۷٫۲۰۰	۱۱	دهک هشتم
۸	۸۹۳٫۲۶۷	۱۲۵۶	۳۴۹۴۴۰	۱۲	۳۰۲٫۴۰۰	۱۲	دهک نهم
۵	۱٫۰۵۳٫۹۹۸	۱۴۸۲	۴۶۵۹۲۰	۱۶	۳۷۸٫۰۰۰	۱۵	دهک دهم
۱۰۰	۷٫۱۱۲٫۰۰۰	۱۰۰	۲٫۹۱۲٫۰۰۰	۱۰۰	۲٫۵۲۰٫۰۰۰	۱۰۰	مجموع

منبع: محاسبات محقق (سهم هر دهک از یارانه پنهان انرژی با استناد به گزارش مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی در سال ۱۳۹۸ لحاظ شد).

۱. نسبت ها بر اساس گزارش مرکز پژوهشهای مجلس در نظر گرفته شد.

سهام دهک دهم از کل یارانه پنهان انرژی حدود ۳ برابر (۲,۹۲ برابر) سهم دهک اول است. این درحالی است که به زعم دولت، این یارانه برای حمایت از قشر محروم در نظر گرفته شده است.

نمودار (۱) سهم هر دهک از کل یارانه پنهان (میلیارد تومان) - ۲۰۲۲



منبع: محاسبات محقق

علاوه بر این کسری بودجه دولت در نتیجه افزایش هزینه های دولت به دنبال اجرای نادرست سیاست فوق موجب کاهش میزان سرمایه گذاری در شبه دولتی کشور شده که خود عاملی برای توقف رشد اقتصادی است (ناجی و همکاران، ۱۴۰۰). همچنین در قانون هدفمندی یارانه ها تصریح شده بود که به منظور کمک به تولید و کاهش اثرات افزایش قیمت، دولت از طریق منابع حاصل از اجرای هدفمندی نسبت به حمایت های مستقیم و غیر مستقیم از صنعت اقدام کند اما در عمل به دلایل مختلف این حمایت ها به میزان کافی صورت نپذیرفت و یا آثار ملموسی نداشته است (عیسی وند و توحیدفام، ۱۳۹۴). همچنین پیش از اجرای این قانون و افزایش نرخ حامل های انرژی، برنامه ریزی دقیقی برای بروزرسانی خلوط تولید و ارتقای تکنولوژی صنایع و جایگزینی آن با فناوری های با بهره وری بالاتر صورت نپذیرفت در نتیجه با اجرای هدفمندی یارانه ها و افزایش قیمت حامل های انرژی به یکباره هزینه های تولید افزایش یافت (باقری و همکاران، ۱۳۹۵) زیرا سیاست حذف یارانه های انرژی نمی تواند به تنهایی و بدون استفاده از تکنولوژی بهره ور، بهبود در روند اقتصاد را مهیا سازد. در واقع بدون توجه به توانایی بنگاه های تولیدی در جایگزینی عوامل تولید، خارج کردن فناوری فرسوده و استفاده از تکنولوژی مدرن، نمی توان رشد اقتصادی را تضمین کرد (خیابانی ۲۰۱۷) در نتیجه، کاهش سود بنگاه ها و ناتوانی دولت در اعمال سیاست های حمایتی موجب شد تا تولیدکنندگان توان سرمایه گذاری در ارتقای فناوری تولید را نداشته باشند. بروزرسانی نشدن فناوری تولید و افزایش هزینه تولید از یک سو و اعمال سیاست های سرکوب قیمتی دولت به منظور مقابله با تورم از سوی دیگر موجب شد تا سود تولید کننده به حداقل ممکن رسیده و یا حتی تولید زیانده باشد. پس تولید کنندگان بجز کاهش تولید چاره دیگری نداشتند (مهدوی، ۱۳۹۵). کاهش سطح تولید و در پیش گرفتن

راهبرد کاهش هزینه‌ها موجب اعمال تعدیلات در نیروی انسانی در سطوح مختلف شد که نتیجه آن افزایش نرخ بیکاری در کشور بود (الهی و همکاران، ۱۳۹۵). پس از مدتی با افزایش نرخ تورم و ارز در کشور از یک طرف و از طرف دیگر، عدم همراهی قیمت حامل های انرژی به نسبت تورم، اثرات افزایش قیمت خنثی و مجدد قیمت سوخت نسبت به دیگر کالاها ارزان شد. از این رو تولید کنندگان ترجیح می‌دهند بجای سرمایه‌گذاری در ارتقای خطوط تولید از فناوری‌های پرمصرف گذشته استفاده کنند. این مصرف غیر بهینه منابع انرژی با مستهلک شدن ماشین آلات نیز تشدید شده است (پيله فروش، ۱۳۹۸).<sup>۱</sup>

بنابراین آنچه که مشخص شد این است که علی‌رغم آنکه دولت در هر سال چند برابر بودجه عمومی کشور، دو برابر مالیات دریافتی و برابر چندین سال یارانه نقدی اقدام به پرداخت تمامی یارانه های آشکار و پنهان (از محل بودجه عمومی، تبصره ۱۴، یارانه سود تسهیلات و یارانه پنهان) نموده است اما همچنان جلوه های فقر و نابرابری به یک مسأله دایمی کشور تبدیل شده است. با توجه به اهمیت این موضوع باید به معایب نظام موجود توزیع یارانه ها که کارشناسان به آن اذعان دارند به شرح زیر پرداخت:<sup>۲</sup>

- توزیع ناعادلانه یارانه ها موجب افزایش شکاف طبقاتی و تأثیرات نامطلوب در ضریب جینی شکل‌گیری بازار سیاه ایجاد رانت و فساد در فرایند تهیه و توزیع کالاهای یارانه ای
- افزایش قاچاق کالاهای یارانه ای
- عدم رغبت به تولید کالاهای یارانه ای در کشور
- افزایش بی رویه مصرف کالاهای یارانه ای و افزایش شاخص شدت انرژی
- تخریب و آلودگی محیط زیست در استفاده بی رویه از سوخت‌های فسیلی
- بکارگیری تکنولوژی انرژی بر و با راندمان پایین بواسطه قیمت غیر واقعی حامل‌های انرژی فقدان انگیزه در تغییر الگوی مصرف در حمل و نقل و مصارف خانگی
- عدم تأثیر پذیری قیمت کالاهای یارانه ای از تحولات اقتصادی کشور

وجود معایب فوق با کاهش بهره‌وری و بی‌عدالتی در جامعه همراه است. از این رو یکی از تکالیف قانونی و مهم دولت توزیع عادلانه درآمدها به منظور جلوگیری از بروز فقر و نابرابری در جامعه است. بر این اساس سازو کار توزیع یارانه ها که باید منجر به بهبود شاخص‌های اقتصادی و رفاهی شود کارایی مناسبی ندارد و میزان اصابت آن بر اقشار هدف، اندک است و منابعی که با هزینه فراوان و در بعضی از موارد به بهای ایجاد ناپایداری در نهادهای

۱. با اقتباس از مقاله احمدی و بهبودی (۱۴۰۲)

۲. برگرفته از گزارش: همتی، عبدالناصر، (۱۴۰۳)، برنامه وزیر پیشنهادی وزارت امور اقتصادی و دارایی

مالی کشور تأمین می‌شود، اثر متناسبی بر افزایش رفاه آحاد جامعه خاصه اقشار کم درآمد که عموماً هدف طرح هستند ندارند(همتی، ۱۴۰۳).

از دیگر سیاست‌ها که با هدف کار خیر اتخاذ شد ولی خیر عمومی را در پی نداشت می‌توان به قیمت گذاری دستوری یا دخالت دولت در امر قیمت گذاری کالاها و خدمات اشاره کرد. قیمت گذاری دستوری با هدف کنترل قیمت‌ها و نرخ تورم اتخاذ می‌شود اما بررسی‌های نشان می‌دهد که خود قیمت گذاری دستوری، عاملی برای رشد نرخ تورم است. به عبارتی قیمت گذاری دستوری باعث کاهش انگیزه‌های سرمایه‌گذاری، تخریب زنجیره‌های تأمین و آسیب به سازوکارهای اقتصادی می‌شود و از دو مسیر مهم می‌تواند باعث رشد مجدد تورم شده و هدف سیاست‌گذار را به شکل معکوسی تغییر دهد. ابتدا اینکه با تعیین غیربهبینه قیمت‌ها، سرمایه در گردش بنگاه‌ها را با مشکل مواجه می‌سازد به این معنی که بنگاه‌ها به دلیل عدم تأمین سود خود با مشکل تأمین سرمایه مواجه شده و به‌ناچار به سراغ منابع بانکی رفته است. این موضوع با ایجاد ناترازی در بانک‌ها در نهایت به رشد نقدینگی دامن می‌زند که خود موتور رشد تورم تلقی می‌شود. از طرف دیگر اینکه تعیین قیمت‌ها برای همه کالاها به صورت یکسان تعیین نشده و همچنین با تعدیل اتفاق می‌افتد، منجر به ایجاد اختلاف قیمتی شده و قیمت‌های نسبی را تغییر می‌دهد. همین موضوع می‌تواند تخصیص بهینه منابع را مختل کرده و به کاهش تولید در اقتصاد منجر شود.<sup>۱</sup> در نتیجه باید توجه کرد قیمت‌گذاری دولتی حتی اگر در کوتاه‌مدت بتواند قیمت‌ها را کاهش دهد در بلندمدت آثار عکس بر مهار تورم خواهد گذاشت. این در حالی است که قیمت گذاری دستوری در روایات نکوهش شده است. نقل است که:

به پیامبر خدا(ص) گفته شد: خوب است برای ما قیمت بگذاری؛ زیرا قیمت‌ها بالا می‌روند و پایین می‌آیند. پیامبر فرمودند: «من، چنان نیستم که خدا را دیدار کنم، در حالی که بدعتی نهاده باشم که او مرا در آن مجاز نفرموده است. پس اجازه دهید که بندگان خدا از [داد و ستد با] یکدیگر روزی بخورند، و هر گاه از شما اندرز خواستم، اندرزم دهید».

شیخ صدوق، (۱۴۱۳ قمری)

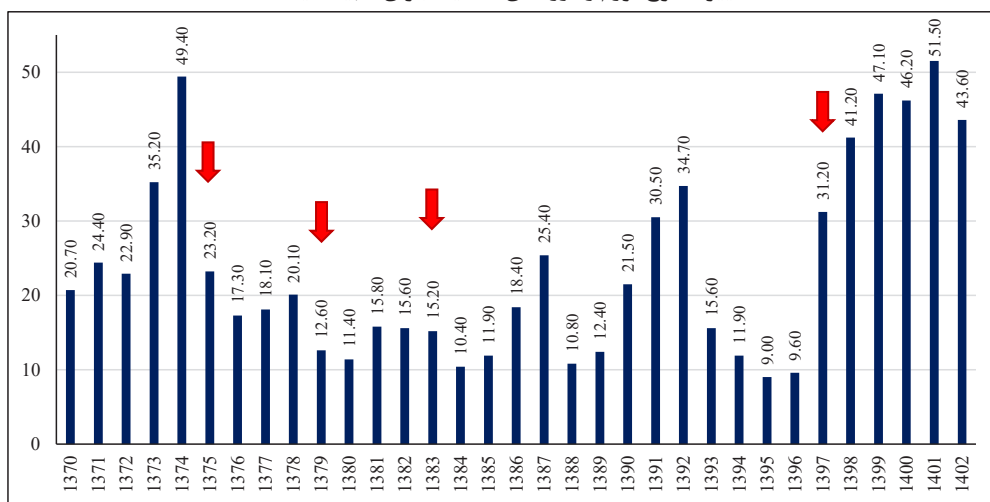
در سال قحطی، به پیامبر(ص) فرمودند: ای پیامبر خدا! برای ما قیمت تعیین کن. پیامبر فرمود: «خداوند، مرا به سبب بر نهادن سستی در میان شما که مرا به آن امر نفرموده، بازخواست نخواهد کرد؛ اما فضل خدا را طلب کنید تا قحط‌سالی از شما بگذرد!».

ابو نعیم اصبهانی، (۱۴۱۹ قمری)

۱. بر گرفته از گزارش دنیای اقتصاد «<https://donya-e-eqtasad.com/>»

همانطور که در نمودار زیر مشخص است پس از تشدید سیاست‌های تثبیت قیمت، شاید در کوتاه مدت نرخ تورم اندکی کاهش یافته اما در بلندمدت نتیجه معکوسی را به همراه داشته است. این موضوع به خوبی نشان می‌دهد که هدف اصلی قیمت گذاری دستوری یعنی کنترل نرخ تورم، محقق نشده است.

تغییرات نرخ تورم و دوره‌های تشدید اجرای تثبیت قیمت



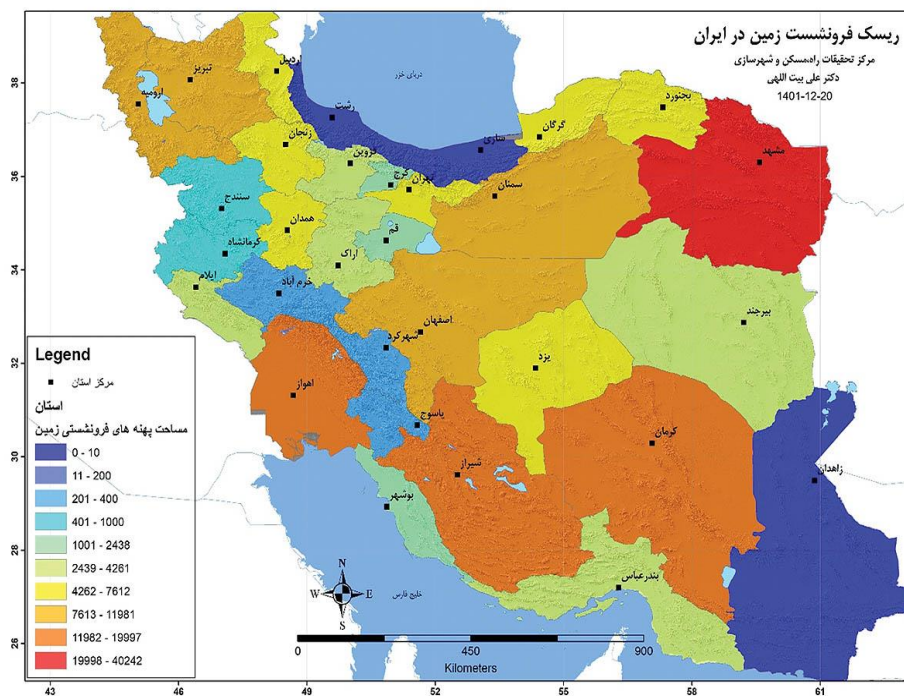
منبع: بانک مرکزی

از دیگر سیاست‌هایی که در این خصوص می‌توان اشاره کرد، سیاست خودکفایی در حوزه‌های مختلف مخصوصا بخش کشاورزی است. خودکفایی و دستیابی به مزیت نسبی در تجارت بین‌الملل امری مطلوب و خوشایندی است اما این سیاست زمانی صحیح است که آثار بلندمدت آن زیان بار نباشد. به عبارتی کلیت سیاست نشان دهنده کار خیر است اما همیشه نمی‌تواند آثاری که منتج به خیر عمومی می‌شود را به دنبال داشته باشد. به عنوان مثال به عقیده برخی از اقتصاددانان علت فاجعه کم آبی در کشور را باید در سیاست خودکفایی خصوصا در محصولات غذایی دانست. در دهه ۸۰ سیاست خودکفایی مواد غذایی باعث برداشت بیش از حد آب‌های زیرزمینی و قابل شرب شد. هرچند برای برخی سال‌ها وضعیت کشور در تولید برخی از محصولات مناسب بود اما این رویه باعث شکل‌گیری بحران کم آبی و فرونشست زمین شد.

نتایج تحقیقات از روند نشست زمین در پهنه‌هایی از کشور که محل سکونت نیمی از جمعیت ایران است، نشان می‌دهد، سرعت بالای برداشت آب از سفره‌های زیرزمینی در این مناطق باعث شده است از یکسو میزان «افت ذخایر آبی» زیرزمین تا ۴ برابر دهه‌های قبل و از سوی دیگر، نرخ سالانه فرونشست به حداقل ۱٫۵ برابر سال‌های

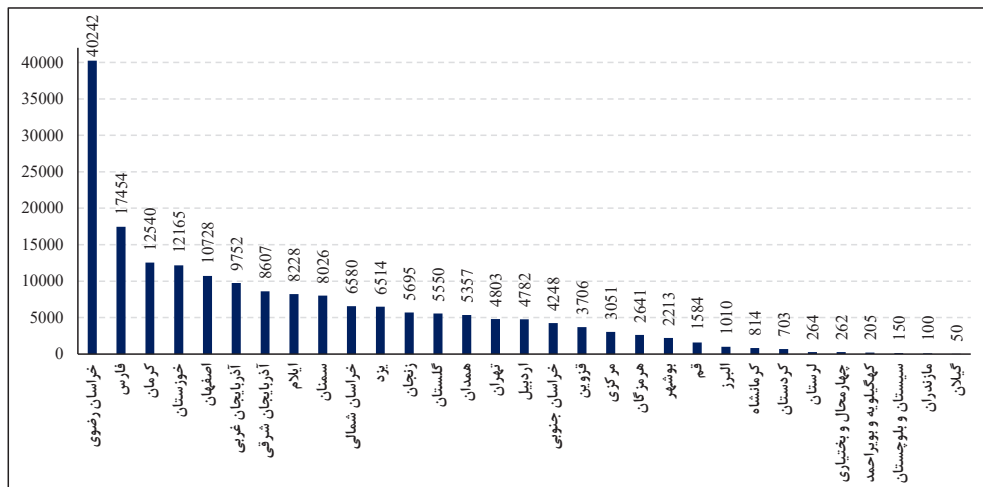
گذشته برسد. با شروع کسری آب زیرزمینی از اواسط دهه ۵۰، آهنگ شروع فرونشست زمین نیز در سرزمین ایران آغاز شده است. بنابراین فرونشست زمین در کشور ایران دارای قدمتی حداقل نیم‌قرنی است. آنچه در ایران در اواسط دهه ۷۰ رخ می‌دهد، تغییر قابل‌ملاحظه‌گرادیان افت سطح آب‌های زیرزمینی است که تا زمان حاضر نیز این روند افت و کسری مخزن استمرار دارد. تغییر گرادیان سالیانه کسری مخزن از ۱ (1000MCM/year) در بازه زمانی ۱۳۵۶ تا ۱۳۷۵، به ۴٫۸ (1000MCM/year) در بازه ۱۳۷۵ تا ۱۴۰۰، همزمان با افزایش جمعیت و توسعه ارکان کشاورزی و صنعتی کشور منجر به افزایش فشار بر آب‌های شیرین تجدیدپذیر زیرزمینی و بیلان منفی آبخوان‌های سرزمین ایران شد.<sup>۱</sup> همانطور که در نمودار زیر مشخص است ریسک فرونشست در ایران بسیار بالا می‌باشد که نیازمند توجه ویژه به این قضیه است.

### ریسک فرونشست زمین در ایران



۱. بر گرفته از گزارش دنیای اقتصاد «<https://donya-e-qtasad.com/>»

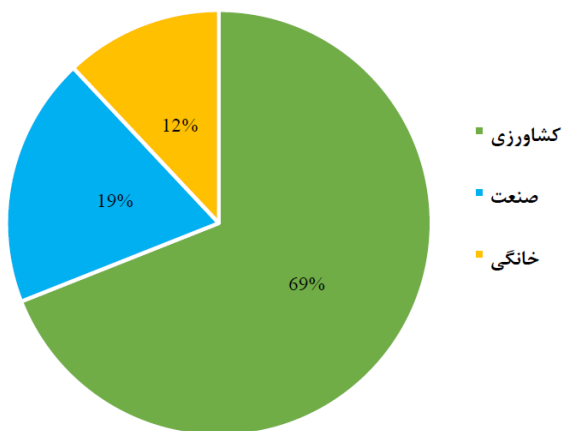
وسعت و گستردگی پهنه های فرونشستی در گستره های استانی ایران



منبع: وزارت نیرو (برگرفته از گزارش دنیای اقتصاد)

این درحالی است که طبق گزارشات وزارت نیرو، حدود ۹۲ درصد منابع آب تجدید پذیر ما در بخش کشاورزی مصرف می شود و کل مصرف آب در بخش خانگی و صنعت ۸ درصد است.

سهم مصرف آب در بخش های مختلف

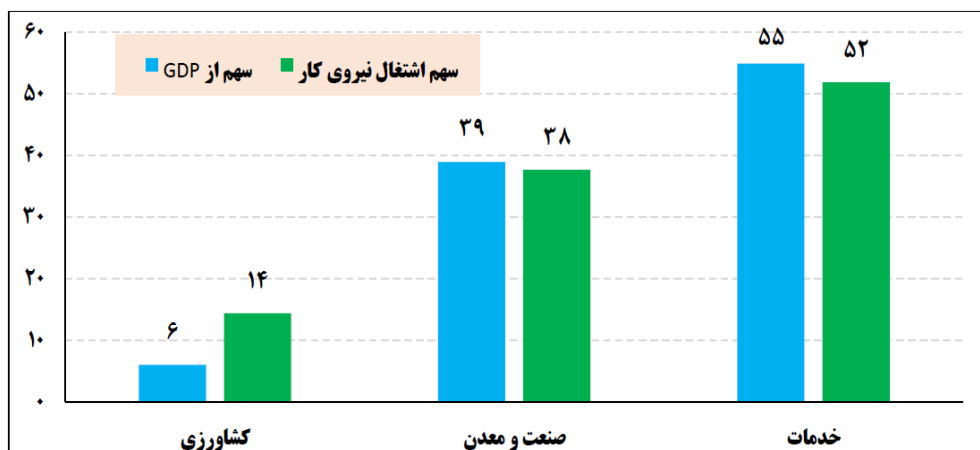


منبع: وزارت نیرو

علاوه بر این، بر اساس گزارش مرکز آمار، سهم اشتغال نیروی کار در بخش کشاورزی در سال ۱۴۰۲ حدود ۱۴,۴ درصد بوده و این بخش تنها ۵,۶ درصد از کل تولید اقتصاد را به خود اختصاص داده است. از این دو سهم می توان

فهمید که کشاورزی کوچکترین بخش اقتصاد ایران هم از نظر اشتغال و هم از نظر تولید بوده است. همچنین می‌توان گفت به دلیل اشتغال بالا در این بخش و تولید کمتر نسبت به سهم اشتغال، میزان بهره‌وری این بخش از تمامی بخش‌های سه گانه اقتصاد ایران پایین‌تر بوده است. دومین بخش مورد بررسی صنایع و معادن است. آمارها حاکی از آن است که سهم اشتغال نیروی کار در این بخش در سال گذشته معادل ۳۳٫۷ درصد بوده است. از سوی دیگر میزان تولید در این بخش نسبت به کل تولید ناخالص داخلی در سال ۱۴۰۲ معادل ۳۹ درصد بوده است. بر این اساس می‌توان گفت بخش صنعت و معدن به دلیل تکنولوژیک بودن توانسته‌اند با اشتغال کمتر، تولید بیشتری را حاصل کنند. به همین دلیل می‌توان این بخش از اقتصاد ایران را بهره‌ورترین بخش در سال ۱۴۰۲ دانست. سومین و آخرین بخش از بخش‌های سه گانه اقتصاد ایران، خدمات است. طبق آمارها سهم اشتغال نیروی کار در این بخش در سال ۱۴۰۲ معادل ۵۱٫۹ درصد بوده است. از سوی دیگر در این سال، سهم تولید این بخش از تولید ناخالص داخلی نیز معادل ۵۵ درصد بوده است.

سهم بخش‌های مختلف اقتصادی از اشتغال و نیروی کار در سال ۱۴۰۲



منبع: مرکز آمار ایران

بنابراین آنچه که مشخص است سیاست خودکفایی در بخش کشاورزی باعث بحران کم آبی شده است. بنابراین کار خیر باعث خیر عمومی نشده است.

## خیر عمومی و دوره سیاست‌گذاری

یکی از آثار توجه بیشتر به مصلحت فردی نسبت به خیر عمومی، کوتاه مدت شدن سیاست‌گذاری است. به عبارتی، ترجیح مصلحت فردی بر خیر عمومی باعث می‌شود تا گاهی منافع کوتاه مدت بر بلندمدت چیره شود. در دهه‌های اخیر سیاست‌گذاری در ایران بیشتر به سمت سیاست‌گذاری کوتاه مدت حرکت کرده است تا بلندمدت. هرچه از زمان سیاست و سیاست‌گذاری عمومی کاسته شود و پیش‌بینی گسست و گردش در آن قوت پذیرد، بر ابهام در خصوص مصالح عمومی و منافع ملی افزوده خواهد شد و در چنین فضایی کارگزاران دولت به فراست در می‌یابند که فرصت کارگزاری کوتاه است و در این فرصت کوتاه برای مصالح عمومی و منافع ملی مبهم اگر نتوان کاری کرد، برای منافع شخصی کاملاً آشکار، کارهایی می‌توان کرد. بدین ترتیب کارگزار در شرایطی از اقدام قرار می‌گیرد که منافع خود را که می‌شناسد، بر منافع دولت که نمی‌شناسد، ترجیح می‌دهد. بنابراین سیاست و سیاست‌گذاری عمومی وقتی کارساز است که پاینده و باثبات باشد. در این خصوص مقایسه دو کشور ایالات متحده آمریکا و فرانسه مناسب به نظر می‌رسد. اعلامیه استقلال ایالات متحده آمریکا مصوب ۱۷۷۶ است و قانون اساسی این کشور در ۱۷۸۷ در کنوانسیون فیلادلفیا با تأیید ۱۳ دولت متحد رسمیت یافت و جرج واشنگتن اولین رئیس‌جمهور این کشور در ۱۷۸۹ شد. رژیم جدید در فرانسه متعاقب انقلاب این کشور در ۱۷۸۹ شکل گرفت. خوب است بدانیم سلسله قاجار نیز همزمان با این دو تحول مهم جهانی در ۱۷۹۴ پا گرفته است. آمریکا از زمان تشکیل برجسته‌ترین نمونه، ثبات در سیاست و سیاست‌گذاری عمومی را به نمایش گذاشته است. ایالات متحده آمریکا از زمان تشکیل همان قانون اساسی، همان ساختار سیاسی و همان نظام سیاست‌گذاری را دارد. آنچه در طول زمان در این کشور آمده، ادامه آن چیزی بوده که در بدو تشکیل به وجود آمده است. این چنین است که اکنون این کشور صاحب یکی از قدیمی‌ترین قوانین اساسی، نظام‌های قانون‌گذاری و حزبی در جهان است. ثبات در تشکیلات سیاسی و سیاست‌گذاری آمریکا سبب شد که بسیاری نهادها در این کشور زود قدیمی شوند و این کشور تبدیل به قدرتمندترین کشور جهان شود. ثبات و پایداری سیاست و سیاست‌گذاری عمومی در فرانسه، با وجود درکی روشن از مصالح عمومی و منافع ملی، با فراز و نشیب‌هایی همراه بود که نهایتاً سبب بازندگی این کشور که نماینده جهان فرانسه‌زبان بود در مقابل جهان انگلیسی‌زبان شد. فرانسه از زمان انقلاب ۱۷۸۹، رژیم‌های سیاسی پادشاهی، جمهوری اول، امپراتوری اول، بازگشت سلطنت، جمهوری دوم، امپراتوری دوم، جمهوری سوم، جمهوری چهارم و جمهوری پنجم را تجربه کرده است. هم‌اکنون شماری از سیاستمداران در این کشور معتقد به ضرورت برپایی جمهوری ششم هستند. قانون اساسی جمهوری پنجم فرانسه مصوب سال ۱۹۵۸ است و در مقایسه با قانون اساسی ایالات متحده آمریکا بسیار جدید است، اگرچه این کشور خود از آمریکا بسیار قدیمی‌تر است. بر همین منوال اگر مقایسه را ادامه دهیم، باید بگوییم که قانون اساسی جمهوری اسلامی

ایران مصوب ۱۹۷۹ و از جوان‌ترین قوانین اساسی جهان است. اگرچه کشور، خود، بسیار قدیمی‌تر از امریکا و فرانسه و تقریباً تمام کشورهای جهان است. معیار قدمت و قدرت را اکنون باید در پایداری و ثبات سیاست‌ها و سیاست‌گذاری‌ها جست‌وجو کرد، نه در قدمت کشورها.

### آیا دولت خیرخواه یا دولت رفاه همیشه می‌تواند خیر عمومی (جمعی) را به ارمغان بیاورد؟

رفع فقر و ایجاد حداقل زندگی برای مردم به وسیله دولت در پرتو نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی تحقق می‌یابد. دولت طیف گسترده‌ای از خدمات اجتماعی را برای همه افراد ارائه می‌دهد؛ از اشتغال کامل حمایت می‌کند و ضمن دفاع از اقتصاد بازار، برخی از صنایع کلیدی، ملی شده یا تحت نظارت کامل دولت قرار می‌گیرد. نیمه دوم قرن بیستم، زمان گسترش این نظریه و تحقق آن در اروپای شمالی بود. گرچه با موانعی علت مباحث تعدیل اقتصادی و جهانی سازی روبه رو شده است. تأمین حداقل‌های لازم برای معیشت شرافتمندانه مردم، علت اساسی حضور دولت رفاه در اقتصاد است؛ البته قلمرو حضور آن فراگیرتر از دولت نئوکلاسیکی و کمتر از دولت سوسیالیستی است و با دولت کینزی سازگاری دارد. هدف دولت رفاه، جامعه بی طبقه نیست بلکه جامعه‌ای است که در آن شایستگی و تحرک اجتماعی اهمیت بیش تری از تقسیم بندی‌های درآمدی داشته باشد (دادگر، ۱۳۸۰). دولت رفاه می‌کوشد؛ پنج نوع برابری ایجاد کند، برابری استفاده از هزینه‌های عمومی، برابری درآمد نهایی، برابری استفاده از خدمات اجتماعی، برابری هزینه برداری خدمات اجتماعی و برابری نتیجه. دولت رفاه به معنی وجود سیاست‌های هوشمندانه‌ای در زمینه تأمین دستکم حداقل استاندارد زندگی برای همه و ارتقا برابری در فرصت‌های زندگی بود و در آن هیچ تردیدی در زمینه ضرورت تمرکز تمام توجه همه نهادهای رسمی بر تأمین خدمات همگانی وجود نداشت (فیتزپتریک، ۱۳۸۱). البته لازم به ذکر است نقشی که دولت رفاه عمومی داشته است از کشوری به کشور دیگر متفاوت بوده و حتی در یک کشور در دوره‌های زمانی مختلف از نقش تأمین کننده حداقل رفاه و نقش تأمین کننده جامع تغییر نموده است. با این وجود هدف اساسی نظام سرمایه‌داری مبتنی بر دولت رفاه برخورداری همه از زندگی آبرومندانه‌ای است که نیازهای اساسی افراد جامعه تأمین گردیده و از مصونیت‌های معینی در مقابل حوادث، ورشکستگی، بیماری، از کارافتادگی بهره مند شوند. دستیابی به برابری و برآوردن نیازهای اساسی همه اعضای جامعه به مدد کارکرد اساسی دولت رفاه یعنی مداخله گری محقق می‌گردد. این مداخله گری از طریق نظام‌هایی همچون تأمین اجتماعی، نظام آموزش، نظام درمان و بهداشت و غیره نقشی توزیعی به دولت می‌دهد که موقعیت نابرابر شهروندان را تنظیم و حمایت می‌کند (حبیب نژاد و سلمانی سبینی، ۱۳۹۹).

تا حدود نیم قرن پیش تصور عمومی غالب و بلکه پیش فرض درباره نهاد دولت، تصویر یک نهاد خیرخواه و فرشته خو و فارغ از منافع خصوصی بود. دولتمردان نیز برگزیدگانی تصور می شدند که در مسند تصمیم گیری و سیاست گذاری عمومی نه بر مبنای تمایلات و منویات و منافع خود که بر مصالح و منافع عمومی تصمیم می گیرند. یک اقتصاددان به نام جیمز بوکانان که در اواسط دهه ۱۹۸۰ جایزه نوبل اقتصاد گرفت، با ارائه نظریه «انتخاب عمومی» تصور دولت خیرخواه را به چالشی جدی کشید. در این نظریه دولت ها مجموعه ای از افراد هم سود یا باشگاهی از افراد با منافع مشترک هستند که در دوره قدرت خود تلاشی جدی معطوف به حداکثرسازی منافع این گروه و باشگاه هم سود دارند. رفتار شهروندان در بازار رای و بازیگری آنان در انتخابات سیاسی درست مانند خرید ترکیبی از کالاهاست که منافع آن ها (و نه الزاما منافع همگانی یا خیر عمومی) را حداکثر می کند. بدیهی است این نظریه دموکراسی انتخاباتی را نه تنها نفی نمی کند بلکه دموکراسی نظارتی و امکان عزل دولت ها در کنار برگزیدن آن ها را اجتناب ناپذیر و ضروری می داند. از سوی دیگر به هراندازه که مشارکت سیاسی و فراگیری اجتماعی دولت ها بیشتر باشد، امکان برآمدن دولت های قبیله گرا یا فرقه ای کمتر و احتمال سوگیری های گروهی در تصمیمات و تخصیص ها کمتر خواهد بود. بر این اساس مسیر اصلاح و کنترل سیاست ها برای حداکثرسازی منافع همگانی، برای پیشگیری از فساد و برای کنترل تعارض منافع یا تبانی های متداول نه تلاش برای شناسایی دولتمردانی اخلاق مدار، خیرخواه و فرشته خو نیست بلکه مسیر اصلاح سیاست ها و کنترل تأثیر بودجه عمومی بر منافع همگانی تنها و تنها از بهبود قواعد و سازوکارهای حکمرانی یعنی شفافیت، پاسخ گوئی، قانون پذیری، مسئولیت پذیری و فراگیری حداکثری دولت ها می گذرد. در برداشتی تندتر از این نظریه حتی باید رابطه مستقیمی میان مالیات پرداختی هر گروه و منفعی که از آن می برند، نشان داد. دولت ها باید نشان دهند هر ریال مالیاتی که دریافت می کنند، از چه گروهی و برچه مبنایی دریافت شده و هر ریالی که تخصیص می دهند یا هزینه می کنند، چه منافع همگانی را دربردارد. دولتمردان نیکو و پسندیده آنانی نیستند که فقط برای مردم دلسوزی و خیرخواهی بیشتری دارند، بلکه سیاست مدارانی هستند که در تصمیم ها و سیاست گذاری های خود و بلکه ارتباط زندگی و رفتار خصوصی خود با موقعیت و مسند سیاسی خود شفاف و نظارت پذیر و در مقابل نظارت همگانی پاسخگوتر و مسئولیت پذیرتر اند. این مقدمه طولانی از آن جهت ضروری است که فاصله میان مبانی ذهنی و معرفتی تحلیل و ارزیابی بخش عمومی در یک جامعه مدرن با آنچه با ذهنیت های بسیط و ساده در کشور ما جاری است، روشن

تر شود.<sup>۱</sup> بنابراین آنچه که مشخص است این است که الزاما هر دولتی که تحت عنوان دولت خیرخواه یا رفاه وارد عمل شود، لزوما نمی‌تواند منجر به خیر عمومی یا همگانی شود.

### اثرات دولت رفاه یا دولت خیرخواه

#### الف) نگاه منفعت طلبانه سیاستمداران در اقتصاد

در ایده دولت رفاه، دولت، مسئول تأمین رفاه یکایک اعضای جامعه تعیین گردید. در این دیدگاه دولت می‌تواند در اقتصاد دخالت کند تا نابرابری‌ها را از میان بردارد. اما دخالت دولت و دستوری کردن اقتصاد باعث می‌شود کل نظام بازار اصلا از کار بیفتد. تحقیقات نشان می‌دهد که علی‌رغم ادعایی که دولت رفاه جهت حمایت از فقرای جامعه داشت، ورود دولت و دولتمردان در هر عرصه با به دست آوردن سود و منفعت همراه بوده است. این مسئله شکل‌گیری نظریه انتخاب عمومی توسط ویکسل، داونز، جیمز بوکانان و تالوک نیز مشاهده می‌شود. در حقیقت برخلاف رویه سابق در علم اقتصاد، مکتب انتخاب عمومی، گرایش شدیدی برای اثبات در پیش گرفتن نفع شخصی در عملکرد دولتمردان دارد. حتی زمانی که به نفع عمومی تصمیم گرفته و عمل می‌نمایند نیز در پی کسب مجدد قدرت هستند.

در حقیقت سیاستمداران و دولتمردان به بهانه حفظ منفعت همواره برای خود اختیارات و به ظاهر مسئولیت‌هایی را به وجود می‌آورند که نه تنها انجام آن توسط بخش خصوصی بهتر و کارآمدتر صورت خواهد گرفت، بلکه به فربه شدن هرچه بیشتر دولت نیز منجر شده که به غیر از بودجه و هزینه بیشتر بر دولت و بیت‌المال منفعت دیگری برای جامعه در پی نخواهد داشت. اما خارج دانستن دولت از تمامی عرصه‌ها نیز نمی‌تواند راه حل درستی باشد؛ بنابراین علیرغم این واقعیت که در ورود دولت در عرصه فقرزدایی مهم‌ترین هدف آن جلب رضایت عمومی به منظور در دست گرفتن مجدد قدرت در نظام‌های دموکراتیک است و همین تمایل به در دست نگه داشتن قدرت سیاسی می‌تواند به نمایشهای پوپولیستی جهت اقناع افکار عمومی به عملکرد صحیح دولت و کشیدن روبنایی بر فقر درونی جامعه و از میان بردن ظواهر فقر در جامعه بدون ریشه کن نمودن آن باشد. اما از سوی دیگر خارج دانستن دولت از حوزه‌هایی همچون آموزش و بهداشت را نیز نمی‌توان به نفع عموم جامعه دانست. به همین جهت است که می‌توان برای دولت بدون ورود مستقیم به حوزه اجرایی نقش ناظر قائل بود. اجرای وظایفی که به فقرزدایی در جامعه منتهی می‌گردد توسط نهادهای متخصصی که در خصوص اجرای آنها دانش، مهارت و انگیزه لازم را داشته و همچنین نهادهای مدنی و سازمان‌های مردم‌نهاد بهتر و مؤثرتر خواهد بود و البته بدون

۱. با اقتباس از میرزایی، حجت، (۱۴۰۰)، افسانه دولت خیرخواه و کارگزاران بخش عمومی، روزنامه شرق؛ شماره ۴۴۷۹.

نظارت دولت نیز ممکن است این نهادها به بنگاه‌هایی برای کسب منفعت شخصی تبدیل گردد؛ بنابراین حضور دولت به عنوان ناظر بسیار منطقی تر و کارآمدتر خواهد بود (حبیب نژاد و سلمانی سبینی، ۱۳۹۹).

### ب) افزایش اندازه دولت و شکست سیاست خصوصی سازی

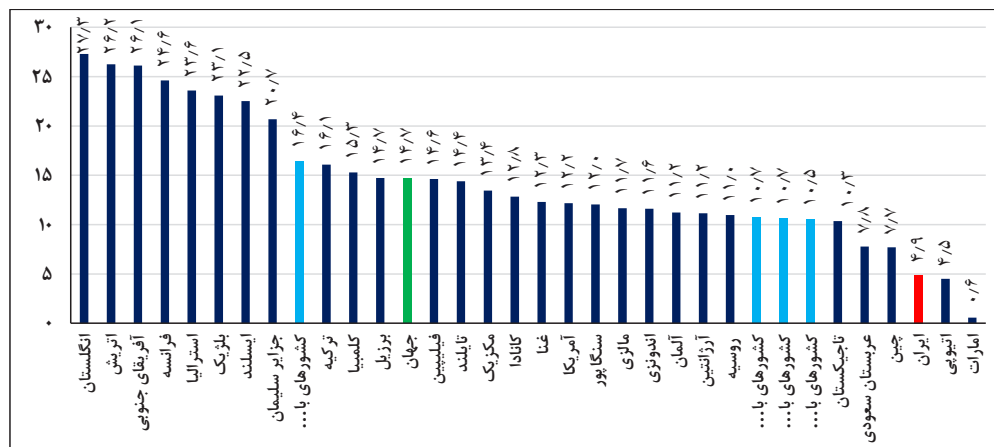
در دهه ۱۹۳۰ در اثر پافشاری نظریه پردازان کلاسیک بر نظریه خود، رکود بزرگ اتفاق افتاد که در این شرایط «کینز» نظریه دولت رفاه خود را ارائه نمود. این نظریه مورد دفاع لیبرال های برابری طلب است که با طرح آزادی های مدنی همراه با حقوق اقتصادی و اجتماعی معینی شامل حق، رفاه، آموزش و پرورش و بهداشت و مراقبت خواهان تشکیل دولت رفاه گستره هستند. در حقیقت، دولت برای ایجاد رفاه نیاز به سرمایه گذاری بالا، توزیع درآمد و حمایت های گسترده از اقشار مختلف جامعه است. این موضوع منجر به افزایش هزینه و اندازه دولت می شود. از آنجا که حجیم شدن دولت همراه با تبعات منفی می باشد می تواند خصوصی سازی را با شکست مواجه سازد. بند «الف» از سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در ارتباط با افزایش فعالیت های بخش غیردولتی و جلوگیری از بزرگ شدن بخش دولتی است. بر این اساس دولت حق فعالیت اقتصادی جدید خارج از موارد صدر اصل ۴۴ قانون اساسی را ندارد و موظف است هرگونه فعالیت را که مشمول عناوین صدر اصل ۴۴ نباشد را حداکثر تا پایان برنامه چهارم به بخش تعاونی خصوصی و عمومی غیردولتی واگذار کند. امری که البته به درستی محقق نشد و انجام آن به صورت ناقص نیز آسیب هایی به همراه داشت. آزادسازی اقتصادی و مقررات زدایی در هر عرصه ای از اقتصاد، غالباً با افزایش نرخ ها همراه است. از اینرو آزادسازی اقتصادی آثار تورمی از خود به جای گذاشت. از سوی دیگر بر طبق نظریه منحنی فیلیپس که به وجود رابطه معکوس میان نرخ بیکاری و تورم اشاره دارد با رشد اقتصادی و رونق گرفتن فعالیت ها که در نتیجه آزادسازی اقتصادی به وجود می آید، اشتغال نیز افزایش خواهد یافت؛ اما این امر در آزادسازی اقتصادی در ایران اتفاق نیفتاد و نرخ بیکاری همچنان بالا باقی ماند. در واقع اگر خصوصی سازی بدون زیرساخت های لازم بازارهای رقابتی و نهادهای تخصصی نظارتی انجام شود، نتیجه با توسعه کارآمدی بازار مغایرت پیدا کرده و منتج به افزایش تورم خواهد شد. بیکاری و تورم را به عنوان نتایج خصوصی سازی در ایران می توان این گونه تحلیل نمود که تعدیل نیروی کار توسط بخش خصوصی که شرکت ها را تملک نمود منجر به تسویه حساب با بسیاری از کارگران گردید. این تعدیل نیرو به سبب افزایش بهره‌وری صورت گرفت که موجب شد افرادی با تحصیلات کمتر یا بهره‌وری پایین تر در معرض محروم شدن از ادامه فعالیت شغلی بشوند که اغلب این افراد از اقشار فقیر و محروم جامعه بودند. لذا خصوصی سازی منجر به افزایش بیکاری بالاخص در میان فقرا در کوتاه مدت شد و نابرابری را افزایش داد (حبیب نژاد و سلمانی سبینی، ۱۳۹۹). حال اگر درچنین نظام اقتصادی که دولت در آن تقریباً همه کاره است بخواهیم نظریه دولت رفاه را نیز

وارد کنیم با این فرضیه که نظریه دولت رفاه را در خصوص فقرزدایی، نظریه برآمده از قانون اساسی بدانیم؛ با این مشکل نیز مواجه خواهیم شد که دولت بسیار فربه با مسئولیت‌های متعدد را ساخته ایم که متولی امر فقرزدایی به صورت حمایت‌های مادی و رفاهی نیز می‌باشد. این مسئله هم به تورم دولت منتهی می‌گردد و هم هزینه‌های فراوانی را بر دوش دولت خواهد گذاشت.

### ج) عدم شفافیت و پاسخگویی

در اقتصاد بازار آزاد ایجاد دولت رفاهی که به حمایت‌های مالی از مردم از طریق ایجاد نظام تأمین اجتماعی و دیگر امور رفاهی مردم، سعی در از میان بردن فقر دارد با اموالی که مردم به عنوان مالیات به دولت می‌پردازند صورت می‌گیرد که در نهایت به پاسخگو نمودن دولت در نحوه دسترسی عموم مردم بالاخص فقرا به امکانات رفاهی می‌انجامد. اما در نظام اقتصاد دولتی که منابع مالی دولت از طریق در دست داشتن انحصاری اقتصاد بدست آورده است مالیات در آن جایگاه زیادی ندارد در نتیجه دولت نیز خود را در تأمین امکانات رفاهی جامعه در مقابل مردم پاسخگو ندانسته و نهایتاً اهداف نظام دولت رفاه در این گونه اقتصاد هرگز تأمین نخواهد شد. نمودار زیر نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی کشورهای منتخب، گروه‌های درآمدی و متوسط جهانی را نشان می‌دهد. همانطور که در نمودار مشخص است نسبت مالیات به GDP ایران در مقایسه با بسیاری از کشورها کمتر است. از آنجا که بخش زیادی از درآمدها و منابع مالی دولت از جانب فروش نفت و درآمدهای حاصل از آن تأمین می‌شود، پاسخگویی دولت در خصوص نحوه هزینه کرد منابع اندک هست. البته این موضوع برای طرف مقابل یعنی مردم نیز صادق است. از آنجا که مردم مالیات زیادی به دولت نمی‌پردازند، چندان پیگیری نحوه هزینه کرد آن نیستند.

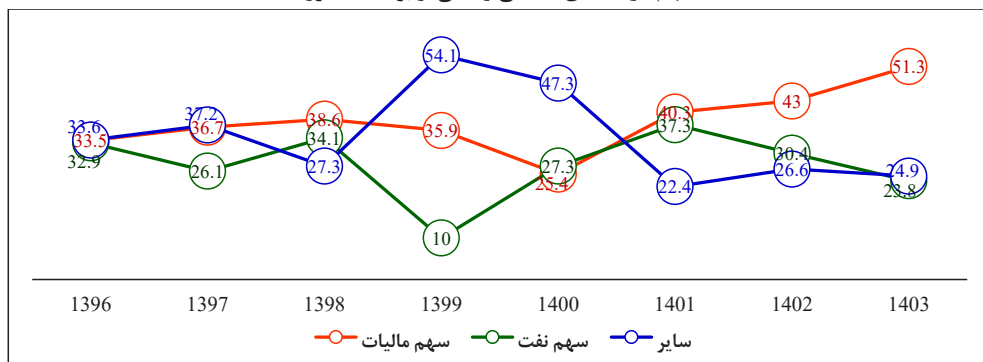
نسبت مالیات به GDP - سال ۲۰۲۲



منبع: بانک جهانی

با این حال همانطور که در نمودار زیر مشخص است در چند سال اخیر سهم مالیات از بودجه دولت روند افزایشی داشته است و از ۳۳,۵ درصد در سال ۱۳۹۶ به ۵۱,۳ درصد در سال ۱۴۰۳ رسیده است که می‌توان گفت دولت در حال گذار از بودجه نفتی می‌باشد.

سهم درآمدهای مالیاتی و نفتی از بودجه کشور



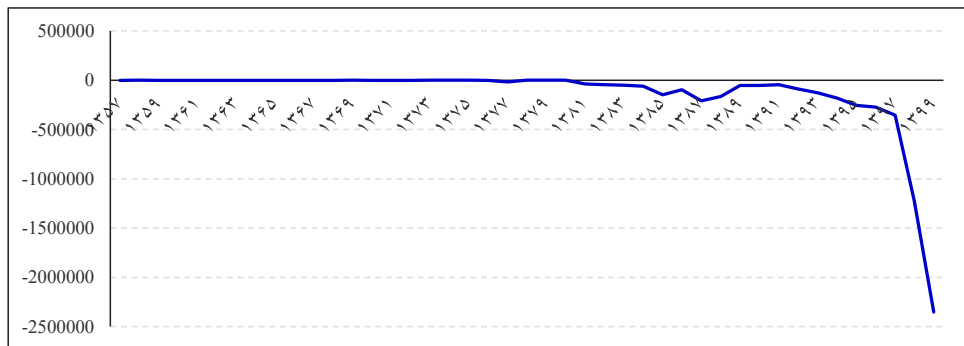
منبع: گزارش پژوهش‌های مجلس

البته این پاسخگویی نباید صرفاً محدود به دولت بشود بلکه سایر قوا یعنی قوه قضائیه و مجلس شورای اسلامی و تک تک نهادها و بخش‌هایی که به نوعی دارای اختیار تصمیم‌گیری در امور هستند، نیز ملزم به پاسخگویی باشند و مسئولیت تصمیمات و سیاست‌گذاری‌های خود را بپذیرند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب در خصوص پاسخگویی می‌فرمایند: «افراد، مسئولین، خودشان را در معرض نقد و انتقاد قرار بدهند و پاسخگو باشند و پاسخ بدهند و تبیین کنند. خیلی از اوقات اگر چنانچه یک انتقادی به کسی بشود، این فرصتی است برای او که بتواند ذهن‌ها را روشن کند، تبیین کنند، حقیقت را بیان کنند؛ خیلی چیز خوبی است». در جایی دیگر ایشان در خصوص پاسخگویی مجلس می‌فرمایند: «مجلس برخلاف تصور عمومی فقط پرسشگر نیست بلکه مانند هر نهاد تصمیم‌گیر و اقدام‌کننده باید در قبال وظایف و عملکرد خود در پیشگاه خداوند و در مقابل مردم پاسخگو باشد. البته برای پاسخگویی مجلس در قبال مردم، سازوکاری نداریم اما می‌توان رضایت یا عدم رضایت مردم را در واکنش آن‌ها به عملکرد مجلس مشاهده کرد. در گذشته کارهای برخی مجالس مورد پسند مردم نبود و به همین علت از چشم مردم افتادند؛ بنابراین تک تک نمایندگان باید رفتار، نطق‌ها، مواضع و عملکرد خود را با توجه به ضرورت پاسخگویی تنظیم کنند».

#### د) ناکارآمدی دولت در تأمین منابع مالی تأمین اجتماعی در دولت رفاه

نظریه دولت رفاه در دولت‌هایی با اقتصاد صنعتی و توسعه یافته مطرح گردید. با این حال این نظریه در حال حاضر از سوی بسیاری از این کشورها با وجود داشتن اقتصاد صنعتی کنار گذاشته شده است. با این وضعیت ایران را که می‌توان کشوری در حال گذار دانست به مراتب بیشتر با مشکلات اجرایی این اندیشه مواجه خواهد شد. درواقع افزایش سطح مطالبات مردمی و حرکت دولت‌های رفاهی به سوی تأمین اجتماعی در راستای دستیابی به عدالت اجتماعی و بازتوزیع ثروت ملی در پی عقل‌گرایی نظام سرمایه‌داری برای پذیرش مسئولیت اجتماعی در برابر جامعه پس از چندین دهه دولت‌های فربه و ناکارآمدی را به وجود آورد که با مشکل تأمین منابع مالی مواجه شدند. نمودار زیر کسری بودجه دولت را برای سال‌های گذشته نشان می‌دهد که گویای وضعیت نامناسب این متغیر در کشور است.

کسری بودجه دولت



منبع: بانک مرکزی

#### ه) افزایش فساد در پی دخالت بیش از حد در دولت رفاه

نگاه حداکثری به دولت و محوریت آن در دولت رفاه از دیگر عوامل فساد است به گونه ای که تمرکز ثروت پیرو تمرکز قدرت به دولت واگذار شده و این امر در عملکردهای دولت از قبیل نظارت صحیح و اشراف بر فعالیت‌های کارگزاران آن، تأثیر سلبی و ایجابی متفاوتی ایجاد می‌کند. همان گونه که در اسناد بین‌المللی حقوق بشری و قانون اساسی تصریح شده، دولت باید نقش حمایتگر را در بحث شاخص‌های عدالت اجتماعی ایفا کرده و در عین حال جهت پویایی اقتصادی که منجر به ارتقاء سطح رفاه مردم می‌شود، مداخلات خود را در جزئیات مسائل مربوط به وضعیت اقتصادی بکاهد و از قوه قاهره و غالبه، به قوه نظارت کننده و ارشاد کننده تغییر جایگاه دهد! مسلماً

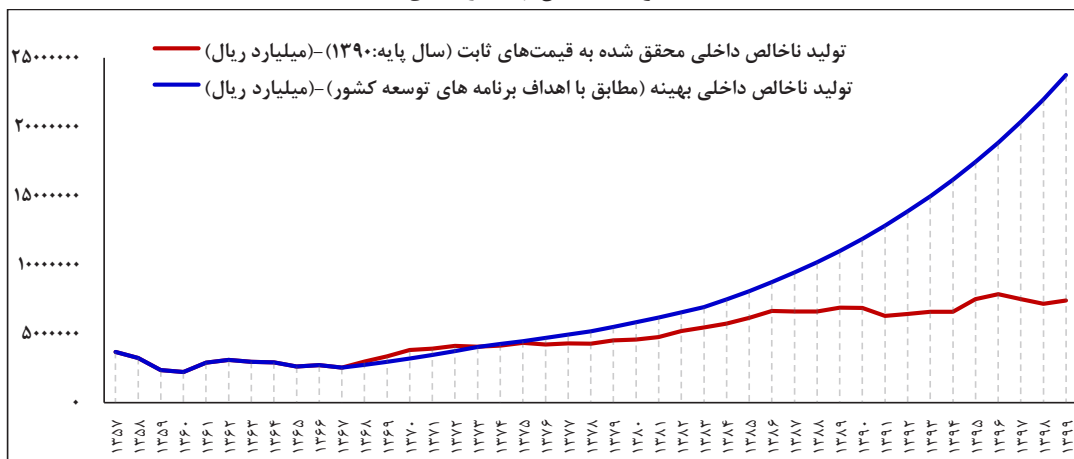
۱. با اقتباس از مطالعه حبیب نژاد و سلمانی سبینی (۱۳۹۹)

دولتی که تصدی گری بالایی در اقتصاد داشته باشد و منابع در اختیار آن باشد، به تبع قدرتی که دارا است، میزان فساد آن نیز افزایش پیدا می کند.

### دولت توسعه خواه در مقابل دولت خیر خواه

اگر از بعد اقتصادی به عملکرد دولت در حوزه های مختلف بنگریم، نگرش اصلی حاکم بر سیاست های اقتصادی ایران بر اساس مدل دولت رفاه یا دولت خیرخواه بوده است. چرا که در اکثر سال های گذشته تلاش شده است با نگاه ویژه به مقوله عدالت، بسترهای لازم برای تحقق آن تدارک دیده شود. با این وجود اگر به خروجی سیاست ها و نتیجه فرایندها و کارکردهای شکل گرفته بر مبنای دولت رفاه توجه کنیم به ایرادات عمده ای برخورد خواهیم خورد. سیاست های رفاهی در پیش گرفته شده ما را به جایی رسانده است که با وجود حضور در رتبه های اول تولیدکنندگان انرژی در جهان، با کمبود انرژی مواجه هستیم. از سوی دیگر با اینکه در سه دهه گذشته لاقط هفتصد میلیارد دلار نفت فروخته ایم، این درآمد عظیم نفتی نتوانسته است شاخص های رفاه و توسعه یافتگی را آنچنان که باید بهبود بخشد. نمودارهای زیر وضعیت مطلوب ایران که بر اساس برنامه های توسعه ای بعد از انقلاب مدنظر بود و وضعیت اتفاق افتاده را نشان می دهد. برای استخراج تولید ناخالص داخلی بهینه از رشد اقتصادی برنامه های توسعه ای بعد از انقلاب اسلامی استفاده شد که به نوعی از نظر برنامه ریزان و سیاست گذاران دستیابی به آن رشد ها، باعث توسعه و پیشرفت کشور می شد و رشد بهینه و مطلوبی را برای کشور فراهم می کرد. همانطور که از شکل زیر مشخص است به مرور زمان فاصله بین مقدار تحقق یافته تولید و مقدار بهینه و مطلوب که می توانست اتفاق بیافتد (بر اساس اهداف تعیین شده در برنامه های توسعه ای کشور)، زیاد شده است.

مقایسه تولید ناخالص داخلی بهینه و تحقق یافته

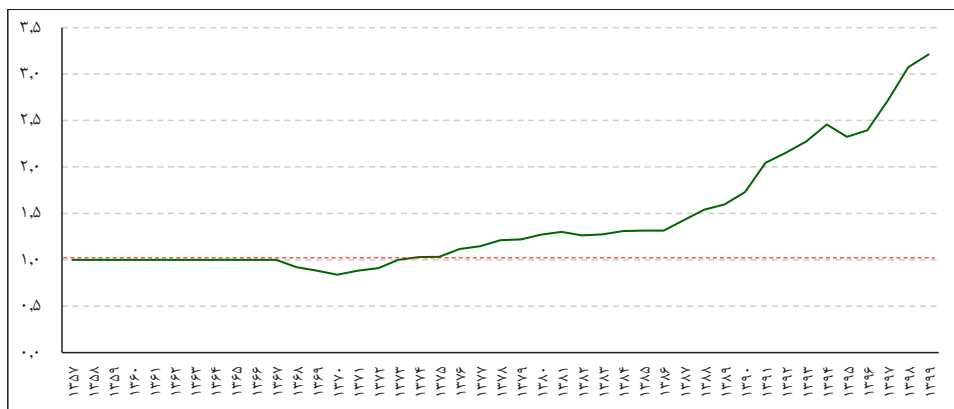


منبع: مرکز آمار ایران، برنامه های توسعه ای بعد از انقلاب اسلامی و محاسبات محقق

## فصل چهارم - حکمرانی مرکب با رویکرد خیر عمومی

برای بررسی دقیق تر موضوع، بهتر است نسبت تولید ناخالص داخلی بهینه را به تحقق یافته محاسبه کرد. همانطور که در نمودار صفحه بعد مشخص است این نسبت به مرور زمان افزایش پیدا کرده است. بطوریکه در سال ۱۳۹۹ این نسبت برابر ۳,۲ بدست آمده است. به عبارتی این عدد گویای این است که تولید ناخالص داخلی بهینه (یعنی تولیدی که بر اساس اهداف برنامه‌های توسعه‌ای کشور می‌توانست بوجود آید) ۳,۲ برابر تولید تحقق یافته است.

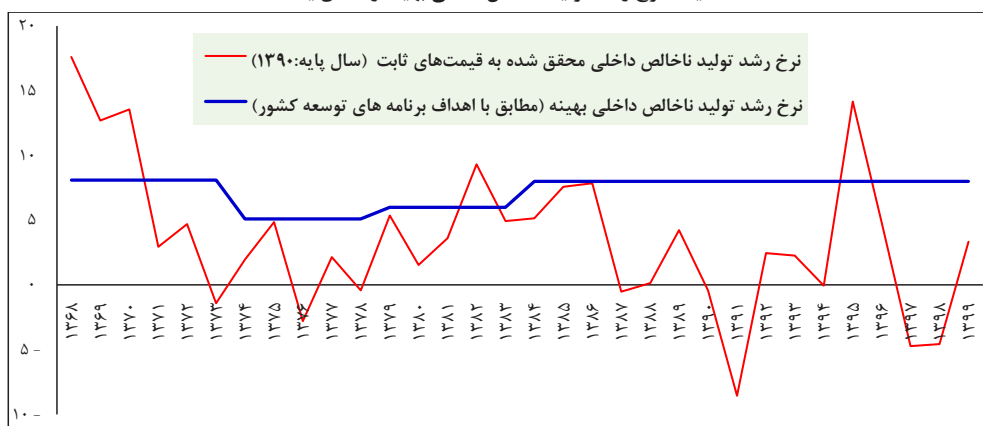
نسبت تولید ناخالص داخلی بهینه به تحقق یافته



منبع: مرکز آمار ایران، برنامه‌های توسعه‌ای بعد از انقلاب اسلامی و محاسبات محقق

همچنین نمودار زیر مقایسه نرخ رشد اقتصادی بهینه و تحقق یافته را نشان می‌دهد. همانطور که مشخص است، اولاً نرخ رشد اقتصادی تحقق یافته بسیار نوسانی و ثانیاً بجز دو سه سال، برای بقیه سال‌ها کمتر از رشد بهینه است.

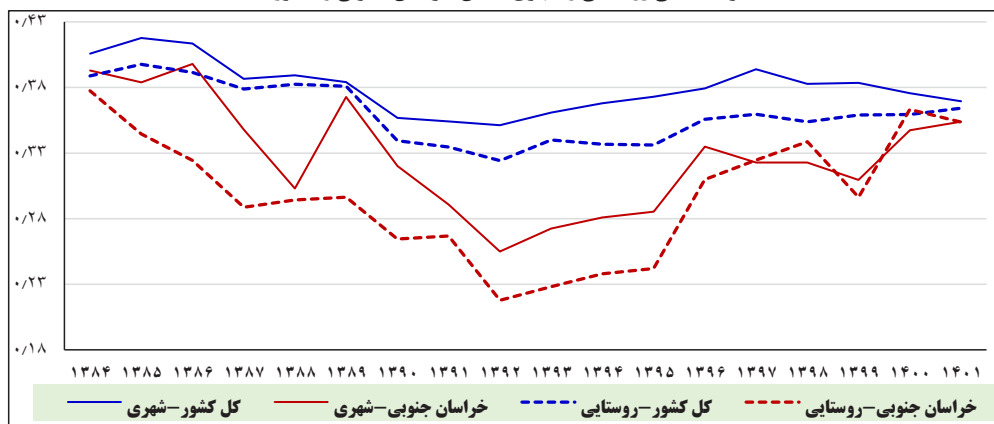
مقایسه نرخ رشد تولید ناخالص داخلی بهینه و تحقق یافته



منبع: مرکز آمار ایران، برنامه‌های توسعه‌ای بعد از انقلاب اسلامی و محاسبات محقق

البته این موضوع را نمی‌توان صرفاً به تحریم‌ها بسط دارد، هرچند که تأثیر زیادی بر متغیرهای فوق گذاشته‌اند، اما همانطور که در نمودارهای نیز مشخص است، برای سال‌های قبل از تحریم‌های گسترده بین‌المللی نیز رشد اقتصادی در وضعیت مطلوبی نسبت به مقدار بهینه نبوده است. در حقیقت در شرایط تحریم نیاز بود مجدداً سیاست‌ها و نگرش‌ها برای رسیدن به خیر عمومی مورد بازبینی قرار گیرد و با وجود محدودیت‌های درآمدی دولت، اقدام به توزیع درآمد و اعطای یارانه از جیب خود به تمامی اقشار جامعه (حتی قشر ثروتمند) نکند. البته حمایت از قشر کم درآمد و مستضعف امری مطلوب است که در بسیاری از دولت‌ها دنبال می‌شود. در این راستا اگر به بررسی توزیع درآمد و نابرابری بپردازیم خواهیم دید که سیاست‌های رفاهی چندان موفقیت‌آمیز نبوده‌اند. همانطور که در نمودار زیر مشخص است (قبلاً نیز اشاره شد)، ضریب جینی کشور و استان خراسان جنوبی تا قبل از اعمال تحریم‌های شدید بین‌المللی روندی نزولی داشته و به عبارتی شکاف درآمدی بین جمعیت غنی و فقیر کم شده است. اما از ابتدای دهه ۹۰ شمسی با افزایش تحریم‌های بین‌المللی، نوسانات نرخ تورم افزایش یافت و ضریب جینی روند صعودی در پیش گرفت. به طوری که بر اساس آمار و ارقام، ضریب جینی و نابرابری حال حاضر به همان اندازه تقریباً ۲۰ سال پیش می‌باشد. رهبر انقلاب اسلامی در این خصوص می‌فرماید: «باید اذعان کنیم که در دهه‌ی پیشرفت و عدالت، نمره‌ی مطلوبی درباب عدالت به دست نیاورده‌ایم»<sup>۱</sup>.

ضریب جینی روستایی و شهری استان خراسان جنوبی و کشور



منبع: مرکز آمار ایران

بنابراین سیاست‌های دولت رفاه یا خیرخواه در شرایط موجود، شاید نتوانست اهداف مدنظر را محقق سازد. به عبارتی دیگر، یک دولت خیرخواه لزوماً توسعه‌گرا نخواهد بود اما عکس این وضعیت صادق است. شکی نیست که بسیاری از سیاست‌ها، برنامه‌ها و عملکردهای یک دولت از سر خیرخواهی طراحی و اجرا می‌شوند اما در عصر

۱. بیانار رهبری به مناسبت آغاز به کار مجلس یازدهم - ۱۳۹۹/۰۳/۰۷

کنونی با توجه به آموزه‌های اقتصاد و در چارچوب قوانین علمی، سیاست‌های صرفاً خیرخواهانه با هدف حل مشکل نابرابری از طریق درآمدها، کشور ما را از چاله توسعه نیافتگی خارج نخواهد کرد. بنابراین لازم است تا سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان با تغییر برنامه‌ها و ایجاد تعادل لازم به سمت سیاست‌هایی که خیر عمومی را به دنبال دارد و منتج به توسعه می‌شود حرکت کنند (محمودی، ۱۳۹۳).

### آنچه بحث شد:

معمولاً سیاست‌گذاری‌ها با هدف انجام کار خیر اتخاذ می‌شوند و سعی دارند مشکلی را از جامعه حل نمایند. با این حال نمی‌توان همیشه انتظار داشت که هر سیاستی که به منظور انجام کار خیر اتخاذ شده باشد منجر به خیر عمومی یا همگانی نیز خواهد شد. از جمله سیاست‌هایی که در ایران با هدف کار خیر اتخاذ شدند اما اثرات نهایی آن‌ها خیر عمومی را در پی نداشت می‌توان به سیاست هدفمندسازی یارانه‌ها (اجرای آن برای تمام اقشار جامعه به یک شکل)، قیمت‌گذاری دستوری و سیاست خودکفایی در برخی از محصولات کشاورزی اشاره کرد. در حقیقت آنچه که از عملکرد دولت‌های گذشته ایران می‌توان دریافت این است که رویکرد دولت‌های ایران بیشتر به سمت دولت خیرخواه و دولت رفاه تمایل داشته است بطوریکه سعی داشته‌اند از طریق سیاست‌های حمایتی و توزیع درآمد، عدالت را در جامعه برقرار کنند. بنابراین آنها به دنبال کار خیر بوده‌اند. اما سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا این کارهای خیر به خیر جمعی یا عمومی دست پیدا کرده‌اند؟ نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که بسیاری از اهداف مدنظر به صورت کامل در سطح جامعه و برای همگان محقق نگردیده است و توسعه اقتصادی اتفاق نیفتاده است. بطوریکه در این خصوص رهبر انقلاب اسلامی نیز می‌فرمایند: «باید اذعان کنیم که در دهه‌ی پیشرفت و عدالت، نمره‌ی مطلوبی درباب عدالت به دست نیآورده‌ایم»<sup>۱</sup>. لذا یک دولت خیرخواه لزوماً توسعه‌گرا نخواهد بود اما عکس این وضعیت صادق است. شکی نیست که بسیاری از سیاست‌ها، برنامه‌ها و عملکردهای یک دولت از سر خیرخواهی طراحی و اجرا می‌شوند اما سیاست‌های صرفاً خیرخواهانه با هدف حل مشکل نابرابری از طریق توزیع درآمدها نمی‌تواند به توسعه ختم شود و برای ایران نیز نخواهد توانست کشور را از چاله توسعه نیافتگی خارج کند. لذا حضور دولت به عنوان ناظر بسیار منطقی‌تر و کارآمدتر خواهد بود از حالتی که دولت از طریق دخالت در اقتصاد سعی در انجام کار خیر داشته باشد. بنابراین کار خیر یک امر مطلوب و پسندیده‌ای است اما باید دید اثرات آن کار خیر به خیر عمومی یا خیر جمعی (همگانی) ختم می‌شود یا نه. میلتون فریدمن برنده جایزه نوبل اقتصاد معتقد است که هر نیت و سیاست خوب منتج به آثار رضایت بخش نمی‌شود. وی در این خصوص این ضرب‌المثل را یادآور می‌شود که «جاده جهنم با نیت خیر آسفالت شده است». به عبارتی:

**هر کار خیری لزوماً به خیر عمومی ختم نخواهد شد.**

۱. بیانات رهبری به مناسبت آغاز به کار مجلس یازدهم - ۱۳۹۹/۰۳/۰۷

## حکمرانی مرکب

حکمرانی مرکب از سازوکارهای اعمال قدرت از سوی دولت و دیگر نیروهای حاضر در صحنه است؛ به ترتیبی که از منابع و فرصت‌های اجتماعی در عین بهره برداری معقول، مراقبت نموده و پایداری و استمرارش را حفظ نماید. تمام موقعیت‌هایی که ذی نفعانی متعددی دارند مستعد کشمکش و مصالحه‌اند اما این کشمکش مصالحه لزوماً منصفانه معقول پایدار و سطح بالا نیست چراکه موقعیت کنشگران متفاوت و ناهمسان است؛ برخی ذینفعان نزدیک بعضی دور از موقعیت هستند، بعضی امروز و بعضی فردا در صحنه حاضر می‌شوند. لذا آثار و پیامدهای همه کشمکش‌های معطوف به یک موقعیت در همان لحظه ظهور نمی‌کند برای مثال در انتقال آب در دهه ۱۳۷۰ تنش آبی ۱۴۰۰ ناپیدا بوده است؛ دولت در یک نقطه ای آب را جابجا کرده است و ۲۰ سال دیگر اثرش را در مکانی دیگر نشان می‌دهد انفعال حکمرانی برآمده از توفیق‌های مقطعی و کوتاه مدت سیاسی از یک سو و شکست‌ها ناکامی‌های خاموش و تدریجی بلندمدت سیاسی از سوی دیگر است؛ سیاستی که قرار بوده حل معما کند مشکل تولید می‌کند و معماهای کوچک و بزرگ متعددی در زمان و مکان دیگری خلق می‌کند.

سرچشمه و منشأ این معماهای در هم تنیده گوناگون اند: یکی اینکه سیاست‌گذار بین خیر عمومی و کار خیر نگاهی مشابه دارد. پیگیری از مسئولیت‌های ذاتی دولت بوده و تعطیل بردار نیست اما سیاست‌گذار هر کار خیری را خیر عمومی قلمداد نموده و به واسطه آن تعهداتی را بر دوش کلیت بار نموده است. دوم اینکه حکمرانی بین تعهدات رو به رشد و منابع محدود و رو به کاهش، تعادل برقرار نساخته و با کم توجهی به سرشت منابع، با تقبل تعهدات دولت پرتکفل ایجاد نموده است. سوم نیت‌های خوب و بیش فعالی برخی از مقامات و مسئولانی که به جلب رضایت لحظه ای مخاطبان اهمیت بیشتری می‌دهند، بار هزینه برخورداری بخشی از جامعه یا جماعتی را بر گرده دیگران گذاشته است. چهارم اینکه مسئولان کشور، تحت تأثیر التهابات سیاسی و هیجانات اجتماعی، راه حل‌های سریع و زودبازده را در پاسخ به مطالبات مشکلات مردم انتخاب نموده‌اند و به تبع آن پیامدها و تبعات اقدامات و مداخلات دولت کم رنگ و کم اهمیت تلقی می‌شده است. در نهایت اینکه موضوع وابستگی به مسیر در ذهن سیاست‌گذار جدی گرفته نشده است و فرض سیاست‌گذار این بوده که سیاست‌ها بسته به اراده اند نه موقعیت؛ به گونه ای که هر زمان می‌توان هر تصمیمی را اتخاذ نمود و دولت در سیاست‌ها قادر و قاهر است. از این رو هزینه جابه جایی در ذهن سیاست‌گذار و تغییر مسیر کم وزن انگاشته شده است (فرتوک زاده و جعفری، ۱۴۰۱).

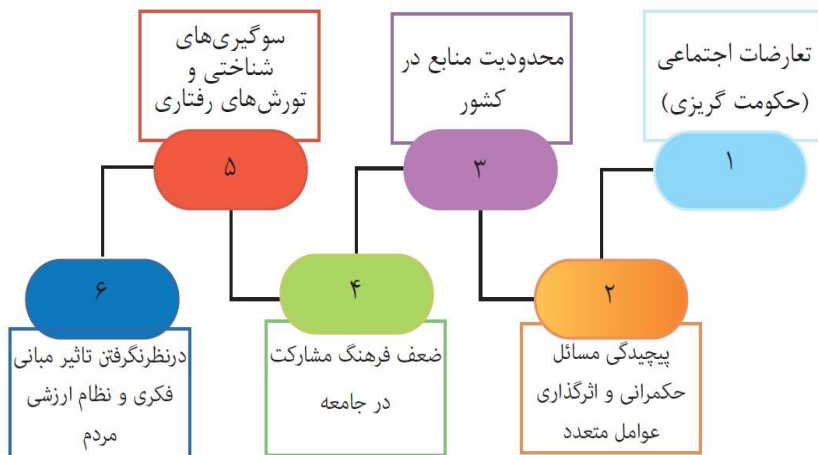
نظام‌های حکمرانی در سراسر جهان همواره با چالش‌های متعددی مواجه هستند. محدودیت‌های منابع، گستردگی جغرافیایی و پیچیدگی‌های اجتماعی از قبیل تنوع قومیتی از جمله مواردی هستند که سبب شده تا این نظام‌ها در مسیر برنامه‌ریزی و تحقق اهداف تعیین شده دچار مشکل شوند. در این راستا اندیشمندان و محققین حوزه

حکمرانی، رویکردها و نظریه‌های مختلفی را طرح ریزی کرده‌اند. بعضی از این رویکردها به قدرت مطلق دولت اشاره دارد ولی برخی دیگر بخش خصوصی و سایر نهادها را نیز دخیل می‌دانند و قائل به حکمرانی مشارکتی هستند. بطور مثال مطالعه‌ای که توسط مرکز پژوهش‌های مجلس انجام شد، رویکرد حکمرانی مشارکتی را یکی از حکمرانی‌های بهینه و مطلوب می‌داند. این رویکرد مشارکت مردم در امر حکمرانی را به عنوان عامل مهمی در غلبه بر چالش‌ها می‌داند (گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۴۰۱).

این موضوع با منویات و رهنمودهای مقام معظم رهبری نیز تطابق دارد. رهبر معظم انقلاب در خصوص مشارکت دادن مردم در امور اقتصادی می‌فرمایند: «گاهی اوقات صاحب‌نظران و متخصصین که جزو مردمند، نظرات و شیوه‌هایی را برای کار در بخش‌های مختلف به دولت‌مردان ارائه می‌دهند، مسئولین یک ساز و کاری را پیش بگیرند که بتوانند از این نظرات استفاده کنند که در حقیقت مردم را در تصمیم‌سازی‌های دستگاه‌های مسئول کشور شریک کنند؛ و برای اینکه از ظرفیت‌های مردمی نیز در عمل چگونه بایستی استفاده کرد، ساز و کار درست کنند که مردم را در اقدام هم شریک کنند. افراد زیادی هستند که مایلند به دولت در بخشی از کارها کمک برسانند و کمک کنند؛ راهش باید مشخص بشود که طریقه اتصال کمک مردمی مثلاً به این بخش این است؛ اینها را باید بنشینند فکر کنند؛ اینها احتیاج دارد به فکر کردن، مطالعه کردن و مانند اینها. همچنین از ظرفیت مردمی هم برای نظارت عمومی استفاده کنند. در گوشه و کنار کشور مواردی هست که فساد هست، ویژه‌خواری هست که ممکن است از چشم مسئولین ذی‌ربط دور مانده باشد، پنهان مانده باشد؛ اینها را مردم مشاهده می‌کنند، می‌بینند؛ از ظرفیت مردم در این زمینه هم استفاده بشود. بنابراین مردمی بودن یکی از کارهای بسیار اساسی است و باید دولت‌مردان این را به همین شکلی که اجمالاً عرض شد دنبال بکنند. بنابراین، مشارکت مردمی در امر حکمرانی بسیار ضروری است». در این گزارش، مهم‌ترین دلایل ضرورت پرداختن به حکمرانی مشارکتی در کشور به شرح شکل مقابل است!

۱. با اقتباس از گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، (۱۴۰۱)، مفهوم شناسی حکمرانی مشارکتی

مهم‌ترین دلایل ضرورت پرداختن به حکمرانی مشارکتی در کشور



منبع: گزارش پژوهش‌های مجلس، ۱۴۰۱

۱. **تعارضات اجتماعی (حکومت‌گریزی):** وقتی که از مشارکت‌های مردمی و جامعه‌نخبگانی در حوزه حکمرانی استفاده نشود به مرور زمان فاصله بین مردم و نهادهای حکمرانی زیاد می‌شود و انگیزه‌های حمایت‌های مردمی و حرکت‌های داوطلبانه اجتماعی کاهش می‌یابد. بدین ترتیب تنش‌ها، شکایات و اعتراضات به دلیل ابلاغ تصمیمات فردی برخی از مسئولین و در نظر نگرفتن منافع جمعی، افزایش یافته و توده جامعه به سمت حکومت‌گریزی و تنفر از نهادهای حکمرانی پیش می‌روند. بدین صورت هر بهانه و درخواست صنفی به راحتی موجب بروز تعارضات اجتماعی و درگیری بین حکومت و مردم می‌شود. مطالعات انجام شده بر روی سرمایه اجتماعی نیز نشان می‌دهد که نوع تصمیم‌گیری حکمرانان در افزایش و یا کاهش سرمایه اجتماعی تأثیر گذار است و به عنوان یک پشتیبان برای سرمایه اجتماعی شناخته می‌شود (جانسن و همکاران، ۲۰۱۱).

۲. **پیچیدگی مسائل حکمرانی و اثرگذاری عوامل متعدد:** تصمیم‌گیری در خصوص مسائل مرتبط با حکمرانی ماهیتی چند بعدی و پیچیده دارد و دامنه اثر گذاری و اثر پذیری بالایی در سطح اجتماع دارد. بنابراین به دلیل پیچیدگی مسائل مربوط به امور اجتماعی، اقتصادی و سیاسی وقتی تصمیمات فردی می‌گردد، میزان اشتباهات و آسیب‌ها نیز بیشتر می‌شود و از سوی دیگر وقتی تصمیمات به صورت جمعی و با مشارکت ذی‌نفعان گرفته می‌شود از اثر بخشی و کارایی بیشتری برخوردار است (حلیم، ۲۰۱۸). از طرفی به دلیل پیشرفت‌های علمی در

۱ Jansen et al

۲ Halim

حوزه‌های ریشه‌یابی علت‌ها و استخراج راه‌حل‌ها بسیار سخت شده است و یک مدیر یا یک مسئول نمی‌تواند به سادگی آن‌ها را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد و راجع به آن‌ها تصمیماتی صحیح و قابل قبول اتخاذ نماید.

۳. **محدودیت منابع:** منابع و امکانات در هر کشوری محدود است و با تهدیدات مختلفی همراه است. به همین دلیل نیاز است تا جهت استفاده بهینه از این منابع و امکانات، بالاخص در شرایط تحریمی، مردم را نیز به عنوان ذی نفعان اصلی همراه کرد.

۴. **ضعف فرهنگ مشارکت در جامعه:** تجربه تاریخی نشان داده است که فرهنگ کارهای مشارکتی در کشور ضعیف است و این مسئله از همان ابتدای زندگی در ابعاد مختلف خودش را نشان می‌دهد. مقام معظم رهبری (مدظله) نیز «ضعف فرهنگ کار مشارکتی» را به عنوان یکی از نقاط ضعف و نقص ملی در بحث سبک زندگی و تحقق فرهنگ زندگی اسلامی مطرح کرده‌اند. ایشان در این خصوص می‌فرمایند: «چرا فرهنگ کار جمعی در جامعه ما ضعیف است؟ این یک آسیب است. با اینکه کار جمعی را غربی‌ها به اسم خودشان ثبت کرده‌اند اما اسلام خیلی قبل از اینها گفته است: «تعاونوا علی البر والتقوی» یا: «واعتصموا بحبل الله جميعا لا تفرقوا» یعنی حتی اعتصام به حبل الله هم باید دسته جمعی باشد.

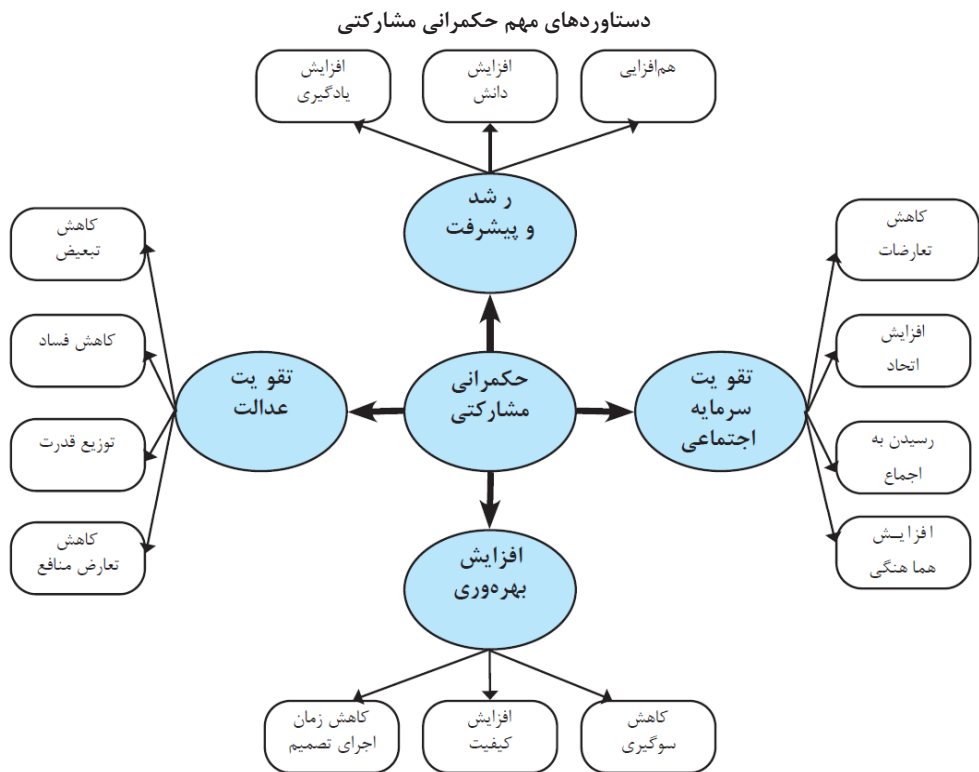
۵. **سوگیری‌های شناختی و تورش‌های رفتاری:** سوگیری شناختی نوعی خطای نظام مند در نحوه تفکر انسان است که بر تصمیمات و قضاوت‌هایی که افراد انجام می‌دهند تأثیر می‌گذارد. تورش‌های رفتاری نیز به عنوان اشتباهات سیستماتیک در تصمیم‌گیری و رفتار تعریف شده است. بسیاری از اشتباهات در تصمیم و رفتار به دلیل ضعف‌های شناختی و سوگیری‌های ذهنی است. همان‌طور که بیان شد هدف اصلی حکمرانی مشارکتی به صحنه آوردن عامه مردم به عنوان ذی نفعان اصلی در فرایند حکمرانی و درگیر کردن آن‌ها با استفاده از تصمیم‌گیری جمعی است (ویوین و همکاران<sup>۱</sup>؛ ۲۰۲۰). این در حالی است که به نظر میرسد در خیلی از اوقات درک مناسبی از نحوه تصمیم‌گیری، رفتار و مدل‌های ذهنی افراد وجود ندارد در علوم کلاسیک فرض بر این است که افراد در تصمیم‌گیری هایشان منطقی برخورد می‌کنند و به دنبال حداکثر کردن سود و منفعت خود هستند و با این نگاه در حکمرانی مشارکت می‌کنند. در حالی که واقعیت نشان داده است که افراد همیشه این‌گونه نیستند و به صورت‌های آنان وجود دارد و یا برخی از افراد منطقی و آگاهانه تصمیم نمی‌گیرند و سوگیری‌های متعددی در تصمیم‌گیری‌ها هستند که در تصمیمات و رفتارشان از خود گذشتگی و ایثار نشان می‌دهند (بوند و همکاران<sup>۲</sup>؛ ۲۰۱۶).

۱ Wiwin et al

۲ Bond et al

۶. در نظر نگرفتن تأثیر مبانی فکری و نظام ارزشی مردم در تصمیم و اجرا: مطالعات در خصوص تصمیم گیری افراد نشان می‌دهد، علاوه بر تمایلات، خواسته‌ها و اهداف خصوصی فرد، ارزش‌های فردی نیز به عنوان عامل مهم دیگری در تصمیم گیری‌های افراد شناخته می‌شود. به طوری که ارزش‌های فرد را می‌توان مجموعه‌ای از آرمان‌های انتزاعی تعریف کرد که فکر و عمل او را شکل و جهت می‌دهد. تصمیم را انسان می‌گیرد ولی عرف و آداب و رسوم، مصلحت و رعایت منافع افراد و گروه‌های گوناگون، او را مجبور می‌کند که در چارچوبی خاص و به شیوه‌ای خاص تصمیم گیری کند.

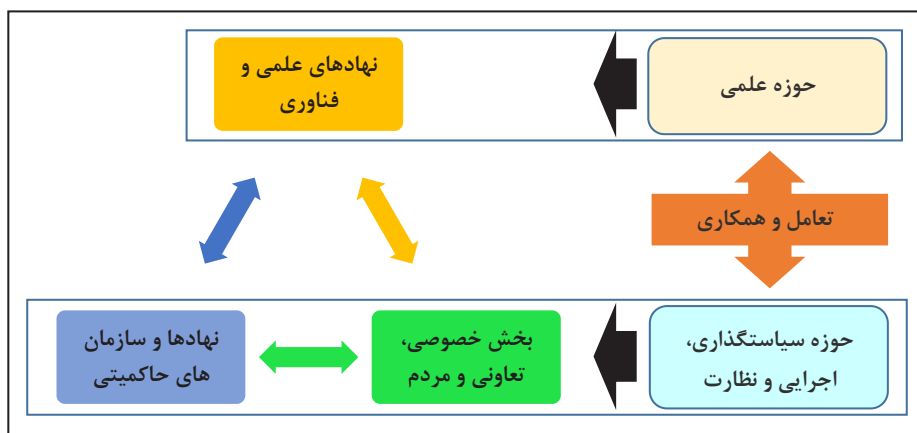
در ادامه این گزارش بیان شده است که برای حکمرانی مشارکتی دستاوردها و فواید زیادی وجود دارد که برخی از آن‌ها به شرح شکل زیر هستند:



منبع: گزارش پژوهش‌های مجلس، ۱۴۰۱

با این حال حکمرانی مدنظر این کتاب صرفاً به حکمرانی با مشارکت مردم ختم نمی‌شود. بلکه مردم تنها بخشی از جامعه هستند و لازم است مدلی ارائه گردد تا کلیه بخش‌ها درگیر این موضوع شوند که از این نوع حکمرانی تحت عنوان "حکمرانی مرکب" یاد خواهد شد. حکمرانی مرکب نوعی از حکمرانی است که نقش آفرینان آن از سازمان‌ها و نهادهای حکومتی، بخش خصوصی و تعاونی، آحاد مردم و بخش دانشگاهی و علمی می‌باشد. در حقیقت در این نوع حکمرانی به تعامل و همکاری بین بخش سیاست‌گذاری، اجرایی، نظارت و بخش علمی تأکید دارد. بر اساس این حکمرانی، در صورتی که این تعامل صورت نگیرد، حل مشکلات با دشواری همراه خواهد بود. بسیاری از کارشناسان در زمینه حکمرانی استدلال می‌کنند که پیچیدگی و عدم قطعیتی که به عنوان یک مشکل سخت در تصمیمات توصیف می‌شود در صورتی حل می‌شود که از طریق مشارکت طرف‌های مختلف که مستقیماً مسئول و تأثیرگذار در حل مشکل هستند، حل شود. حکمرانی مرکب این فرآیند را از طریق تصمیم‌گیری جمعی تسهیل می‌کند (حلیم؛ ۲۰۱۸). حکمرانی مرکب در کشورهای در حال توسعه به طور گسترده به عنوان یک پیش نیاز اساسی برای اجرای موفقیت‌آمیز سیاست‌ها تلقی می‌شود. مدل حکمرانی مرکب مدنظر به شرح شکل زیر است:

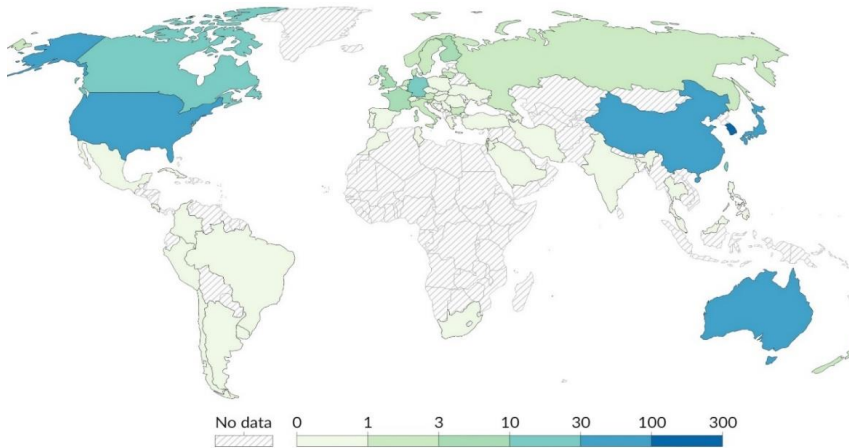
مدل حکمرانی مرکب



همانطور که از شکل فوق مشخص است، حکمرانی مرکب شامل چند بخش است. از یک سو مشارکت ذینفان کلیدی مانند بخش مردم در فرایند سیاست‌گذاری باعث پشتیبانی عمومی برای اصلاحات سیاسی و رفع تضادهای

برخاسته از اقدامات سیاستی می‌شود. همانطور که در بالا اشاره شد مشارکت دادن شهروندان در تصمیماتی که زندگی آن‌ها را به شیوه ای معنادار تحت تأثیر قرار می‌دهد، باعث بهبود حکمرانی می‌شود (حیدری، ۲۰۲۲). علاوه بر این در دنیای امروز، رابطه ای مستقیمی بین توسعه تکنولوژی و پیشرفت در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی هر کشور برقرار است. به طوری که می‌توان گفت تکنولوژی عامل اساسی برای ایجاد ثروت، دانایی و توانایی کشورها بوده و ابزاری قدرتمند در توسعه ملی به شمار می‌آید. امروزه متأسفانه فاصله قابل توجهی بین پتانسیل‌های علمی کشور با نیازهای بخش‌های سیاست‌گذاری، اجرا و نظارت وجود دارد که باید شکاف موجود با تعامل بیشتر این بخش‌ها و مراکز علمی و دانشگاهی و استفاده تکنولوژی‌های روز دنیا پر شود. به عنوان مثال یکی از ملزومات مشارکت مردم در اقتصاد، فراهم‌سازی پیش زمینه‌ها و زیرساخت‌های فناوری و ارتباطات در کشور است. برای این منظور می‌توان از بهترین و به‌روز تکنولوژی‌های دنیا نظیر هوش مصنوعی استفاده نمود. اگر به آمار و ارقام این حوزه نگاهی بیاندازیم خواهیم دید با وجود سرمایه‌گذاری بالایی که در این حوزه انجام شده است اما هنوز شرایطی بهینه و قابل قبول برای این بخش در کشور فراهم نشده است. مطابق با شکل زیر، کشور ایران از نظر تعداد درخواست‌های ثبت اختراع سالانه در حوزه هوش مصنوعی (به ازای هر میلیون نفر) کمتر از یک می‌باشد که مقدار بسیار پایینی است.

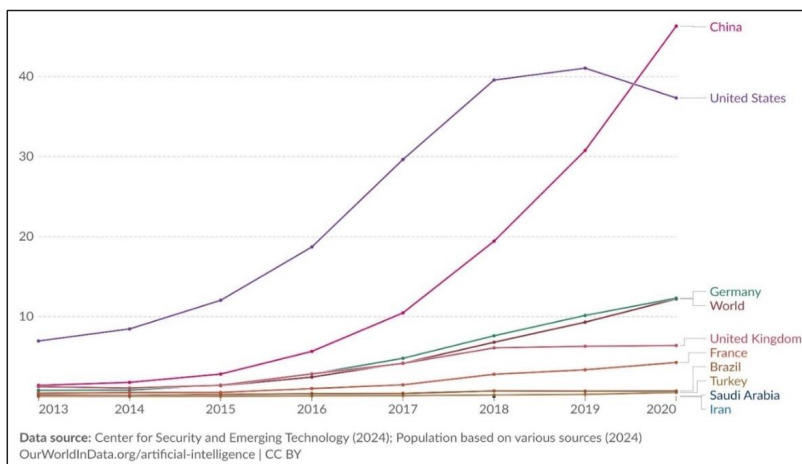
تعداد درخواست‌های ثبت اختراع سالانه در حوزه هوش مصنوعی به ازای هر میلیون نفر، ۲۰۲۰-۲۰۱۳



Data source: Center for Security and Emerging Technology (2024); Population based on various sources (2024)  
OurWorldInData.org/artificial-intelligence | CC BY

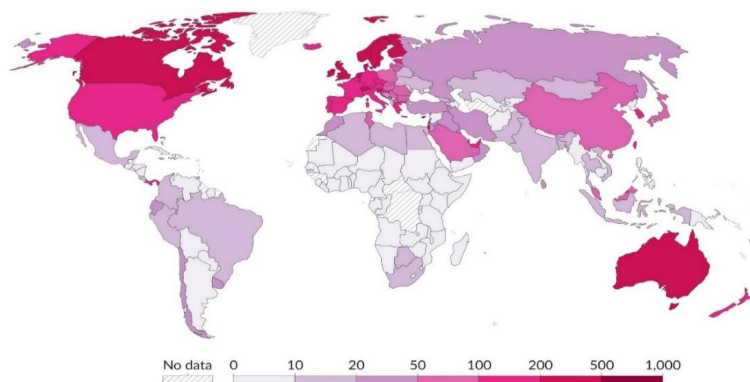
## فصل چهارم - حکمرانی مرکب با رویکرد خیر عمومی

تعداد درخواست های ثبت اختراع سالانه مربوط به هوش مصنوعی به ازای هر میلیون نفر، ۲۰۲۰-۲۰۱۳



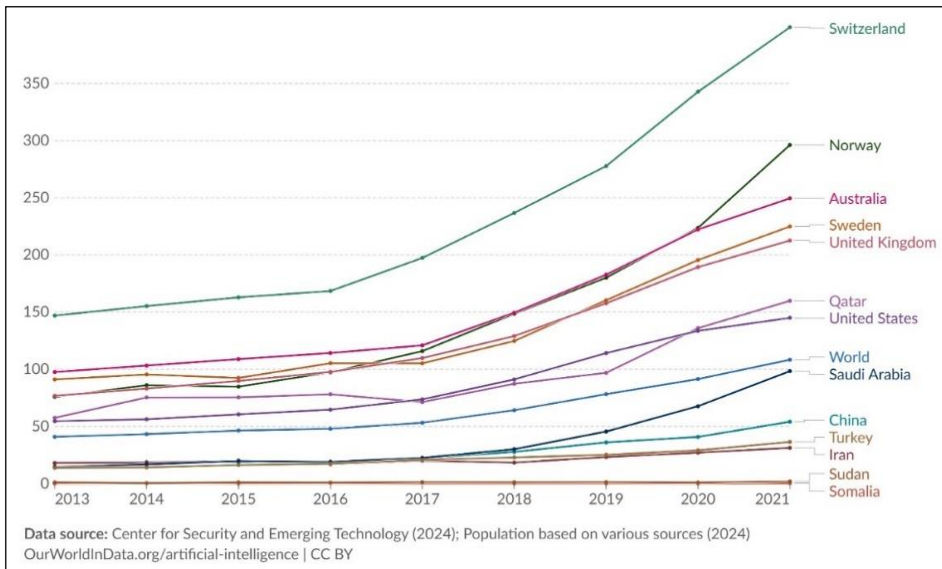
علاوه بر این با وجود اهمیت بالای این حوزه و انجام فعالیت های پژوهشی متعدد، کشور ایران هنوز در زمینه انتشارات کتب و مقالات علمی در مورد هوش مصنوعی (به ازای هر میلیون نفر) نسبت به بسیاری از کشورها رتبه پایین تری را دارا می باشد. بطوریکه برای ایران در سال ۲۰۲۱ این تعداد برابر ۲۷۶۲ عدد به ازای هر یک میلیون نفر بوده است که نسبت به بسیاری از کشورها پایین تر است. البته، نکته دیگری که در این خصوص مطرح می شود این است که متأسفانه هنوز تعامل مناسبی بین دانشگاه و بخش های اجرایی و صنعتی کشور شکل نگرفته است تا بتوان از نتایج نشریات و مقالات علمی و پژوهشی در بخش های مدنظر استفاده نمود.

انتشارات علمی در مورد هوش مصنوعی به ازای هر میلیون نفر، ۲۰۲۱



Data source: Center for Security and Emerging Technology (2024); Population based on various sources (2024)  
OurWorldInData.org/artificial-intelligence | CC BY

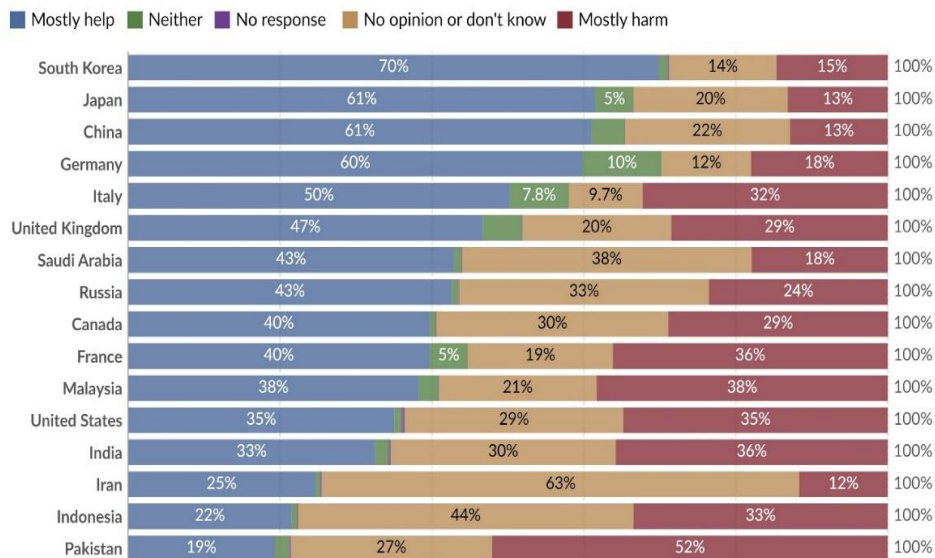
انتشارات علمی در مورد هوش مصنوعی به ازای هر میلیون نفر، ۲۰۲۱-۲۰۱۳



با این حال نیاز است که دیدگاه مردم و حکومت نیز در این باره مورد بررسی قرار گیرد که آیا نسبت به پیشرفت کشور در این حوزه خوشبین هستند یا آن را چالشی برای آینده می دانند؟ قطعاً زمانی که به تکنولوژی به عنوان یک راهکار برای حل مسائل در آینده توجه شود، سرمایه‌گذاری و حمایت بیشتری از این بخش (در زمان کنونی) انجام خواهد شد. به عبارتی این موضوع بیانگر این است که آیا در یک کشور فرهنگ حمایت و توسعه تکنولوژی وجود دارد و پیشرفت کشور در این زمینه جز اولویت‌ها محسوب می‌شود یا خیر. نباید از یاد برد که مدیریت بهینه تکنولوژی باعث افزایش بهره‌وری، رشد تولید و صادرات می‌شود. تکنولوژی‌های جدید موجب تقویت جابجایی عوامل تولید و ایجاد تنوع بیشتر در تولیدات می‌باشند. علاوه بر آن تکنولوژی باعث تغییر هزینه نسبی تولید و نیز افزایش مزیت نسبی بنگاه‌ها و در نهایت کشورها می‌شود. دستیابی به تکنولوژی‌های جدید به بنگاه‌های اقتصادی اجازه می‌دهد توان تولیدی خود را ارتقا بخشند که این امر نیز منجر به رشد ظرفیت، کاهش هزینه، افزایش کیفیت و افزایش سرعت در تحویل کالا و رشد اقتصادی کشور می‌شود. بر اساس نتایج حاصل از نظرسنجی‌های انجام شده در شکل زیر، فقط یک چهارم مردم کشور به آینده هوش مصنوعی و تکنولوژی‌های نوین خوش بین هستند که این موضوع می‌تواند به عنوان یک چالش اساسی پیش روی سیاست‌گذار باشد.

## فصل چهارم - حکمرانی مرکب با رویکرد خیر عمومی

دیدگاه مردم درباره تأثیر هوش مصنوعی بر جامعه در ۲۰ سال آینده: "آیا هوش مصنوعی در ۲۰ سال آینده به مردم کمک می‌کند یا به آن‌ها آسیب می‌رساند؟"



Data source: Lloyd's Register Foundation (2022)

OurWorldInData.org/artificial-intelligence | CC BY

Note: A global total of 120,000-130,000 people aged 15+ were asked this question in each survey year. For most countries, respondents were a nationally representative sample of around 1,000 people.

علاوه بر موارد فوق نیاز است بین بخش‌های مختلف حاکمیتی نیز هماهنگی ایجاد شود و تعارض منافع بین نهادها و افراد کنترل گردد تا ضمن استفاده از انسان‌های توانمند، به حداکثر کارایی دست پیدا کرد. با این حال امروزه یکی از مشکلات عمده کشور ناهماهنگی بین نهادها و سطوح مختلف اعم از ناهماهنگی قوای سه گانه، ناهماهنگی دستگاه‌های اجرایی، ناهماهنگی بخش ستادی با بخش‌های استانی، ناهماهنگی درون واحدهای مختلف سازمان و غیره است. در حال حاضر دولت‌ها با مسائل بدخیم و پیچیده در سطح ملی و بین‌المللی مواجه هستند که برطرف کردن آن‌ها توسط یک سازمان یا وزارتخانه مستقل امکانپذیر نیست و نیاز به ایجاد هماهنگی میان تمامی بازیگران و ذینفعان حکمرانی وجود دارد تا پاسخ مناسبی نسبت به آن مسائل ارائه شود. ایجاد هماهنگی که یکی از کارکردهای مهم دولت است باید در طراحی و اجرای برنامه‌ها و خط مشی‌ها مدنظر قرار گیرد تا تحقق اهداف به شکل موفقیت آمیزی انجام شود. با این حال دولت‌ها در نیل به هماهنگی و حل مشکلات بدخیم با چالش‌های مختلفی روبرو هستند. از یکسو بخشی‌نگری و تفکیک‌های تخصصی زیادی که در بدنه دولت و حاکمیت (بیشتر در اثر نهضت مدیریت دولتی نوین) ایجاد و باعث چندپارگی در حکومت شده و از

سوی دیگر گسترش فعالیت‌های دولت در حوزه‌های بسیار متنوع و به وجود آمدن حوزه‌های جدید مانند فناوری‌های نوین فضای مجازی و غیره چالش‌های فراوانی را برای ایجاد هماهنگی و حل مسائل بدخیم ایجاد کرده است. هماهنگی فراتر از مرزهای سازمانها و وزارتخانه‌ها موضوعی بسیار مهم در ارائه راه حل و اجرای موفقیت آمیز خط مشی و حل مسائل پیچیده است. در این حالت خواهد بود که منافع جمعی یا همگانی بر منافع فردی ترجیح داده خواهد شد. بنابراین بر اساس آنچه گفته شد می‌توان حکمرانی مرکب را به صورت زیر تفسیر کرد:

حکمرانی مرکب دارای سه ضلع اساسی شامل جامعه همکار، کاربست دانش و دولت کارآمد، در سایه تعامل و همکاری بخش علمی و فناوری با بخش سیاست‌گذاری، اجرایی و نظارت در مدیریت توسعه و دستیابی به خیر عمومی برای نسل حاضر و آینده می‌باشد.

## منابع و مآخذ

### الف) کتب و مقالات

- ابراهیمی سالاری، تقی، شهابی کاسب، مهسا و احمدی، فاطمه، (۱۳۹۲)، تأثیر تحریم‌ها بر بخش بانکداری، تجارت و انرژی در ایران، کنفرانس بین‌المللی اقتصاد در شرایط تحریم، DOI: IECEUS01\_032.
- ابو نعیم إصبهانی، (۱۴۱۹ قمری)، أحمد بن عبد الله، معرفة الصحابة، تحقيق: عزازی، عادل بن یوسف، ج ۴، ص ۱۹۰۴، دار الوطن، ریاض، چاپ اول.
- احمدی، حامد و بهبودی، محمد. (۱۴۰۲). شناسایی اثرات (نامطلوب) اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها در ایران: رهیافت فراترکیب. پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۲۸ (۹۴)، ۲۲۵-۲۸۰.
- احمدی نژاد، فاطمه، کمالی، یحیی، شیخ زاده، جوشانی، صدیقه، (۱۴۰۰)، بررسی چالش‌های اجرای سیاست‌های توسعه در ایران با استفاده از تحلیل مضمون. فرایند مدیریت و توسعه؛ ۳۴ (۲): ۶۲-۷۹.
- احمدلو، مجید، کمبجانی، اکبر، هژبر کیانی، کامبیز و غفاری، فرهاد، (۱۳۹۲)، تحلیل اثرات پراکندگی تغییرات قیمت‌های نسبی و شوک‌های پولی بر تورم در اقتصاد ایران، فصلنامه اقتصاد کاربردی؛ ۴ (۱۲): ۱-۱۳.
- اکبری، محسن، دوستدار، محمد، و هوشمند چایجانی، میلاد. (۱۳۹۴). شناسایی و اولویت بندی تهدیدات شبکه‌های اجتماعی در عرصه امنیت ملی. سیاست دفاعی، ۲۳ (۲) (پیاپی ۹۰)، ۵۷-۷۸.
- الهی، ناصر، اللهیاری، رضا و زیاری، رضا. (۱۳۹۵). اثرات اصلاح قیمت حامل‌های انرژی بر بخش صنعت: مطالعه موردی استان قم (۱۳۸۲-۱۳۹۳). دوفصلنامه علمی مطالعات و سیاست‌های اقتصادی، ۳ (۱)، ۳۱-۵۲.
- امینی، عباس، و زیدی، زهرا. (۱۳۹۴). تأثیرات فرهنگی گردشگری در مناطق روستایی از دید جامعه محلی (مطالعه موردی: روستای ابیانه). تحقیقات جغرافیایی، ۳۰ (۲) (پیاپی ۱۱۷)، ۱۳-۳۱.
- انوری، قاسم، عزتی، مرتضی، احمدی، علی و اصغری هرندی، محمدرضا، (۱۳۹۴)، تأثیر اجرای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در مقابله با تحریم‌های اقتصادی، مطالعات دفاعی استراتژیک، دوره ۱۳، شماره ۶۱، صص ۳۱-۶.
- باقری، هاجر، شکری، مصطفی و صالحی ابر، خدیجه. (۱۳۹۵). چالش‌های طرح هدفمندسازی یارانه‌ها در اقتصاد ایران سومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت و اقتصاد. مشهد.
- باغستانی میبدی، مسعود؛ معمار نژاد، عباس، (۱۳۹۵)، مکانیزم اثرگذاری تحریم بر بازار ارز و اقتصاد ملی و راهکارهای حصول به اقتصاد مقاومتی، فصلنامه اقتصاد دفاع، مقاله ۳، دوره ۱، شماره ۱، صفحه ۷۳-۹۱.
- دادگر، یدالله، (۱۳۸۰)، مروری بر ادبیات نقش و جایگاه دولت در اقتصاد، فصلنامه فرهنگ و اندیشه، ۱ (۲).
- توکلی اکبر و سیاح محسن، تابستان (۱۳۸۹)، تأثیر نوسانات نرخ ارز بر فعالیت‌های اقتصادی کشور، پول و اقتصاد ، ۲ (۴): ۷۷-۵۹.

آل عمران، رویا و آل عمران، سیدعلی، (۱۳۹۳)، بررسی تاثیر مخارج دولت در آموزش؛ بر نرخ ثبت نام در مقاطع آموزشی مختلف (رهیافت پنل دیتا)، دوفصلنامه مطالعات برنامه ریزی آموزشی؛ ۳(۶)؛ ۱۱-۲۹.

دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۷)، ضرورت ها و کار کرد دیپلماسی در سیاست خارجی توسعه گرا، مجموعه مقالات سیاست خارجی توسعه گرا، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، صص ۳۶۲-۳۸۰.

توکلیان، حسین فریدزاد، علی دهنوی، جلال و محمدی، ندا (۱۳۹۷) عوامل تعیین کننده یارانه های سوخت در کشورهای منتخب صادر کننده نفت مطالعه موردی یارانه بنزین) فصلنامه علمی مدل سازی اقتصادی، ۱۲ (۴۴)، ۹۷-۱۱۸.

ذاکریان، مرتضی، فاطمی زردان، یعقوب، مودی، محسن، (۱۴۰۳)، اقتصاد مردم پایه؛ بررسی الزامات تحقق شعار سال، بیرجند، انتشارات فکربر، جلد اول.

رجبی، فاطمه (۱۳۹۳). ملاحظات نرخ ارز در فاز نخست قانون هدفمند کردن یارانه ها. نشریه امنیت اقتصادی، ۴۳ (۳۲).

سلوکلائی، محمد فلاح، (۱۳۸۴)، سیمای کارگزاران دولت اسلامی از منظر امام علی (علیه السلام)، معرفت، شماره ۹۳

عیسی وند، لیلا و توحید فام محمد (۱۳۹۴). بررسی علل شکست سیاست هدفمندسازی یارانه ها در ایران. فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری ۱۱ شماره ۱ (پیاپی ۲۳)، ۱۱-۳۸.

قادری، سید فرید، رزمی، جعفر و صدیقی، عسگر. (۱۳۸۴). بررسی تأثیر پرداخت یارانه مستقیم انرژی بر شاخص های کلان اقتصادی با نگرش سیستمی. نشریه دانشکده فنی، ۳۹(۴)، ۵۲۷-۵۳۷.

مهدوی، روح الله (۱۳۹۵). آثار سیاست های توزیعی درآمد حاصل از اصلاح قیمت حامل های انرژی بر رفاه و متغیرهای اقتصادی در ایران با استفاده از رهیافت تعادل عمومی قابل محاسبه). فصلنامه مجلس و راهبرد، ۲۳ (۸۷)، ۱۰۱ - ۱۳۶.

ناجی، مهدی، توکلی کاشی، علیرضا و قاسمی، محمد جواد (۱۳۹۹) اعطای سهمیه قابل مبادله به افراد؛ راهکار پیشنهادی اصلاح نظام یارانه های انرژی فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی، ۱۰(۳۷)، ۲۰۴-۲۴۳.

رکن الدین افتخاری، عبدالرضا و مهدوی، داوود. (۱۳۸۵). راهکارهای توسعه گردشگری روستایی با استفاده از مدل SWOT: دهستان لواسان کوچک. مدرس علوم انسانی، ۱۰(۲) (پیاپی ۴۵) ویژه نامه جغرافیا، ۱-۳۰.

پيله فروش، میثم و اقتصاد، امیرسامان (۱۳۹۸) درباره یارانه انرژی در ایران ۸. ارزیابی عملکرد قانون هدفمند کردن یارانه ها مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی .

- رضایی، حسین و درخشه، جلال. (۱۴۰۰). تحلیل مفهوم خیر عمومی و بر ساخت آن در اندیشه سیاسی یورگن هابرماس. فصلنامه سیاست، ۵۱(۱)، ۱۷۹-۱۵۳.
- حبیب نژاد سیداحمد و سلمانی سبینی مرضیه. (۱۳۹۹). نسبت سنجی نظریه دولت رفاه و نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران در حوزه فقرزدایی. شماره ۵.
- شهرام نیا، سیدامیرمسعود، صادقی عمروآبادی، بهروز و ابراهیمی، علی. (۱۳۹۳). بررسی رابطه میان مشارکت سیاسی و رفاه اقتصادی (مطالعه موردی دانشجویان، کارمندان و استادان دانشگاه اصفهان). برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۵(۱۹)، ۲۰۰-۱۶۰.
- لفت‌ویچ، آدریان، (۱۳۷۸)، دمکراسی و توسعه، ترجمه افشین خاکباز، احد علیقلیان، تهران، انتشارات طرح نو، شابک ۹۶۴۵۶۲۵۷۶۹.
- نوذری حسینی‌علی. (۱۳۸۲)، سیاست اجتماعی و تغییرات اجتماعی در ایران (نقش و جایگاه طبقه متوسط در فرایند توسعه سیاسی - اقتصادی ایران در بستر انقلاب) رفاه اجتماعی؛ ۳(۱۱): ۱۲۹-۱۰۱.
- هزار جریبی جعفر و صفری شالی رضا. (۱۳۸۹). بررسی نظری در شناخت طبقه متوسط. فصلنامه علوم اجتماعی، ۱۷(۵۰)، ۹۰-۶۳.
- مطلبی مسعود، (۱۳۸۶)؛ نقش و کارکرد سیاسی طبقه متوسط جدید در جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه جامعه‌شناسی، شماره ۸، ص ۸۰.
- بشیریه حسین، (۱۳۷۴)، جامعه‌شناسی سیاسی، نشرنی، ص ۱۳۵.
- مسعودنیا حسین، محمدی فر نجات. (۱۳۹۰)، طبقه متوسط جدید در ایران تهدید یا فرصت، فصلنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۲۸۳، ص ۶۴.
- فرتوک زاده، حمیدرضا و جعفری، روح الله. (۱۴۰۱). پیچیدگی مرکب؛ رهیافتی برای فهم انفعال حکمرانی. بهبود مدیریت، ۱۶(۳)، ۱۵۱-۱۸۹.
- مجید، وحید، (۱۴۰۰)، زمان کوتاه سیاست و سیاست‌گذاری عمومی. سیاست‌گذاری عمومی، ۶(۴)، ۷۵-۸۸.
- فیتز پتریک تونی، (۱۳۸۱)، نظریه رفاه، ترجمه هرمز همایون پور، تهران مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، چاپ اول.
- شیخ صدوق، (۱۴۱۳ قمری)، من لا یحضره الفقیه، محقق و مصحح: غفاری، علی اکبر، ج ۳، ص ۲۶۸، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ دوم.
- سیمبر، رضا، رحم دل، رضا و فلاح، مهسا. (۱۳۹۵). معمای امنیتی پرونده هسته ای ایران از منظر نو واقع‌گرایی. فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، ۹(۳۶)، ۸۷-۱۰۶.

فاطمی زردان، یعقوب و نصرآبادی داوود، (۱۴۰۰)، بررسی اثرات شوک‌های ناشی از تهدیدات و تحریم‌های اقتصادی بر هزینه نظامی کشور (با تکیه بر تجربه کشورهای تحریم‌شده)، دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی گروه منابع و اقتصاد دفاع.

جاراللهی، عذرا، محسنی، منوچهر، (۱۳۸۲)، مشارکت اجتماعی در ایران، تهران، انتشارات آرون، چاپ اول.  
ریترز، جرج. (۱۳۹۱). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه محسن ثلاثی. تهران، انتشارات علمی، شابک: ۹۷۸۹۶۴۵۵۲۴۵۱۵

خورشیدیان، رائیکا، سوخکیان، هدایت، چوپانکاره، وحید، اژدری، علیرضا، و امامی، جمشید. (۱۳۹۳). نقش رسانه‌ها در هدایت فرهنگ عمومی (بررسی موردی: جریان مد در جامعه). مطالعات بین رشته‌ای در رسانه و فرهنگ (رسانه و فرهنگ)، ۴(۲)، ۷۳-۸۹.

صابرماهانی مینا، زینل زاده رضا، جلائی اسفندآبادی سید عبدالمجید، زاینده رودی محسن. (۱۴۰۱)، بررسی تکانه‌های بخش‌های واقعی اقتصاد بر شاخص رفاه اقتصادی در ایران رفاه اجتماعی؛ ۲۲ (۸۷): ۱۰۵-۱۴۸.  
رجبی، اعظم، (۱۳۹۲)، تاثیر تحریم اقتصادی بر رفاه اجتماعی مردم (مطالعه شهر تهران)، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، شماره ثبت: رس ۴۶۷۳.

دهشیری، محمدرضا. (۱۳۸۸). رسانه و فرهنگ سازی. تحقیقات فرهنگی ایران، ۲(۴) (پیاپی ۸)، ۱۷۹-۲۰۸.  
سلطانی فر، احسان، و روشن دل اربطانی، طاهر. (۱۳۹۰). مدل مفهومی تبیین گفتمان حاکمیت، مردم، و رسانه با رویکرد پدافند غیرعامل. مطالعات بین رشته‌ای در رسانه و فرهنگ (رسانه و فرهنگ)، ۱(۲)، ۸۷-۱۱۴.  
نیکوگفتارصفا، حمیدرضا و دادی، علی، (۱۳۹۴)، تحلیل راهبردی تحریم‌های تحمیلی بر جمهوری اسلامی ایران (مبتنی بر الگوی واردن)، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال ۱۸، شماره ۶۶، صص ۷۶-۹۶.  
زهرانی، مصطفی، (۱۳۹۸)، مبانی نظری تحریم اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران: موانع و چالشهای نفت ایران، بررسی مسائل اقتصاد انرژی، دوره ۱، شماره ۲، صفحه ۱-۲۳.

مجاهد، فرهنگ، جودکی، محسن، ذاکر مسکر، امیرحسین، علوی، سید یحیی، (۱۳۹۷)، طراحی مدل مفهومی الزامات استفاده از ابزار تحریم در پیشبرد اهداف سیاست خارجی ایالات متحده، دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی- گروه منابع و اقتصاد دفاع، سال ۳، شماره ۸، صص ۷۳-۹۴.

زمانی، هادی، (۲۰۰۷)، درآمدی بر تحریم‌های اقتصادی آمریکا علیه ایران، ص ۵.  
غفاری، فرهاد و نعیمی پژوه، حامد، (۱۳۹۱)، بررسی آثار تکانه‌های داخلی و خارجی بر تورم در ایران، پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی؛ ۲۰(۶۲)؛ ۱۱۷-۱۴۱.

طاهری‌فرد، علی، قدیری نژادیان، محمد حمزه، کریمی‌بیرانوند، محمود و فروغی زاده، یاسین، (۱۳۹۴)، اثر افزایش نرخ ارز بر هزینه خانوار از کانال واردات تحلیل داده ستانده؛ ۴(۱۳)؛ ۲۵۷-۲۷۲.

همتی، عبدالناصر، (۱۴۰۳)، گزارش؛ برنامه وزیر پیشنهادی وزارت امور اقتصادی و دارایی

کمالی، یحیی، شیخزاده جوشانی، صدیقه و حسین عسکری، فرزانه. (۱۴۰۰). چالش‌های تدوین سیاست‌های توسعه در ایران (برنامه‌های پنج‌ساله توسعه). پژوهش‌های برنامه و توسعه، ۲(۴)، ۹۵-۱۲۶.

Resende-Santos, Joao. (2007). Neorealism, States, and the Modern Mass Army. New York: Cambridge University Press.

Rittberger, Volker. (2001). German Foreign Policy Since Unification: Theories and Case Studies. Manchester: Manchester University Press.

Auten, Brian J. (2008). Carter's Conversion: The Hardening of American Defense Policy (Frist Published). United States, Columbia: University of Missouri Press.

Hafbauer Gary Clyde, Schott Jeffery J., Elliott Kimberly Ann and Oegg Barbara (2007), Economic Sanctions Reconsidered, Washington, DC, 3rd Edition, Peterson Institute for International Economics.

Bessler, Manuel, Garfield, Richard and Gerard Mc Hugh (2004). Sanctions Assessment Handbook: Assessing the Humanitarian Implications of Sanctions, United Nations Inter-Agency Standing Committee, New York.

Jermano, J. (2018). Economic and Financial Sanctions in US National Security Strategy. PRISM, Vol.7, No.4, 64-73.

Meyer Jeffrey A (2009). Second Thoughts On Secondary Sanctions, in University of Pennsylvania Journal of International Law, Vol. 30, Issue 3.

Friedman, M. (1975). Unemployment versus inflation?: an evaluation of the Phillips curve (No. 2). Transatlantic Arts.

Kochar, A. (1995). Explaining household vulnerability to idiosyncratic income shocks. The American Economic Review, 85(2), 159-164.

Jacoby, H. G., & Skoufias, E. (1997). Risk, financial markets, and human capital in a developing country. The Review of Economic Studies, 64(3), 311-335.

Carroll, Christopher D, "Buffer-Stock Saving and the Life Cycle/Permanent Income Hypothesis," The Quarterly Journal of Economics, February 1997, 112 (1), 1-55.

Kazianga, H., & Udry, C. (2007). Consumption smoothing? Livestock, insurance and drought in rural Burkina Faso. Journal of Development economics, 79(2), 413-446.

Yuengert, Andrew. (2009) "The Common Good for Economists," Faith and Economics, 38: 1-9.

Reisch, Michael, ed. (2018) For the Common Good: Essays of Harold Lewis. New York: Routledge- Brunner.

Huntington & Joan Nelson (1976). No Easy choice: Political participation in Developing countries, Harvard university.

Farzanegan, M. R., & Habibi, N. (2024). The Effect of International Sanctions on the Size of the Middle Class in Iran (No. 11175). CESifo.

Jansen, R. J., Curşeu, P. L., Vermeulen, P. A., Geurts, J. L., & Gibcus, P. (2011). Social capital as a decision aid in strategic decision-making in service organizations. Management Decision, 49(5), 734-747.

George, E.Wanda, Mair, Heather and Reid, Donald G. (2009). Rural tourism development (localism and cultural change), Channel View Publication, Bristol, Buffalo, Toronto.

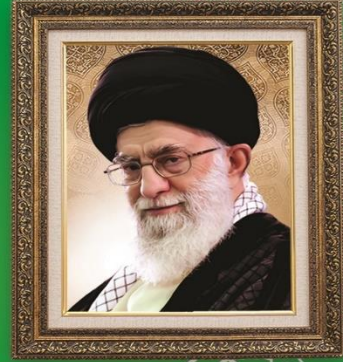
Parrinello, G. Liebman (2001). The technological body in tourism research and praxis. International Sociology 16 (2): 205-219.

- Halim, R. (2018). collaborative governance model in the village fund management at banggai regency (model governans kerjasama dalam pengurusan dana kampung di kabupaten banggai). *Asian journal of environment, history and heritage*, 2(2).
- Wiwin, I. W., Ardika, I. W., & PUTRA, I. (2020). Collaborative governance: As a conceptual model of destination management in the besakih temple area, karangasem regency, bali province. *Journal of Tourism and Hospitality Management*, 8(1), 76-81.
- Abbasian, E., Moradpour Oladi, & Abbasian, V. (2007). The Impact of Oil Price Uncertainty on Industry, Services and Construction. *Quarterly Journal of Economic Research*, 6(2), 121-109.
- Hassanzadeh, M., Sadeghi, H., Yousefi, A., Sahabi, B., & Ghanbari, A. (2012). Investigating the Effects of Oil Price Fluctuation on Household Welfare in Different Income Deciles: Approach to Computable General Equilibrium Model. *Quarterly Journal of Research Economic (former growth and development)*, 12(4), 55-77.
- Bond, A., Pope, J., Morrison-Saunders, A., & Retief, F. (2016). A game theory perspective on environmental assessment: What games are played and what does this tell us about decision making rationality and legitimacy?. *Environmental Impact Assessment Review*, 57, 187-194.

#### ب) مراکز و سازمان های ارائه دهنده آمار و اطلاعات

- دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مقام معظم رهبری)
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- قانون برنامه های توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران
- وزارت امور اقتصادی و دارایی
- بانک مرکزی ایران
- مرکز آمار ایران
- مرکز پژوهش های مجلس
- بانک جهانی
- وزارت کشور
- وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی
- وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات
- وزارت راه و شهرسازی
- وزارت نیرو
- سازمان برنامه و بودجه کشور

- گمرک جمهوری اسلامی ایران
- معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری
- آژانس بین‌المللی انرژی
- سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان خراسان جنوبی
- برخی از رسانه‌های خبری نظیر دنیای اقتصاد، تجارت نیوز، اکو ایران و غیره



### رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی):

برای اینکه اقتصاد کشور شکوفا بشود، باید همه چرخ دنده‌های بزرگ و کوچک کشور به کار بیفتد؛ همه باید تلاش کنند؛ از زیرساخت‌های کشور استفاده بشود، از ابتکارات مردمی استفاده گردد، از قدرت مدیریت فعالان اقتصادی و فعالان مدیریتی استفاده بشود؛ از نیروهای جوان تحصیل کرده به معنای واقعی کلمه بایستی استفاده بشود؛ از شرکتهای دانش بنیان بایستی حمایت بشود؛ اینها همه ابزارهایی هستند، وسایلی هستند که اگر به طور مجموع مورد توجه قرار بگیرند، بدون شک، اقتصاد کشور را به شکوفایی خواهند رساند. ما معتقدیم بایستی بر روی مسئلهی اقتصاد تکیه بشود و برای موفقیت در این راه، از مشارکت مردم به معنای واقعی کلمه استفاده گردد، می‌خواهیم همه‌ی نیروها در این راه بسیج بشوند. رفع مشکلات احتیاج به همراهی مردم دارد؛ همدلی مردم. هر کاری که مردم وارد شدند قطعاً گشایش در آن به وجود می‌آید، تا حالا هم این جور بوده؛ در همه‌ی اموری که مردم توانستند وارد بشوند، در آن کار گشایش به وجود آمده. این هنر مسئولین ما است که بایستی ان شاء الله راهش را پیدا کنند و این حرکت را انجام بدهند.

ISBN : 978-600-8923-79-4



9 786008 923794

